کیهان ۴۵۰
KAYHAN.LONDON
بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۲۷ بهمن‌ماه تا ۳ اسفندماه ۱۴۰۲ خورشیدی
سال چهلم ـ شماره ۱۹۱۶



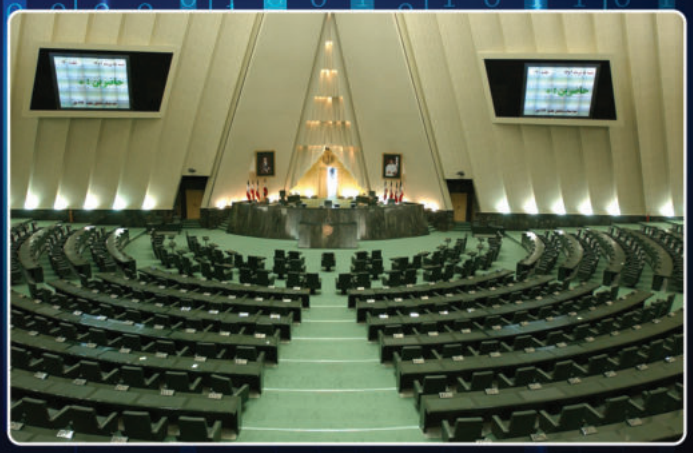



اسناد لورفته‌ی مجلس شورای اسلامی

بازتاب دیگری از فساد و تباهی حکومت

بنیانگذار:
دکتر مصطفی مصباح‌زاده

*****

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
@KayhanLife
@kayhanlife
@KayhanLife
https://kayhanlife.com/newsletters-subscription

کیهانِ شما ، کیهانِ لندن
@KayhanLondon
@kayhanlondon
@kayhanlondon
https://t.me/kayhan_london

*****

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

*****

سال چهلم
کیهان شماره ۱۹۱۶ (۴۵۰)
جمعه ۲۷ بهمن‌ماه تا ۳ اسفندماه ۱۴۰۲
۱۶ تا ۲۲ فوریه ۲۰۲۴



خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند
تعداد صفحات: ۷۵۲
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

یادبود پر افتخار پدری بی همتا، بزرگوار، نویسنده‌ای توانا و فرهیخته



محمد علی کریم زاده
(تبریزی)

در نخستین سالروز سفر ابدی زنده یاد، در مزارشان گرد هم آمده و در سوگ شان از زبان سعدی پرآوازه:

صبر بسیار باید پدر پیر فلک را
تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

را زمزمه کرده و راز گهر بار جهان را که در طی این سال، دوستان و بزرگان ارجمند در وصف صفات و هنرشان گفتند و سرودند: که ایشان خود جان جهانند و نقطه عطف و عشق که در بوستان بهشتین آرمیده اند، را در گرامیداشت یادبودشان تکرار و ارج می نهیم.

غروب ۳ اسفند ۱۴۰۱
مصادف با ۲۲ فوریه ۲۰۲۳

فرزندان: ارشیا، تِلّی، پارسیا. داماد: جعفر هشترودی.
نوادگان: آرین و آریانا هشترودی.
خاندان خطیبی: پرویز، کامبیز و بهرام، همسران، فرزندان و خانواده‌های وابسته.
خاندان شمامی، شکوه شماعی، اسلامی و خانواده های وابسته.
خاندان رهبری، نسرین، آفاق، پریناز، دکتر نصرت رهبری، فرزندان و خانواده‌های وابسته.
شفیها، فرقانی، وزیری، صفوی، معتمدی، خرمشاهی، دریایی، نیکپور، اندیشمند و حریری.

آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد
نشانی سایت:
www.kayhan.london
روابط عمومی:
info@kayhan.london
آگهی و تبلیغات:
ads@kayhan.london
سردبیری:
editorial@kayhan.london



خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند
تعداد صفحات: ۱۴۳۶
قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت کیهان لندن مراجعه فرمایید

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیما از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris , FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کیهان

فهرست مطالب

سرمقاله - **چه کسانی می توانند «راحت» آدم بدزدند و بکُشند؟!** / الاهه بقراط ۴
تیتر هفته - **اسنادلورفته‌ی مجلس شورای اسلامی باز تاب دیگری از فسادو...** / روشنک آسترکی ۴-۵

متن کامل گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با «یالّا» (بخش ۱)... / ۶-۸
شاهزاده رضا پهلوی بار دیگر از جامعه جهانی خواست تا از ایرانیان «در مبارزه... / ۸
گفتگوی کارمل ملامد با شاهزاده رضا پهلوی: کسانی هستند که به مرگ اعتقاد دارند... / ۹-۱۱
بازنشر **داروی تلخ!...** / خیراندیش (احمد احرار) ۱۱
بازنشر **سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران** - خاطرات علینقی عالیخانی (بخش ۳)... / ۱۲-۱۴
در چهل و پنجمین سالگرد انقلاب اسلامی، ۳۳ زندانی سیاسی در فهرست اعدام... / ۱۴-۱۵
تنور سرد انتخابات: راه‌اندازی ۲۰۰ شبکه تلویزیونی شبانه‌روزی برای تبلیغ ... / ۱۶
سازمان تعزیرات حکومتی «کانون وکلا» را ۱۲۰ میلیارد تومان جریمه کرد... / ۱۷
تنور سرد انتخابات مجلس شورای اسلامی و بازار داغ ردصلاحیت‌ها با تلفات جانی!... / ۱۸
«زباله گردی» شغل رسمی شد؛ به کار گرفتن زباله گردها توسط پیمانکاران... / ۱۹
خطوط آیینی چپگرایی جهان گستر... / محمود مسائلی ۲۰-۲۱
افسران اروپایی دولت‌های عضو ناتو با نمایندگان سپاه... / حامد محمدی ۲۲-۲۳
ایرج مصداقی: سیاست‌های اشتباه غرب جمهوری اسلامی را به تروریسم... / ۲۳
نوید طوبیان روزنامه‌نگار اسرائیلی ایرانی تبار: جمهوری اسلامی و اسرائیل به... / ۲۳
آژانس اطلاعات نظامی اوکراین: جمهوری اسلامی به روس‌ها در سوریه آموزش... / ۲۴
رویترز: حوثی‌ها احتمالا برای نشان دادن اینکه مستقل از جمهوری اسلامی هستند به... / ۲۴-۲۵
حمله موشکی حوثی‌ها به کشتی یونانی «استار آریس» در دریای سرخ... / ۲۵
«جویش کرونیکل»: افشای سند فشار جمهوری اسلامی به دولت بریتانیا برای... / ۲۶-۲۷
ادعای شبکه «الحدث»: مرگ چهار نفر از اعضای «سپاه قدس» بر اثر مسمومیت در... / ۲۷
پولیتیکو: «فارن گلد بانک» در هامبورگ متهم به پولشویی برای «سپاه قدس» شد... / ۲۸
روزنامه «دیلی میل»: جذب شیعیان و خلافکارهای بریتانیا توسط سپاه پاسداران برای... / ۲۹
اتباع افغان و شبه‌نظامیان «فاطمیون» سیاهی لشکر حکومت در راهپیمایی «۲۲ بهمن»... / ۳۰
کودکان و دانش آموزانی که با خودکشی از دست می‌روند... / ۳۱
خرابکاری در «شریان‌های اصلی» انتقال گاز ایران با دو انفجار... / ۳۲
سرهنگ محمود خداداد رئیس پلیس اطلاعات ملایر کشته شد... / ۳۲
تیراندازی مرگبار سرباز نیروی انتظامی به سمت مأمور گشت در ساوجبلاغ... / ۳۳
صدور احکام اعدام جدید اعدام و زندان برای چند زندانی سیاسی... / ۳۴
ابراز عشق هم در ایران گران شد؛ هزینه‌های نجومی کالاهای روز عشاق!... / ۳۵
آشنایی با هنرمندان؛ لیافلاح طراح رقص و رقصنده... / ۳۶-۳۷
شکایت امیر سالار داودی وکیل زندانی از سه مقام کنونی و پیشین قوه قضاییه... / ۳۷
اصلاح همه ایرادهای شورای نگهبان به لایحه بودجه در یک نشست مجلس... / ۳۸
حساب‌های اینستاگرام و فیس بوک علی خامنه‌ای مسدود شد... / ۳۹
متن کامل گزارش «مجله شیکاگو»: چگونه ۲۵۰۰ سال پیش کاتبان لوحه... / (بخش ۲) ۴۰-۴۲
بازهم هشدار درباره فروپاشی نظام سلامت در ایران... / ۴۲-۴۳
مرگ مرموز دستیار سفیر جمهوری اسلامی در مسکو... / ۴۴
بی‌خبری از سرنوشت پنج روزنامه‌نگار «فردای اقتصاد» پس از حمله مأموران امنیتی... / ۴۵
رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی: آژانس بین المللی فقط مزاحمت دارد!... / ۴۶
در شهرهای درگیر بحران آبی همچنان برنج کاشته می‌شود... / ۴۶-۴۷
برگزاری کنگره «طب رزمی در جنگ‌های آینده»... / ۴۸
افشای ده‌ها سند محرمانه با هک سرورهای مجلس شورای اسلامی... / ۴۹
صدور رأی دادگاه قتل داریوش مهرجویی و همسرش... / ۵۰
بازداشت چند ساعته مدیرعامل «دیجی کالا» در پی تشکیل پرونده قضایی... / ۵۱
تصویب ورود بدون کنکور «طلاب» به دانشگاه فرهنگیان... / ۵۲
یک پژوهشگر: بخش زیادی از خانوارها مراجعه به دندانپزشک را فراموش کرده‌اند... / ۵۳
با وجود اصرار حکومت به ازدواج و فرزندآوری، تورم و بیکاری نرخ ازدواج را... / ۵۴
احتمال ورود ایرلاین‌های خارجی به پروازهای داخلی به دلیل «کمبود هواپیما»!... / ۵۵
افزایش اجاره‌بهای مسکن و وام‌های بی خاصیت دولت... / ۵۶
کاهش واردات و تولید مواد غذایی؛ تهدید امنیت غذایی کشور و... / ۵۷
مراسم حکومتی «۲۲ بهمن»؛ هشدار مقامات نظام در مورد «بی حجابی و بی حیایی» و... / ۵۸-۵۹
شبکه یک تلویزیون دولتی آلمان: بزرگترین دشمن جمهوری اسلامی «مردم ایران»... / ۵۹
خبرهای کوتاه... / ۶۰-۶۱
پشت جلد - **عکس هفته** / جوان بلوچ / یکی دیگر از قربانیان جنایتکاران حکومت ۶۲











سرمقاله

چه کسانی می‌توانند «راحت» آدم بدزدند و بکُشند؟!

در جرم‌شناسی و روانشناسیِ جنایی، کسانی «راحت» می‌توانند آدم‌ربایی کنند و بکُشند که به دلایل روانی و ژنتیک، احساسات انسانی در آنها غایب است و احتمال اینکه به «جانی بالفطره» یا «قاتل زنجیره‌ای» تبدیل شوند وجود دارد.

در مواردی اما افراط سیاسی و مذهبی و همچنین مزدوری برای حکومت‌ها و گروه‌های مافیایی افراد را به جنایتکار تبدیل می‌کند. آدم‌ربایی و مفقود کردن مخالفان و سپس پیدا شدن پیکر بی‌جان آنها بدون آنکه دستگاه‌های امنیتی جمهوری اسلامی



مسئولیتی بپذیرند، پس از انقلاب۵۷ همواره وجود داشته است.

جنایتکاران بالفطره که نسبت به هم‌نوع خود هیچ احساسی ندارند و می‌توانند شهروندان را به فجیع‌ترین شکل ممکن بربایند و به قتل برسانند، وقتی به عنوان طرفدار یا مزدور در استخدام حکومت‌های تبهکار قرار می‌گیرند، آنوقت از هر پیگرد قضائی نیز محفوظ می‌مانند در حالی که در نظام‌های عادی در صورت دستگیری و محاکمه، تا آخر عمر از جامعه دور نگهداشته می‌شوند.

دو گروه دیگر نیز قادر به جنایت علیه مردم معترض هستند:

یکی محکومان جنایی که به اعتراف مقامات جمهوری اسلامی با تعهد و چه بسا تخفیف در مجازات از زندان آزاد می‌شوند تا به صف سرکوبگران بپیوندند. دیگری شبه‌نظامیان وابسته به رژیم در کشورهای منطقه که از نظر ملی و تاریخی هیچ احساس همدلی با ایرانیان معترض ندارند و به کشور آورده می‌شوند تا در جایی که مردم علیه رژیم اعتراض می‌کنند، آنها از «انقلاب» دفاع کنند!

در این میان ۴۵ سال آموزش و تبلیغات جمهوری اسلامی و عادی کردن خشونت علیه آن به پشتوانه‌ی قوانین ضدبشری را نباید دست‌کم گرفت. بی‌تردید هستند افرادی که به دلیل فقدان امکانات آموزشی و تربیتی و تحت تأثیر فضایی که فاشیسم مذهبی بر جامعه تحمیل کرده، امیال سرکوب‌شده‌ی خود را در چارچوب «خدمت» در دستگاه‌های سرکوب رژیم ارضاء می‌کنند.

در تمام اعتراضات سال‌های گذشته همواره شهروندانی مفقود شده‌اند بدون آنکه معلوم شود چه بر سرشان آمده. کم نیستند جوانانی مانند سعید زینالی که در اعتراضات دانشجویی تیر ۱۳۷۸ دستگیر و سپس مفقود شد و خانواده همچنان چشم‌انتظار هستند.

سازمان‌های حقوق بشری شماری از گمشدگان قهری توسط جمهوری اسلامی را مستند کرده‌اند. از آبان ۹۸ به اینسو اما جوان‌ربایی و سپس رها کردن پیکر بی‌جان آنها و وانمود کردن اینکه بر اثر خودکشی یا سانحه جان خود را از دست داده‌اند، ابعادی فراتر از تخیل پیدا کرده. نکته قابل توجه در این گم‌شدن‌ها، جوانی و همچنین تصاویر چشمگیر زیبایی عینی و فکریست که آنها پیش از ربوده و یا کشته شدن در شبکه‌های مجازی خود به اشتراک گذاشته‌اند. گویی جنایتکاران شاغل در دستگاه‌های امنیتی و انتظامی و شبه‌نظامی رژیم در سراسر ایران، طعمه‌های خود را از میان آنها می‌جویند.

اینهمه در حالیست که پلیس علمی و تشخیص آثار جرم در جهان برای یافتن مرتکبان بسیار پیشرفت کرده اما در ایران نه از این امکانات استفاده می‌شود و نه مأموران رژیم با دفن فوری کشته‌شدگان چنین فرصتی را به خانواده‌ها می‌دهند تا پیگیر جنایتی شوند که در حق عزیزان آنها صورت گرفته و نه اصلا در این رژیم می‌توان امیدی به پیگیری جنایت‌های آن داشت!

تیتر هفته

اسناد لورفته‌ی مجلس شورای اسلامی بازتاب دیگری از فساد و تباهی حکومت

فرضیه همکاری جریانی از درون حکومت برای حمله سایبری به مجلس که عضو فراکسیون انقلاب نیز با عبارت «منافقین داخلی» به آن اشاره کرده، با توجه به دعوای سنگین و شکاف در جریانات حکومتی دور از ذهن نیست.

در پی هک سرورهای مجلس شورای اسلامی، ده‌ها سند محرمانه با دامنه گسترده‌ای، از ساز و کار دور زدن تحریم‌ها و روابط تنگاتنگ و هدفمند مقامات ارشد مجلس با گروه‌های نیابتی و شبه‌نظامی در منطقه، تا سازماندهی امنیتی و سرکوبگرانه علیه شهروندان و پولپاشی و فساد گسترده در این نهاد حکومتی فاش شد. مشخص نیست این اسناد درست در آستانه برگزاری دو رأی‌گیری مجلس شورای اسلامی و انتخابات خبرگان رهبری، آیا با همکاری و هدایت جریانی درون حکومت برای تسویه حساب با رقبای صاحب نفوذ در مجلس یازدهم صورت گرفته یا اهداف دیگری از جمله «ریزش شرکت‌کنندگان در انتخابات حکومت» مد نظر بوده است.

بخشی از اسناد قابل توجه درباره ارتباطات و اقدامات صورت گرفته از سوی مجلس شورای اسلامی در یک کانال تلگرامی با عنوان «قیام تا سرنگونی» منتشر شده و گروهی هکری با همین عنوان نیز مسئولیت این هک را بر عهده گرفته است.

ساعاتی پس از انتشار اسناد، روابط عمومی مجلس شورای اسلامی این حمله سایبری را تأیید کرد اما «اصالت» اسناد منتشر شده را زیر سوال برد و مدعی شد این اسناد «دستکاری شده» و «غیرقابل استناد» هستند.

شهریار حیدری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی اما در واکنشی تند با اشاره به حملات سایبری پیشین به سامانه‌های مختلف حکومتی از «ضعف ساختار امنیت سایبری کشور» انتقاد کرد و گفت «سازمان پدافند و وزارت اطلاعات باید پاسخگوی این حملات سایبری باشند».

این اسناد بیانگر شبکه گسترده و پرنفوذی با نقش محوری مقامات ارشد مجلس یازدهم، و بطور مشخص سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس است که در حال پیشبرد و هدایت بخشی از مسائل مختلف حکومتی در زمینه سیاست خارجی، سیاست داخلی، اقتصادی و امنیتی، و البته تکیه این شبکه بر رانتخواری و فساد مالی است.

بخشی از اسناد که با هک بیش از ۶۰۰ سرور مجلس به دست آمده در روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن‌ماه، در اوج خبرها درباره دو رأی‌گیری مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری منتشر شد.

جدا از آنکه اسناد منتشر شده بر روند «انتخابات» پیش رو، مشارکت‌ها و تغییر نظر رأی‌دهندگان به نامزدهای انتخاباتی مؤثر باشد یا نه، به نظر می‌رسد دامنه تبعات آشکار و پنهان آنچه از روابط و عملکرد یکی از قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی لو رفته، تا مدتی دامن بخشی از حکومت را خواهد گرفت.

دور زدن تحریم، محور مقاومت و دغدغه‌ی سطل زباله!

قسمت مهمی از اسناد منتشر شده از جمله نامه‌ای «محرمانه» درباره «مصوبات جلسه ستاد مقابله با تحریم در شهریور ۱۴۰۲» مرتبط با ساز و کار ترسیم شده از سوی جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها است.

این اسناد نشان می‌دهد چگونه جمهوری اسلامی با ایجاد «چتر و پوشش اطلاعاتی- امنیتی» و البته اعطای امتیازات ویژه برای افراد حقیقی و شرکت‌هایی به ظاهر خصوصی و فعال در ایران و دیگر کشورها، تحریم‌ها را در تجارت کالایی و انتقال ارز دور می‌زنند.

برای نمونه افرادی که در دور زدن تحریم‌ها به حکومت یاری می‌رسانند امکان «تغییر هویت»، «دستکاری اسناد خرید، نقل و انتقال و گمرک کالا» را دارند و حتی برای جبران آسیب وارده، به آنها امتیاز «مشوق‌های ارزی و بانکی، بیمه‌ای، مالیاتی و گمرکی» داده می‌شود.

حکومت در اقدام دیگری، با ارائه خدمات حقوقی و قضایی به «مدیران، کارگزاران و اشخاص ریسک‌پذیر در حوزه مقابله با تحریم»، از آنها حمایت می‌کند.

همچنین گمرک مجاز شده تا با هدف افشا نشدن اطلاعات کالای وارداتی امکان تغییر در اظهارنامه‌ها را داشته باشد. کالاهای متعلق به وزارتخانه‌ها و ادارات و نهادهای دولتی هم بدون دریافت «کد رهگیری بانکی» امکان ترخیص دارند.

چنین اقداماتی هرچند سبب ایجاد شبکه‌ای بزرگ در داخل و خارج ایران برای دور زدن تحریم‌ها شده اما در خود این شبکه نیز حجم بزرگی از فساد زاییده و پرورانده است؛ شبکه‌ای که «بابک زنجانی»ها را خلق می‌کند و در رویدادهایی مانند گم شدن بخشی از گاز تولیدی کشور یا بازنگشتن ارز دولتیِ تعلق گرفته به واردات دارو و مواد اولیه، و یا مغایرت ارقام نفت تحریمیِ صادراتی با درآمد ارزی حاصل از آن، خود را نشان می‌دهد!

اسناد لورفته از مجلس شورای اسلامی اما دامنه‌های وسیع دیگری هم دارد. در این اسناد به دیدار هیئت کمیسیون امنیت ملی رژیم و سیاست خارجی مجلس با شیخ نعیم قاسم قائم مقام دبیرکل حزب‌الله لبنان در آبان امسال اشاره شده و همچنین هدایت گروه‌های تروریستی و نیابتی در منطقه و تلاش برای تثبیت «محور مقاومت» و ضربه زدن به اسرائیل نیز در اسناد منتشرشده برجسته است.

در این اسناد همچنین به گزارش محرمانه رئیس حراست مجلس به سردار پاسدار محمدباقر قالیباف درباره اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ اشاره شده که نشان می‌دهد «حراست» مجلس شورای اسلامی اقداماتی گسترده برای رصد فعل و انفعالات نمایندگان و کارکنان مجلس در روزهای اعتراضات و جلوگیری از برگزاری هرگونه تجمعی در مقابل مجلس انجام داده است؛ رصد اطلاعاتی و احصاء تلفن کارکنان دفاتر نمایندگان و کارکنان، رصد شرکت احتمالی نمایندگان و کارکنان مجلس در اعتراضات مردمی، افزایش نیروهای گشت انتظامی در اطراف مجلس برای جلوگیری از شکل‌گیری حلقه‌های اعتراضی مردم و حتی جمع‌آوری سطل‌های زباله برای جلوگیری از آتش زدن آنها از سوی معترضان از جمله این اقدامات است.

حراست مجلس همچنین به نمایندگان در مورد تخلیه اطلاعاتی از طریق تلفن و تماس «شبکه‌های معاند» هشدار داده است.

یکی دیگر از محورهای اسناد منتشر شده که بیش از دیگر بخش‌ها مورد توجه رسانه‌های داخل ایران قرار گرفته، افشای حقوق نمایندگان و پولپاشی از بودجه عمومی به جیب «خودی»ها است.

بر اساس این اسناد نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر خلاف ادعاها، ارقامی نجومی به عنوان حقوق

دریافت می‌کنند. بری مثال حقوق نمایندگان مجلس در خرداد امسال بین ۱۷۰ تا ۲۷۰ میلیون بوده است.

سفره‌ی ارتزاق برای مجلسی‌ها از بودجه عمومی کشور اما موارد دیگری هم دارد؛ از جمله دریافتی‌هایی به بهانه آجیل شب عید، جشن تکلیف فرزندان کارکنان، روز تولد کارکنان، روز کارمند، روز مجلس و مناسبت‌های مذهبی.

این اسناد رقم پرداختی به نمایندگان برای هزینه آجیل عید نوروز را به ازای هر یک از کارکنان سه میلیون و ۶۰۰ هزار تومان نشان می‌دهد.

مخاطبِ انتخاباتیِ اسناد لورفته

حمله سایبری به سرورهای مجلس اسلامی و انتشار اسناد لورفته، درست در روزهای اوج درگیری‌های درون‌حکومتی بر سر رد صلاحیت‌ها و «مهندسی» دو رأی‌گیری مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری، و یک روز پیش از آغاز رسمی تبلیغات «انتخابات» مجلس خبرگان رهبری صورت گرفت.

جدا از آنکه این اسناد اطلاعات قابل توجهی از تار و پود تنیده با فساد و رابطه و تباهی در «قوه مقننه» جمهوری اسلامی را به نمایش گذشته، پرسش اینست که آیا انتشار آنها در مقطع زمانی کنونی هدف خاصی را دنبال می‌کند؟

در صورت عمدی بودن انتشار این اسناد دو هفته پیش از برگزاری دو انتخابات حکومتی در ایران، یک فرضیه می‌تواند تلاش برای کاهش مشارکت در رأی‌گیری بوده باشد.

شرکت‌کنندگان در این «انتخابات»ها معمولا از بدنه حکومت و خانواده‌های آنها هستند که در هر حال در آنها شرکت خواهند کرد.

جذابیت رانت توزیع شده در مجلس شورای اسلامی با مصوبات و تبصره‌ها و قوانینی که از زیر دست نمایندگان رد می‌شود، بخشی از بدنه رانتخوار وابسته به حکومت را نیز که به عنوان «بخش خصوصی» در ایران فعال است، برای حمایت از نامزدی مشخص در «انتخابات» تحریک می‌کند.

این قشر شاید از نظر ایدئولوژیک و فکری و سبک زندگی هیچ تناسبی با جمهوری اسلامی نداشته، و اساسا دغدغه سیاسی نداشته باشد، اما حضور سه ساله فردی به عنوان نماینده برای این قشر به معنی باز شدن کانالی از فرصت‌ها و توصیه و سفارش و قراردادهای پرسود اقتصادی است. این قشر اتفاقا به خوبی از فساد و تباهی که در مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادهای حکومتی موج می‌زند مطلع بوده و سوار بر همین موج است که سود فراوان به جیب می‌زند و در نتیجه با انتشار چنین اسنادی از شرکت در انتخابات منصرف نخواهد شد.

قشر دیگری که همواره سیاهی لشکر صف‌های رأی‌گیری بوده‌اند شامل عوامی می‌شود که «انتخابات» و «رأی دادن» را وظیفه شرعی یا شهروندی خود قلمداد می‌کنند و پای ثابت هر صندوق رأی و انتخابات جمهوری اسلامی هستند.

باید دید افشای این اسناد تا چه اندازه اعتقادات این قشر غالبا مذهبی را به «وظیفه» شرکت در انتخابات تحت تأثیر قرار می‌دهد و اساسا این قشر تا چه اندازه به خبرها و تحلیل‌های مربوط به افشای این اسناد مهم دسترسی دارد؟!

در آنسو، با توجه به اینکه گروه هکری «قیام تا سرنگونی» وابسته به سازمان مجاهدین خلق اعلام شده، و با در نظر گرفتن همسویی ایدئولوژیک و تاریخی و فرهنگی و ارتباطات نزدیکی که میان برخی مقامات جمهوری اسلامی با این سازمان جمهوریخواه و اسلامگرا وجود دارد، ظن همکاری یا گرا دادن از سوی جریانی در داخل خود حکومت به این سازمان برای پیشبرد این حمله سایبری تقویت می‌شود.

این موضوع از سوی هادی بیگی نژاد عضو فراکسیون انقلاب مجلس شورای اسلامی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. او یک روز پس از انتشار اسناد لورفته گفت: «طبق بررسی‌های انجام شده برنامه‌ریزی‌ها برای حمله سایبری به سایت مجلس از مدت‌ها قبل انجام شده و فرد یا افرادی در داخل کشور که در سیستم مجلس نفوذ داشته‌اند و از جزییات کار در سیستم مجلس مطلع بوده‌اند در این حمله سایبری نقش مؤثر داشته‌اند.»

این نماینده مجلس تأکید کرده که در جلسه غیعلنی مجلس در فردای لو رفتن اسناد «مطرح شد که این حمله سایبری توسط منافقین داخلی انجام شده است».

فرضیه‌ای که عضو فراکسیون انقلاب مجلس نیز با استفاده



از عنوان «منافقین داخلی» به آن اشاره کرده، با توجه به دعوای سنگین و شکاف‌ها در جریانات حکومتی چندان دور از ذهن نیست.

به نظر می‌رسد در این سال‌ها بخشی از بدنه درون‌جناحی جمهوری اسلامی برای رسیدن به اهداف خود و زدن رقیب اقداماتی انجام می‌دهد اما آن را به گردن «مجاهدین» می‌اندازد. این سازمان هم برای قدرت‌نمایی، از نمایشِ چنین نفوذی استقبال می‌کند.

انگیزه برای تخریب یکدیگر زیاد است

از سوی دیگر، در جریان اصلاح‌طلب که شماری از چهره‌های برجسته آن سوابق عضویت و همکاری با سازمان مجاهدین خلق را داشته و از یک آبشخور ایدئولوژیک و فرهنگی تغذیه می‌کنند، این روزها اختلاف نظر بالا گرفته است.

بخشی از اصلاح‌طلبان با تمام قوا خواستار مشارکت حداکثری در انتخابات مجلس شورای اسلامی هستند و معتقدند به هر قیمتی باید برای کسب هر کرسی سازماندهی کرد. بخشی دیگر که شاید چندان امیدوار به تداوم جمهوری اسلامی، دست‌کم به شکل و روال کنونی نیستند، نمایش همراهی با مردم و تحریم انتخابات را دارای بهره بیشتری برای این جریان ارزیابی می‌کنند. این دسته همچنین با توجه به شکست افتضاح این جریان در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی که حتی آرایی کمتری از آرای باطله داشتند، ترجیح می‌دهد با سیاه‌نمایی انتخاباتِ نظام مورد دفاع‌شان، آبروی نداشته را حفظ کنند.

اختلافات در میان اصلاح‌طلبان در رسانه‌های وابسته به این جریان با تیترهایی چون «نه به خاتمی سلام به واقعیت» یا استفاده از عباراتی چون «شورش بخشی از اصلاح‌طلبان علیه اصلاحات» نمود پیدا کرده است.

درگیری در میان جریان‌های جناح معروف به اصولگرا هم بالا گرفته است. برای نمونه جریانی مرتبط با باند سردار پاسدار سعید محمد که برای تصاحب کرسی وزارت راه و شهرسازی به ابراهیم رئیسی و کابینه نزدیک شد و در پی اختلافات و آنطور که گفته شده با اراده سردار پاسدار محمدباقر قالیباف در کابینه تضعیف و در نهایت حذف شد، این روزها در حال فعالیت علیه مجلس و «امپراتوری» محمدباقر قالیباف است.

در مورد دیگری علی اکبر رائفی‌پور مدیر موسسه «مصاف» و از تئوریسین‌های جریان اصولگرا که گفته می‌شود به جریانات پرنفوذ امنیتی حکومت متصل است، با نقد عملکرد نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی از ارائه «لیست انتخاباتی» خبر داده است. او همچنین داعیه‌دار «مهندسی انتخابات» و «طرح‌های کلان کشوری برای انتخابات مجلس شورای اسلامی» است.

رأی‌گیری خبرگان رهبری نیز که قرار است یازدهم اسفندماه و همزمان با مجلس شورای اسلامی برگزار شود، هرچند کمتر در خبرها مورد توجه قرار می‌گیرد اما دارای اهمیت بالایی است.

با توجه به سن و بیماری علی خامنه‌ای، وظیفه تعیین رهبر آینده‌ی حکومت ممکن است بر عهده‌ی دوره آینده خبرگان رهبری بیفتد. در چنین شرایطی روشن است که جریان‌های مختلف اصولگرا و اصلاح‌طلب تلاش می‌کنند سهم بیشتری از ۸۸ کرسی این مجلس را برای هدایت روند تعیین رهبر آینده حکومت داشته باشند.

رد صلاحیت چهره‌هایی چون حسن خمینی نوه روح‌الله خمینی و از امیدهای اصلاح‌طلبان برای رهبری آینده حکومت، حسن روحانی چهره پرنفوذ امنیتی و رئیس دو دولت یازدهم و دوازدهم، و مرتضی آقاتهرانی دبیرکل «جبهه پایداری»، از جمله نشانه‌های مهره‌چینی جریانی قدرتمند در داخل حکومت برای حذف رقبا از صحنه «خبرگان رهبری» است.

چنین نبردی در ارتباط با رهبری آینده جمهوری اسلامی نیز انگیزه کافی برای بخشی از حذف‌شدگان در تخریب جریان غالب، با اقداماتی چون لو دادن برخی اسناد محرمانه و حکومتی ایجاد می‌کند.

روشنک آسترکی

متن کامل گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی با «یالّا» (بخش۱):
نیروهای مسلّح در ایران باید پشت و پناه مردم در مقابل رژیم سرکوبگر باشند



شاهزاده رضا پهلوی و هیفی بوظو / کانال عربی‌زبان «یالّا» / ۱۲ فوریه ۲۰۲۴

● شاهزاده رضا پهلوی در اولین مصاحبه دو قسمتی در برنامه عربی‌زبان «یالّا» در پاسخ به پرسش‌های هیفی بوظو بار دیگر تأکید کرد که برای پشتیبانی از مردم آزادیخواه ایران و از کار انداختن ماشین سرکوب نظام و ایجاد امنیت و ثبات در منطقه، دولت‌های غربی باید با اجرای دقیق تحریم‌ها شبکه تأمین مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هدف قرار دهند.

● «بخش عمده‌ای از نیروهای نظامی و شبه‌نظامی هستند که در داخل ایران‌اند، آنها بزرگترین فاکتور X برای دوران گذار هستند و باید در روند انتقال شرکت داشته باشند. اگر نیروهای مسلّح در این روند مشارکت نکنند آنگاه شانس حداکثری برای رسیدن به ثبات و امنیت پس از سرنگونی رژیم از بین خواهد رفت. اشتباهی که در عراق پس از صدام حسین اتفاق افتاد فاجعه‌بار بود. نیمی از نیروهایی که خانه‌نشین شدند در نهایت به ستیزه‌جویان داعش تبدیل شدند. ما نمی‌خواهیم این سناریو در ایران تکرار شود».

● «مرگ مهسا امینی مثل یک ماشه عمل کرد؛ می‌تواند به دلیل پوشش رسانه‌ای آن باشد که رسانه‌های اجتماعی در آن نقش اساسی داشتند. اما به نظرم بی‌انصافی است که بگوییم جنبش مردم ایران تازه از سال گذشته شروع شد. مهسا دختر ایران است و محدود به یک حرکت با خاستگاه کُرد یا یک حرکت مذهبی نیست بلکه موضوع یک انقلاب است».

● «دو نفر از رهبران جهان بطور خاص در این مورد [جمهوری اسلامی] اظهار نظر کردند که به نظرم واقعیت داشت. آنها می‌گفتند اگر این رژیم خود را اسلامی می‌خواند، پس ما مسلمان نیستیم! یکی انورسادات پادشاه فقید مصر بود و دیگری ملک حسن دوم پادشاه فقید مراکش. این اظهار نظر تنها یک سال پس از روی کار آمدن این رژیم بود».

● «تضمین آزادی مذهبی با جدایی دین از حکومت ممکن است. اینها اصول اساسی و پیش‌نیازهای دموکراسی است که در آن عدالت برای همه برقرار باشد و بتواند تضمین‌کننده برابری برای همگان باشد، صرف نظر از گرایش جنسی، باورهای مذهبی و دینی و همچنین بدون توجه به گرایش‌های سیاسی... اگر اینها ستون فقرات و اساس حکومت در جامعه نباشد آنوقت شما حداکثر ظرفیتی را که شهروندان آن کشور می‌توانند داشته باشند از بین می‌برید».

● «ماهیت این رژیم در بحران‌سازی و تحریک و دامن زدن به مشکلات است و منافع مردم ایران اصلاً برایش مهم نیست. بنابراین آنچه می‌گویم این است که یک نظام ملّی مبتنی بر اراده مردم ایران باید شکل بگیرد که به دنبال برقراری بهترین روابط با همه همسایگان از ترکیه و عراق گرفته تا کشورهای عربی و اسرائیل باشد».

شاهزاده رضا پهلوی در اولین مصاحبه دو قسمتی در برنامه عربی‌زبان «یالّا» با اجرای هیفی بوظو که دوشنبه ۱۲ فوریه (۲۳ بهمن‌ماه) پخش شد بار دیگر تأکید کرد که برای پشتیبانی از مردم آزادیخواه ایران و از کار انداختن ماشین سرکوب نظام و ایجاد امنیت و ثبات در منطقه، دولت‌های غربی باید با اجرای دقیق تحریم‌ها شبکه تأمین مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را هدف قرار دهند.

هیفی بوظو در مقدمه گفت که در برنامه امروز یک شخصیت تأثیرگذار ایرانی با پیشینه تاریخی برجسته را همراه خود داریم. ایشان را در داخل و خارج از ایران به عنوان فردی می‌شناسند که اهمیت ویژه‌ای در آینده آن کشور خواهد داشت. لطفاً برای خوشامد به شاهزاده رضا پهلوی با من باشید تا در باره موضوعات مختلف از جمله جنبش «زن، زندگی، آزادی»، شبه‌نظامیان وابسته به رژیم ایران و نقش تخریبی آنها در منطقه گفتگو کنیم. ما همچنین به حمله مرگبار «هفت اکتبر» حماس به اسرائیل و رویارویی با حوثی‌ها نیز خواهیم پرداخت.

هیفی بوظو: اعلیحضرت، با سپاس فراوان از حضور شما در برنامه «یالّا».

شاهزاده رضا پهلوی: باعث افتخار من است. سپاس به خاطر دعوت.

● شما فرزند ایران هستید و سوابق شخصی شما با بسیاری از مسائل ایران گره خورده. زندگی دور از وطن می‌تواند بسیار سخت باشد. آیا می‌توانید از خاطرات‌تان درباره ایران بگویید و اینکه برای چه چیز بیشتر از همه دلتنگ شدید؟

-البته من تا روزی که دبیرستان را تمام کردم در داخل کشورم بودم. آن زمان حدود ۱۷ سال داشتم. پس از آن در سال ۱۹۷۸ کشور را برای طی دوره آموزش خلبانی ترک کردم. برنامه این بود که پس از طی دوره آموزش خلبانی در آمریکا به کشور برگردم که با وقوع انقلاب، انجام نشد. بنابراین من خاطرات بسیار زیادی از ایران دارم... می‌توانستم به جاهای مختلف کشور سفر کنم. می‌توانستم از طبیعت لذت ببرم و با مردم گفتگو کنم؛ آنهم به صورت کاملاً غیررسمی و خارج از تشریفات و نه به عنوان ولیعهد. تجربه در آنجا چه وقتی نوجوان بودم و چه بعدها در جوانی وقتی بزرگتر شدم، برایم بسیار جالب بود. همانطور که می‌دانید

اینها از آن نوع خاطراتی است که تمام عمر در ذهن انسان می‌ماند.

بدیهی است وقتی مجبور باشی بدون اینکه حق انتخاب داشته باشی تن به تبعید بدهی بسیار سخت است اما باز هم اینطور نیست که شما لزوماً از همه آن چیزها جدا شده باشید، زیرا همه آن خاطره‌ها و ارتباطات همچنان هست. این ارتباط در تمام این چهار دهه که گذشت همچنان ادامه دارد. درواقع توانستم ارتباطم را با هموطنانم حفظ کنم. بنابراین از تحولاتی که رخ می‌دهد جدا نیستم. البته با ظهور رسانه‌های اجتماعی تقریباً مثل این است که شما آنجا هستید. ما دائم واکنش‌ها و نظرات را دریافت می‌کنیم و این مراوده واقعاً بین من و هموطنانم وجود دارد. از این منظر واقعاً احساس جدایی نمی‌کنم.

● شما برجسته‌ترین شخصیت اپوزیسیون جمهوری اسلامی هستید و گفته‌اید که مأموریت زندگی‌تان زمانی تحقق پیدا می‌کند که ایران آزاد شود. امروز چگونه در آن مسیر گام برمی‌دارید؟

-بدیهی است نافرمانی مدنی و مبارزات بدون خشونت برای رسیدن به این هدف اصلی‌ترین استراتژی است. اگر بتوانیم برای تقویت و توانمندکردن حداکثری مردم ایران از پشتیبانی بین‌المللی بهره‌مند شویم، این روند تسریع می‌شود. این یک رویکرد دوطرفه است که یکطرف شامل فشار حداکثری روی رژیم می‌شود. به عنوان مثال تحریم‌های نفتی اعمال شد اما در عمل اجرا نشد. حتا شرایطی ایجاد شد که رژیم دسترسی بیشتری به پول داشته باشد. شما فکر می‌کنید این پول قرار است کجا هزینه شود؟ برای حماس، حزب‌الله و حوثی‌های یمن خرج می‌شود!

گزینه‌های بیشتری برای افزایش فشارهای دیپلماتیک به رژیم وجود دارد. به عنوان مثال محدود کردن سفر مقامات رژیم یا حتا اخراج دیپلمات‌های آن. عوامل رژیم انواع کسب و کار را اداره می‌کنند. کانال‌هایی وجود دارند که از طریق آنها حکومت یا سپاه پاسداران با پولشویی تأمین مالی می‌شوند. از طرف دیگر، مقابله با اینها مستلزم حمایت حداکثری از مردم است.

● منظور شما از حمایت حداکثری چیست؟

-راه‌های مختلفی برای تقویت جامعه‌ای که با بالاترین سطح سرکوب روبروست وجود دارد. [به عنوان مثال] با ارائه تجهیزات و امکانات بیشتر به مردم ایران برای به دست آوردن یک موقعیت برابر در زمین بازی علیه رژیم. یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های ما دسترسی آنها به اینترنت آزاد برای ارتباط با دنیاست. رژیم سال‌هاست هر کاری می‌کند تا دسترسی مردم به ارتباطات محدود شود. همچنین فکر می‌کنم کمک به ایجاد صندوق اعتصابات کارگری مهم است که بخشی از راه حل آن مالی است. بسیاری از دارایی‌های بلوکه شده ایران که در نهایت متعلق به خود مردم ایران است می‌تواند برای حمایت از اعتصابات کارگران و کارکنان در ایران استفاده شود. چیزی که باید تأکید کنم این است که مردم ایران در حال مبارزه هستند اما برای آنها بسیار آسان‌تر و کم هزینه‌تر خواهد بود اگر بدانند در این مبارزه تنها نیستند.

● اگر مردم ایران موفق به سرنگونی رژیم شوند بعد چه اتفاقی خواهد افتاد؟

-این یک پرسش اساسی است. مطمئناً سریع‌ترین کاری که باید انجام شود فراهم شدن فرصتی برای تشکیل یک مجلس مؤسسان است که برخاسته از رأی مردم باشد. باید امنیت برقرار شود، برای همین است که همیشه خواستار اعتراضات مدنی بودم زیرا اعتقاد دارم بزرگترین و حیاتی‌ترین عامل برای ما گذار مسالمت‌آمیز و کاهش هرج و مرج و بی‌نظمی است. بخش عمده‌ای از نیروهای نظامی و شبه‌نظامی هستند که در داخل ایران‌اند، آنها بزرگترین فاکتور X برای دوران گذار هستند و باید در روند انتقال شرکت داشته باشند.

اگر نیروهای مسلّح در این روند مشارکت نکنند آنگاه شانس حداکثری برای رسیدن به ثبات و امنیت پس از سرنگونی رژیم از بین خواهد رفت. اشتباهی که در عراق پس از صدام حسین اتفاق افتاد فاجعه‌بار بود. نیمی از نیروهایی که خانه‌نشین شدند در نهایت به ستیزه‌جویان داعش تبدیل شدند. ما نمی‌خواهیم این سناریو در ایران تکرار شود. به همین دلیل باید محاسبه شود که چگونه می‌توان بخش عمده‌ای از بدنه‌ی این نیروها را [در نیروهای مسلح متعارف] ادغام کرد که آنها نیروهایی بدون سرزمین نباشند.

من همیشه گفتم نیروهای مسلّح باید به مردم بپیوندند و باید در مقابل بازماندگان حکومت که مأیوسانه با تمام قوا برای حفظ قدرت ممکن است دست به سرکوب حداکثری بزنند، پشت و پناه مردم ایران باشند.

● آیا نقشی برای خود در آینده ایران تصور می‌کنید؟

-تمرکز من در تمام این سال‌ها این بود که در روند گذار به آینده دموکراتیک برای ایران کمک کنم. اگر مردم به عنوان یک فرد تأثیرگذار به من اعتماد کرده‌اند بیشتر به این دلیل است و من روی همین نقش تمرکز کردم تا حداکثر افرادی که هم‌فکر هستند تبدیل به ائتلافی شوند که مطمئن شویم می‌توانیم با کمک آنها وارد مرحله گذار شویم و به به خواسته نهایی مردم ایران برسیم. در حال حاضر ما در مرحله مبارزه برای سرنگونی رژیم هستیم. ما می‌دانیم تا وقتی آنها در قدرت هستند و تا وقتی رژیم به معنای واقعی از بین نرود، هیچکدام از امیدهایی که مردم ایران دارند شامل رسیدن به آزادی و دموکراسی، حق تعیین سرنوشت و پایان یافتن تبعیض، تحقق نخواهد یافت. پس از طی این مرحله است که وارد دوران گذار می‌شویم. چه برنامه‌ای برای پیشبرد این دوران موجود دارد؟ در این مرحله برقراری میزانی از ثبات و امنیت در کشور ضروری است تا به واسطه آن روند انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس مؤسسان را طی کنیم. این مجلس در مورد قانون اساسی آینده کشور بحث خواهد کرد و سنگ‌بنای برگزاری همه‌پرسی در مورد آینده خواهد بود.

نقش مهم و حیاتی که برای خودم متصور هستم، رسیدن به همین مرحله است و تنها تمرکز من در این سال‌ها همین بود که بتوانم به روند این انتقال کمک کنم.

● به قتل مهسا امینی برگردیم که جرقه‌ی جنبش «زن، زندگی، آزادی» بود. این جنبش چه تفاوت قابل توجهی با جنبش‌های پیشین داشت؟

-این بی‌انصافی است اگر بگوییم مقاومت زنان ایرانی موضوع جدیدیست. رژیم از همان ابتدا به سرعت یک تبعیض گسترده علیه زنان را آغاز کرد؛ درواقع زنان اولین قربانی جمهوری اسلامی بودند. آنها بلافاصله بعد از انقلاب اسلامی تبدیل به شهروندان درجه دو شدند. جان باختن مهسا درواقع مثل کشیدن ماشه عمل کرد. اگر امروز جهان تا حد زیادی با سرکوبگری رژیم ایران آشناست، به این دلیل است که در تمام چهار دهه گذشته بارها در مورد تبعیض‌هایی که علیه شهروندان ایران به ویژه زنان اعمال می‌شود شنیده‌اند.

مرگ مهسا امینی مثل یک ماشه عمل کرد؛ می‌تواند به دلیل پوشش رسانه‌ای آن باشد که رسانه‌های اجتماعی در آن نقش اساسی داشتند. اما به نظرم بی‌انصافی است که بگوییم جنبش مردم ایران تازه از سال گذشته شروع شد. مهسا دختر ایران است و محدود به یک حرکت با خاستگاه کُرد یا یک حرکت مذهبی نیست بلکه موضوع یک انقلاب است. بدیهی است حرکت انقلابی پر از فراز و نشیب است زیرا شما با یک رژیم بسیار سرکوبگر سر و کار دارید. اما دلایل زیادی وجود دارد که باید به دنیا گفت تا به گوش آنها برسد: اگر در چیزی که به نفع خود شماست، سرمایه‌گذاری نکنید ضرر خواهید کرد.

به روند پایان دادن به آپارتاید در آفریقای جنوبی نگاه کنید؛ به نحوه پایان دادن به حکومت کمونیست‌ها در شوروی نگاه کنید؛ آیا به خودی خود اتفاق افتاد؟ آیا مخالفان و فعالان آفریقای جنوبی یا روسیه یا کشورهای دیگر می‌توانستند همه این کارها را به تنهایی انجام دهند؟ یا سطح جدّی از حمایت‌های بین‌المللی از آنان وجود داشت؟ سناریوهای مشابهی در مورد آنچه ما امروز در مبارزه برای آزادی در ایران با آن روبرو هستیم وجود دارد.

● شاید مخاطبان در خاورمیانه اطلاع نداشته باشند که جمهوری اسلامی چندان هم اسلامی نیست. درواقع در ایران مسلمانان زیادی اعم از شیعه و سنی هستند که تحت اذیت و آزار رژیم قرار می‌گیرند. در مورد رفتار رژیم با مسلمانان داخل ایران چه چیزی به بینندگان ما می‌توانید بگویید؟

-دو نفر از رهبران جهان بطور خاص در این مورد اظهار نظر کردند که به نظرم واقعیت داشت. آنها می‌گفتند اگر این رژیم خود را اسلامی می‌خواند، پس ما مسلمان نیستیم! یکی انورسادات پادشاه فقید مصر بود و دیگری ملک حسن دوم پادشاه فقید مراکش. این اظهار نظر تنها یک سال پس از روی کار آمدن این رژیم بود. از آن زمان تا کنون ما شاهد بیشترین تبعیض‌ها از سوی رژیم علیه شهروندان خود و البته فراتر از مرزهایش بوده‌ایم. وقتی به افرادی نگاه می‌کنیم که خود را نماینده آن اسلام می‌دانند هیچ شباهتی به فاطمه سپهری که زن شیعه متدین است ندارند. او اکنون به عنوان یک زندانی سیاسی در حبس است؛ یا مولوی عبدالحمید که رهبر اهل تسنن در سیستان و بلوچستان ایران است. اینها اولین افرادی خواهند بود که به شما خواهند گفت این رژیم چقدر ضداسلام است.

چیزی که ما ایرانی‌ها می‌خواهیم به دست بیاوریم این است که (البته به نظرم کل منطقه باید این را مد نظر قرار دهد) وقتی به کشورهایی نگاه می‌کنید که با اعتقادات و مذاهب مختلف توانستند پیشرفت کنند، این با «تضمین آزادی مذهبی» تحقق پیدا کرد و چنین تضمینی با جدایی دین از حکومت ممکن است. اینها اصول اساسی و پیش‌نیازهای دموکراسی است که در آن عدالت برای همه برقرار باشد و بتواند تضمین‌کننده برابری برای همگان باشد، صرف نظر از گرایش جنسی، باورهای مذهبی و دینی و همچنین بدون توجه به گرایش‌های سیاسی... اگر اینها ستون فقرات و اساس حکومت در جامعه نباشد آنوقت شما حداکثر ظرفیتی را که شهروندان آن کشور می‌توانند داشته باشند از بین می‌برید.

فکر می‌کنم ایرانی‌ها می‌دانند در لحظه‌ای که همه این عناصر تبعیض‌آمیز از بین برود و هر شهروندی در کشور فرصت برابر برای مشارکت داشته باشد نه تنها شانس آنها برای داشتن یک زندگی بهتر را به حداکثر می‌رساند

بلکه به آنها انگیزه می‌دهد تا در نهایت تلاش خود را برای کشورشان انجام دهند زیرا در نهایت این سیستمی خواهد بود که آنها می‌توانند به آن تکیه کنند؛ درست برخلاف سیستمی که اکنون سعی می‌کنند از شرّ آن رها شوند.

هرچند باز هم تکرار می‌کنم که نسل جوان امروز ایران بسیار بسیار نزدیک‌تر، آگاه‌تر و مصمم‌تر از نسل‌های قبلی در ۴۰ سال گذشته و نسل دورانی است که این رژیم روی کار آمد؛ و این درست همان چیزی است که به من امید می‌دهد، زیرا می‌توانم ببینم که آنها با هزینه‌های بسیار بسیار بالا روندی از اندوختن تجربه را پشت سر گذاشته‌اند. در همین شب‌های اخیر یک جوان دیگر توسط رژیم اعدام شد و خدا می‌داند که باید چند مورد دیگر از این اعدام‌ها را شاهد باشیم. تحمل این وضعیت دیگر ممکن نیست، ایرانی‌ها خسته شده‌اند. فکر می‌کنم سرانجام دنیا باید تشخیص بدهد که این فرصتی است که برای ایجاد یک تغییر پایدار فراهم شده. تغییری که کل چشم‌انداز را [در خاورمیانه] تغییر خواهد داد.

● این تغییر چه معنایی برای همسایگان ایران خواهد داشت؟

-خب، پیش از هر چیز آنچه همسایگان بر اساس حُسن همجواری انجام می‌دهند بر مبنای صلح، ثبات، مشارکت و همکاری و تلاش برای همکاری با یکدیگر جهت حل و فصل بسیاری از مسائل است که فقط مربوط به کشور ما نیست و یک موضوع منطقه‌ای است. من خیلی وقت پیش به بحران آب اشاره کردم. این فقط محدود به ایران نیست. ما در سوریه، عراق و حتا یمن و سایر کشورهای منطقه مشکلات مشترک داریم. فکر می‌کنم این روحیه همکاری منطقه‌ای، چه با امارات باشد یا با عربستان سعودی، مصر، لبنان یا اردن... شامل تمام منطقه‌ی ما می‌شود و به این معناست که بتوانیم منابع بسیار بیشتری از منطقه را برای بهبود زندگی شهروندان خود اختصاص دهیم. این شامل مراقبت‌های بهداشتی، بازنشستگی، آموزش و پرورش و سایر مسائل است. بجای هزینه کردن برای تسلیحات و درگیری و تضعیف بودجه‌ی کشور، می‌توان آن را به توسعه پروژه‌های دیگر اختصاص داد.

ما می‌توانیم به عنوان یک گروه منطقه‌ای همکاری‌های مشترک دفاعی و امنیتی داشته باشیم اما ماهیت این رژیم در بحران‌سازی و تحریک و دامن زدن به مشکلات است و منافع مردم ایران اصلاً برایش مهم نیست. بنابراین آنچه می‌گویم این است که یک نظام ملّی مبتنی بر اراده مردم ایران باید شکل بگیرد که به دنبال برقراری بهترین روابط با همه همسایگان از ترکیه و عراق گرفته تا کشورهای عربی و اسرائیل باشد.

*کانال عربی‌زبان «یالّا» در سال ۲۰۲۲ توسط لن خودورکوفسکی یکی از مقامات سابق وزارت خارجه آمریکا و هیفی بوظو راه‌اندازی شد. این کانال در کنار انتشار روایت‌ها و گزارش‌های مختلف، با افراد سرشناس منطقه و چهره‌های بین‌المللی که در مسائل خاورمیانه نقش دارند مصاحبه می‌کند. مهمانان قبلی این رسانه از جمله عبارت بودند از مایک پمپئو وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده، هزاع المنصوری اولین فضانورد اماراتی، برایان هوک نماینده ویژه سابق ایالات متحده در امور ایران و مشاور سیاسی ارشد وزارت خارجه دولت ترامپ.

وبسایت: WatchYalla.com
کانال یوتیوب: https://youtube.com/@watchyalla
در ایکس و اینستاگرام و فیسبوک: @watchyalla

شاهزاده رضا پهلوی بار دیگر از جامعه جهانی خواست تا از ایرانیان «در مبارزه برای آزادی به خاطر صلح» حمایت کنند

● مصاحبه شاهزاده رضا پهلوی با کانال «یالّا» در شرایطی انجام شده که خاورمیانه در یک بحران گسترده بسر می‌برد و مقامات ایالات متحده رژیم مذهبی ایران را «بزرگترین صادرکننده تروریسم در جهان» می‌دانند.

● شاهزاده رضا پهلوی با تاکید بر اهمیت و قدمت جنبش زنان در ایران که مورد توجه و حمایت جهانی نیز قرار گرفته است، تاکید کرد که نافرمانی مدنی نقش مهمی در تحت فشار قرار دادن رژیم و شکل دادن به آینده کشور خواهد داشت.

شاهزاده رضا پهلوی در اولین مصاحبه دو قسمتی در برنامه عربی‌زبان «یالّا» با هیفی بوظو، از جامعه جهانی خواست تا از ایرانیان «در مبارزه برای آزادی به خاطر صلح» حمایت کند.

شاهزاده رضا پهلوی از جامعه جهانی خواست تا از این «فرصت برای ایجاد یک تغییر پایدار که شکل کل منطقه را تغییر می‌دهد» بهره‌برداری کنند. او تاکید کرد: «یک ایران آزاد که نماینده واقعی مردم باشد، به دنبال داشتن بهترین‌ها خواهد بود. مناسبات همجواری با همسایگان عرب ما، با اسرائیل، با ترکیه، با پاکستان و با هر کسی در پیرامون ما سبب می‌شود تا ظرفیت‌های رفاهی خود را با هم به حداکثر برسانیم.»

وی ادامه داد که بجای هزینه کردن برای مناقشه و درگیری، می‌توان از منابع کشورها برای بهبود زندگی شهروندان و مقابله با بحران کمبود آب در منطقه استفاده کرد.

این مصاحبه در شرایطی انجام شده که خاورمیانه در یک بحران گسترده بسر می‌برد. مقامات ایالات متحده رژیم مذهبی ایران را «بزرگترین صادرکننده تروریسم در جهان» می‌دانند. آنتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با ینس استولتنبرگ دبیرکل ناتو هشدار داد: «ما حداقل از سال ۱۹۷۳ تا کنون وضعیتی به خطرناکی که اکنون در سراسر منطقه با آن روبرو هستیم، ندیده‌ایم.»

آنتونی بلینکن همچنین در سخنانی در قطر گفت: «حملات در سوریه و عراق، حملات لبنان به اسرائیل، حملات به کشتی‌های بین‌المللی در دریای سرخ، حملات در اردن که منجر به کشته شدن سه نظامی آمریکایی شد، و البته حمله هفتم اکتبر علیه اسرائیل، توسط گروه‌هایی انجام شده که توسط رژیم ایران آموزش دیده، مسلح و تأمین مالی شده و اطلاعات کسب کرده‌اند».

دوشنبه ۲۳ بهمن ساعت ۱۶ به وقت لندن شاهزاده رضا پهلوی در کانال «یالّا» با هیفی بوظو درباره مسائل ایران و خاورمیانه گفتگو می‌کند.

در همین حال، در داخل ایران، مردم با نابسامانی روزافزون اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند. روزی نیست که اقشار مختلف جامعه تجمع اعتراضی برگزار نکنند. نظام نگران است که تشدید نارضایتی مردم بر میزان مشارکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی که قرار است ۱۱ اسفند برگزار شود تأثیر بگذارد. در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با بلینکن، ینس استولتنبرگ دبیرکل ناتو تاکید کرد: «استراتژی جمهوری اسلامی حفظ و تداوم سلطه‌ی خود با افزایش سرکوب در داخل و ترور در خارج است.»

در مصاحبه با «یالّا»، شاهزاده همچنین بار دیگر با اشاره به اینکه اپوزیسیون و فعالان آزادیخواه در آفریقای جنوبی و روسیه بدون حمایت جدی بین‌المللی نمی توانستند موفق شوند، بر اهمیت حمایت بین‌المللی برای تغییر رژیم در ایران تاکید کرد. اما همزمان هشدار داد که غرب نباید سیاست اشتباه در عراق و با صدام حسین را تکرار کند.

استراتژی «تغییر رژیم» شاهزاده رضا پهلوی شامل رویکردی دوجانبه از سوی جامعه جهانی است: فشار حداکثری علیه رژیم و همزمان پشتیبانی حداکثری از مردم ایران برای توانمند کردن مبارزه‌ی آنها. او بر اجرای جدی تحریم‌ها که در عمل نادیده گرفته شده‌اند تأکید کرد تا از این طریق امکان دسترسی رژیم به منابع مالی قطع شود. وی همچنین از جامعه جهانی خواست تا با محدود کردن سفر مقامات جمهوری اسلامی و خانواده‌های آنها و اخراج دیپلمات‌های آنها، فشار دیپلماتیک را بر تهران افزایش دهند.

شاهزاده رضا پهلوی با تاکید بر اهمیت و قدمت جنبش زنان در ایران که مورد توجه و حمایت جهانی نیز قرار گرفته است، تاکید کرد که نافرمانی مدنی نقش مهمی در تحت فشار قرار دادن رژیم و شکل دادن به آینده کشور خواهد داشت. وی برای توانمند ساختن مردم ایران به این نکته اشاره نمود که جامعه جهانی می تواند با فراهم آوردن امکاناتی زمینه‌ی مبارزه را برای آنها بهبود بخشد و در همین ارتباط علاوه بر دسترسی به تکنولوژی ارتباطات و اینترنت پیشنهاد کرد: «از دارایی‌های بلوکه شده ایران که متعلق به همه مردم ایران است برای حمایت از اعتصابات کارگران و کارکنان در ایران استفاده شود.»

هیفی بوظو با اشاره به اینکه «شما برجسته‌ترین شخصیت اپوزیسیون جمهوری اسلامی هستید و گفته‌اید که مأموریت زندگی‌تان زمانی تحقق پیدا می‌کند که ایران آزاد شود» از وی پرسید: «امروز چگونه در آن مسیر گام برمی‌دارید؟»

شاهزاده پاسخ داد که تنها تمرکز وی در این مرحله آنست که بتواند با گرد آوردن بیشترین جریانات هم‌فکر به این انتقال کمک کند: «در یک ائتلاف که مایل به تغییر این رژیم به حکومتی است که در نهایت ایرانی‌ها آن را انتخاب خواهند کرد. در حال حاضر، ما در مرحله مبارزه برای سرنگونی این رژیم هستیم.»

وی همچنین با اشاره بر لزوم ایجاد مسیری برای گذار مسالمت‌آمیز پس از سقوط رژیم تاکید کرد که نیروهای نظامی و شبه‌نظامی نیز باید در روند انتقال شرکت داشته باشند: «اما باید محاسبه شود که چگونه می‌توان بخش عمده‌ای از بدنه‌ی این نیروها را [در نیروهای مسلح متعارف] ادغام کرد.»

این نخستین بار نیست که شاهزاده رضا پهلوی از ارتش و نیروهای مسلح می خواهد تا «به مردم بپیوندند و سپر حفاظت آنها در برابر بقایای رژیمی که مأیوسانه برای حفظ قدرت تلاش می‌کند.» وی در این مصاحبه از آنها به عنوان «بزرگترین فاکتورX جهت حمایت از گذار و حفظ نظم و قانون» در دوران انتخاب مجلس مؤسسان یاد کرد: مجلس مؤسسان نظام حقوقی آینده را ترسیم کرده و قانون اساسی آینده کشور را به بحث گذاشته و سنگ‌بنای یک همه‌پرسی آزاد و عادلانه را خواهد گذاشت.

گفتگوی کارمل ملامد با شاهزاده رضا پهلوی:

کسانی هستند که به مرگ اعتقاد دارند

شاهزاده رضا پهلوی یک روز پس از سخنرانی در موزه «مدارا» در لس‌آنجلس با «جی‌ان‌اس» (سندیکای خبری یهود) با کارمل ملامد روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی به گفتگو درباره ایران، اسرائیل، حمله تروریستی ۷ اکتبر توسط حماس و روابط ایرانیان و یهودیان در سراسر جهان پرداخت.

«آنچه به توازن کمک می‌کند این است که جهان بداند که ایرانیان، اسرائیلی‌ها و بسیاری دیگر در منطقه یکسان فکر می‌کنند و آن اینکه چگونه می‌توانیم همه ما از این تغییر بهره‌مند شویم. راه حل همه مشکلات در نهایت رها شدن از شرّ رژیم در تهران است.»

«تصور کنید وقتی فضا باز شود، خارج از همه این تبعیض‌ها، همه فرصت‌های برابر برای مشارکت داشته باشند و ما چه آینده درخشانی می‌توانیم داشته باشیم، چه کارها که می‌توان در ایران انجام داد. این پیامی است که ما باید فراتر از یهودی بودن، بهائی یا مسلمان بودن، یا هر قومیت یا هر تفکر سیاسی دیگری در سراسر جهان منتشر کنیم. درواقع خود کشور است که می‌تواند به خود کمک کند.»

شاهزاده رضا پهلوی در یک مصاحبه‌ی اختصاصی و مفصل به وبسایت «سندیکای خبری یهود/ جی‌ان‌اس» گفت که «چشم اختاپوس»، یعنی رژیم اسلامی در ایران، باید مورد توجه قرار گیرد. «جی‌ان‌اس» می‌نویسد، ولیعهد تبعیدی ایران، رضا پهلوی که در ویرجینیا زندگی می‌کند، یکی از رهبران برجسته اپوزیسیون است که بیش از چهار دهه از سرنگونی رژیم توتالیتر اسلامی حاکم بر کشور و جایگزینی آن با یک حکومت آزاد، سکولار و دموکراتیک دفاع می‌کند.

او در آوریل ۲۰۲۳ به عنوان بلندپایه‌ترین شخصیت ایرانی به اسرائیل سفر کرد. وی که در پروفایل‌اش در شبکه ایکس تأکید می‌کند «مدافع یک ایران سکولاردمکراتیک» است، نوشته که حماس «یک سازمان تروریستی بی‌رحم است که علاوه بر ارعاب غیرنظامیان بی‌گناه اسرائیل، مردم فلسطین را نیز با خشونت سرکوب می‌کند».

ایرانیان از غارت منابع و ثروت ملی خود توسط جمهوری اسلامی که صرف گروه‌های تروریستی مانند حماس و حزب‌الله می‌شود خسته شده‌اند.

۳۰ ژانویه ۲۰۲۴ شاهزاده در موزه «مدارا» در لس‌آنجلس سخنرانی کرد و جمهوری اسلامی را «جالوت» و دشمن مشترکی خواند که «دو ملت بزرگ ایران و اسرائیل با آن روبرو هستند.» او افزود که تلاش برای رام کردن این هیولا با همان ابعادی که در تورات آمده «بیهوده است». وی تأکید کرد «اکنون زمان آن است که به داود فرصت بدهیم. مردم ایران داود زمانه هستند که برای به ارمغان آوردن آزادی برای ایران و صلح و رفاه برای کل منطقه مبارزه می‌کنند.»

شاهزاده رضا پهلوی یک روز پس از آن سخنرانی با «جی‌ان‌اس» به گفتگو درباره ایران، اسرائیل، حمله تروریستی ۷ اکتبر توسط حماس و روابط ایرانیان و یهودیان در سراسر جهان پرداخت.

«جی‌ان‌اس» پس از این مقدمه درباره گفتگویی که کارمل ملامد روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی آن را انجام داده، یادآوری کرده است که این گفتگوی مفصل برای اختصار کمی ویرایش شده است.



Karmel Melamed interviews Iran's exiled crown prince, Reza Pahlavi, in Los Angeles on Jan. 31, 2024. Credit: Courtesy

کارمل ملامد: به عنوان کسی که اخیراً با اسرائیلی‌ها و یهودیان در تماس بوده‌اید و سال گذشته نیز از اسرائیل دیدن کردید و به تازگی در موزه «مدارا» در لس‌آنجلس سخنرانی کرده‌اید، پیام شما برای یهودیان سراسر جهان پس از حمله تروریستی حماس در هفتم اکتبر علیه اسرائیل، فجیع‌ترین قتل عام یهودستیزی پس از هولوکاست، چیست؟

شاهزاده رضا پهلوی: ایرانیان در طول تاریخ هرگز به دنبال درگیری و جنگ نبوده‌اند. ما به حسن همجواری و صلح اعتقاد داریم. اول، به این دلیل که می‌دانیم از آن سود خواهیم برد، اما همچنین به این دلیل که درک می‌کنیم که چقدر برای ما مهم است که با دیگران همکاری کنیم.

این امر به ویژه در قرن بیست و یکم صادق است، زمانی که آشکارتر شده که مشارکت استراتژیک با کشورهای دارای منافع مشترک برای پیشرفت، توسعه، مدرنیته و رفاه بسیار حیاتی است. اینهمه را فقط کسانی می‌توانند به دست آورند که به صلح باور دارند.

اما کسانی هستند که به جنگ اعتقاد دارند. کسانی هستند که به مرگ اعتقاد دارند. آنها اهداف خود را با چنین ابزاری توجیه می‌کنند و رابطه‌شان با صلح مانند روغن و آب است که هرگز مخلوط نمی‌شوند.

اولین پیام به آنانکه بر یک باور هستیم، اینست که بدانیم یک دشمن مشترک داریم و یک تهدید مشترک. و این یک تهدید جدی است. این دشمن، رژیم اسلامی در ایران، حداکثر تلاش خود را برای ارتکاب اعمال شیطانی به کار می‌گیرد. تنها راه مقابله با آن، اتحاد، همکاری و حل کردن مشکل است.

مشکل اساساً خنثی کردن و از بین بردن دشمن است، زیرا تا زمانی که این دشمن وجود دارد، مشکلات ادامه خواهد داشت. من بارها و بارها درباره پیامدهای استمرار حیات این رژیم به جهان هشدار داده‌ام. این حکومت تقریباً در هر مشکلی که جهان می‌بایست با آنها دست و پنجه نرم کند و با افراط‌گرایی، تروریسم، مداخله در امور همسایگان و تهدید هسته‌ای شروع شده، دست دارد.

ما در مورد مردم ایران صحبت می‌کنیم که این رژیم آنها را نمایندگی نمی‌کند. این رژیم در درجه اول هیچ باوری به ایران ندارد. علی خامنه‌ای گفته: «ایران مهم نیست؛ اسلام مهم است.» هدف رژیم استفاده از ایران به عنوان سکویی برای گسترش انقلاب و تلاش برای صدور ایدئولوژی خود به سراسر جهان است و نه به خاطر مردم ایران.

بعد هم نیابتی‌های رژیم را می‌بینیم. من فکر می‌کنم بسیاری از آنها به دلیل نبود رهبری قدرتمند در غرب و ضعف آنهاست که تلاش می‌کنند به نوعی با رژیم اسلامی در ایران مماشات کنند. این سیاست فقط طرف مقابل را تشویق کرده که سطح اقدامات خود را بالاتر ببرد. جهان باید درک کند- و من مطمئن هستم که اسرائیلی‌ها بیش از همه می‌دانند، و جامعه یهودی نیز به وضوح می‌داند- که در نهایت باید به چشم اختاپوس پرداخت.

حماس، حزب‌الله و حوثی‌ها بازوهای این رژیم هستند که بیش از چهار دهه است در سطح بین‌المللی و فراتر از منطقه ما فعالیت می‌کنند. تنها راه پایان دادن به همه اینها، از بین بردن منشاء مشکلات است. در برخورد با این دشمن مشترک، همه ما در یک کشتی نشسته‌ایم.

از هفتم اکتبر بسیاری از ایرانیان غیریهودی در ایالات متحده، اروپا، کانادا، استرالیا و جاهای دیگر برای محکوم کردن یهودستیزی و حمایت از اسرائیل در تظاهرات شرکت کردند. همسر شما در میان بسیاری از ایرانیانی بود که در ۱۴ نوامبر در «راهپیمایی برای اسرائیل» در واشنگتن دی‌سی شرکت کرد. آیا می‌توانید این پدیده را که از سوی ایرانیان خارج کشور شکل گرفته و بسیاری از آنها پرچم ملی و قدیمی «شیروخورشید» را حمل می‌کنند، توضیح دهید؟

– ایرانیانی که بطور گسترده از تمدن ایران آگاهی

←

دارند، از ۲۷۰۰ سال موجودیت ایرانیان یهودی و ارتباط مبتنی بر کتاب مقدس و قوم یهود اطلاع دارند. ایرانی‌ها این را می‌شناسند و می‌دانند که این تاریخ چقدر در تضاد با سخنان یهودستیزانه و ضدصهیونیستی رژیم اسلامی است، که از همان روز اول با شعار شیطان «بزرگ» و «کوچک» [از آمریکا و اسرائیل] به عنوان دشمنان خود یاد می‌کرد.

ما دیدیم که چگونه مردم در ایران سعی می‌کنند از لگد کردن پرچم آمریکا و اسرائیل که در ورودی دانشگاه‌های ایران نصب شده خودداری کنند. این یک پیام مستقیم است که آنها به دنیا می‌فرستند تا بگویند آن چیزی نیستند که رژیم می‌خواهد. این مردم متفاوت با رژیم‌اند.

فراموش نکنیم پس از حمله القاعده به ایالات متحده در ۱۱ سپتامبر چه اتفاقی افتاد. بسیاری در خاورمیانه جشن گرفتند، اما ایران تنها کشوری بود که در آن مردم به یاد قربانیان و همدردی با بازماندگان شمع روشن کردند.

این است که با جایگاه ما به عنوان یک ملت سازگار است. در این مورد، من فکر می‌کنم هیچ استثنایی از آن اصل وجود ندارد. ایرانی‌ها می‌دانند چه چیزی برای ما مهم است و این به ارزش‌های مشترک ما در دفاع از آزادی و صلح در مقابل رژیم اسلامی جنگ‌طلب بازمی‌گردد. مردم ایران این را نمی‌خواهند.

آنها می‌گویند: «ما هیچ تعصبی نسبت به هیچ فرهنگ، ملت و مذهبی نداریم. ما متحد هستیم زیرا باید متحد باشیم و تصویر خود را به دنیا نشان دهیم.»

● در سال ۲۰۲۲، قیام مهسا امینی در سراسر ایران با تظاهرات هزاران شهروند علیه رژیم اسلامی به وقوع پیوست. اسرائیلی‌ها در آن زمان در حمایت از مردم ایران سخنرانی و تظاهرات کردند. حتی تعدادی نقاشی دیواری در سراسر اسرائیل برای حمایت از معترضان در ایران به نمایش گذاشته شد. حمایت اسرائیل از مردم ایران و ایرانیان خارج از ایران در آن دوران چقدر تاثیرگذار بود؟

– خوشحالم که این نکته را مطرح کردید، زیرا می‌خواستم تأکید کنم که رسانه‌های اجتماعی چه تأثیری بر گفتگو و ارتباط شهروندان یک کشور با یکدیگر و با بقیه جهان دارند. اینها ابزارهایی هستند که امروزه جوانان ایرانی، جوانان اسرائیلی و دیگران برای گفتگو با هم دارند. آنها از پلتفرم‌های مختلفی استفاده می‌کنند، چه اینستاگرام، چه تیک تاک یا هر چیز دیگری که به آن دسترسی دارند. من در رسانه‌های اجتماعی مختلف متوجه شدم که اسرائیلی‌ها متوجه همدردی، آگاهی و حمایت متقابلی شده‌اند که ایرانی‌ها از آنها نشان می‌دهند و ایرانی‌ها نیز متوجه همان چیزی شده‌اند که اسرائیلی‌ها نسبت به آنها ابراز می‌کنند.

تاکید بر این نکته بسیار مهم است که این پایه و اساس روابط آینده ایران و اسرائیل خواهد بود زیرا نشان می‌دهد که این فقط برخی دولت‌ها نیستند که در مورد سیاست‌ها تصمیم می‌گیرند. این ارتباط چیزیست که شهروندان این کشورها به دنبال آن هستند و به آن نیاز دارند. آنها خواستار روابط بهتر هستند و سیاستی را می‌خواهند که ما را به همکاری با یکدیگر نزدیک کند. این زیبایی چنین مناسباتی است زیرا اکثر تصمیمات قرن بیستم و دوران اخیر- چه طی سال‌های جنگ سرد و چه پس از شیوع کووید-۱۹ توسط دولت‌هایی گرفته می‌شد که سیاست خارجی را از بالا به پایین می‌ساختند. جهان اکنون در جهت دیگری در حال تکامل است. امروزه، این خواسته‌ها در خیابان‌های اکثر کشورهاست که مطرح می‌شود و تصمیم‌گیرندگان را وادار یا ترغیب به پاسخگویی می‌کند.

این ما را به وضعیتی که در حال حاضر با آن روبرو هستیم می‌رساند. چرا اینهمه ناامیدی در مورد سیاست‌های آمریکا در قبال ایران وجود دارد؟ چون هربار مردم ایران را که دارای ارزش‌های مشابهی هستند، به خاطر خودشان تنها می‌گذارند. چگونه ممکن است که راه حل این باشد؟

آنچه به توازن کمک می‌کند این است که جهان بداند که ایرانیان، اسرائیلی‌ها و بسیاری دیگر در منطقه یکسان فکر می‌کنند و آن اینکه چگونه می‌توانیم همه ما از این تغییر بهره‌مند شویم. راه حل همه مشکلات در نهایت رها شدن از شرّ رژیم در تهران است.

● شما سال‌ها در مورد نقض وحشتناک حقوق بشر رژیم فعلی علیه مردم ایران صحبت کرده‌اید. با توجه به تاریخ مشترک یهودیان و ایران، چرا گروه‌های اپوزیسیون ایرانی برای کمک هرگز به جامعه یهودیان ایالات متحده- که برای نزدیک به هفتاد سال در جنبش‌های عدالت اجتماعی و آزادی، از حقوق مدنی گرفته تا حمایت از نلسون ماندلا در برابر آپارتاید آفریقای جنوبی و... کمک به یهودیان شوروی نقش داشته‌اند، مراجعه نکرده‌اند؟

– من نمی‌توانم بجای دیگران صحبت کنم، اما می‌دانم که برخی بیشتر به این موضوع توجه کرده‌اند. هیئتی از ایرانیان آمریکایی، شامل حداقل بخشی از جامعه سیاسی ایرانیان، به اسرائیل رفتند. من مطمئناً اهمیت این رابطه را درک می‌کنم و این یکی از دلایلی بوده که به اسرائیل سفر کردم. من ارزش نوع نفوذی را که می‌توانیم اعمال کنیم تا سیاست‌های درست اجرا شود، می‌دانم.

در مورد عدالت اجتماعی، یکی از پیامدهای این رژیم این است که ایرانیان در کشور با انواع تبعیض اعم از قومی، جنسی و مذهبی مواجه‌اند. روشی که جامعه ما امروز در داخل ایران پاسخ می‌دهد این است که بدانیم در نهایت همه ما قربانی همین رژیم هستیم. فرقی نمی‌کند بهائی باشید یا یهودی، یا عقیده سیاسی یا گرایش جنسی خاصی داشته باشید. همه ما قربانیان مشترک هستیم.

زنان امروز در ایران اولین قربانیان هستند و از همان ابتدا به عنوان شهروندان درجه دو طبقه‌بندی شدند. وقتی در مقیاس بین‌المللی به آن نگاه می‌کنید، حقوق زنان مهم‌ترین عنصر عدالت اجتماعی بوده که به نظر من مقدم بر هر چیز دیگری است. من اهمیت این عناصر را در اتحاد با جامعه یهودی درک می‌کنم.

● بسیاری از ایرانیان آمریکایی از قانون ۵۸۹ یا قانون مهسا در دفاع از حقوق بشر و مسئولیت امنیتی که سال گذشته در مجلس نمایندگان ایالات متحده تصویب شد و در سنا در حال بررسی است، دفاع می‌کنند. این لایحه خواستار تحریم رهبران رژیم ایران به دلیل نقض آنها در نقض حقوق بشر علیه مردم ایران است. آیا به نظر شما جامعه یهودی ایالات متحده باید از این لایحه حمایت کند و جوامع ایرانی و یهودی چگونه می‌توانند در مورد نگرانی‌های مشترک‌شان در مورد رژیم ایران همکاری کنند؟

– قانونگذاری برای ارائه سیاست‌های جدید جهت حل مشکلات مهم است. قانون مهسا امینی به یک جنبه از عوامل مهم برای اعمال فشار حداکثری بر رژیم می‌پردازد. به عبارت دیگر، نه تنها اجرای تحریم‌های موجود، بلکه افزودن تحریم‌های جدید [حقوق بشری] که تأثیر بیشتری خواهد داشت.

در همین ارتباط، ایالات متحده قبلاً (در سال ۲۰۱۹) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی خود قرار داده ولی اروپا در حال بررسی آن است و هنوز این کار انجام نشده است. این بسیار مهم است زیرا این رژیم و بازوهای آن را بیش از پیش فلج می‌کند.

سپاه پاسداران در عمل شبیه مافیای شبه‌نظامی است که بر ایران حکومت می‌کند و همه عرصه‌ها را در کشور کنترل می‌کند. آیا این [فشار بر رژیم و حمایت از مردم] کافیست؟ نه. به همین دلیل است که من همیشه خواستار فشار حداکثری و موازی با آن حمایت حداکثری از مردم بوده‌ام.

موضوع ارتباطات مردم کلیدی است و باید اطمینان پیدا کرد که ایرانیان امکانات و ابزار لازم برای ارتباط را دارند و دسترسی آنها به اینترنت و ارتباط‌شان با بقیه جهان قطع نمی‌شود. هر کمکی در این زمینه عالیست.

ما باید سیاست‌هایی را که در حال حاضر توانایی ایرانیان را برای فرستادن پول به کشور محدود می‌کند، معکوس کنیم. اگر می‌خواهید از یک خانواده حمایت کنید، هزینه زیادی ندارد، اما می‌توانید به معنای واقعی کلمه با وسایل روزانه از یک خانواده حمایت کنید تا حداقل شب‌ها گرسنگی نکشند. با این کار، ایرانیان می‌توانند ریسک بیشتری برای اعتصاب و توقف کار، نافرمانی مدنی و عدم تبعیت از رژیم اسلامی قبول کنند. می‌توانید به صندوق اعتصابات کمک کنید و ایرانی‌ها بتوانند از اموال بلوکه‌شده که در وهله اول متعلق به خود مردم است، برای مبارزه خود استفاده کنند.

فشار از خارج کافی نیست. باید یک عنصر فشار از درون نیز وجود داشته باشد. از این نظر، می‌خواهم توجه را نه تنها به فشار خارجی جلب کنم، بلکه به این موضوع که چگونه می‌توانیم حمایت مستقیم را جهت برابر کردن زمین بازی برای ایرانی‌ها در کشور تأمین کنیم و این با ارتباطات بیشتر شروع می‌شود.

من فکر می‌کنم فرستادن پیام‌های مناسب برای مردم ایران مهم است تا بدانند که ایرانیان مهاجر از چند راه می‌توانند به آنها کمک کنند و نه تنها در سرنگونی رژیم، بلکه مهمتر از همه، در آینده‌ی ایران با بازگرداندن منابع، تخصص، فناوری و کارآفرینی به کشور.

در آن شرایط، این جامعه می‌تواند هم تغییر و هم توسعه اقتصادی را با هم پیش برد و ناگفته نماند که این پیام برای جامعه یهودی، چه ایرانی و چه غیرایرانی، است. در نهایت همه چیز به وضعیت اقتصادی مردم برمی‌گردد. اینها انواع پیام‌هایی هستند که امید بیشتری برای وقوع تغییر می‌دهند. همانطور که دیشب در سخنرانی خود گفتم، می‌توانیم حرکت را از امید به باور و به اینکه واقعاً می‌توان این تغییر را انجام داد، شروع کنیم. این نوع پیام‌ها، که ما آماده‌ایم وارد عمل شویم و کمک کنیم، تا حد زیادی در توانمندسازی مردم ایران و ایجاد حس امکان وقوع تغییر به آنها کمک می‌کند.

● وقتی سال گذشته به اسرائیل سفر کردید، با بسیاری از ایرانیان این کشور که به گرمی از شما استقبال کردند، گفتگو داشتید. چه چیزی شما را بیشتر از همه در مورد جامعه ایرانی در اسرائیل شگفت‌زده کرد و چگونه مراوده‌ی آنها با شما که رسانه‌های خبری فارسی‌زبان پخش می‌کردند، بر برداشت ایرانیان در سراسر جهان در مورد اسرائیل تأثیر گذاشت؟

– اول از همه، من تعجب نکردم، زیرا از همان ابتدا از این احساس آگاه بودم. جامعه ایرانیان یهودی در اسرائیل، در مقایسه با همتایان خود در جاهای دیگر، از همان ابتدا بیشترین تأکید را داشتند که ما مجبور شدیم از کشور فرار کنیم، اما ایرانی و دلبسته به وطن ماندیم.

این برای من تعجب‌آور نبود. من از همان ابتدا می‌دانستم. این احساس امروز بیش از هر زمان دیگری وجود دارد. ولی به شما خواهم گفت که چه چیزی برای من شگفت‌انگیزتر بود. در آخرین روز قبل از بازگشت به اروپا، در ساحل تل آویو در ساحل قدم می‌زدم و شهروندان معمولی اسرائیل هیجان‌زده به سمت من می‌آمدند. آنها خوب می‌دانستند که چرا آنجا هستم و می‌گفتند که چقدر امیدوارند که بتوانیم دوباره این رابطه را بین دو کشورمان برقرار

کنیم. این چیزی بود که انتظارش را در این سطح از اشتیاق و علاقه نداشتم.

● برای بیش از چهار دهه، جامعه یهودی ایران که زمانی گسترده بود، برای امنیت خود و به دلیل آزار و اذیتی که توسط جمهوری اسلامی حاکم بر ایران تجربه کرده بود، تقریباً بطور کامل از ایران گریخت. چه نوع آینده‌ای را برای این ایرانیان یهودی که عمدتاً در آمریکا و اسرائیل زندگی می‌کنند و در آنجا به موفقیت‌های چشمگیری نیز دست یافته‌اند، پس از تغییر رژیم، پیش‌بینی می‌کنید؟ آنها چه نقشی در کمک به بازسازی ایران می‌توانند داشته باشند؟

– بر کسی پوشیده نیست که بسیاری از افرادی که در ایران کارخانه‌ها، صنایع و سرمایه‌گذاری‌هایی را برای کمک به مدرن شدن کشور وارد کردند، ایرانیان یهودی بودند. البته که آنها جزئی از آینده ایران هستند. من می‌خواهم بر یک نکته تاکید کنم. زمانی که هیتلر جنگ خود را آغاز کرد و فجایع هولوکاست را پیش می‌برد، از خودم می‌پرسم تاریخ چگونه تغییر کرد. حمله به پرل‌هاربر آمریکا را به درگیر شدن در جنگ جهانی دوم کشاند. تا آن زمان، این کشور نمی‌خواست با جنگ کاری داشته باشد و می‌دانست که هیتلر با یهودیان چه می‌کند. حتی قبل از جنگ، ما در ایران به یهودیان پناه می‌دادیم و از آنها محافظت می‌کردیم و به ویژه پس از شروع جنگ هم این کمک ادامه پیدا کرد.

ما دیپلمات‌های ایرانی در اروپا مانند عبدالحسین سرداری را داشتیم که در گرفتن ویزا برای یهودیان در فرانسه کمک می‌کردند. ایران کشوری بود- و به جرأت می‌توانم بگویم تنها کشور خاورمیانه بود- که به یهودیان فراری جا و پناه داد. فکر می‌کنم همه ایرانیان این را قبول دارند که ایران کشوری بود که زمانی در دنیا مورد احترام بود. ایرانیان از معدود مردمی بودند که بدون ویزا به بسیاری از کشورها سفر می‌کردند. پاسپورت ایرانی ارزش داشت و آنها مورد احترام بودند. امروز آنها تحقیر شده‌اند و به عنوان تروریست معرفی می‌شوند.

● بر چنین زمینه‌ایست که بازسازی ایران البته که شامل ایرانیان یهودی هم می‌شود و این کاملا واضح است. کسانی بودند که مجبور بودند اما نخواستند ایران را ترک کنند که توسط رژیم به قتل رسیدند. رژیم آنها را وادار به مهاجرت و تبعید کرد. خیلی‌ها ترجیح می‌دادند بمانند، اما چگونه می‌توانستند در چنین سطحی از تبعیض زندگی کنند؟

البته ایرانیان یهودی که مهاجرت کرده‌اند لزوماً مجبور نیستند از نظر فیزیکی برگردند، اما می‌توانند از راه‌های مختلف به ایران کمک کنند. آنها هنوز به کشور وابستگی دارند و هنوز هم می‌توانند آن نقش را دوباره پیدا کنند.

در نهایت، تاریخ هرگز تکرار نخواهد شد اگر که ما فراموش نکنیم که چه اتفاقاتی افتاده است. نسل امروز ایرانیان جوان باید اندکی از آنچه در گذشته اتفاق افتاده و عواملی که در شکل گرفتن آنها مؤثر بوده درک کنند. تصور کنید وقتی فضا باز شود، خارج از همه این تبعیض‌ها، همه فرصت‌های برابر برای مشارکت داشته باشند و ما چه آینده درخشانی می‌توانیم داشته باشیم، چه کارها که می‌توان در ایران انجام داد. این پیامی است که ما باید فراتر از یهودی بودن، بهائی یا مسلمان بودن، یا هر قومیت یا هر تفکر سیاسی دیگری در سراسر جهان منتشر کنیم. درواقع خود کشور است که می‌تواند به خود کمک کند.

● اعلیحضرت، از اینکه با ما در «جی‌ان‌سی» گفتگو کردید متشکرم.

– متشکرم.

***منبع: وبسایت سندیکای خبری یهود جی ان اس**
***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

داروی تلخ!

(کیهان لندن شماره ۱۰۵۷) خردادماه ۱۳۸۴

خیراندیش (احمد احرار)

بازنشر



فرمایش شیخنا دایر به استفاده از داروی تلخ ریاست جمهوری در آستانه ثبت نام برای انتخابات، در عداد سخنان نغز بزرگان، ثبت تاریخ شد.

در «زینت‌المجالس» آمده است:

«زنی جمیله شوهر خود را به قاضی برده گفت ای قاضی، من عورت (زن) جوانم و این مرد پاس خاطر من نمی‌دارد و حق من نمی‌گزارد و من نمی‌توانم جوانی خود را بر باد دهم زیرا که جوانی متاعی نیست که چون از دست برود دیگر بار به‌دست آید. قاضی که مردی عاشق‌پیشه بود از شوهر آن زن پرسید چرا چنانکه باید در تراضی خاطر خاتون نمی‌کوشی؟

مرد جواب داد والله، من در خدمتکاری قصور نمی‌ورزم.

زن گفت من اینها نمی‌دانم، اگر هر شب دَرِ این قصر سیمین را پنج نوبت نزند محال است که دیگر مُلكِ وصالم او را مسخّر گردد.

مرد گفت من هر شب زیاده از سه نوبت حریم حَرَمت را طواف نتوانم کرد. قاضی گفت من در امر قضا عجب کم طالعم که باید قدری از مال خود به یکی از اصحاب دعوی دهم، اکنون نیز به‌جهت قطع این منازعت دو نوبت دیگر را من تکفل می‌کنم تا حدود پنجگانه درست شود!»

جناب شیخ هم فرمودند که جهت قطع منازعه مدعیان، علی‌رغم میل قلبی ناچارند داروی تلخ را مصرف کنند و بالاخره از باب فداکاری و از فرط بی‌میلی و بی‌رغبتی شتابان رفتند و ثبت نام فرمودند. حالا بین وقایع‌نگاران اختلاف افتاده است که عین فرمایش ایشان چه بود. چون وقتی سخنی تاریخی شد و سخن از دهان یك شخصیت تاریخساز بیرون آمد حتی‌المقدور باید بدون دستکاری ثبت تاریخ شود. سخن شیخنا به دو صورت روایت شده است. به‌روایتی ایشان فرموده‌اند مجبورم داروی تلخ ریاست جمهوری را بنوشم. به‌روایت دیگر گفته‌اند مجبورم مصرف کنم. و البته فرق است بین نوشیدن و مصرف کردن.

داروهایی هست که می‌نوشند یا می‌بلعند. نوع دیگری از داروها قابل نوشیدن یا بلعیدن نیست، آنها را مصرف می‌کنند یا به‌کلام طبی‌تر، استعمال می‌کنند.

شما که تشریف می‌برید به دواخانه و دوا می‌خرید، ملاحظه فرموده‌اید که در جوف هر جعبه دوا شناسنامه‌ای هست مشتمل بر خصوصیات دارو و میزان و نوع مصرف آن. مثلا نوشته است «نوع مصرف: نوشیدنی» یا مالیدنی یا برداشتنی (استعمال از مجرای تحتانی).

امروزه «داروی تلخ» به آن معنا که در دوران کودکی ما شصت ــ هفتادساله‌ها وجود داشت کمتر وجود دارد یا اصلا وجود ندارد. حتی تلختترین داروها، از قبیل گنه‌گنه (کنین) را که ضرب‌المثل تلخی بود، با لعابی شیرین و خوشگوار می‌پوشانند که بیخ گلو هم اثری از تلخی باقی نگذارد.

در دوران خردسالی ما از این خبرها نبود. داروی تلخی داشتیم به‌نام «فلوس» که در تلخی طعنه به زهر مار می‌زد. این دارو عبارت بود از میوه یك درخت استوائی که به‌صورت جوشانده سیاهرنگی به‌عنوان مسهل تجویز می‌شد و علاوه بر طعم تلخ، بوی بدی هم داشت. همین که بوی آن در وقت جوشاندن برمی‌خاست بچه‌ها با تب چهل درجه خود را از اتاق می‌انداختند به حیاط و پا به‌فرار. مادرها، و گاهی هم با کمك پدرها یا عمه‌ها و خاله‌ها، مجبور می‌شدند آنها را دنبال کنند و بگیرند و بکشانند به داخل اتاق و طاقباز بخوابانند و دست و پایشان را محکم نگهدارند و دهانشان را ــ که با تمام قوت کلید می‌کردند ــ با زحمت بگشایند و فلوس لعنتی را توی حلقشان بکنند. مادر بیچاره حتی برای آنکه دهان بچه را باز نگهدارد و انگشتش را بچه گاز نگیرد، یك انگشتانه فلزی به انگشت می‌کرد!

با این توضیحات، حالا که شیخنا تن به قضا داده و آماده فداکاری شده است باید دید داروی تلخ را آیا می‌نوشد یا به‌نحو دیگری استعمال می‌کند و یا این که در اواخر کار، مثل جریان انتخابات دوره ششم، از شکری که خورده است پشیمان می‌شود و خواهد گفت «بو می دهد... شایسته، استخوان به سگ و سگ به استخوان»!

حادثه پانزدهم خرداد و مذاکرات هیأت وزیران

علم، فرماندهی عملیات را بر عهده داشت و با خونسردی و قاطعیت شورش را مهار کرد

شاه به فرماندهان نظامی و نیروی انتظامی دستور داده بود آنچه را علم می‌گوید اجرا کنند

بازنشر

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از بهمن‌ماه ۱۳۸۰ تا مهرماه ۱۳۸۱ - از شماره ۸۹۲ تا ۹۲۳)

مقدمه

«بنیاد مطالعات ایران» هفتمین مجلد از مجموعه «توسعه و عمران ایران» را چاپ و منتشر کرد. این مجلد به خاطرات و ملاحظات دکتر علینقی عالیخانی وزیر بازرگانی و رئیس دانشگاه تهران در دوران قبل از انقلاب اختصاص دارد.

ازین مجموعه، قبلا گفتگو با عبدالرضا انصاری (آب و برق خوزستان) گفتگو با اکبر اعتماد (برنامه انرژی اتمی ایران) گفتگو با پرویز مینا (تحول صنعت نفت ایران) گفتگو با منوچهر گودرزی و خداداد فرمانفرمائیان و عبدالمجید مجیدی (برنامه ریزی عمرانی و تصمیم گیری سیاسی) گفتگو با محسن شیرازی (صنعت گاز ایران) گفتگو با باقر مستوفی (صنعت پتروشیمی ایران) انتشار یافته که گزیده‌هایی از هرکدام را خوانندگان ما در صفحه «خاطرات و تاریخ» ملاحظه کرده‌اند.

غلامرضا افخمی که آرشیو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات زیر نظر او قرار دارد در مقدمه‌ای بر «سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران» می‌نویسد:

«علینقی عالیخانی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۸ یعنی بیشترین سالهای دهه چهل شمسی، مسئولیت سیاستگذاری و اجرای سیاستهای اقتصادی کشور را به عهده داشته است. رابطه او با علم صمیمی، با منصور رسمی و با هویدا، اقلا در سالهای اول، دوستانه بود... شاه همواره پشتیبان عالیخانی و نظرات او بود اما در همان حال، شاه و هویدا هردو معتقد به اولویت رسالت دولت در توسعه اقتصادی بودند... تضاد میان نیازهای اقتصاد آزاد و الزامات سیاسی حکومت، تنش می‌آفرید و بر جنّو سیاسی اثر می‌گذاشت. این تنشها متدرجا رابطه عالیخانی و هویدا را مشکل کرد و در نهایت منجر به استعفای عالیخانی شد.»

ازین کتاب بخشهائی را برگزیده‌ایم که به‌تدریج می‌خوانید. طبق معمول کوشیده‌ایم مطالب را طوری تنظیم و تقسیم بندی کنیم که هر شماره تا حدود امکان مطلب مستقلی باشد.



سیاست و سیاستگذاری اقتصادی در ایران
(بخش ۳)
خاطرات علینقی عالیخانی
ویراستار - دکتر غلامرضا افخمی

شاید سه ماه یا چهار ماه بعد از اینکه شما وزیر شدید واقعه ۱۵ خرداد رخ داد. نخست‌وزیر در این واقعه نقش عمده‌ای را ایفا کرد. یا حداقل، اینطور گفته می‌شد که ایفا کرد. وقتی این اتفاق افتاد، آیا در کابینه مسئله مطرح شد و راجع به آن صحبت شد که چه باید کرد؟

ــ بله، از گوشه و کنار خبر می‌رسید که تشنج در میان بازاری‌ها و روحانیون و بزرگ مالکان هست، و همچنین جبهه ملی هم با این اصلاحات مخالف بود. در هیئت وزیران صحبت خاصی نمی‌شد مگر اینکه موردی پیش بیاید که اشاره‌ای بشود. در یك مورد خاطرم هست علم گفت که در قم چند نفر از این طلبه‌ها تظاهراتی کرده بودند، ولی توی سرشان زدم. و به یك طلبه‌ای که کشته شده بود اشاره کرد. همچین چیزی، یعنی در همین حد یك اشاره خیلی کلی کرد. خارج از اینها مطلقاً آمادگی ذهنی نداشتیم که خبری می‌شود. علم هم به روی خودش نمی‌آورد. تنها چیزی که ما شنیده بودیم این بود که فارس هم شلوغ شده و آنجا هم خان‌ها شروع کرده‌اند به یاغی‌گری. اطلاعات ما در همین حد بود. درنتیجه من می‌توانم به شما بگویم آن روزی که ۱۵ خرداد بود خود علم آمادگی کامل داشت؛ روزها بود که او داشت کار می‌کرد؛ ولی چیزی به ما نگفته بود. خیلی مرد تودار و خونسردی بود. پیش خودش فکر می‌کرد که اگر اتفاقی می‌افتد، دلیلی ندارد که بی‌جهت یك حالت ترس و نگرانی در بقیه ایجاد بکند.

من خوب به خاطر دارم که عباس آرام وزیر خارجه وقت که بسیار مرد خوبی بود، از من دعوت کرده بود که بروم به وزارت خارجه چون می‌خواستند با انگلیسها مذاکراتی درباره بحرین بکنند. او به من گفت با آشنایی که درباره خلیج فارس داری دلم می‌خواهد تو هم با من باشی. من البته با آرام در مورد بحرین بارها صحبت کرده بودم و شدیداً معتقد بودم باید ما از ادعای خودمان صرفنظر بکنیم برای اینکه خیلی مهمتر است که بتوانیم چیزگی بر همه خلیج فارس از جمله خود بحرین داشته باشیم. با پس گرفتن این ادعا، شیوخی که از عربستان سعودی، ناصر آن زمان، و غیره وحشت دارند، خواه‌ناخواه می‌آیند طرف ما. احتیاج نداریم که یك چنین خاری در برابر خودمان ایجاد بکنیم. به‌هرحال از من دعوت کرده بود که به وزارت خارجه بروم و بنابراین من صبح با او جلسه داشتم. از آنجا که برگشتم به وزارتخانه، از خیابان خیام، روبروی پارك شهر، می‌گذشتم. در آنجا دیدم که جمعیتی در خیابان هستند و نمی‌توانم بپیچم بروم جلوی وزارتخانه. در ضمن صدای تیر شنیدم و چون نمی‌توانستم با اتومبیل بروم جلوی وزارتخانه همانجا پیاده شدم و از در پشت وزارتخانه در را باز کردند و من رفتم تو. بعد صدای تیر بیشتر شد و تازه فهمیدم که اتفاق وسیعتری در شهر می‌افتد. از پنجره وزارت اقتصاد به خوبی می‌دیدم که در پارك شهر ریختند و کتابخانه پارك شهر را آتش زدند. جریانی که من هم مثل بسیاری کسان دیگر دیدم. بعد از ظهر آن روز ما جلسه هیئت وزیران داشتیم. البته پیش از ظهر من با علم تماس گرفتم. علم فوق‌العاده خونسرد بود. گفتم که من با اجازه او مایل هستم به تدریج کارمندان را بفرستم خانه‌شان. چون با آن وضعی که در شهر هست مصلحت نیست در وزارتخانه بمانند. او هم قبول کرد. به تدریج، اول خانمها و سالمندان، و بعد تمام کارمندان را مرخص کردیم. بعد خودم رفتم منزل. بعد از ظهر جلسه هیئت وزیران داشتیم. تازه دیدم که نزدیك نخست‌وزیری هم تانك در خیابان پهلوی گذاشته‌اند. یك تعداد سرباز در خیابان‌ها هست و یك حالت اضطراری و حکومت نظامی هم اعلان کرده‌اند. ولی در جلسه هیئت وزیران که رفتیم علم فوق‌العاده آرام، خندان و شوخ‌تر از همیشه بود، و رفتارش نشان می‌داد که آدمی است که در یك مرحله بحرانی اهل تسلط بر جریانات است.

ولی، خوب، برای من و طرز فکر من، این حوادث فوق‌العاده ناراحت‌کننده بود و فکر می‌کردم چطور در کشوری که چنین اصلاحاتی می‌کنند یك عده در خیابان می‌ریزند و کار به اینجا می‌رسد. این بود که در هیئت وزیران گفتم که من نمی‌دانم ریشه این امر کجاست و خبر ندارم. خاطرم نیست همان روز گفتم یا در جلسه بعد، ولی گفتم به‌هرحال ما به عنوان دولت مسئولیم، برای اینکه نتوانستیم کاری بکنیم که این اتفاقات نیفتد. چطور ممکن است که کارهای بزرگ نتیجه‌اش این بشود. چون مسئول هستیم، پیشنهاد می‌کنم خسارت وارده به تمام کسانی که آسیب دیده‌اند را جبران بکنیم. خیلی هم تند صحبت کردم. (اتفاقاً تعجب کردم وقتی بعد دیدم که در نظام جدید ایران آن صورتجلسه هیئت وزیران را چاپ و منتشر کردند) بعد باهری که وزیر دادگستری بود هم در همین زمینه صحبت کرد، مرحوم خوشبین، وزیر مشاور هم در همین زمینه صحبت کرد. چندین نفر دیگر خیلی آزادانه حرف زدند. به‌هرحال چندین نفر صحبت کردیم و علم آزادی کامل می‌داد. یعنی صحبتهای ما صحبتهای تندی بود. بعد هم پذیرفت و گفت خیلی خوب، خودتان بنشینید کمیسیون تشکیل بدهید و ببینید چه شکلی می‌شود یك راه حلی برای کسانی که خسارت دیده‌اند پیدا کرد. ولی می‌گویم آن حرفی را که من زدم که من دولت را مسئول می‌دانم چون نمی‌بایست یك همچین اتفاقی می‌افتاد برای اینکه اگر درست کار کرده بودیم به چه دلیلی باید کسی در خیابان بریزد، یك همچین حرفهایی را ابتدا به ساکن زدیم و هیچ اتفاقی هم نیفتاد. آن موقع خیلی وضع فرق داشت، هیئت وزیران با هیئت وزیران چند سال بعد یا ده سال بعدش یك دنیای دیگری بود. آن زمان نکات را جدی می‌گرفتیم و خیال می‌کردیم که جدی است.

کمیسیونی برای رسیدگی

در این جلسه علم گفت که یك کمیسیون تشکیل بدهید از وزیر کشور دکتر پیراسته، وزیر دادگستری باهری، و عالیخانی و ما هم فوری جلسه‌ای تشکیل دادیم. اول گفتیم که چون خودمان نمی‌رسیم ببینیم که چه اتفاقی افتاده و چه کسانی خسارت دیده‌اند و چقدر دیده‌اند، بیائیم و نماینده‌ای از طرف خودمان معرفی بکنیم که کارها را آن سه نماینده انجام بدهند، و بعد در یك جلسه‌ای کل کار را به اطلاع

←

ما برسانند. ما پیشنهاداتی را که تصویب می‌کنیم به هیئت وزیران ببریم وآنها تصمیم قطعی بگیرند. من به عنوان نماینده خودم یکی از خوشنام‌ترین بازاری‌ها،که خیلی آلودگی تجارتی نداشت، شخصی به نام حاج آقا رضا مجد که خیلی هم مورد احترام طبقه روحانی بود، را معرفی کردم. با هم از پیش به خاطر اتاق بازرگانی ــ البته عضو اتاق نبود اما با آنجا رفت و آمد داشت ــ آشنا شده بودیم و فوق‌العاده برایش احترام داشتم. مردی بود خیلی مذهبی و بی‌نهایت پاك و بسیار خوب بازار را می‌شناخت. بعد وزیر کشور، پیراسته، با من صحبت کرد که کی را انتخاب بکنم. گفتم شما می‌توانید ستّاره فرمانفرمائیان را انتخاب بکنید، برای اینکه در این کارهای اجتماعی خیلی وارد است. او خیلی خوشحال شد. گفت همین را انتخاب می‌کنم و ستّاره فرمانفرمائیان شد نماینده وزارت کشور. دکتر باهری هم یکی از قضات بسیار خوشنام دادگستری را معرفی کرد و خاطرم نیست که بود. در اولین جلسه‌ای که ما با آن سه نفر داشتیم، حاج آقا رضا مجد از اینکه کنار یك زن بی‌حجاب نشسته خیلی ناراحت بود. دستش را طوری گذاشته بود که او را نبیند و ستاره هم با بردباری و بزرگواری همیشگی خودش، که آشنا به این چیزها بود، لبخندی می‌زد و چیزی نمی‌گفت. بعد این سه نماینده رفتند دنبال کارشان. چند هفته بعد که برگشتند و دومرتبه ما با این سه نفر جلسه داشتیم، دیدم حاج آقا رضا مجد می‌گوید ستاره خانم کجا می‌نشینی من باید پهلویت بنشینم. در عرض این مدت اینها خیلی با هم دوست شدند. به شوخی گفتم حاج آقا شما چطور به ستاره این قدر نزدیکید، آخر این زن بی‌حجاب است. گفت این زن مقدس است. من این را در کارش دیدم. این زن مقدس است. من به این چیزها توجه ندارم! این اتمسفری بود که درش ما کار می‌کردیم. بعد البته همه اینها در برابر ستّاره لنگ انداخته بودند. برای اینکه ستّاره آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی را داشت و جوانهایی که آنجا تربیت کرده بود، می‌رفتند به سراغ اینکه دانه دانه خانواده‌هایی که کسی از آنها کشته یا زخمی شده بود را گیر بیاورند. ما توانستیم ۸۳ یا ۸۴ نفر را پیدا کنیم که متأسفانه در این جریانات مرده بودند. بیشترشان کنار خیابانها بودند ودر حوادث تیراندازی از بین رفته بودند. یك عده‌ای هم آسیبهایی دیده بودند، مثل کسی که سفره‌اش را در کنار شمس‌العماره پهن کرده بود که استکان بفروشد و استکان‌ها در این شلوغی لگدمال شده بود. کسی که شیشه‌های مغازه‌اش شکسته بود. آنجا جایی بود که حاج آقا رضا مجد می‌گفتم به این باید ۱۵۰ تومان داد، به آن یکی ۱۲۰۰ تومان داد. و وقتی که می‌گفت، شاید با ۵ درصد اختلاف، رقم صحیحش معلوم می‌شد. بعد ما تصمیم گرفتیم به تمام خانواده‌هایی که سرپرست‌شان را از دست داده بودند مقرری بدهیم و هزینه تحصیل بچه‌هایشان را تا زمانی که تحصیلاتشان را تمام کنند، از جمله تحصیلات دانشگاهی، تأمین کنیم و عنوان اقلام هزینه را در بودجه دولت بگذاریم. برای مشخص کردن کارهای اجرائی مربوط به سرپرستی خانواده‌ها و اینکه بعداً چطور زندگانی می‌کنند یك روز کار کردیم، که خوب روشن باشد که به چه صورت از این خانواده‌ها حمایت خواهد شد. واقعاً یك نمونه بود این کاری که کردیم. نتیجه را بردیم به هیئت وزیران. علم که مرد قاطعی بود در این کارها و بقیه اعضای هیئت وزیران با کمال میل همه را قبول کردند. تا شب انقلاب ۱۳۵۷ هنوز کسانی بودند که از بودجه نخست‌وزیری از این بابت پول می‌گرفتند. تمام آن بچه‌ها تربیت شدند و تمام آن خانواده‌ها به صورت خوب ازشان نگهداری شد و کسانی که خسارت دیده بودند همه خسارتشان را پس گرفتند. این خیلی جالب است. چون بیشتر اینها خرده‌پا بودند، اثر فوق‌العاده خوبی در طبقه بازرگان، بازاری و مردم معمولی گذاشته بود. آنهایی که خبردار بودند که چه کار می‌کنیم. ولی باز هم متأسفانه ما چون هیچ وقت حرف آن را نمی‌زدیم و خبر این اقدامات پخش نمی‌شد مردم هیچ وقت از این جریان آگاه نشدند. بنابراین در یك نظام سربسته‌ای که شما دموکراسی ندارید، خیال می‌کنید که کارتان را بهتر انجام می‌دهید، اما در واقع کارتان را درست انجام نداده‌اید.

این جریانی بود که درباره ۱۵ خرداد باید بگویم، که البته همراهش جریانات فارس هم بود. در فارس هم، پس از زد و خوردهای اولیه، دولت خیلی با محکمی رفتار کرد. سرانی را که گرفتند، فکر می‌کردند مثل بارهای پیشین که یاغی شده بودند بخشوده می‌شوند، و تا شبی که قرار بود اعدام بشوند، چون دادگاه حکم اعدام علیه آنها صادر کرده بود، می‌خندیدند، چون خیال می‌کردند که دولت شوخی می‌کند. واقعاً چندین بار از این احکام داده بودند. اما، آن روز بعد که واقعاً برده بودند که اعدامشان بکنند، تازه فهمیدند که کجای کار هستند و یکمرتبه آن سنت قدیمی ضعف در برابر خانها و قلدرهای محلی پایان یافت. این کارهایی بود که علم در نهایت قدرت انجام می‌داد.

واکنش شاه

می‌گویند علم آن روز به شاه گفته بود که اجازه بدهید من تصمیمات مربوط به جلوگیری از وقایعی که اتفاق می‌افتد را بگیرم، و به خاطر قاطعیت علم است که جلو این غائله سریعاً گرفته شد. شما اطلاع مستقیمی از این جریان دارید؟

ــ شاه و علم از جریانات اطلاع کامل داشتند. شاه از چند روز پیش دستور داده بود که دو لشکر تهران در اختیار علم خواهد بود. به رئیس شهربانی و فرمانده گارد شاهنشاهی دستور داده بود دستورهایی را که علم می‌دهد اجرا کنید. بنابراین، این کار پیش‌بینی شده بود و علم هم از چند روز پیش خودش حتی به کلانتریها می‌رفت و سرکشی می‌کرد. موضوع کلانتری‌ها را خودش بعداً به من گفت. دوست خیلی نزدیکش صادق عظیمی، که در ژنو زندگانی می‌کند، او هم همان موقع به تهران آمده بود و شاهد عینی بود در آنجا. بنابراین روزی که این جریانات حادث شد شاه خیالش راحت بود چون کارها را به علم سپرده بود. یکی از کسانی که آن روز شرفیاب بود و شاهد واکنش شاه بود خونسردی شاه را تائید می‌کرد و می‌گفت وسط گزارش یکباره صدای تیراندازی آمد و صدا زیاد شد و او گزارش خودش را برید و ادامه نداد. شاه گفته بود چرا گزارشت را ادامه نمی‌دهی؟ او اشاره کرد به تیراندازی و شاه گفته بود که به ما چه مربوط است، شما گزارشتان را بدهید. به عبارت دیگر، شاه از یك طرف به عقیده من خودش می‌دانست که در آن کاری که کرده مردم با او هستند و کاملاً احساس می‌کرد که در جریان رأی دادن ۶ بهمن با علاقه شرکت کرده‌اند. برای این که خودش بهتر از همه می‌دانست که اگر قرار است اخذ رأی قلابی باشد، چه شکلی باید ترتیبش را بدهند و مردمی که اینجا رأی دادند، و واقعاً هم داده بودند، را پشت سر خودش می‌دانست. ولی، از این گذشته، احساس می‌کرد که کسی که عامل اجرای دستورات اوست، واقعاً می‌تواند این کار را بکند. علم مسئول کار شد. علم، بعداً که برای من این حادثه را تعریف می‌کرد، می‌گفت بعضی از نظامیها که بعدها اظهار شهامت و شجاعت می‌کردند، آن روز خودشان را باخته بودند. ولی از دو نفر خیلی تعریف می‌کرد. یکی نصیری رئیس شهربانی بود. می‌گفت خونسرد مطلق بود. یکی هم اویسی. این دو نفر فوق‌العاده خونسرد بودند و دستوراتی که به آنها می‌دادند درست همان را انجام می‌دادند.

برای نظامی خیلی مهم است که مقام غیرنظامی که رئیس اوست و به او دستور می‌دهد، دستورش را روشن بدهد. آن وقت، آنها هم کارشان را خوب انجام می‌دهند. ولی اگر خود رئیس هم نداند که چی می‌خواهد، آن وقت نظامی بدبخت هم گیر می‌کند. در جریان ۱۳۵۷ یکی از بدبختی‌ها



تهران، در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ پس از مستقر شدن تانکها و اقدام به عملیات نظامی برای سرکوب شورش

این بود که این نظامی‌ها را ریخته بودند در خیابان و از فرمانده بالاشان گرفته تا پائین نمی‌دانستند برای چی اینها در خیابان هستند. ولی در ۱۵ خرداد خیلی خوب می‌دانستند. برای اینکه آن مقامی که در بالای اینها قرار گرفته بود، می‌دانست که چی می‌خواهد از اینها و به آنها دستور می‌داد و دستور را اینها اجرا می‌کردند. آن وقت، این شهامت می‌خواهد که در چنین شرایطی به سرباز بگویند که بزن. چون خود علم برای من تعریف می‌کرد که باجناق او، یعنی شوهر خواهر خانم علم، که پزشك بود و در بیمارستان بازرگانان کار می‌کرد، دیده بود یك نفر از دیوار می‌خواست بیاید بالا و در راه از دست نظامیان تیر خورده و افتاده. بقدری ناراحت شده بود که تلفن را برداشته و ناسزاهای رکیك به علم پای تلفن گفته بود، که تو شرم نداری مردم را این طور می‌کشی. از علم پرسیدم شما چه کردید؟ گفت هیچی، حرف‌هایش را گوش کردم و بعد گوشی را گذاشتم و می‌دانستم که نمی‌فهمد چی می‌گوید. این مرد خونسردی لازم را داشت.

البته درغروب ۱۵ خرداد همه از خود سئوال می‌کردند که فردا چه اتفاقی می‌افتد. علم در جلسه هیئت وزیران گفت که شب را در نخست‌وزیری به سر خواهد برد و به همه ما یك شماره تلفن داد و گفت این تلفنی است که امروز نصب کردم و فقط هم زنگی که می‌زنید باید یك کار مهمی اتفاق افتاده باشد. بی جهت به من زنگ نزنید، برای اینکه من خیلی این چند شب کم‌خوابی داشتم، می‌خواهم امشب بخوابم. ولی علم در ضمن هم رفته بود به کاخ، موقعی که شاه در سعدآباد بود. می‌گفت وقتی که آنجا رسیدم، دیدم ایادی و چند نفر دیگر شروع کرده بودند شعری را که در توفیق بود به صورت نوحه‌خوانی خواندن، برای اینکه همه‌شان فکر می‌کردند که این جریان باعث می‌شود که علم از کار بیفتد، و آنها مسخره‌بازی درمی‌آوردند. علم می‌گفت اینها مدعی بودند که می‌خواهند روحیه شاه را خوب بکنند، ولی در واقع بدجنسی علیه من می‌کردند. می‌گفت وقتی که پهلوی شاه رفتم دیر شده بود و سر شام نرسیدم. شاه گفت که شام خورده‌اید؟ گفتم نه. گفت برایت شام نگهداشتیم. این هم باز همان حالت انسانی شاه است که خیلی سنگ تمام گذاشته بود. علم گفت من مشغول خوردن شام شدم و شاه با من حرف می‌زد و من گزارش می‌دادم و ایادی و چند تن دیگر به نوحه‌خوانی خود ادامه می‌دادند. یك دفعه شاه برگشت و گفت اینها کی هستند این صداها را از خودشان در می‌آورند. همه فهمیدند که باید ساکت بشوند و رفتند. گفت بعد تمام حرفهایم را زدم. شاه گفت خوب، امروز گذشت، ولی فردا چه می‌کنی؟ و نگران بود. پس از آن آرامش روز، ته دل نگران بود. پرسیدم نگرانی اعلیحضرت از بابت چیست؟ گفت فردا می‌گویند در فلان و فلان نقطه می‌خواهند تظاهرات بکنند، ما چه می‌توانیم بکنیم. گفتم اعلیحضرت از من می‌پرسید که ما چه می‌توانیم بکنیم؟ گفت بله. گفتم من اولین کاری که می‌کنم دست می‌گذارم زیر... اعلیحضرت، اگر دیدم وزن دارد پدری از اینها در بیاورم که آن سرش ناپیداست؛ اگر دیدم نه، هیچ وزنی ندارد، سوار هواپیما می‌شوم می‌روم! شاه خندید و گفت پس منظورتان این است که اگر شلوغ کردند باید بزنیم. گفتم راه دیگری ندارد، باید بزنیم. شاه خیالش راحت شد.

● این که می‌گویند علم دستور داده به افسران که بروند و بزنند و گفته که من می‌خوابم تا کارتان تمام نشده مرا بیدار نکنید، در واقع مسبوق به این مطلب دیگر است، یعنی بعد از اینکه آن روز تمام شده و شب...

ــ شب خبری نبود. البته به فرماندهان نظامی عین همین حرف را زده بود که اگر اتفاقی افتاد مرا بیدار کنید، ولی مزاحم خوابم بی‌جهت نشوید. **(ادامه دارد)**

در چهل و پنجمین سالگرد انقلاب اسلامی، ۳۳ زندانی سیاسی در فهرست اعدام قرار دارند



● خبرگزاری هرانا ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به مناسبت فرارسیدن سالگرد انقلاب ۵۷، فهرستی از ۳۴ زندانی با اتهامات سیاسی یا امنیتی محکوم به اعدام در ایران را تهیه کرده است.

چهل و پنج سال پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، جمهوری اسلامی قرار است دست‌کم ۳۳ زندانی سیاسی را به پای چوبه دار بفرستد.

خبرگزاری هرانا ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به مناسبت فرارسیدن سالگرد انقلاب ۵۷، فهرستی از ۳۴ زندانی با اتهامات سیاسی یا امنیتی محکوم به اعدام در ایران را تهیه کرده است.

عباس (مجاهد) کورکوری

مرکز رسانه قوه قضاییه در مورد عباس (مجاهد) کورکوری، شهروند زندانی در زندان شیبان اهواز، مدعی است که وی متهم به قتل کیان پیرفلک، کودک جان باخته در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ است. این در حالیست که خانواده پیرفلک از جمله زینب مولایی‌راد، مادر این کودک بارها این ادعا را رد کرده و اظهار داشته که فرزند او در پی تیراندازی نیروهای وابسته به حکومت، جان خود را از دست داده است.

رضا رسایی

رضا رسایی، ۳۴ ساله، شهروند پیرو آیین یارسان در۳ آذر ۱۴۰۱ از سوی ماموران اداره آگاهی در شهریار تهران بازداشت و به زندان دیزل‌آباد کرمانشاه منتقل شد. این بازداشت در پی کشته شدن نادر بیرامی، رئیس اطلاعات سپاه پاسداران شهرستان صحنه در جریان مراسم گرامیداشت بیست و یکمین سالگرد وفات سید خلیل عالی‌نژاد، از رهبران پیشین جامعه یارسان صورت گرفت.

انور خضری،کامران شیخه، خسرو بشارت

انور خضری، کامران شیخه و خسرو بشارت، سه زندانی سنی مذهب محبوس در زندان قزلحصار کرج در سال ۱۳۸۸ در پرونده‌ای مشترک با قاسم آبسته، ایوب کریمی، داوود عبدالهی و فرهاد سلمی، به ظن قتل ماموستا «عبدالرحیم تینا» که در مهر ۱۳۸۷ ازسوی افراد ناشناس کشته شده بود، بازداشت شدند.

شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی محمد مقیسه در اسفند ۱۳۹۴ این شهروندان را به اعدام محکوم کرد. این حکم پس از نقض در دیوان عالی کشور برای بررسی مجدد به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران ارجاع داده شد. قاضی ابوالقاسم صلواتی در نهایت مجددا حکم اعدام را برای این افراد صادر کرد.

در نهایت شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور در بهمن ۱۳۹۸ این احکام را تایید کرد. از این میان، احکام اعدام قاسم آبسته، ایوب کریمی، داوود عبدالهی و فرهاد سلیمی به ترتیب در روزهای ۱۴ آبان، ۸ آذر،۱۲ دی و سوم بهمن امسال در زندان قزلحصار کرج اجرا شد و اکنون سه متهم دیگر پرونده در شرف اعدام در زندان قزلحصار کرج بسر می‌برند.

فرشید حسن‌زهی

فرشید حسن زهی ۲۶ ساله در ۳ آذر ۱۴۰۱ ازسوی نیروهای امنیتی در روستای چشمه زیارت از توابع شهرستان زاهدان، به اتهام "تیراندازی به خودروی پاسگاه روستای چشمه زیارت زاهدان" بازداشت و اکنون در بند ۹ زندان زاهدان بسر می‌برد. جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات وی که به صدور حکم اعدام برای او منجر شد، به صورت آنلاین و بدون حضور وکیل مدافع برگزار شد.

منصور دهمرده

منصور دهمرده، متولد ۱۳۷۹ دارای معلولیت جسمی که در ۱۱ مهر ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات سراسری در زاهدان بازداشت و به زندان این شهر منتقل شد. وی در دی ماه سال گذشته در مرحله بدوی ازسوی شعبه ۲ کیفری دادگاه شهید نوری زاهدان به اتهام "افساد فی‌الارض" به اعدام محکوم شد.

جمشید شارمهد

اوایل اردیبهشت سال ۱۴۰۲ حکم اعدام جمشید شارمهد در دیوان عالی تأیید شد.جمشید شارمهد امرداد سال ۱۳۹۹ با یک سناریوی امنیتی از سوی وزارت اطلاعات دولت

حسن روحانی به دوبی کشانده شد و پس از ربوده شدن به ایران منتقل گردید.جلسات دادگاه رسیدگی به اتهامات وی از ۱۷ بهمن ۱۴۰۰ تا یکم شهریور ۱۴۰۱ ازسوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ابوالقاسم صلواتی برگزار شد. شارمهد در اوایل اسفند ۱۴۰۱ به اتهام "افساد فی‌الارض از طریق طراحی و هدایت اقدامات تروریستی" به اعدام محکوم شد.مسعود ستایشی، سخنگوی قوه قضائیه درخ ۶ اردیبهشت ماه از تایید حکم اعدام این زندانی در دیوان عالی کشور خبر داد.

محمد زین‌الدینی

محمد زین‌الدینی در مهرماه ۱۳۹۹ و ادهم نارویی در ۴ خرداد ۱۴۰۰ از سوی نیروهای امنیتی در شهر لاشار از توابع شهرستان اسپکه بازداشت شدند. پرونده آنها از شعبه ۶ بازپرسی دادسرای زاهدان در ارتباط با کشته شدن ۳ نیروی امنیتی به شعبه یک دادگاه کیفری استان ارجاع شد. این زندانیان سیاسی اواخر سال ۱۴۰۱ازسوی شعبه یک دادگاه کیفری زاهدان به اتهام "محاربه از طریق اقدام مسلحانه" به اعدام محکوم شدند. این حکم در ۲۹ آبان ماه در دیوان عالی کشور تایید شد.

محمدجواد وفایی ثانی

محمدجواد وفایی ثانی، ۲۸ ساله از مربیان رشته بوکس ۱۸ بهمن ۱۳۹۸ در مشهد بازداشت و به «افساد فی‌الارض» از طریق «تحریق و تخریب اماکن خاص از جمله ساختمان تعزیرات حکومتی» متهم شد.

-محمد جواد وفایی ثانی اتهام وارد شده را در دادگاه رد کرده است. او پس از بازداشت در مشهد برای اعترافات اجباری زیر شکنجه‌های شدید قرار داشته است. پس از صدور حکم اعدام علیه این جوان ورزشکار در زمستان گذشته دیوان عالی کشور با پذیرش فرجام‌خواهی، پرونده را به شعبه هم عرض فرستاد اما این شعبه نیز او را به اعدام محکوم کرده است.

عباس دریس

عباس دریس و برادرش که هر دو ساکن شهرک «چمران» بودند پس از کشتار مردم در نیزارهای ماهشهر در یک پرونده‌سازی از سوی نهادهای امنیتی بازداشت شدند. آنها در ابتدا به «قتل عمد» رضا صیادی از مأموران نیروی انتظامی متهم شدند اما بعد در اقدامی عجیب اتهام آنها تغییر کرد و به «محاربه، اخلال در نظم و مشارکت در قتل یکی از نیروهای یگان ویژه نیروی انتظامی موسوم به نوپو» تبدیل شد.دادگاه انقلاب بر اساس اعترافات اجباری و زیر شکنجه عباس دریس مبنی بر تیراندازی و کشتن یک مأمور نیروی انتظامی او را به اعدام و برادرش را به اتهام «شرکت در قتل» به حبس ابد محکوم کرد.در بهمن سال جاری، درخواست اعاده دادرسی پرونده عباس دریس در دیوان عالی کشور رد شد.

احمدرضا جلالی

احمدرضا جلالی پزشک و استاد دانشگاه ایرانی‌تبار و شهروند سوئد است که اردیبهشت ۹۵ در حالی که برای شرکت در یک کنفرانس علمی به ایران سفر کرده بود توسط وزارت اطلاعات بازداشت شد.او پس از ۹ ماه زندان از جمله سه ماه انفرادی در روز ۱۲ بهمن ۱۳۹۵ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب توسط قاضی ابوالقاسم صلواتی متهم به «جاسوسی و فروش اطلاعات به اسرائیل» و فساد فی‌الارض محکوم به اعدام شد. ذبیح‌الله خدائیان، سخنگوی سابق قوه قضاییه در ۲۰ اردیبهشت سال گذشته اعلام کرده بود حکم اعدام احمدرضا جلالی، زندانی دو تابعیتی قطعی است.

یوسف احمدی

یوسف احمدی به همراه محمد کریمی، باسط کریمی و محمد فیضی در یک پرونده مشترک اوایل اردیبهشت ۱۳۹۹ به ظن "همکاری با یکی از احزاب اپوزیسیون کردستان" ازسوی نیروهای امنیتی بازداشت شد. شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج، به ریاست قاضی سعیدی در شهریورجاری، یوسف احمدی را به اتهام بغی به اعدام و محمد کریمی، باسط کریمی و محمد فیضی را به اتهام معاونت در بغی به ترتیب به ۲۵، ۲۰ و ۲۰ سال حبس محکوم کرد. حکم اعدام یوسف احمدی در بهمن ماه از سوی شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور تایید شد.

منصور رسولی، آران عمری، رحمان پرهازو، وفا هناره، و نسیم نمازی به همراه ۵ متهم دیگر در آبان ۱۴۰۰ ازسوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند که با حکم دادگاه انقلاب به اتهام محاربه و افساد فی‌الارض از طریق همکاری اطلاعاتی اسرائیل به قصد برهم زدن امنیت کشور به اعدام محکوم شدند. ۵ متهم دیگر این پرونده نیز به نام‌های کامران هناره، فخرالدین دودکانلوی میلان، اشکان عثمان‌نژاد، حسن عمرپور و امیر مشتاق گنگچین، از سوی دادگاه انقلاب به ۱۰سال حبس محکوم شدند و در بند سیاسی زندان ارومیه دوران محکومیت خود را سپری می‌کنند. از بین ۵ زندانی محکوم به اعدام، احکام آران عمری، رحمان پرهازو، وفا هناره و نسیم نمازی در ۸ دی ۱۴۰۲ در زندان ارومیه اجرا شد.

نائب عسکری

نائب عسکری در ۷ فروردین ۱۴۰۰ از سوی ماموران اطلاعات سپاه ارومیه بازداشت و در ۲۶ فروردین ۱۴۰۲ به صورت غیابی از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب ارومیه به اتهام "محاربه" به اعدام محکوم شد. پس از پذیرش درخواست دادخواهی این زندانی، شعبه مذکور پس از چند جلسه دادرسی، اتهام او را از "محاربه" به "بغی" تغییر داد و مجددا اواخر مهرماه او را به اعدام محکوم کرد. جلسات دادرسی این زندانی در مرجع قضایی مذکور بدون حضور وکیل مدافع او برگزار شد. عضویت در یکی از احزاب اپوزیسیون کردستان، از مصادیق اتهامی نائب عسکری عنوان شده است.

فاضل بهرامیان، مهران بهرامیان، داریوش صاعدی و یونس بهرامیان

فاضل بهرامیان، مهران بهرامیان، داریوش صاعدی و یونس بهرامیان در ۱۱ دی ۱۴۰۱ پس از شرکت در مراسم چهلم چند تن از جان‌باختگان اعتراضات به نام‌های علی عباسی، مراد بهرامیان، مسلم هوشنگی و (نام کوچک نامشخص) آصفی بابت پرونده‌ای مشترک دستگیر و به زندان دستگرد اصفهان منتقل شدند. فاضل بهرامیان و مهران بهرامیان به اتهام "قتل محسن رضایی، مامور یگان ویژه" ازسوی شعبه ۳۳ دادگاه کیفری اصفهان به ریاست قاضی همتی به اعدام محکوم شدند. داریوش صاعدی و یونس بهرامیان، دیگر متهمان این پرونده به اتهام همکاری در قتل مامور مذکور هر یک به ۱۶ سال حبس محکوم شدند. پرونده این متهمان اکنون در دیوان عالی کشور در دست بررسی است.

علی مجدم، محمدرضا مقدم، معین خنفری، حبیب دریس، عدنان غبیشاوی، سالم موسوی

شش نفر به نام علی مجدم، محمدرضا مقدم، معین خنفری، حبیب رریس، سید عدنان غبیشاوی و سید سالم موسوی به اتهام دست داشتن در عملیات تروریستی در سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ در استان خوزستان به اعدام محکوم شدند. این افراد گفته می‌شود که از اعضای «حرکت النضال» هستند. رهبر سابق این گروه، حبیب اسیود با تابعیت دوگانه ایرانی- سوئدی نیز در مهر ۱۳۹۶ در جریان سفری به استانبول توسط مامورین جمهوری اسلامی ربوده و به ایران منتقل شد.

فرهاد شاکری، عیسی عیدمحمدی، عبدالرحمان گرگیج، عبدالحکیم عظیم گرگیج، تاج محمد خرمالی

عیسی عیدمحمدی، فرهاد شاکری، عبدالحکیم عظیم گرگیج، عبدالرحمان گرگیج، عبدالباسط اورسن، محمدرضا شیخ احمدی و مرتضی فکوری، حمید راست بالا، کبیر سعادت جهانی و محمدعلی آرایش در سال ۱۳۹۴ توسط ماموران اداره اطلاعات بازداشت و به مدت ۱۰ الی ۱۲ ماه در سلول‌های انفرادی بازداشتگاه اداره اطلاعات مشهد نگهداری شدند. آنان از حدود ۴ سال پیش در زندان وکیل آباد مشهد در بازداشت بسر می‌برند. شعبه ۱ دادگاه انقلاب مشهد به ریاست قاضی محمود داوود آبادی در سال ۹۸ حمید راست بالا، فرهاد شاکری، کبیر سعادت جهانی، محمدعلی آرایش، عیسی عیدمحمدی، حکیم عظیم گرگیج و عبدالرحمن گرگیج را به اتهام «بغی از طریق عضویت در گروه سلفی حزب الفرقان و عضویت در جبهه همبستگی ملی اهل سنت ایران» به اعدام و محمدرضا شیخ احمدی، عبدالباسط اورسن و مرتضی فکوری را به اتهام «بغی از طریق عضویت در گروه تکفیری و سلفی داعش» هر کدام به ۱۵ سال حبس تعزیری محکوم کرد. احکام اعدام حمید راست بالا، کبیر سعادت جهانی و محمدعلی آرایش زندانیان سنی مذهب و هم‌پرونده شماری از این افراد در زندان وکیل آباد مشهد در تاریخ ۱۱ دی‌ماه ۹۹ اجرا شد در حالی که خانواده آنان از ملاقات آخر نیز محروم شده بودند.

امیر رحیم‌پور

غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی سابق قوه قضاییه در۱۵ بهمن ۱۳۹۸ از تایید حکم اعدام امیر رحیم پور، دارای مدرک فوق‌لیسانس برق قدرت به اتهام "همکاری با دولت متخاصم آمریکا" در دیوان عالی کشور خبر داد. وی در شرح پرونده این زندانی مدعی شده بود: "این فرد ضمن ارتباط با سازمان جاسوسی، از آن‌ها دستمزدهای کلانی را هم به عنوان حق‌الرحمه دریافت کرده و تلاش می‌کرد بخشی از اطلاعات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را در اختیار سرویس آمریکا قرار دهد".

مالک داورشناس (سید مالک موسوی)

مالک داورشناس در اردیبهشت ۱۴۰۰همراه یکی از دوستانش به نام عباس خزرجی ازسوی نیروهای امنیتی بازداشت شد. پس از بازجویی، شعبه دوم دادگاه انقلاب دزفول وی را به اتهام "بغی" به اعدام و عباس خزرجی را به اتهام "مشارکت در اخلال در نظم" به ۱۰ سال حبس محکوم کرد. "حمله و آتش زدن پاسگاه مقاومت بسیج شاوور" از مصادیق اتهام مطروحه علیه مالک داورشناس عنوان شده است.

علی عبیداوی

علی عبیداوی در سال ۱۳۹۸ به همراه برادرش حسین عبیداوی ازسوی نیروهای امنیتی به اتهام "حمله به پایگاه بسیج" بازداشت شد. دادگاه انقلاب ماهشهر پس از ۴ سال، علی عبیداوی را به اعدام و برادرش را به ۱۳ سال حبس محکوم کرد.

شهاب نادعلی جوزانی

شهاب نادعلی جوزانی، در ۱۷ خرداد ۱۴۰۲ ازسوی ماموران اداره اطلاعات در همدان بازداشت شد. وی توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی ایمان افشاری به اتهام "بغی از طریق عضویت در جمعیت های معارض کشور (گروهک منافقین)" به اعدام و بابت "اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور" به ۵ سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی محکوم شد.

چندی پیش نیز دادگستر (بانک اطلاعاتی ناقضان حقوق بشر در ایران) در گزارشی به ارائه آمار اعدام ۴۸۲۹ شهروند طی یک دهه، بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳) پرداخت.

تنور سرد انتخابات:

راه‌اندازی ۲۰۰ شبکه تلویزیونی شبانه‌روزی برای تبلیغ انتخابات

ابراهیم رئیسی که در یک ویدئوکنفرانس این کانال‌ها را افتتاح کرد با اشاره به موضوع «مشارکت مردم» تأکید نمود که «دشمن به دنبال ناامیدسازی و مأیوس کردن مردم است.»

رئیس دولت سیزدهم: بسیار اهمیت دارد رسانه ملی در میانه جنگ شناختی و ادراکی دشمن، در جهت جلب اعتماد عمومی نقش‌آفرین باشد و به شور انتخاباتی بیافزاید!

تنها سه هفته مانده به انتخابات مجلس شورای اسلامی، تلاش‌های جناحین حکومت نتوانسته توجه مردم را به انتخابات جلب کند و پیش‌بینی شده مشارکت در انتخابات امسال بسیار ناچیز باشد.



جمهوری اسلامی اقدام به راه‌اندازی ۲۰۰ شبکه تلویزیونی ۲۴ ساعته برای تبلیغ انتخابات مجلس شورای اسلامی کرده است. ابراهیم رئیسی اعلام کرده این کانال‌های تلویزیونی «در راستای هدف عدالت‌گستری و هویت‌محوری» آغاز به کار کرده‌اند.

در حالی که تنها سه هفته مانده به دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، تلاش‌های جناحین حکومت نتوانسته توجه مردم را به انتخابات جلب کند و پیش‌بینی شده مشارکت در انتخابات امسال بسیار ناچیز باشد.

در مقابل، جمهوری اسلامی در آخرین روزها تلاش‌هایی همه‌جانبه برای جلب نظر مردم به ویژه در شهرستان‌ها و بخش‌های کوچک به کار می‌بندند تا مشارکت در رأی‌گیری را به هر شکل ممکن افزایش دهد.

در همین ارتباط، ۲۰۰ کانال تلویزیونی تبلیغات انتخابات از امروز جمعه، ۲۰ بهمن ۱۴۰۲، بطور رسمی آغاز به کار کردند. افتتاح این کانال‌های تلویزیونی از سوی ابراهیم رئیسی و به صورت ویدئوکنفرانس انجام شد.

ابراهیم رئیسی در مراسم افتتاح کانال‌های تلویزیونی انتخابات نمایشی در سخنانی گفت «این اقدام ابتکاری بستری برای تبلیغات آسان، ارزان، فراگیر و عادلانه است.» وی با اشاره به موضوع «مشارکت مردم» تأکید کرد که «دشمن به دنبال ناامیدسازی و مأیوس کردن مردم است.»

ابراهیم رئیسی همچنین مدعی شد که «در نظام‌های سرمایه‌داری اساس انتخابات و تبلیغات انتخاباتی مبتنی بر قدرت و ثروت است و غالبا عکس‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند.» وی افزود: «ابتکار ایجاد ۲۰۰ شبکه تلویزیونی تبلیغاتی زمینه را برای رقابت ایده‌ها و گزینش آگاهانه‌تر مردم فراهم کرده و این اقدام ابتکاری بستری برای تبلیغات آسان، ارزان، فراگیر و عادلانه است.»

رئیس دولت سیزدهم جمهوری اسلامی همچنین در بخشی از سخنانش نشان داد نگرانی اصلی حکومت عدم «مشارکت مردم» است: «یکی از افتخارات بزرگ نظام جمهوری اسلامی در طی چهل و پنج سال گذشته آن است که همواره به دنیا نشان داده برای نام مردم، سخن مردم و رای و مشارکت مردم اهمیت بسیاری قائل است.»

او در ادامه گفت: «مشارکت مردم در انتخابات یک حق و یک تکلیف سیاسی و شهروندی برای مردم است و برای اینکه مردم بتوانند این حق و تکلیف خود را به خوبی ادا کنند باید از همه ظرفیت‌ها برای انتخاب درست و آگاهانه در جهت ایجاد مجلسی قوی استفاده شود.»

ابراهیم رئیسی بار دیگر نگرانی از تحریم نمایش انتخابات از سوی مردم را در جملاتی مطرح کرد و گفت: «بسیار اهمیت دارد آن است که رسانه ملی در میانه جنگ شناختی و ادراکی دشمن که به دنبال ناامیدسازی و مأیوس کردن مردم است، در جهت حفظ و ارتقای انسجام اجتماعی، ایجاد رضایت در جامعه و جلب اعتماد عمومی نقش‌آفرین باشد و به شور انتخاباتی بیافزاید.»

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی همزمان با انتخابات مجلس خبرگان رهبری قرار است کمتر از یکماه دیگر در ۱۱ اسفند برگزار شود. شکاف عمیق میان مردم و حکومت سبب نگرانی شدید مقامات از تحریم انتخابات و عدم مشارکت مردم شده است. به همین دلیل مقامات مختلف و نیز رهبر جمهوری اسلامی در روزهای گذشته بارها به موضوع «مشارکت مردم» اشاره کرده و خواستار تلاش جناحین و حامیان حکومت برای افزایش مشارکت مردم در انتخابات شدند.

علی خامنه‌ای روز دوشنبه ۱۶ بهمن در سخنانی با اشاره به حامیان و طرفداران حکومت از همه جناحین، آنها را «خواص» نامید و گفت «وظیفه خواص سنگین است. نتیجه غفلت خواص از وظیفه خود ضربه‌های سنگین تاریخی به ملت خواهد بود.»

خامنه‌ای گفت «داخل کشور خودمان مسئله انتخابات در پیش است. خواص بتوانند نقش ایفا کنند. مطمئناً انتخابات در داخل کشور هر چه پرشورتر صورت بگیرد، قدرت ملی را بیشتر نشان می‌دهد.»

او همچنین بار دیگر «دشمن» را در مقابل «مردم» قرار داد و گفت: «قدرت ملی امنیت ملی می‌آورد؛ یعنی وقتی دشمن نگاه می‌کند جبهه دشمن حضور مردم را می‌بیند قدرت نظام را مشاهده می‌کند، می‌بیند این کشور کشور قدرتمندی است مردم حاضر و آماده‌اند. تهدید دشمن خنثی می‌شود. یعنی اقتدار ملی امنیت ملی را به وجود می‌آورد این خیلی چیز باارزش و مهمی است. این را خواص می‌توانند نقش‌آفرینی کنند، انتخابات را پرشور کنند.»

همکاری و هماهنگی جناحین حکومت در جستجوی راهکاری برای گرم کردن تنور انتخابات امسال علنی‌تر از سال‌های گذشته ادامه داشته بطوری که ماه گذشته شماری از چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب در دیدار با ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» شرکت کردند تا بار دیگر بتوانند برای حفظ مشروعیت جمهوری اسلامی و ایفای نقش و کسب قدرت گامی موثر بردارند.

محمد قوچانی، علی ربیعی، مجید انصاری، محمدعلی ابطحی، مصطفی کواکبیان، حسین مرعشی، محمد هاشمی و جواد امام سخنگوی جبهه اصلاحات از جمله حاضران در این نشست بودند.همچنین در هفته‌های گذشته خبر رد صلاحیت افراد شناخته شده حکومت، از جمله شماری از نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی، برای شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، و همچنین رد صلاحیت شمار دیگری از چهره‌های حکومتی از جمله حسن روحانی برای شرکت در انتخابات خبرگان رهبری هم نتوانست نظر مردم را به نمایش انتخاباتی جلب کند.

نظرسنجی‌ها نیز نشان می‌دهد مردم قصد شرکت در انتخابات را ندارند. مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا)، اوایل آبان‌ماه از پنج هزار فرد بالای ۱۸ سال ساکن در شهرها و روستاهای کشور در اینباره نظرسنجی کرد.

۲۷/۹ درصد مردم اعلام کردند که در انتخابات شرکت می‌کنند و در مقابل ۳۶ درصد از شرکت‌کنندگان بطور قطعی اعلام کرده بودند در انتخابات شرکت نمی‌کنند و حدود ۲۹ درصد نیز احتمالا قصد شرکت در انتخابات را نخواهند داشت.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیمه دی‌ماه گذشته در سخنرانی در جمع مداحان درباره انتخابات گفته

←

بود: «انتخابات یک وظیفه است و هر کسی با انتخابات مخالفت کند با جمهوری اسلامی و اسلام مخالفت کرده است.»

رهبر جمهوری اسلامی مدعی شد که «برخی می‌خواهند انتخابات و حضور مردم که اثبات تحقق مردم‌سالاری دینی است ضعیف و نامناسب باشد تا حرف و ایده امام بزرگوار و وعده الهی دروغ درآید که در مقابل این حرکت خصمانه، مجاهدان تبیین باید با بیان حقایق بایستند و به وظیفه خود عمل کنند.»علی خامنه‌ای پیش از آن در ششم دی‌ماه نیز در یک دیدار با «اقشار مختلف بانوان» از آنان خواست همسر و فرزندانشان را به مشارکت در انتخابات وادار کنند.

سخنان علی خامنه‌ای در هفته‌های گذشته کاملا از موضع «ضعف» بوده و بیانگر نگرانی عمیق او درباره عدم مشارکت مردم در انتخابات و تحریم گسترده انتخابات مجلس شورای اسلامی است.مهدی رسولی از مداحان حکومتی روز چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲ در سخنانی در یک مراسم عزاداری مدعی شده «هیچ ملتی در طول تاریخ مانند ملت ایران، از رهبران خودش آفرین نگرفته است، اما شما گرفتید.»

این مداح حکومتی با اشاره به «مشارکت مردم در انتخابات» گفته «شما تصور می‌کنید، امروز که رهبر انقلاب می‌فرماید در انتخابات شرکت کنید از سر ضعف است؟ این از سر ضعف نیست. چه زمانی از این سید ضعف دیدید که این دومین بار باشد؟ از سر معجزه مردم است.»

مهدی رسولی مدعی شده در ایران «مردم‌سالاری دینی» وجود دارد و بعد در حرف‌هایی بی سر و ته خطاب به «دشمن» گفته «حتی کسی هم که نمی‌خواهد رأی دهد، همه دشمنان بدانند که او هم با ماست!»

نگرانی از سرد بودن تنور انتخابات تا حدی جدی شده که روزنامه «کیهان» چاپ تهران در مطلبی انگشت در چشم مردم فرو برده و تحریم‌های غرب را نتیجه تحریم انتخابات از سوی آنها دانسته است: «افزایش تحریم‌ها تقصیر مردم هست چون در انتخابات شرکت نکردند، غرب فشار را زیاد کرد!»

در مطلب روزنامه «کیهان» چاپ تهران آمده که «کاهش نسبی مشارکت مردم در انتخابات دور ششم ریاست جمهوری نسبت به دور پنجم سبب تشدید فشار غرب به ایران گردید و دودش به چشم مردم ایران رفت.»

این مطلب افزوده که «انتخابات پیش رو میزان‌الحراره‌ای است که اگر در تراز باشد، دشمن را از فشار بر مردم مأیوس می‌کند و اگر نباشد، دشمنی علیه ملت افزایش می‌دهد.»

روزنامه «جام جم» هم مدعی شده است که «مشارکت ضعیف در انتخابات، فضا را برای ورود افرادی که از شایستگی لازم برخوردار نیستند، مهیا می‌کند، در نتیجه مجلسی به وجود می‌آید که توان صیانت از حقوق مردم و قانونگذاری صحیح را ندارد.»

روزنامه اصولگرای «جوان» نیز هفته گذشته در مطلبی به انتخابات اسفندماه پرداخته و نوشته بود: «اولویت نظام اسلامی در انتخابات پیش رو از کیفیت و نتیجه صندوق‌های رأی به کمیت و میزان حضور مردم تغییر یافته است، چراکه اگر انتخابات سرد و ضعیف برگزار شود، قوی‌ترین مجالس هم امکان جبران خلأهای ناشی از آن را نخواهند داشت. در خصوص علل تغییر اولویت‌های نظام، کافی است به تغییر راهبردها و تاکتیک‌های دشمن در قبال انتخابات اشاره کرد.»

سازمان تعزیرات حکومتی «کانون وکلا» را ۱۲۰ میلیارد تومان جریمه کرد

● فرشید فرحناکیان عضو هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز مهرماه امسال به اتهام گرانفروشی در برگزاری آزمون وکالت ۱۴۰۲ از اسکودا شکایت کرده بود.

● در آزمون وکالت سال ۱۴۰۲ حدود ۱۱۰ هزار فارغ التحصیل رشته حقوق برای دریافت پروانه وکالت شرکت کردند.

● کاربران شبکه «ایکس» می‌گویند هزینه کنکور کارشناسی ارشد ۳۵۰ هزار تومان اما هزینه آزمون وکالت ۴۵۰ هزار تومان بوده و اسکودا بودجه یک سال خود را جیب متقاضیان شرکت در این آزمون درآورده است.



«اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران» از سوی سازمان تعزیرات حکومتی به پرداخت ۱۲۰ میلیارد تومان جریمه محکوم شده است.

وبسایت «وکلا پرس» به نقل از یکی از اعضای هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز از صدور رأی بدوی سازمان تعزیرات درباره «گرانفروشی اسکودا در برگزاری آزمون وکالت ۱۴۰۲» خبر داد.

فرشید فرحناکیان عضو هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز در شبکه «ایکس» هم این خبر را اعلام کرده و نوشته که جریمه صادر شده در مورد تحقق تخلف گرانفروشی توسط کانون وکلا راجع به هزینه دریافتی از داوطلبان بابت ثبت‌نام آزمون وکالت ۱۴۰۲ رقم یکصد و بیست میلیارد تومان است.

او همچنین افزوده که به اتهام گرانفروشی در برگزاری آزمون وکالت ۱۴۰۲ از «اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا)» شکایت کرده بود.

این وکیل دادگستری پیشتر در ۲۶ مهرماه ۱۴۰۲ از این شکایت خبر داده و اعلام کرده بود که «بر اساس شکایتی که به اتهام گرانفروشی در برگزاری آزمون وکالت ۱۴۰۲ کردم نتیجه کارشناسی این ادعا در سازمان حمایت از مصرف‌کننده در شعبه ۶۳ بدوی تعزیرات حکومتی تهران در حال رسیدگی می‌باشد. حسب اعلام در صورت محکومیت، اسکودا مبلغی در حدود ۲۰۰ میلیارد ریال جریمه خواهد شد.»

بر اساس آگهی آزمون وکالت ۱۴۰۲ که در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲ منتشر شده بود، هزینه ثبت نام برای هر داوطلب مبلغ چهار میلیون ریال (معادل چهارصد هزار تومان) تعیین شده بود.

در آزمون وکالت سال ۱۴۰۲ حدود ۱۱۰ هزار فارغ التحصیل رشته حقوق برای دریافت پروانه وکالت شرکت کردند.

بیشترین داوطلبان شرکت در آزمون ورودی کارآموزی وکالت کانون وکلای دادگستری در سال ۱۴۰۲ مربوط به استان تهران با ۲۳ هزار و ۷۶۰ داوطلب و کمترین آن مربوط به استان خراسان جنوبی با ۵۰۳ داوطلب بوده است.

در شبکه‌های اجتماعی نیز برخی متقاضیان شرکت در کانون وکلا یا وکلای جوان با نقد عملکرد اتحادیه سراسری کانون‌های وکلا دادگستری ایران(اسکودا) نوشته‌اند در حالی که هزینه شرکت در کنکور کارشناسی ارشد ۳۵۰ هزار تومان بوده، کانون وکلا برای آزمون وکالت ۴۵۰ هزار تومان دریافت و بودجه یک سال خود را جیب متقاضیان شرکت در این آزمون درآورده است.

اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) بار دیگر در هفته گذشته و در پی ایجاد اختلال در برگزاری انتخابات خبرساز شده بود.

همایش پنجاه و دوم اتحادیه سراسری کانون وکلای دادگستری (اسکودا) که صبح چهارشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲ در هتل پارسیان اوین برگزار شده بود به دلیل قطع برق با دستور اداره اماکن تهران مختل شد.

وبسایت «وکلا پرس» گزارش داده بود که مدیریت هتل پارسیان اوین در پی اعلام اداره اماکن عمومی تهران مبنی بر ممانعت از برگزاری همایش «اسکودا»، از برگزارکنندگان خواسته بود جلسه را لغو و محل را ترک کنند. پس از تداوم حضور مدیران نهاد وکالت در سالن و تمهید مقدمات برای برگزاری انتخابات، مدیریت سالن همایش برق را قطع کرد.

«وکلا پرس» افزوده بود که در پی این اقدام، مدیران نهاد وکالت تصمیم گرفتند روند انتخابات را در محل کانون وکلای مرکز ادامه دهند و هیأت رئیسه و بازرسان «اسکودا» را برای مدت دو سال آینده انتخاب کنند.

در این گزارش تأکید شده بود که «اگر چه برخی از مدیران نهاد وکالت پیشنهاد داده بودند انتخابات در محوطه باز سالن همایش برگزار شود، لیکن این پیشنهاد رأی نیاورده و قرار است انتخابات ساعت ۱۴ در کانون وکلای مرکز برگزار شود.»

ساعاتی بعد اما اعلام شد به دلیل عدم حضور کافی اعضا و نرسیدن به حد نصاب، این انتخابات در نهایت برگزار نشده است.

بر اساس سندی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده معاونت حقوقی و امور مجلس قوه قضاییه پیش از این خواستار لغو برگزاری انتخابات این نهاد صنفی شده بود.

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی
NEWS & VIEWS
FOR A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

تنور سرد انتخابات مجلس شورای اسلامی و بازار داغ ردصلاحیت‌ها با تلفات جانی!



● اسفندیار اختیاری نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی به دلیل «عدم التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی» و «عدم ابراز وفاداری به قانون اساسی» رد صلاحیت شده است.

● هدایت الله خادمی نماینده دوره دهم مجلس شورای اسلامی که از جمله داوطلبان ردشده است گفته «دلال‌ها برای تایید صلاحیتم ۱۰ میلیارد تومان خواستند.»

● محمدرضا خباز فعال اصلاح‌طلب و نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی در دوره‌های چهارم، پنجم، ششم و هشتم پس از رد صلاحیت سکته کرد و درگذشت.

انتخابات مجلس شورای اسلامی در حالی نتوانسته توجه افکار عمومی را جلب کند که همزمان تلاش جناحین برای برداشتن سهم بیشتر از سفره انقلاب، نمایشی از ساختار فاسد نظام را بیش از پیش در برابر چشم‌ها قرار داده است.

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی قرار است کمتر از سه هفته دیگر و در روز یازدهم اسفند، همزمان با انتخابات مجلس خبرگان رهبری برگزار شود. جمهوری اسلامی به اشکال مختلف تلاش کرده نظر افکار عمومی به این انتخابات را افزایش دهد تا شاید مشارکت قابل قبولی در انتخابات صورت بگیرد.

اما تنور انتخابات در حالی سرد است که در آنسو بازار رد صلاحیت‌ها و رقابت‌های بین‌جناحی جمهوری اسلامی برای برداشت بیشتر از سفره انقلاب و رانت گسترده در مجلس شورای اسلامی داغ است.

هادی طحان‌نظیف سخنگوی شورای نگهبان، روز جمعه در گفتگو با صداوسیمای حکومت تعداد دقیق نامزدهای تأیید صلاحیت شده را ۱۴ هزار و ۹۱۲ نفر اعلام کرد. در این میان شمار زیادی از نمایندگان کنونی مجلس اسلامی و مقامات پیشین و کنونی حکومت رد صلاحیت شده‌اند.

بر اساس گزارش‌ها نیمی از داوطلبان شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی رد صلاحیت شده‌اند. در این میان ۲۳ نمایندگان کنونی مجلس شورای اسلامی که سه سال پیش تأیید صلاحیت و در رأی‌گیری شرکت کرده بودند، رد صلاحیت شدند.

پیشتر شمار نمایندگان رد صلاحیت شده ۲۶ نفر اعلام شده بود که با تأیید صلاحیت احمد دنیامالی نماینده بندر انزلی (پهلوی)، کمال علیپور خنکداری نماینده «قائمشهر» (شاهی)، و رضا حاجی پور نماینده آمل تعداد نمایندگان کنونی مجلس که برای انتخابات پیش رو ثبت‌نام و رد صلاحیت شدند به ۲۳ تن رسیده است.

غلامرضا رشیدی کوچی، علی کریمی فیروزجایی، قاسم ساعدی، غلامرضا تاجگردون، سید نظام الدین موسوی، غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی، جواد جهانگیرزاده از جمله نمایندگان کنونی هستند که رد صلاحیت شدند.

یکی دیگر از نمایندگان رد صلاحیت شده اسفندیار اختیاری نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی است. رد صلاحیت او به دلیل «عدم التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی» و «عدم ابراز وفاداری به قانون اساسی» اعلام شده است.

اسفندیار اختیاری پس از اعلام خبر رد صلاحیت‌اش با انتشار شعری نوشت: «گفته بودی که چرا خوب به پایان نرسید، راستش زور من خسته به طوفان نرسید!»

رد صلاحیت داوطلبان شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی با تلفات جانی در میان اصلاح‌طلبان نیز همراه بوده است.

محمدرضا خباز فعال اصلاح‌طلب و نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی در دوره‌های چهارم، پنجم، ششم و هشتم پس از رد صلاحیت سکته کرد و درگذشت.

رد صلاحیت این فعال اصلاح‌طلب به استناد به بند ۲ ماده ۳۱، و به دلیل «عدم التزام به نظام مقدس جمهوری اسلامی» اعلام شده است.

خبرگزاری «رکنا» نیز گزارش داده که یکی از داوطلبان انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهر شادگان به کما فرو رفت. برادر این داوطلبان انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه شادگان گفت: «سارقان با ورود به منزل برادرم با وی درگیر شدند و نهایتا وی به حالت کما فرو رفت.»

از سوی دیگر گزارش‌هایی از فساد و بازار داغ رشوه‌گیری برای تأیید صلاحیت‌ها منتشر شده است. از جمله هدایت‌الله خادمی نماینده دوره دهم مجلس شورای اسلامی که از جمله داوطلبان ردشده است گفته «دلال‌ها برای تایید صلاحیتم ۱۰ میلیارد تومان خواستند.»

هدایت الله خادمی گفته «رقم‌هایی که دلال ها برای فروش التزام تقاضا میکردند تقریبا مشابه بودند؛ کسی ۱۰ میلیارد تومان، دیگری ۳۰۰ سکه و بعضی‌ها ۱۲۰ هزار دلار آمریکا!»

خبرگزاری «ایلنا» با انتشار این خبر نوشته دریافت پول از سوی دلال‌ها برای تایید صلاحیت در انتخابات، ادعایی است که گاهی در محافل خصوصی و غیررسمی مطرح می‌شود.

در گزارش خبرگزاری «ایلنا» آمده که پیش از این محمود صادقی با اعلام عمومی این موضوع، خواستار روشن شدن ابعاد ماجرا شده بود. او در شبکه «ایکس» با خطاب قرار دادن آیت‌الله احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان، از او پرسیده بود: «آیا آیت‌الله جنتی اطلاع دارند که فساد مالی در نهاد تحت مدیریت خودشان هم رخنه کرده است؟»

بر اساس این گزارش، محمود صادقی در این مطلب تأکید کرده بود برای ادعایش شاهد هم دارد و «اگر به افراد تامین داده شود، بسیاری حاضرند شهادت بدهند در جریان بررسی صلاحیت نامزدهای مجلس از طرف برخی مرتبطان با هیات‌های نظارت بر انتخابات چه درخواست‌هایی از آنان شده است».

در واکنش به این ادعاها، عباسعلی کدخدایی، سخنگوی سابق شورای نگهبان، اعلام کرده بود چون این نماینده مجلس برای ادعای خود مستنداتی ارائه نکرده، موضوع را از طریق قوه قضاییه پیگیری می‌کند. این شکایت پس از فراز و نشیب‌های فراوان نهایتا با صدور حکم برائتِ محمود صادقی به پایان رسید!

«زباله‌گردی» شغل رسمی شد
به کار گرفتن زباله‌گردها توسط پیمانکاران شهرداری تهران

● بر اساس طرح شهرداری، زباله‌گردهای ایرانی یا اتباع دارای مجوز اقامت در ایران می‌توانند برای شهرداری زباله‌گردی کرده و بر مبنای طرح طبقه‌بندی مشاغل و طبق قانون کار، حقوق و مزایا دریافت کنند.

● بر اساس گزارش شهرداری، افراد زباله‌گرد در کشور حدود ۱۴ هزار نفر هستند که تقریبا ۴۷۰۰ نفر از این افراد که غالبا کودکان هستند در شهر تهران فعال‌اند.

● در ایران روزانه حدود ۵۸ هزار تن زباله تولید می‌شود که ۸ هزار تن از آن فقط در تهران است که این میزان دو و نیم برابر متوسط جهانی است.



معاون شهردار تهران اعلام کرده که استفاده از زباله‌گردها از سوی پیمانکاران شهرداری «مجاز» و زباله‌گردی برای افراد بالای ۱۸ سال به عنوان «شغل رسمی» شناخته می‌شود.

بر اساس آمارها بیش از پنج هزار زباله‌گرد در تهران وجود دارد و شهرداری تهران از چند هفته پیش از ایجاد ساز و کاری با هدف تعطیل شدن زباله‌گردی خبر داده بود.

اکنون طرحی با عنوان «طرح جامع تنظیف شهر تهران» بطور رسمی به کار گرفتن زباله‌گردها از سوی پیمانکاران شهرداری مجاز و زباله‌گردی را به عنوان «شغل رسمی» اعلام شده است.

بر اساس این طرح، زباله‌گردهای ایرانی یا اتباع دارای مجوز اقامت در ایران می‌توانند برای شهرداری زباله‌گردی کرده و بر مبنای طرح طبقه‌بندی مشاغل و طبق ساعات شغلی تعریف شده در قانون کار، حقوق و مزایا دریافت کنند.

رضا محمدی مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲ در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته بر اساس طرح جامع تنظیف شهر تهران، پیمانکاران شهرداری این اختیار را دارند زباله‌گردهایی را که بر اساس معیارهای قانونی کشور فعالیت می‌کنند، یعنی بالای ۱۸ سال سن دارند و افراد ایرانی یا اتباع دارای مجوز اقامت در ایران محسوب می‌شوند به کار بگیرند.

او همچنین گفته شهرداری تهران در نظر دارد همه زباله‌گردها را استخدام کند: «استخدام تمام زباله‌گردها در دستور کار شهرداری است و برای پیمانکار هم الزام گذاشته‌ایم که باید از نیروی انسانی ایرانی استفاده کند و براساس طرح طبقه‌بندی مشاغل، بین ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۱۵ میلیون تومان حقوق به این افراد پرداخت کند.»

او با اشاره به اینکه پیمانکاران اجباری به استخدام زباله‌گردها ندارند تأکید کرده که آنها این مجوز را دارند که «افرادی را که همین حالا هم به صورت غیرقانونی مشغول انجام زباله‌گردی هستند را به صورت قانونی در حوزه جمع‌آوری پسماند به‌کارگیری کنند تا افرادی که درآمدهای نامشروعی از این راه دارند، از چرخه جمع‌آوری و تفکیک پسماند پایتخت حذف شوند و تمام درآمدهای حاصل با هدف خدمت‌رسانی بهتر، به شهرداری برسد.»

«زباله» به عنوان «طلای کثیف» شناخته می‌شود و کشورهای زیادی با بازیافت اصولی توانسته‌اند از زباله درآمدزایی کرده و حتی از طریق زباله انرژی ارزان‌قیمت تولید کنند. در ایران اما با وجود تولید زباله بیش از متوسط جهانی، همچنان بازیافت سازمانیافته‌ای وجود ندارد.

آمارها نشان می‌دهد در ایران روزانه حدود ۵۸ هزار تن زباله تولید می‌شود که ۸ هزار تن از آن فقط در تهران است. بر این اساس سرانه تولید زباله در هر روز ایران ۷۱۰ گرم یعنی دو و نیم برابر متوسط جهانی است.

بر اساس اعلام سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۷۵ درصد از زباله‌های تولیدی کشور به خاطر دفن غیربهداشتی، سالانه حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان به محیط زیست خسارت وارد می‌کند، این در حالیست که در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته پسماند به عنوان منبع درآمد دولت و شهرداری‌ها محسوب می‌شود. همچنین در کشورهای توسعه‌یافته بیش از ۷۰ درصد از زباله تولیدی بازیافت می‌شود.

هر چند آمارهای تولید زباله در ایران دقیق نیستند اما آمارهای موجود نشان می‌دهد تنها ۶ درصد از زباله‌های تولید در کشور بازیافت و ۱۰ درصد آنها برای تولید کمپوست استفاده می‌شود و بیش از ۸۰ درصد از زباله‌ها به محل‌های دفن زباله یا دپوی روباز منتقل می‌شوند.

همچنین بر اساس آماری دیگر، تولید زباله در ایران سالانه ۲۰ میلیون تن و گردش مالی این میزان زباله معادل ۱۰ میلیارد دلار است که توسط مافیاهای پسماند انجام می‌شود و زباله‌گردها از جمله بازوهای اجرایی این مافیا هستند.

اکنون در حالی شهرداری تهران اعلام کرد قصد دارد زباله‌گردها را توسط پیمانکاران شهرداری استخدام کند اما بخش زیادی از زباله‌گردی در ایران توسط کودکان انجام می‌شود. بخش قابل توجه دیگری هم توسط کودکان و بزرگسالان افغانستانی که به عنوان «اتباع» شناخته می‌شود و حالا شهرداری اعلام کرده فقط آنها که مجوز رسمی اقامت دارند می‌توانند در «طرح جامع تنظیف شهر تهران» استخدام شوند.

این روند به این معناست که همچنان صورت مسئله یعنی وجود مافیای ناکاربلد اما قدرتمند زباله در ایران پابرجاست و حتی اگر پیمانکاران شهرداری بخشی از زباله‌گردها را استخدام کنند، باز هم این مافیا توان بکارگیری بخش دیگری از متقاضیان کار ایرانی و اتباع خارجی را دارد.

شهرداری تهران در سال ۹۹ گزارش داده بود که تعداد افراد زباله‌گرد در کشور حدود ۱۴ هزار نفر هستند که حدود ۴۷۰۰ نفر از این افراد که غالبا کودکان هستند در شهر تهران فعال هستند. نکته قابل توجه درباره آمار شهرداری، سهم ۹۰ درصدی مهاجران غیرقانونی در میان جمعیت زباله‌گرد کشور است.

وبسایت «خبرآنلاین» مهرماه امسال در گزارشی به درآمد «زباله‌گردی» پرداخته و نوشته بود «نیروی کار لایه اول اقتصاد غیررسمی زباله‌ای، هر کیلو زباله تفکیک شده را بطور میانگین ۶۰۰۰ تومان به کارگاه‌ها می‌فروشند. سربازان پیاده‌ای که روزانه ۵۰ تا ۱۰۰ کیلو زباله تفکیکی به دست می‌آورند و بنابراین گاهی تا روزانه ۶۰۰ هزار تومان نیز درآمد دارند.»

در این گزارش تأکید شده بود که «البته سیل ورود مهاجران غیرقانونی فرصتی بزرگ برای فعالان غیررسمی اقتصاد زباله‌ای فراهم آورده تا به نیروی کار ارزان‌تر و بیشتر دسترسی داشته باشند. به اینصورت که محله‌های بیشتری تحت پوشش قرار می‌گیرند یا با سازماندهی مهاجران، به شهرهای حومه‌ای اطراف تهران فرستاده می‌شوند که سکونتگاه بسیاری از افرادی شده که این روزها به دلیل گرانی مسکن به این شهرها مهاجرت کرده‌اند.»

خطوط آیینی چپگرایی جهان‌گستر (بخش ۱)

هرچند که چپ‌های جدید نظریه و کارکرد چپ سنتی را به چالش می‌کشیدند، اما سقوط اتحاد شوروی که اگرچه در آن پرولتاریا به قدرت رسیده بود اما تغییری در سیستم جهانی به وجود نیاورده بود، ضربه شدیدی برای کل اندیشه چپگرایی بود.

اصل اندیشه چپ همچنان همان داعیه پیشین باقی ماند: ایالات متحده آمریکا حالا با سلطه نوین نولیبرالیستی خود حیات جهانی را تهدید می‌کند.

چپگرایی جهان‌گستر یک شکست تاریخی بزرگ را تجربه کرده است. دلیل این ناکامی را نه در شرایط عینی انقلاب، بلکه بیشتر در ناتوانی چپ جهانی در شکل دادن به خود به عنوان یک بازیگر سیاسی و مداخله در شرایط موجود با وجود جوّ مساعد اقتصاد سیاسی باید جستجو کرد. با این سردرگمی‌ها، چپ نمی‌تواند آرمان مشخصی مگر ضدیت با آمریکا را با همان عنوان کهنه امپریالیسم دنبال کند. در مواردی چپ جهانی نیز دستان خود را در دست اسلامگرایی سیاسی قرار داده است تا با مدد آن بتواند امپریالیسم را به زانو درآورد.



محمود مسائلی - در دو نوشتار پیشین با عناوین «موضوعات چپگرایی در طیف اندیشه سیاسی» و «چپ کلاسیک: پاسخی به بحران؟» با رعایت اختصار ویژگی‌های اندیشه چپ، تا حدودی توضیح داده شدند. هدف از این نوشتارها فقط معرفی بنیادهایی از اندیشه چپ است که شاید کمتر برای ایرانیان شناخته شده هستند. به همین منظور، امید این است که کسانی که خود را چپ معرفی می‌کنند، به شناختی علمی دست یافته، و در صورت ضرورت در بازبینی باورهای خود همت گمارند.

از آنجا که چپگرایی به یک جریان نسبتا نیرومند جهان‌گستر به ویژه در غرب تبدیل شده است، مناسب است نوشتار کوتاه دیگری در باره چپگرایی جهان‌گستر نیز تهیه و در اختیار علاقمندان قرار گیرد. اما برای اینکه بتوان اصل بی‌طرفی در تحلیل را رعایت کرد، به ذهنم رسید شاید بدیل مناسب برای این منظور این باشد که خلاصه‌ای از آثار یکی از برجسته‌ترین متفکران چپگرای جهان که از مقام آکادمیک بالایی نیز برخوردار است، در اختیار علاقمندان قرار گیرد.

امانوئل والرشتاین جامعه‌شناس سیاسی برجسته آمریکایی و پدر فکری نظریه «سیستم‌های جهانی»[i] که در حوزه نظریه‌های وابستگی قرار می‌گیرد، بی‌تردید یکی از جذاب‌ترین و قانع‌کننده‌ترین تحلیل‌ها را درباره چپ جهان‌گستر ارائه کرده است. از آنجا که نگارنده همواره از آثار و اندیشه‌های این متفکر برجسته در حوزه درسی استفاده می‌کرده است، یکی از آخرین آثار او را درباره چپگرایی جهان‌گستر به خوانندگان معرفی می‌کنم تا شاید بتوان بر پاره‌ای از برداشت‌های نادرست درباره چپگرایی غلبه کرد. البته معتقدم که این توضیحات می‌تواند به کسانی که با برداشت‌های سطحی خود از موضوع چپ، کورکورانه خود را چپگرا می‌دانند نیز یاری رساند تا شاید در باورهای خود تجدید نظر نمایند.

والرشتاین در کتابی با عنوان «چپ جهان‌گستر: دیروز، امروز، فردا» که توسط انتشارات راوتلج در سال ۲۰۲۱ به چاپ رسید[ii]، تحلیل عمیقی از جریان چپ جهان‌گستر در اختیار خوانندگان قرار داده است. از آنجا که والرشتاین خود از سرآمدان اندیشه چپ آکادمیک است، این کتاب که دو سال بعد از مرگ او در ۳۱ اوت ۲۰۱۹ انتشار یافت، می‌تواند راهنمای قابل اطمینانی برای کسانی باشد که تمایل دارند با چپ جهان‌گستر، البته در جهان غرب، آشنا شوند. شاید مهم‌ترین ویژگی کتاب یادشده این است که او پرسش‌های اساسی در مورد رابطه چپ با انترناسیونالیسم را مطرح ساخته و توضیح می‌دهد که چگونه چپ می‌تواند نقشه راه جدیدی را در قرن بیست و یکم برای خود ترسیم کند. بخش‌هایی از این کتاب در اینجا در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.[iii]

سرمایه‌داری و جنبش‌های ضد سیستم از ۱۷۸۹ تا ۱۹۶۸

جنبش‌های اجتماعی چپ و احزاب سیاسی چپگرا تقریباً همیشه ادعا کرده‌اند که در ارزش‌ها و سیاست‌های خود بین‌المللی‌گرا هستند.[iv] آنچه در سه فصل از کتاب یادشده توضیح داده شده است، اینست که واقعیت عمل در سه دوره زمانی گذشته، حال و آینده مورد تحلیل قرار گیرد. والرشتاین امیدوار است نشان دهد که امروز چیزی وجود دارد که می‌توانیم آن را چپ جهانی نامید. این چپگرایی، به باور او، نه تنها توسط راست جهانی، بلکه توسط جنبش‌ها و احزابی که خود را چپ، یا حداقل چپ میانه می‌خوانند، مورد نقد و رقابت قرار می‌گیرد.

بحث اصلی با این اندیشه آغاز می‌شود که همیشه نظام‌های تاریخی وجود داشته‌اند که در آن گروه‌های نسبتاً کوچکی از دیگران بهره‌کشی می‌کرده‌اند. استثمارشدگان نیز به نوبه خود، همیشه و تا جایی که توان داشته‌اند با استثمار به مقابله برخاسته‌اند. نظام جهانی مدرن که از قرن شانزدهم به بعد در قالب یک اقتصاد جهانی سرمایه‌داری شکل گرفت، در بهره‌برداری ارزش افزوده هرچه بیشتر تلاش کرد. این کار از طریق قطبی‌سازی وابستگی کشورهای جنوب به شمال در سیستم‌های جهانی و ویژگی‌های سلسله مراتبی آن انجام گرفته و جریان استثمار را مستمر ساخت. بنابراین، همیشه درجه‌ای از استثمار وجود داشته که همواره نیز افزایش یافته است. این دوقطبی شدن را می‌توان میان ۱٪ صاحب ثروت و قدرت و ۹۹٪ در حال استثمار مشاهده کرد. ساز و کارهای فزاینده سرمایه‌داری و تمرکز شرکت‌های تولیدی در سیستم جهانی مدرن، موجبات شهرنشینی را فراهم آورد. این شهرنشینی سیستم جهانی مدرن به نوبه خود راه‌های جدیدی را به روی طبقات کارگر برای به چالش کشیدن شیوه‌های استثمار توسط نیروهای مسلط باز کرد.

انقلاب فرانسه ساختار نظام جهانی مدرن را با دو مفهوم جدید تغییر داد. اول اینکه تغییرات دائما اتفاق می‌افتند. قبلاً تصور می‌شد که تغییر امری غیرعادی و استثنایی است که همیشه با بازگشت به هنجارهای سنتی از بین می‌رود. درواقع انگار هر انقلابی ۳۶۰ درجه می‌چرخد و از همانجایی که شروع شده به پایان می‌رسد. اما امروزه واژه انقلاب در اصطلاحات اجتماعی و سیاسی برای توصیف گسست از گذشته و نه بازگشت به آن به کار می‌رود. دوم اینکه مردم باید حاکم بر سرنوشت خویش باشند. درواقع نظریه کهن حاکمیت مطلقه از طریق انقلابات مردمی به چالش کشیده می‌شوند تا بتوانند مردم را حاکم بر سرنوشت خویش سازند. این دو مفهوم، عادی بودن تغییرات و حاکمیت مردم در سراسر نظام تاریخی گسترش یافته و «تغییر» بنیادی نظام توسط «مردم» را مشروعیت بخشیده است.

در پاسخ به این تغییرات بنیادین، سه آیین و کنش سیاسی (ایدئولوژی) شکل گرفت. محافظه‌کاری اولین و فوری‌ترین پاسخی بود که امکان تغییرات اساسی را انکار نمود. محافظه‌کاران همواره اولویت قضاوت نخبگان سنتی را که توسط نهادهای مذهبی حمایت می‌شدند، تأیید می‌کردند. لیبرالیسم به عنوان روشی جایگزین برای مهار آنچه که می‌توانست خطر باشد، پدید آمد. در نگاه لیبرال، تغییرات اجتناب‌ناپذیر هستند، و بطور ظاهری باید به حاکمیت مردم موکول شوند. اما تحولات اجتماعی فرآیند پیچیده‌ای است که تنها باید با احتیاط و توسط متخصصانی انجام شود که دیگران آنها را برگزیده‌اند. بنابراین لیبرال‌ها روند آهسته و محدود تحولات اجتماعی را متصور شدند. شالوده‌شکنی (چپگرایی) آخرین ایدئولوژی بود که

به عنوان تکمله‌ای به لیبرالیسم آغاز شد. به نظر اینان تغییرات اجتماعی از طریق متخصصان برگزیده کمتر می‌تواند اصلاح اساسی به وجود آورد. در نتیجه، این اقشار پایین‌تر جامعه هستند که باید تغییر نظام را با سرعت هرچه بیشتر دنبال کنند؛ یعنی امری که توسط اخلاق دموکراتیک و آرمان برابری هدایت می‌شود.

انقلاب جهانی ۱۸۴۸ نقطه عطفی را در روابط سه آرمان سیاسی محافظه‌کاری راستگرا، لیبرالیسم میانه و شالوده‌شکنی چپ به وجود آورد. انقلاب با یک قیام اجتماعی در پاریس در فوریه آغاز شد، که در آن چپ رادیکال به نظر می‌رسید قدرت را به دست می‌آورد. این قیام برای اکثر افراد غیرمنتظره بود؛ یک غافلگیری خوشحال‌کننده برای طبقات کارگری، و یک خطر جدی از دیدگاه نخبگان. در نتیجه این تحولات، محافظه‌کاران و لیبرال‌ها اختلافات خود را که تا آن زمان بسیار بزرگ بود، با یک اتحاد سیاسی برای سرکوب انقلاب اجتماعی جایگزین ساختند. روند سرکوب در فرانسه سه سال به طول انجامید که با تاسیس امپراتوری دوم در زمان ناپلئون سوم به اوج خود رسید. همان سال ۱۸۴۸ قیام‌های ملی‌گرایانه در بسیاری از نقاط اروپا به ویژه در مجارستان، لهستان، ایتالیا و آلمان صورت گرفت. مورخان این قیام‌ها را «بهار ملت‌ها» نامیده‌اند. اما این قیام‌های ملی‌گرایانه مختلف ظرف چند سال همگی سرکوب شدند.

این انقلابات باعث شد تا هر سه آیین سیاسی به بازبینی باورها و خط مشی‌های سیاسی خود دست بزنند. مهمترین آنها را می‌توان در اردوی محافظه‌کاران در بریتانیا مشاهده کرد. آنها تغییرات قطره‌چکانی را آغاز کردند و توانستند از بروز تغییرات بنیادین در این کشور جلوگیری کنند. این امر باعث شد تا دو جریان لیبرال و محافظه‌کار به یکدیگر نزدیک شوند و الگویی را به وجود آورند که بتواند مورد استقبال دیگر کشورها هم قرار گیرد. در همین حال، رادیکال‌ها نیز به همان اندازه از آنچه اتفاق افتاده بود، درس‌ها آموختند. آنها به این باور رسیدند که قیام‌های خودجوش و آرمانگرایانه باید با سازماندهی نیروها جایگزین شود، و این برنامه‌ای بود که صبوری و همچنین ایجاد یک ساختار بوروکراتیک را اجتناب ناپذیر می‌ساخت. این تغییرات، رادیکال‌ها را به لیبرال‌های میانه نزدیک ساخت. تفاوت عمده این بود که در نسخه رادیکال تغییرات، بوروکرات‌های رادیکال اکنون نقش متخصصانی را برای ایجاد تحول به عهده می‌گرفتند. سرانجام، لیبرال‌ها نیز درس بزرگی از انقلاب ۱۸۴۸ گرفتند. آنها موضع میانه خود را برجسته‌تر ساخته و سعی کردند هم محافظه‌کاران و هم رادیکال‌ها را به مدار خود جذب کنند. این تلاش برای مدت بسیار طولانی یعنی تا انقلاب بعدی در سال ۱۹۶۸، بسیار موفقیت‌آمیز بود.

در نیمه دوم قرن نوزدهم جنبش‌های ضد سیستم به شکل دیگری بروز کردند.[۷] جنبش‌های اجتماعی رادیکال و جنبش‌های ملی‌گرایانه، همراه با گروه‌های کمتر قوی مانند جنبش‌های زنان و جنبش‌های قومی/ نژادی/ مذهبی به وجود آمدند. این جنبش‌ها همگی به یک معنی ساده ضدسیستم بودند: آنها با ساختارهای قدرت مستقر در تلاش برای به وجود آوردن یک نظام تاریخی دموکراتیک‌تر و برابرتر از نظام موجود مبارزه می‌کردند. با این حال، این جنبش‌ها از نظر تحلیل‌های خود در مورد چگونگی تعریف گروه‌هایی که بیشترین ستم را می‌کشیدند، و چگونگی اولویت‌ها برای دستیابی به اهداف این جنبش نسبت به انواع دیگر، به چند دسته تقسیم شدند. این مباحث بین جنبش‌های مختلف تا امروز ادامه دارد.

یک بحث اساسی اینست که چگونه می‌توان درباره نقش دولت‌ها در دستیابی به نوع دیگری از نظام تاریخی فکر کرد. کسانی استدلال می‌کنند که دولت‌ها ساختارهایی هستند که توسط نخبگان ایجاد شده‌اند و ساز و کارهای آنها را نیز نخبگان کنترل می‌کنند. بنابراین باید از آنها اجتناب کرد. جنبش‌ها نیز باید بی‌وقفه با آن نخبگان مبارزه کنند. در این ارتباط تاکتیک اصلی باید آموزش و دگرگونی روانشناسی کسانی باشد که تحت ستم قرار دارند تا به مبارزان دائمی تبدیل شوند که ارزش‌های دموکراتیک و برابری‌طلبی را به دیگران منتقل می‌کنند.

در مقابل این دیدگاه کسانی قرار گرفتند که موافق بودند که دولت ابزار نخبگان حاکم است و به همین دلیل نمی‌توان آنها را در استراتژی سیاسی جنبش‌های اجتماعی نادیده گرفت. به نظر اینان اگر جنبش‌ها قدرت را به دست نگیرند، طبقات حاکم می‌توانند از قدرت خود- نیروی نظامی و پلیس، قدرت اقتصادی و قدرت فرهنگی- برای سرکوب جنبش‌های ضدسیستم استفاده کنند. بنابراین به دست آوردن کنترل دستگاه دولتی یک عنصر حیاتی در استراتژی سیاسی آنها برای دگرگونی نظام تاریخی سلطه است. پس اولویت اصلی جنبش‌ها در ابتدا باید کنترل دولت باشد. فقط در این صورت است که می‌توان دنیا را متحول ساخت. این استراتژی «دو مرحله‌ای» نامیده می‌شود.

بحث دیگری نیز بین جنبش‌های اجتماعی و ملی‌گرا در جریان بوده است. اولی اصرار داشت که نظام جهانی مدرن یک سیستم سرمایه‌داری است و بنابراین مبارزه اساسی یک مبارزه طبقاتی در داخل هر کشور بین صاحبان سرمایه و نیروی کار همواره در جریان است. بین این دو گروه است که شکاف دموکراتیک و برابری‌طلبانه بسیار زیاد بوده، و روز به روز در حال افزایش است. بنابراین نیروی کار تنها بدیل ممکن است.

جنبش‌های ملی‌گرا ارزیابی متفاوتی داشتند. به نظر آنان ستمدیده‌ترین افراد «مردمی» هستند که از خودمختاری و حقوق دموکراتیک محروم بودند و در نتیجه در یک نظام تاریخی با نابرابری روزافزون زندگی می‌کنند. در نتیجه «بازیگران تاریخی» طبیعی ملت‌های تحت ستم هستند. تنها زمانی که این ملت‌های تحت ستم به قدرت دست یابند، می‌توان انتظار داشت که نظام‌های تاریخی دموکراتیک‌تر و برابرتر باشند.

در قرن ۱۹ این جنبش‌ها رشد آرامی داشتند. دو چیز در مورد آنها در شرایط آن زمان می‌توان در نظر گرفت. اولین مورد این است که آنها از نظر سازمانی و سیاسی هنوز کاملاً ضعیف بودند. دوم اینکه سازمان‌های آنها همگی در یک کشور خاص قرار داشتند. هرچند که آنها از نظر روحی و عملی «بین‌المللی» بودن خود را اعلام می‌کردند. اما واقعیت این بود که هم رهبران و هم اعضای آنها به دنبال اهدافی بودند که در یک کشور مشخص قابل تحقق باشد و همیشه به منافع کشور خود اولویت می‌دادند.

بدنام‌ترین نمونه آن در روزهای منتهی به شروع جنگ جهانی اول رخ داد. در جلسه انترناسیونال سوسیالیست درست قبل از بروز جنگ، همه آنها احزاب ملی‌گرا را محکوم کردند و مجدداً تأکید کردند که منافع طبقاتی پرولتاریا مستلزم مبارزه با چشم‌انداز جنگی است که توسط بورژوازی یک کشور علیه بورژوازی کشور دیگر انجام می‌شود. هنگامی که چند روز بعد، واقعاً جنگ شروع شد، اعضای سوسیالیست مجالس مختلف به عنوان میهن‌پرستان ملی‌گرا به تأیید جنگ رأی دادند. یکی از مخالفان مشهور این تعهد ناسیونالیستی، حزب بلشویک به رهبری ولادیمیر لنین بود. به این ترتیب ناسیونالیسم آنها تا زمانی که به قدرت رسیدند آشکار نمی‌شد، اما این را هم زیر عنوان انترناسیونالیسم پنهان می‌ساختند.

در حالی که از آن زمان به بعد قدرت سیاسی جنبش‌های ضد سیستم همچنان به آرامی افزایش یافت، اما در اواخر سال ۱۹۴۵ هنوز تقریبا همه آنها نسبتاً ضعیف به نظر می‌رسیدند. بنابراین تا حدودی شگفت‌آور است که از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰ جنبش‌های ضد سیستم به اولین موفقیت‌ها دست یافتند. این تغییر ناگهانی در عرصه سیاسی نظام جهانی مدرن توضیح دقیقی را می‌طلبد.

پایان جنگ جهانی دوم با تغییرات مهمی در تاریخ نظام جهان مدرن همراه بود. شروع هژمونی ایالات متحده بر ساختارهای اقتصادی و سیاسی جهان مهمترین این تغییرات بود. ایالات متحده فعالانه به بازسازی اقتصادی اروپای غربی و ژاپن کمک کرد تا بازارهایی را برای تولید خود فراهم کند و همچنین وفاداری سیاسی واقعی آنها را حفظ کند. اما به تدریج این هژمونی رو به افول گذاشت به گونه‌ای که در دهه ۶۰ آن هژمونی دیگر نمی‌توانست به معنی سابق خود تلقی شود. اینبار، تولیدکنندگان اتومبیل در اروپای غربی و ژاپن شروع به نفوذ به بازار داخلی ایالات متحده کردند. اما این کشور همچنان توانست برتری نظامی خود را در جهان حفظ کند. با این حال، جنگ ویتنام هژمونی ایالات متحده را از چندین جهت تضعیف کرد. ایالات متحده هزینه اقتصادی بالایی برای جنگ پرداخت و مجبور شد استاندارد طلا را کنار بگذارد و در نتیجه قدرت اهرم اقتصادی خود را در برابر بقیه جهان کاهش داد.

در این شرایط بود که جنبش ۱۹۶۸ اتفاق افتاد. این یک انقلاب جهانی بود به این معنی ساده که در اکثر نقاط جهان رخ داد، و در همه جا صدای آن طنین‌انداز شد. البته زبان‌های مختلفی داشت. در این جنبش موضوع اصلی رد هژمونی ایالات متحده یا امپریالیسم توسط انقلابیون بود. البته این انقلابیون «تبانی» اتحاد جماهیر شوروی با امپریالیسم ایالات متحده را نیز محکوم می‌کردند، به این ترتیب آنها مضامین ایدئولوژیک جنگ سرد را به چالش کشیده و تفاوت بین دو ابرقدرت را به حداقل می‌رساندند. در عین حال، آنها چپ قدیمی را به این دلیل که آنها در واقع ضد سیستم نبودند، بلکه با سیستم تبانی نیز داشتند به چالش می‌کشیدند. بحث آنها این بود که پرولتاریا به قدرت هم رسیده، اما تغییرات اساسی در جهان به وجود نیامده است. بنابراین، انقلابیون جنبش‌های چپ قدیم را به عنوان بخشی از مشکل، نه بخشی از راه حل، به چالش می‌کشیدند. به این شرایط باید شکست توسعه‌گرایی و همچنین بحران اقتصادی را نیز افزود. بنابراین، آن هژمونی با بحران همراه شده بود. **(ادامه دارد)**

***دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد**

[i] World Systems Theory

[ii] Wallerstein, I. (2021). The Global Left: Yesterday, Today, Tomorrow. New York: Routledge

[iii] خلاصه‌ای از کتاب نیز در ۱۳ صفحه توسط ناشر در اختیار عموم قرار گرفته است.

[iv] انترناسیونالیسم و بین‌المللی‌گرایی به عنوان واکنشی نسبت به نظام سرمایه‌داری جهانی بوده است. پیشگامان چپ آکادمیک درواقع می‌خواسته‌اند در سطح بین‌المللی انقلابی در برابر سیستم جهانی سرمایه‌داری ایجاد کنند.

[v] نگاه کنید به نوشتار پیشین با عنوان «درباره مفهوم چپگرایی...»

افسران اروپایی دولت‌های عضو ناتو با نمایندگان سپاه پاسداران و روسیه در تهران زیر یک سقف نشستند!



سخنرانی سرهنگ لهستانی اسلاو ومیر کولتون در هتل نهاجا

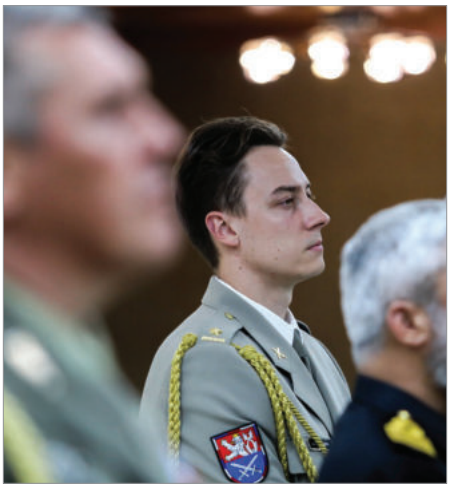

کاردار نظامی سفارت جمهوری چک در ایران

روز پنجشنبه ۲۶ بهمن‌ماه (۱۵ فوریه) در هتل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در شرق تهران کنار اراضی فرودگاه متروکه «دوشان تپه» مراسم چهل و پنجمین سالگرد «انقلاب۵۷» برگزار شد. حمید واحدی فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی سخنران این مراسم بود و چندین کاردار و نماینده نظامی سفارتخانه‌های خارجی به همراه شماری از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مهمان این مراسم بودند.

در بین مدعوین که شامل چند پاسدار و همچنین نمایندگان روسیه نیز می‌شد، کاردار نظامی سفارت جمهوری چک، لهستان و ترکیه (هر سه عضو ناتو) نیز حضور داشتند. اگرچه حضور نماینده نظامی ترکیه به دلیل سطح بالای روابط بین دو کشور اسلامی تعجب‌آور نبود اما مسئله حضور دو افسر از چک و لهستان در این مراسم جای تأمل دارد.

در شرایطی که مقامات اوکراین و همچنین دولت‌های غربی بارها اعلام کرده‌اند جمهوری اسلامی و بطور ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ارسال پهپادهای انتحاری از کشتار مردم اوکراین و حمله روسیه به زیرساخت‌های اقتصادی این کشور پشتیبانی می‌کنند، حضور نمایندگان دو دولت اروپایی عضو ناتو دهن‌کجی به مردم اوکراین است.

اما بدتر از این حضور خوش‌خدمتی سرهنگ لهستانی اسلاو ومیر کولتون به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به دلیل تولید همان پهپادهای مرگبار است که به ستایش از قدرت آنها پرداخت!

حضور افسران دولت‌های عضو ناتو در تهران در کنار سپاهی‌ها به ایران و مردم آن که در داخل با سرکوب گسترده روبرو هستند و از بیرون مدت‌هاست سایه یک جنگ احتمالی را بالای سر خود می‌بینند مربوط است.

در چنین فضایی باید از رهبران دولت‌های غربی مدافع دموکراسی پرسید آیا این وضعیت بیانگر پشت‌کردن علنی به مردم ایران و اوکراین نیست؟ چرا همچنان دولت‌های اروپایی با قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی مخالف‌اند؟ همنشینی با نمایندگان رژیم‌های جنگ‌طلب ناشی از سهل‌انگاری است یا منفعت سیاسی؟

حامد محمدی- در آستانه سومین سال تجاوز نظامی روسیه به مرزهای شرقی اروپا، در شرایطی که مقامات سیاسی- نظامی غربی در مورد اهداف جاه‌طلبانه ولادیمیر پوتین و احتمال دست‌درازی‌های روسیه به سایر مناطق اروپا نگران‌اند و در مورد ادامه ارسال پهپادهای انتحاری از ایران به روسیه هشدار می‌دهند، شاید برای سربازان اوکراینی جای تعجب داشته باشد که بشنوند نمایندگان کشورهای عضو ناتو زیر یک سقف در تهران با شماری از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مقامات نظامی



مستشاران روس در مراسم سالگرد «انقلاب۵۷»

روسی در یک مهمانی خاص شرکت کردند: مراسم چهل و پنجمین سالگرد «انقلاب اسلامی» در ایران!

روز پنجشنبه ۲۶ بهمن‌ماه (۱۵ فوریه) در هتل نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در شرق تهران کنار اراضی فرودگاه متروکه «دوشان‌تپه» مراسم چهل و پنجمین سالگرد «انقلاب۵۷» برگزار شد. حمید واحدی فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی سخنران این مراسم بود و چندین کاردار و نماینده نظامی سفارتخانه‌های خارجی به همراه شماری از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مهمان این مراسم بودند.

در بین مدعوین که شامل چند پاسدار و همچنین نمایندگان روسیه نیز می‌شد، کاردار نظامی سفارت جمهوری چک، لهستان و ترکیه (هر سه عضو ناتو) نیز حضور داشتند. اگرچه حضور نماینده نظامی ترکیه به دلیل سطح بالای روابط بین دو کشور اسلامی تعجب‌آور نبود اما حضور دو افسر از چک و لهستان در این مراسم جای تأمل دارد.

در شرایطی که مقامات اوکراین و همچنین دولت‌های غربی بارها اعلام کرده‌اند جمهوری اسلامی و بطور ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با ارسال پهپادهای انتحاری از کشتار مردم اوکراین و حمله روسیه به زیرساخت‌های اقتصادی این کشور پشتیبانی می‌کند، حضور نمایندگان دو دولت اروپایی عضو ناتو دهن‌کجی به مردم اوکراین است.

اما بدتر از این، حضور خوش‌خدمتی سرهنگ لهستانی اسلاو ومیر کولتون به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به دلیل تولید همان پهپادهای مرگبار است. کولتون رئیس انجمن وابستگان نظامی لهستانی مقیم ایران است.

ستایش قدرت پهپادهای مرگبار رژیم ایران توسط سرهنگ کولتون!

بر اساس گزارش خبرگزاری «دفاع پرس» وی با تبریک به مناسبت سالگرد «انقلاب۵۷» ایستاده زیر عکس علی خامنه‌ای و روح‌الله خمینی گفت، «صنعت دفاعی ایران یکی از پیشتازان تولید پهپاد در جهان است و مطمئناً با استفاده از این تجهیزات و توانمندی نیروی هوایی خود با نیت صلح‌آمیز می‌تواند کمک مؤثرتری به ثبات و امنیت منطقه‌ای کند.»

وی مدعی شد، «قویاً بر این باورم که جمهوری اسلامی به عنوان کشوری بزرگ با تجربه در جنگ و سرافراز، نه‌تنها می‌تواند بطور مسالمت‌آمیز به بازگرداندن ثبات در این منطقه کمک کند، بلکه می‌تواند بر فرآیندهای صلح در سایر نقاط جهان و هر جایی که با درگیری مواجه هستیم، تأثیرگذار باشد.»

این وضعیت یعنی هیچ چیز سر جای خود نیست زیرا کمی پیش از این مراسم کیلومترها دورتر از تهران ولادیسلاو کوسینیاک-کامیش وزیر دفاع لهستان هشدار داده

بود کشورش باید فوراً برای تهدید جنگ احتمالی با روسیه آماده شود.

وی در مصاحبه‌ای با روزنامه «سوپر اکسپرس» در پاسخ به اینکه آیا شکست نظامی احتمالی روسیه در اوکراین و حمله به سرزمین لهستان را محتمل می‌داند، گفت: «من هر سناریویی را مد نظر دارم و بدترین آنها را هم در نظر می‌گیرم. این وظیفه یک وزیر دفاع در چنین موقعیتی است و ما امروز درگیر آن شده‌ایم.»

سطح بحران آنقدر بالاست که دریاسالار راب بائر رئیس کمیته رؤسای نظامی ناتو نیز هشدار می‌دهد در «خطرناک‌ترین جهان دهه‌های اخیر قرار داریم» و خواستار «تحول رزمی در ناتو» شده است.

در همین ارتباط پتر پاول رئیس جمهوری کشور چک می‌گوید، انتظار دارد در سال ۲۰۲۴ «تحولات قابل توجهی» در تهاجم تمام‌عیار مسکو به اوکراین اتفاق بیفتد که به احتمال زیاد خوشایند کی‌یف نیست. اما شنیدن حرف‌های رئیس جمهور چک به عنوان یک ژنرال بازنشسته، رهبر ارشد ناتو و حامی سرسخت اوکراین می‌تواند برای سربازانی که در جبهه جنگ در مقابل روسیه ایستاده‌اند ناامیدکننده باشد. با وجود این اظهارات اما ژنرال پاول از کسانی است که باید پاسخ دهد کاردار نظامی سفارت چک در کنار فرماندهان سپاه پاسداران و نمایندگان روسیه چه می‌کند؟!

البته ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین و سایر مقامات این کشور نمی‌توانند از همتای خود در جمهوری چک انتقادی داشته باشند زیرا آنوقت باید پاسخ دهند در جایی که بطور رسمی و بر اساس شواهد موجود اعلام می‌کنند جمهوری اسلامی با ارسال پهپادهای مرگبار انتحاری شریک روسیه در کشتار مردم اوکراین هستند چرا کاردار نظامی خودشان سابقه حضور در این مراسم را دارد؟!

حضور افسران دولت‌های عضو ناتو در تهران در کنار سپاهی‌ها به ایران و مردم آن که در داخل با سرکوب گسترده روبرو هستند و از بیرون مدت‌هاست سایه یک جنگ احتمالی را بالای سر خود می‌بینند مربوط است. در شرایطی که چهره‌های برجسته اپوزیسیون به نمایندگی از مردم داخل بارها از کشورهای اروپایی مدافع دموکراسی خواسته‌اند برای افزایش فشار به جمهوری اسلامی سفرای خود را از تهران را فرا بخوانند و دیپلمات‌های جمهوری اسلامی را اخراج کنند آنها حتا در مورد روسیه نیز به عنوان یک کشو متجاوز این اهرم را به کار نگرفتند. این در شرایطی است که در جنگ اوکراین تا کنون بیش از نیم میلیون نفر کشته و زخمی شده‌اند که روسیه عامل مستقیم آن است و رژیم ایران نیز شریک مسکو در این جنگ است!

در چنین فضایی باید از رهبران دولت‌های غربی مدافع دموکراسی پرسید:

آیا این وضعیت بیانگر پشت‌کردن علنی به مردم ایران و اوکراین نیست؟

چرا همچنان دولت‌های اروپایی با قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی مخالف‌اند؟

همنشینی با نمایندگان رژیم‌های جنگ‌طلب ناشی از سهل‌انگاری است یا منفعت سیاسی؟

این پرسش‌ها در شرایطی مطرح است که بین مقامات اروپا و همچنین در بریتانیا هستند کسانی که مدام به دولت‌های خود در مورد سوء استفاده سپاه پاسداران از بانک‌ها و شرکت‌های مستقر در اروپا برای تأمین مالی تروریسم و توسعه صنایع پهپادی و موشکی گزارش و هشدار می‌دهند. این شرایط بطور مشخص حُسن نیت رهبران غرب در دفاع از حقوق بشر و حقوق ملت‌های آزادیخواه را در برابر حکومت‌های دیکتاتور زیر سؤال می‌برد.

ایرج مصداقی: سیاست‌های اشتباه غرب جمهوری اسلامی را به تروریسم ترغیب می‌کند



رئیس نهاد ضد جاسوسی سوئد ۱۹ بهمن اعلام کرد چندین حمله و عملیات تروریستی به افراد از سوی عوامل وابسته به جمهوری اسلامی را خنثی کرده است. البته اطلاعات بیشتری در این رابطه در اختیار افکار عمومی قرار داده نشده است. چند روز قبل از آن رادیو دولتی سوئد اعلام کرد که دلیل دو اخراج پناهجو در سال ۲۰۲۱ توطئه علیه شهروندان یهودی در آن کشور بوده است. این دو مامور جمهوری اسلامی به نام مهدی رمضانی و فرشته صانعی‌فرد که با نام جعلی و معرفی خود به عنوان پناهجویان افغانستانی در سال ۲۰۱۷ به عنوان پناهنده پذیرفته شده بودند توسط دولت سوئد اخراج و به جمهوری اسلامی فرستاده شدند. هر دو نفر در رابطه با برنامه‌ریزی برای ترور سه شخصیت بازداشت شده بودند که تنها نام آرون ورشتندیگ رئیس شورای مرکزی یهودیان سوئد مشخص شده و از دو نفر دیگر نامی برده نمی‌شود.

همزمان با چنین خبرهای مربوط به چند سال پیش که تازه امروز فاش می‌شوند، در تهران سومین جلسه دادگاه یوهان هنریک فلودروس دیپلمات اتحادیه اروپا که تابعیت سوئدی دارد، به ریاست قاضی ایمان افشاری در دادگاه انقلاب تهران برگزار شد. این دیپلمات اروپائی به «افساد فی‌الارض از طریق اقدام علیه امنیت ملی» متهم شده است. اتهامی که در برخی موارد دادگاه انقلاب برایش حکم اعدام صادر کرده است. خبر بازداشت این دیپلمات اروپائی نیز برای ۵۰۰ روز از سوی مقامات اتحادیه اروپا و دولت سوئد مخفی نگاه داشته شده بود.

در استکهلم وکلای حمید نوری درخواست فرجام خود را در آخرین روزهای ماه ژانویه در دیوان عالی این کشور به ثبت رساندند. وکلای حمید نوری از دیوان عالی می‌خواهند یا رای به عدم صلاحیت دادگاه‌های سوئدی برای محاکمه دستیار ابراهیم رئیسی (قاضی مرگ) در زندان گوهردشت کرج در تابستان خونین ۶۷ را صادر کنند و یا حداقل حکم حبس ابد دادگاه بدوی را که ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳ در دادگاه تجدیدنظر نیز تائید شده کاهش دهند.

احمد رأفت با ایرج مصداقی که فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی را رصد می‌کند و از شاکیان پرونده حمید نوری است، گفتگو کرده است.

نوید طوبیان روزنامه‌نگار اسرائیلی ایرانی‌تبار:

جمهوری اسلامی و اسرائیل به دنبال درگیری مستقیم نیستند

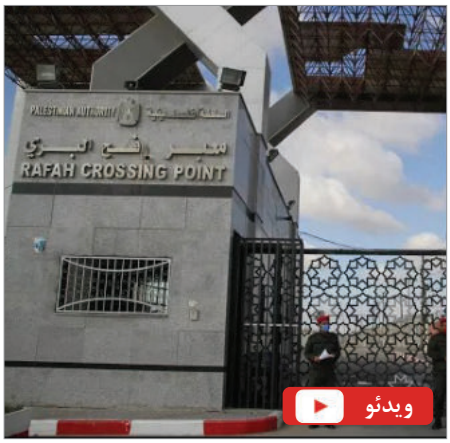

اسرائیل خود را آماده حمله به شهر رفح در باریکه غزه می‌کند. مصر اعلام کرد که در صورت حمله ارتش اسرائیل به رفح از توافق موسوم به «کمپ دیوید» خارج خواهد شد. جو بایدن رئیس جمهور آمریکا می‌گوید این کشور تنها از اقدامات نظامی‌ای حمایت می‌کند که امنیت غیرنظامیان را تامین کند. برای جوزپ بورل مقام ارشد سیاست خارجی و امنیت اتحادیه اروپا، حمله به رفح می‌تواند فاجعه‌آمیز باشد. برای یاکوب پری مدیر سابق آژانس امنیت داخلی اسرائیل (شین‌بت) حماس تنها یک سازمان تروریستی نیست، یک ایده است و با اقدام نظامی نمی‌توان بر آن پیروز شد و باید به دنبال راه حل سیاسی بود. تنها راه حل سیاسی برای دولت‌های اروپائی و آمریکا و همچنین بسیاری از کشورهای عربی، به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین است. پادشاهی سعودی برقراری مناسبات رسمی و علنی با اسرائیل را مشروط به تشکیل کشور فلسطین کرده است. ارتش اسرائیل واحد ویژه‌ای (واحد ۵۴) را برای زیر نظر داشتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی «قدس» تشکیل داده است. دیگر واحدهای نظامی و اطلاعاتی ارتش اسرائیل نیز گروه‌هائی برای رصد جمهوری اسلامی و بازوهای نیابتی‌اش به وجود آورده‌اند.

احمد رأفت با نوید طوبیان روزنامه‌نگار اسرائیلی ایرانی‌تبار در اورشلیم گفتگو کرده است

آژانس اطلاعات نظامی اوکراین: جمهوری اسلامی به روس‌ها در سوریه آموزش هدایت پهپاد می‌دهد



رونمایی از پهپادهای انتحاری سپاه پاسداران و حمل آنها پشت وانت‌بار

آژانس اطلاعات نظامی اوکراین (HUR) در گزارشی که روز دوشنبه ۱۲ فوریه (۲۳ بهمن‌ماه) منتشر شد اعلام کرد که جمهوری اسلامی و حزب‌الله در سوریه به روس‌ها آموزش استفاده و هدایت پهپاد می‌دهند تا در جنگ روسیه علیه اوکراین به کار گرفته شوند.

به گزارش روزنامه «کی‌یف ایندیپندنت»، نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله در حال اجرای این آموزش‌ها در پایگاه هوایی شعیرات هستند. این دوره شامل تسلط بر سیستم‌هایی مانند پهپادهای «شاهد۱۳۶-» انتحاری یا پهپادهای «ابابیل۳-» است.

گفته می‌شود آموزش‌های مربوطه نه تنها برای پرسنل روسیه، بلکه به مزدوران سوری نیز ارائه می‌شود که ظاهراً مسکو قصد دارد آنها را به عنوان اپراتور پهپاد در اوکراین مستقر کند.

آژانس اطلاعات نظامی اوکراین (HUR) در گزارشی که روز دوشنبه ۱۲ فوریه (۲۳ بهمن‌ماه) منتشر شد اعلام کرد که جمهوری اسلامی و حزب‌الله در سوریه به روس‌ها آموزش استفاده و هدایت پهپاد می‌دهند تا در جنگ روسیه علیه اوکراین به کار گرفته شوند.

به گزارش روزنامه «کی‌یف ایندیپندنت»، نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حزب‌الله در حال اجرای این آموزش‌ها در پایگاه هوایی شعیرات هستند.

روسیه و رژیم‌های ایران و بشار اسد در سوریه همچنان همکاری گسترده‌ای در سطوح نظامی و سیاسی دارند بطوری که برای اوکراین و غرب مشکلات جدی به وجود آورده‌اند.

آژانس اطلاعات نظامی اوکراین گفت که این دوره آموزشی شامل تسلط بر سیستم‌هایی مانند پهپادهای «شاهد۱۳۶-» انتحاری یا پهپادهای «ابابیل۳-» می‌شود.

روسیه بطور گسترده پهپادهای شاهد ساخت جمهوری اسلامی را وارد کرده و نسخه‌های داخلی آن را برای حملات علیه شهرها و زیرساخت‌های اوکراین ساخته است.

پهپادهای ابابیل، یکی دیگر از سامانه‌های بدون سرنشین توسعه‌یافته توسط ایران نیز برای شناسایی هدف‌ها و همچنین برای حمله نظامی قابل استفاده هستند.

به گفته آژانس اطلاعاتی اوکراین، این آموزش‌ها با مدیریت یک فرمانده حزب‌الله به نام کمال ابوصادق که متخصص ساخت و نگهداری پهپاد است، انجام می‌شود.

این در حالیست که گفته می‌شود آموزش‌های مربوطه نه تنها برای پرسنل روسیه، بلکه به مزدوران سوری نیز ارائه می‌شود که ظاهراً مسکو قصد دارد آنها را به عنوان اپراتور پهپاد در اوکراین مستقر کند.

بر اساس گزارش‌ها، روسیه مزدوران زیادی را در جنگ علیه اوکراین از جمله از سوریه به کار گرفته است.

رژیم بعثی سوریه مانند حکومت‌های «سوسیالیست-اسلامی» معمر قذافی در لیبی و صدام حسین در عراق، از زمان حافظ اسد که با اتحاد شوروی روابط خوبی داشت، بعدا نیز پسرش بشار اسد متحد نزدیک روسیه بوده و در جنگ داخلی سوریه از کمک‌های بی‌دریغ روسیه برای باقی ماندن در قدرت بهره‌مند شده است. حکومت دمشق یکی از تنها دو دولتی بود که تلاش روسیه را برای الحاق غیرقانونی چهار استان نیمه اشغالی اوکراین در سال ۲۰۲۲ به رسمیت شناخت.

هم مسکو و هم دمشق روابط نزدیکی با تهران دارند که نه تنها به روسیه تسلیحات می‌دهد، بلکه از گروه‌های شبه‌نظامی در لبنان، سوریه، عراق و یمن نیز حمایت می‌کند. این امر اخیراً منجر به درگیری‌هایی بین شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران و قدرت‌های غربی شد.

در هفته‌های اخیر بریتانیا و آمریکا در اقداماتی مشترک تعدادی شرکت و عوامل مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را که در توسعه و ساخت پهپادها موشک‌ها دخالت داشتند تحریم کردند. این تحریم‌ها شامل شبکه تأمین مالی و شرکت‌هایی می‌شود که در پوشش آنها تجهیزات و قطعات ممنوعه به ایران منتقل می‌شد.

رویترز:
حوثی‌ها احتمالاً برای نشان دادن اینکه مستقل از جمهوری اسلامی هستند به کشتی عازم ایران حمله کردند!

خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام امنیتی منطقه از این احتمال خبر داد که حمله به کشتی عازم ایران عامدانه و «از پیش طراحی شده» بوده آنهم با این هدف که حوثی‌ها نشان دهند مستقل و بدون دخالت جمهوری اسلامی اقدام می‌کنند!

این موضوع که چطور یک شرکت با مالکان آمریکایی همچنان با طرف ایرانی معامله می‌کند پرسشی است که مقامات واشنگتن به آن پاسخ داده‌اند. در همین ارتباط رویترز به نقل از مقامات دولتی ایالات متحده می‌نویسد، «بطور کلی، بدون صحبت در مورد هیچ معامله خاصی، آمریکا سیاستی دیرینه دارد مبنی بر اینکه تحریم‌های ما نمی‌بایست مانع از رسیدن غذا، دارو، تجهیزات پزشکی و کالاهای کشاورزی به مردم در همه جا شود صرف نظر از اینکه دولت‌های آن کشورها چقدر مورد مناقشه باشند... ذرت در این دسته از کالاها قرار می‌گیرد. در این مورد خاص به نظر می‌رسد فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران، امنیت غذایی مردم ایران را نیز به خطر انداخته است.»

یکی از تحلیلگران شرکت کالای «کپلر» گفت دلیل اینکه این کشتی، برخلاف سایر فله‌برها، مسیر خود را از دریای سرخ تغییر نداد، شاید این بود که گمان می‌رفت با توجه به اینکه مقصد آن خودی تلقی می‌شود پس «واهمه‌ای از حملات حوثی‌های مورد حمایت ایران» نداشته است.

فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) در بیانیه‌ای که سه‌شنبه ۱۳ فوریه (۲۴ بهمن‌ماه) در واکنش به حمله موشکی حوثی‌ها به کشتی فله‌بر یونانی در باب‌المندب منتشر شد، تأیید کرد این کشتی به مقصد ایران در حرکت بود.

خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام امنیتی منطقه از این احتمال خبر داد که حمله به کشتی عازم ایران عامدانه و «از پیش طراحی شده» بوده آنهم با این هدف که حوثی‌ها نشان دهند مستقل و بدون دخالت جمهوری اسلامی اقدام می‌کنند!

سنتکام در بیانیه خود اعلام کرده که حوثی‌ها با دو موشک بالستیک به کشتی «استار آیرس» حامل ذرت

حمله موشکی حوثی‌ها به کشتی یونانی «استار آیرس» در دریای سرخ؛ مقصد کشتی، ایران بود!

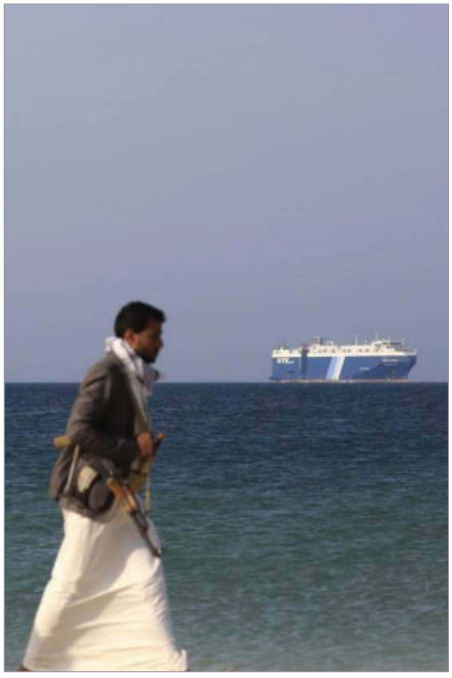

کشتی انگلیسی «گالکسی لیدر» که حوثی‌ها به گروگان گرفتند



مسیر حرکت کشتی فله‌بر «استار آیرس» پیش از اصابت موشک

به گزارش رویترز، کشتی فله‌بر «استار آیرس» که با پرچم جزایر مارشال در تنگه باب‌المندب هدف دو موشک قرار گرفت متعلق به یونان است اما یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها، در بیانیه‌ای تلویزیونی گفت که این کشتی آمریکایی است.

شرکت دریای آمبری گزارش داده مقصد این کشتی به سمت «بندر خمینی» (بندر شاهپور) در جنوب ایران بوده و مالک و اپراتور این کشتی طرف تجاری ایران هستند.

بنا بر گزارش‌ها، مالک و اپراتور این کشتی بطور منظم محموله‌هایی را بین ایران و سایر نقاط جابجا می‌کرده‌اند اما گروه مالک این کشتی در شاخص بورس آمریکا قرار دارد و این موضوع می‌تواند دلیل احتمالی حمله باشد.

ناخدای این کشتی ادعا کرده که هیچیک از خدمه این کشتی باری آسیبی ندیده‌اند و کشتی به حرکت خود ادامه داده است.

سابقه نداشت حوثی‌ها کشتی‌هایی را که عازم ایران هستند هدف قرار دهند.

شبه‌نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۲ فوریه (۲۳ بهمن‌ماه) اعلام کردند که یک کشتی تجاری در دریای سرخ را هدف قرار دادند.

به گزارش رویترز، کشتی فله‌بر «استار آیرس» که با پرچم جزایر مارشال در تنگه باب‌المندب هدف دو موشک قرار گرفت متعلق به یونان است اما یحیی سریع سخنگوی نظامی حوثی‌ها، در بیانیه‌ای تلویزیونی گفت که این کشتی آمریکایی است.

شرکت امنیت دریایی بریتانیا «آمبری» و آژانس عملیات تجارت دریایی بریتانیا (UKMTO) اوایل روز دوشنبه اعلام کردند این کشتی مورد اصابت موشک قرار گرفته و به سمت راست آن آسیب وارد شده است.

آمبری گزارش داده مقصد این کشتی به سمت «بندر خمینی» (بندر شاهپور) در جنوب ایران بوده و مالک و اپراتور این کشتی طرف تجاری ایران هستند.

بنا بر گزارش‌ها، مالک و اپراتور این کشتی بطور منظم محموله‌هایی را بین ایران و سایر نقاط جابجا می‌کرده‌اند اما گروه مالک این کشتی در شاخص بورس آمریکا قرار دارد و این موضوع می‌تواند دلیل احتمالی حمله باشد.

ناخدای این کشتی ادعا کرده که هیچیک از خدمه این کشتی باری آسیبی ندیده‌اند و کشتی به حرکت خود ادامه داده است.

سابقه نداشت حوثی‌ها کشتی‌هایی را که عازم ایران هستند هدف قرار دهند.

پس از حمله مرگبار «هفت اکتبر» حماس علیه اسرائیل، حوثی‌ها در حمایت از فلسطین حملات موشکی و پهپادی به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها در دریای سرخ را آغاز کردند. بیشتر از ۱۲۰ روز از جنگ در غزه می‌گذرد و طی این مدت علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی بیش از چهار مرتبه در سخنرانی‌های رسمی خود از رهبران دولت‌های عربی منطقه خواسته شریان‌های حیاتی اسرائیل را قطع کنند ولی مورد اعتنا قرار نگرفت.

پس از کشته شدن سه نظامی آمریکایی در اردن، عملیات عملیات تلافی‌جویانه آمریکا در منطقه علیه مواضع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و گروه‌های نیابتی آغاز شد. کشتی جاسوسی «بهشاد» متعلق به نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی تا پیش از آغاز این عملیات در خلیج عدن مستقر بود اما با افزایش احتمال هدف قرار گرفتن آن توسط جنگنده‌های آمریکایی تغییر موقعیت داد و به بندر «بلبالا» در جیبوتی رفت و نزدیک سکویی که در اختیار کشتی‌های چینی است لنگر انداخت.

شماری از منابع ادعا کردند با تغییر موقعیت این کشتی حملات حوثی‌ها به کشتی‌های تجاری کاهش پیدا کرد. منابع آمریکایی گزارش داده بودند کشتی جاسوسی بهشاد اطلاعات مربوط به عبور و مرور کشتی‌ها را در اختیار حوثی‌ها قرار می‌دهد.

که از مبداء برزیل به مقصد ایران در حرکت بود شلیک کرده‌اند.

مقامات آمریکایی می‌گویند حملات حوثی‌های وابسته به جمهور اسلامی علیه کشتی‌های تجاری بطور جدی اقتصاد جهانی و منابع غذایی جهان را تهدید می‌کند و اکنون مستقیماً حتا تامین غذای خود ایران نیز مورد تهدید قرار گرفته است.

در بیانیه سنکام آمده «اقدام اخیر نشان می‌دهد رژیم ایران از تروریسم و رفتارهای بی‌ثبات‌کننده گروه‌هایی مانند حوثی‌ها به قیمت تاون همه‌ی مردم منطقه، از جمله مردم خود ایران، حمایت می‌کند.»

کشتی «استار آیرس» متعلق به شرکت کشتیرانی «Star Bulk Carriers» یک شرکت کشتیرانی جهانی مستقر در یونان است که تعدادی از مالکان آن آمریکایی هستند. بنا بر گزارش‌ها، مالک و اپراتور این کشتی بطور منظم محموله‌هایی را بین ایران و سایر نقاط جابجا می‌کرده‌اند. گروه مالک این کشتی در شاخص بورس آمریکا قرار دارد.

این موضوع که چطور یک شرکت با مالکان آمریکایی همچنان با طرف ایرانی معامله می‌کند پرسشی است که مقامات واشنگتن به آن پاسخ داده‌اند. در همین ارتباط رویترز به نقل از مقامات دولتی ایالات متحده می‌نویسد، «بطور کلی، بدون صحبت در مورد هیچ معامله خاصی، آمریکا سیاستی دیرینه دارد مبنی بر اینکه تحریم‌های ما نمی‌بایست مانع از رسیدن غذا، دارو، تجهیزات پزشکی و کالاهای کشاورزی به مردم در همه جا شود صرف نظر از اینکه دولت‌های آن کشورها چقدر مورد مناقشه باشند... ذرت در این دسته از کالاها قرار می‌گیرد. در این مورد خاص به نظر می‌رسد فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده ایران، امنیت غذایی مردم ایران را نیز به خطر انداخته است.»

یکی از تحلیلگران شرکت کالای «کپلر» به رویترز گفت دلیل اینکه این کشتی، برخلاف سایر فله‌برها، مسیر خود را از دریای سرخ تغییر نداد، شاید همین نکته بوده که گمان می‌رفت با توجه به اینکه مقصد آن خودی تلقی می‌شود پس «واهمه‌ای از حملات حوثی‌های مورد حمایت ایران» نداشته است.

«جویش کرونیکل»: افشای سند فشار جمهوری اسلامی به دولت بریتانیا برای جلوگیری از تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران

وبسایت «جویش کرونیکل» هشتم فوریه (۱۹ بهمن‌ماه) گزارش داد این سند که گروه هکری «قیام تاسرنگونی» آن را فاش کرده شامل شواهدی مبنی بر دیدار علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی با سایمون شرکلیف سفیر بریتانیا در ایران در ژانویه سال ۲۰۲۳ در تهران است.

سایمون شرکلیف سفیر بریتانیا در ایران در همان مقطع به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شد و علی باقری کنی به وی هشدار داد که تروریستی اعلام کردن سپاه «به نفع کشور شما نیست».

بر اساس نقشه راه بریتانیا که در سال ۲۰۲۱ منتشر شد، «داشتن سفارت انگلیس در تهران و حفظ روابط بین کشورها برای منافع انگلیس اهمیت دارد» و نتیجه می‌گیرد که «بنابراین شاید بهترین راه برای منصرف کردن انگلیس از اقدام علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهدید به قطع روابط دیپلماتیک است.»

منابع وزارت خارجه بریتانیا به خبرنگاران گفته‌اند که تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک اشتباه است زیرا منجر به قطع روابط دیپلماتیک با ایران می‌شود. بازتاب تهدید جمهوری اسلامی به قطع روابط دیپلماتیک را در این سند نیز می‌توان دید. این منابع همچنین می‌گویند که این امر [تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران و قطع روابط دیپلماتیک] غرب را از دسترسی به اطلاعات حیاتی محروم می‌کند.

دیوید دیویس وزیر سابق برکسیت به «جویش کرونیکل» می‌گوید: «دولت بریتانیا در مورد مسئله امنیت ملی نباید به فشار و تهدید از سوی هیچ کشور خارجی تن بدهد، چه برسد به [رژیم] ایران؛ و تصمیم‌گیری در مورد اعلام ممنوعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دقیقا بر سر همین است.»



نیروهای سپاه و بسیج در راهپیمایی حکومتی

یک سند فاش شده نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی پس از دریافت هشدار از طریق یک تحلیلگر برجسته انگلیسی مرتبط با دولت بریتانیا در مورد احتمال قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی با «تهدید» دیپلمات‌های انگلیسی را زیر فشار قرار داده تا سپاه را در لیست سیاه قرار ندهند.

وبسایت «جویش کرونیکل» هشتم فوریه (۱۹ بهمن‌ماه) گزارش داد این سند که گروه هکری «قیام تاسرنگونی» آن را فاش کرده شامل شواهدی مبنی بر دیدار علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی با سایمون شرکلیف سفیر بریتانیا در ایران در ژانویه سال ۲۰۲۳ در تهران است.

این سند فاش می‌کند که شرکلیف پس از گزارش روزنامه‌ها مبنی بر اینکه بریتانیا آماده است سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان یک گروه تروریستی شناسایی کند، توسط باقری به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شده است.

در این سند بدون اشاره به نام هیچ فردی آمده یک تحلیلگر عضو اندیشکده مستقر در بریتانیا، اطلاعاتی را به یک دیپلمات ایرانی درباره نشست لندن در مورد تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران داده است.

موضوع مربوط به یک نشست سیاسی است که در آن ادعا شده بود «وزارت خارجه بریتانیا با پیشنهاد قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی موافق است». این موضوع با خشم تهران مواجه شد.

در این سند آمده است که در نشست لندن «گفته شد وزارت خارجه از این پیشنهاد حمایت می‌کند و ظرف دو یا سه هفته آن را اعلام خواهد کرد». همچنین گفته شد که «فرانسه با این طرح مخالف است، اما آلمان مخالفتی با آن ندارد.»

بر اساس نقشه راه بریتانیا که در سال ۲۰۲۱ منتشر شد، «داشتن سفارت انگلیس در تهران و حفظ روابط بین کشورها برای منافع انگلیس اهمیت دارد» و نتیجه می‌گیرد که «بنابراین شاید بهترین راه برای منصرف کردن انگلیس از اقدام علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهدید به قطع روابط دیپلماتیک است.»

باقری کنی نیز در ملاقات با شرکلیف هشدار داد که تروریستی اعلام کردن سپاه «به نفع کشور شما نیست».

پس از این دیدار، دولت انگلیس رسماً در برابر این اقدام موضع‌گیری کرد.

منابع وزارت خارجه بریتانیا به خبرنگاران گفته‌اند که تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک اشتباه است زیرا منجر به قطع روابط دیپلماتیک با ایران می‌شود. بازتاب تهدید جمهوری اسلامی به قطع روابط دیپلماتیک را در این سند نیز می‌توان دید. این منابع همچنین می‌گویند که این امر [تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران و قطع روابط دیپلماتیک] غرب را از دسترسی به اطلاعات حیاتی محروم می‌کند.

آنها همچنین این ارزیابی خود را افزودند که «ممنوعیت [ناشی از تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران] تهدید علیه بریتانیا را افزایش می‌دهد و هیچ نیروی مؤثر جدیدی نیز برای مقابله با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (که تحت تحریم‌های بریتانیا قرار دارد) اضافه نمی‌کند و به دیگر اقدامات بریتانیا، اروپا، ایالات متحده و سایر متحدان علیه تهدیدات [رژیم] ایران آسیب می‌رساند.»

منتقدان اما، از جمله در داخل دولت بریتانیا، می‌گویند شواهد کمی در مورد هر یک از موارد فوق وجود دارد و خواستار قرار گرفتن سپاه پاسداران در لیست سیاه به عنوان تهدید علیه امنیت ملّی هستند.

دیوید دیویس وزیر سابق برکسیت به «جویش کرونیکل» می‌گوید: «دولت بریتانیا در مورد مسئله امنیت ملی نباید به فشار و تهدید از سوی هیچ کشور خارجی تن بدهد، چه برسد به [رژیم] ایران؛ و تصمیم‌گیری در مورد اعلام ممنوعیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دقیقا بر سر همین است.»

در این گزارش همچنین آمده «چنین افشاگری‌هایی پرسش‌هایی را در مورد میزان تأثیر تهدیدهای [رژیم] ایران بر سیاست دولت و خطر انتقال اطلاعات حساس بالقوه به تهران توسط تحلیلگران اتاق‌های فکر به دیپلمات‌ها، کارمندان دولت و وزرا را که به این اطلاعات دسترسی دارند، مطرح می‌کند.»

«جویش کرونیکل» می‌نویسد، مشخص شده که جمهوری اسلامی از طریق برنامه‌ای به نام «ابتکار کارشناسان ایران» (IEI) که در سال ۲۰۱۴ راه‌اندازی شد، روابط خود را با اندیشکده‌های معروف برای پیش بردن منافع خود گسترش می‌دهد.

اسناد دیگری که سال گذشته بطور جداگانه به بیرون درز پیدا کرد، فاش کردند که اعضای (IEI) از نزدیک با راب مالی، مأمور ویژه سابق وزارت خارجه آمریکا در مسائل ایران و مذاکره کننده سابق آن کشور که در کشاکش حدس و گمان‌ها درباره یک حلقه جاسوسی از کار برکنار شد، همکاری می‌کردند.

این موضوع که دولت بریتانیا قصد دارد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تروریستی اعلام کند، اولین بار توسط «دیلی تلگراف» گزارش شد، که نوشت سوئلا براورمن وزیر کشور وقت و تام توگندات وزیر امنیت هر دو موافق این موضوع بودند.

شش هفته پیش از آن در یک سخنرانی، کن مک کالوم مدیر MI5 (سازمان امنیت داخلی) در مورد سطح بالای تهدیدات سپاه پاسداران علیه امنیت بریتانیا و یهودی‌ها هشدار داده و گفته بود که سازمان او ده طرح ترورهای جداگانه را خنثی کرده است. «جویش کرونیکل» فاش کرد که برخی یهودیان برجسته‌ی بریتانیا هدف این ترورها بودند و بعد تام توگندات وزیر امنیت نیز آن را تأیید کرد.

با اینهمه در حالی که تصور می‌شد وزارت کشور از قرار دادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی حمایت می‌کند، اما گفته می‌شود که وزارت خارجه از آن جلوگیری کرده است.

سند ترجمه شده توسط «جویش کرونیکل» در ماه جاری توسط گروه هکری «قیام سرنگونی» افشا شد. این گروه در گذشته مکاتبات دیپلماتیک، اسناد مربوط به برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران و اطلاعاتی درباره نحوه دور زدن تحریم‌ها توسط رژیم ایران از منتشر کرده بود.

بر اساس این سند، در نهم ژانویه سال ۲۰۲۳ سفیر جمهوری اسلامی در لندن به وزارت امور خارجه احضار شد که «در مورد طرح دولت [بریتانیا] برای اعلام تروریستی بودن سپاه پاسداران پاسخ روشنی نداد» اما گفت که در هفته‌های آینده پیام دولت بریتانیا را به تهران ارسال خواهد کرد.

در این نشست مقامات انگلیسی گفتند که وزارت خارجه نقشی در این تصمیم‌گیری ندارد و تصمیم توسط وزارت کشور گرفته خواهد شد.

اما روز بعد، وقتی علی باقری کنی شرکلیف سفیر بریتانیا را به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار کرد، گفت که معتقد نیست انگلیس «بدون مشورت با وزارت خارجه و بررسی پیامدهای تصمیمات در سیاست خارجی» چنین اقدامی کند.

باب بلکمن نماینده محافظه‌کار در پارلمان انگلیس هفته گذشته تأکید کرد که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نه تنها مردم بریتانیا را به کشتن تهدید کرده بلکه از تروریست‌های نیابتی حماس، حوثی و حزب‌الله پشتیبانی و همچنین حمایت مالی کرده است.

وی گفت که رژیم «ایران تنها در صورت ممنوعیت کامل احساس فشار خواهد کرد و من درخواست خود را از دولت برای انجام این کار تکرار می‌کنم... حزب‌الله که فرزند سپاه است قبلاً در لیست تروریستی قرار گرفته و سپاه نیز باید تروریستی اعلام شود.»

این نماینده به «جویش کرونیکل» گفت شکست این سیاست که در برابر افزایش درگیری‌ها توسط نیروهای نیابتی رژیم در سراسر خاورمیانه دست به اقدامات قاطع نزد، این پرسش مهم را مطرح می‌کند که: «در مقابل چه چیزی به دست می‌آوریم؟»

یک سخنگوی دولت انگلیس در همین ارتباط می‌گوید: «دولت بریتانیا، نهادهای قضائی و شرکای بین‌المللی ما به همکاری با یکدیگر برای شناسایی، بازدارندگی و پاسخ به تهدیدات [رژیم] ایران ادامه می‌دهند. ما همچنان به اقدام قوی علیه [رژیم] ایران که شهروندان را در بریتانیا و سراسر جهان تهدید می‌کند، ادامه خواهیم داد. بریتانیا بیش از ۴۰۰ فرد و نهاد ایرانی از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تحریم کرده است.»

ادعای شبکه «الحدث»: مرگ چهار نفر از اعضای «سپاه قدس» بر اثر مسمومیت در دیرالزور سوریه



مراسم دعا در یگان «فاطمیون» در یکی از پایگاه‌های سپاه پاسداران در دیرالزور

● شبکه خبری «الحدث» جمعه ۲۰ بهمن‌ماه به نقل از دیده‌بان حقوق بشر سوریه (مستقر در لندن) گزارش داد که شماری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در دیرالزور (شرق سوریه) دچار مسمومیت عمدی شدند.

● ادعا شده در اثر این مسمومیت گروهی دست‌کم چهار نفر از این نیروها جان خود را از دست دادند. «حاج مقتدی» و «مرتضی مولوی» دو نفر از فرماندهانی هستند که مسمومیت باعث مرگ آنها شد. دیده‌بان حقوق‌بشر سوریه مسمومیت فرماندهان سپاه را «عمدی» خوانده است.

● گفته می‌شود که شماری از زنان مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز مسموم شده‌اند. شدت مسمومیت زیاد بوده و حال برخی از این نیروها وخیم اعلام شده است.

شبکه خبری «الحدث» جمعه ۲۰ بهمن‌ماه به نقل از دیده‌بان حقوق بشر سوریه (مستقر در لندن) گزارش داد که شماری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در دیرالزور (شرق سوریه) دچار مسمومیت عمدی شدند.

ادعا شده در اثر این مسمومیت گروهی دست‌کم چهار نفر از این نیروها جان خود را از دست دادند. «حاج مقتدی» و «مرتضی مولوی» دو نفر از فرماندهانی هستند که مسمومیت باعث مرگ آنها شد. دیده‌بان حقوق‌بشر سوریه مسمومیت فرماندهان سپاه را «عمدی» خوانده است.

گفته می‌شود که شماری از زنان مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز مسموم شده‌اند. شدت مسمومیت زیاد بوده و حال برخی از این نیروها وخیم اعلام شده است.

منابع داخلی ایران واکنشی به این خبر نشان نداده‌اند و تأیید یا رد آن به صورت مستقل ممکن نیست.

استفاده هدفمند از عوامل بیولوژیک از جمله باکتری‌ها، ویروس‌ها، قارچ‌ها، حشرات و انگل‌ها یا مواد شیمیایی برای مسموم کردن افراد در کارزارهای نظامی سابقه دارد اما استفاده از این روش‌ها برای مقابله با نیروهای سپاه پاسداران در سوریه تا کنون نمونه نداشته و یا دست‌کم موارد آن زیاد و یا چنان مهم نبوده که در خبرها بازتاب پیدا کند.

اغلب نیروهای وابسته به سپاه «قدس» مستقر در دیرالزور از لشکر «فاطمیون» (افغان‌ها) هستند.

همزمان با حملات مکرر نیروی هوایی ارتش اسرائیل به پایگاه‌های مرتبط با سپاه پاسداران در سوریه اخیراً سنتکام نیز پس از کشته شدن سه سرباز آمریکایی در پایگاه «برج۲۲» اردن حملاتی را علیه پایگاه‌های سپاه و گروه‌های نیابتی رژیم ایران در عراق و سوریه انجام داد. این حملات شمار زیادی تلفات برجای گذاشت.

هفته گذشته دست‌کم هشت نفر از نیروهای فاطمیون در مرز سوریه و عراق منطقه البوکمال کشته شدند که اجساد آنها به ایران منتقل شد. منابع خبری وابسته به جمهوری اسلامی مثل همیشه کشته شدن نیروهای وابسته به سپاه در سوریه را تأیید یا رد نکردند تا اینکه مراسم تشییع جنازه آنها در شهرهای مشهد و ورامین برگزار شد.

خبرگزاری رویترز اول فوریه (۱۲ بهمن‌ماه) به نقل از «پنج منبع آگاه» گزارش داد که به دنبال عملیات اسرائیل علیه فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه، رژیم ایران تعدادی از افسران ارشد خود را به تهران بازگردانده و مأموریت آنها را به فرماندهانی از شبه‌نظامیان شیعه در همان مناطق وگذار کرده است. شبکه المیادین به نقل از منابع ایرانی این ادعا را رد کرد.

اگرچه مسمومیت گروهی عوامل جمهوری اسلامی در سوریه بی‌سابقه است اما استفاده از این روش علیه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی سابقه دارد. اواخر مهرماه ۱۳۹۷ گزارش شد که جیش‌العدل ۱۱ نفر از نیروهای هنگ مرزی در سیستان و بلوچستان را مسموم کرده و آنها را ربوده است.

در هفته‌های اخیر شمار زیادی از فرماندهان و نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه هدف حملات اسرائیل قرار گرفتند. سیدرضی موسوی مسئول پشتیبانی سپاه قدس در سوریه، حاج صادق امیدزاده معروف به یوسف با نام سازمانی «حجت‌الله امیدوار» مسئول اطلاعات سپاه قدس در سوریه و دستیاران وی علی آقازاده، حسین محمدی و سعید کریمی از کسانی بودند که در این حملات کشته شدند.

پولیتیکو:

«فارن‌گُلد بانک» در هامبورگ متهم به پولشویی برای «سپاه قدس» شد



دفتر مرکزی «فارن گلد بانک» در شهر هامبورگ آلمان واقع است

مقامات دو سازمان اطلاعاتی غربی می‌گویند که یک بانک کوچک در هامبورگ با یک شبکه مالی مخفی مرتبط با جمهوری اسلامی برای نقل و انتقال پول به گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، از جمله حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن همکاری کرده است.

مقامات اطلاعاتی غربی می‌گویند که بخشی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به بانک‌های اروپایی متکی هستند تا درآمدهای حاصل از فروش غیرقانونی نفت و سایر کالاها را با پولشویی دریافت کنند. آنها تلاش می‌کنند ارزهای رایج را که نظارت بین‌المللی روی آنها زیاد و جابجا کردن آنها سخت است به ارزهایی تبدیل کنند که داد و ستد آنها در سیستم مالی بین‌المللی کمتر احتمال شناسایی دارد.

مدیران این بانک ارتکاب هرگونه تخلف را رد می‌کنند و اصرار دارند که معاملات آنها با ایران محدود به ارسال کمک‌های بشردوستانه از جمله تجهیزات پزشکی و مواد غذایی بوده است.

دادستان‌های آلمان پیش از این یاسین سباستین قریشی، مؤسس و مدیرعامل سابق این بانک را متهم به دست داشتن در یک کلاهبرداری گسترده میلیاردها دلاری توسط بانک‌های بین‌المللی، سوداگران و صندوق‌های مالی از دولت‌های اروپایی با ادعای بازپرداخت مالیات‌هایی کردند که هرگز پرداخت نشد. محاکمه قریشی که اتهامات علیه خود را رد می‌کند اوایل این هفته در دادگاه بن آغاز شد.

مقامات دو سازمان اطلاعاتی غربی می‌گویند که یک بانک کوچک در هامبورگ با یک شبکه مالی مخفی مرتبط با جمهوری اسلامی برای نقل و انتقال پول به گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، از جمله حزب‌الله لبنان و حوثی‌های یمن همکاری کرده است.

پایگاه خبری «پولیتیکو» نهم فوریه (۲۰ بهمن‌ماه) گزارش داد مقامات اطلاعاتی غربی شواهدی را به مقامات مالی آلمان نشان داده‌اند که افشا می‌کند جمهوری اسلامی از «فارن‌گُلد بانک» برای تأمین مالی شاخه‌های تروریستی خود استفاده می‌کند. تحقیقات گسترده از این بانک باعث تعلیق عملیات بانکی آن شده است.

مقامات اطلاعاتی غربی می‌گویند که بخشی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به بانک‌های اروپایی متکی هستند تا درآمدهای حاصل از فروش غیرقانونی نفت و سایر کالاها را با پولشویی دریافت کنند. آنها تلاش می‌کنند ارزهای رایج را که نظارت بین‌المللی روی آنها زیاد و جابجا کردن آنها سخت است به ارزهایی تبدیل کنند که داد و ستد آنها در سیستم مالی بین‌المللی کمتر احتمال شناسایی دارد.

اگر سوء ظن مقامات در مورد تجارت «فارن‌گلد» با رژیم ایران ثابت شود، این بانک یک نمونه آشکار از مواردی است که سهولت نسبی دور زدن تحریم‌های غرب توسط تهران را به نمایش می‌گذارد.

«اداره نظارت مالی آلمان» (بافین) که عملکرد بانک‌ها، بیمه‌ها، صندوق‌های بازنشستگی و بازار سرمایه‌ی این کشور را رصد می‌کند، سال گذشته با استناد به نگرانی‌های مربوط به پولشویی، تحقیقاتی را درباره این بانک آغاز کرد، اما ارتباط مشکوک بین این بانک و شبکه تروریستی تهران را فاش نکرد.

مدیران این بانک هرگونه تخلف را رد می‌کنند و اصرار دارند که معاملات این مؤسسه مالی با ایران محدود به ارسال کمک‌های بشردوستانه از جمله تجهیزات پزشکی و مواد غذایی بوده است.

سخنگوی «فارن‌گلد بانک» به پولتیکو گفت: «مشتریان ما در بانکداری تجاری یا معاملات بانکی عمدتاً تولیدکنندگان و عمده‌فروشان مواد غذایی و دارویی در سطح بین‌المللی هستند. در این زمینه، بانک به عنوان مثال از نقل و انتقالات بانکی صادرکنندگان و واردکنندگان کالاهای بشردوستانه مورد نیاز فوری که مشمول تحریم‌های اتحادیه اروپا یا آمریکا نیستند، حمایت می‌کند.»

با این حال، به گفته منابع اطلاعاتی غربی، برخی از شرکت‌های ایرانی از طریق این بانک اقدام به پولشویی به نفع «سپاه قدس» می‌کرده‌اند.

نقل و انتقالات بانکی و صورت‌های مالی مشاهده شده توسط پولیتیکو جزئیاتی از معاملات بین این بانک و شرکت‌های معروف ایرانی را که بخشی از این شبکه مخفی سپاه پاسداران هستند تأیید می‌کند.

سخنگوی این بانک ادعا کرده از ارتباط بین مشتریان خود و سپاه قدس اطلاعی ندارد.

بانک «فارن‌گلد» در سال ۱۹۹۵ به عنوان یک شرکت مدیریت با مسئولیت محدود در هامبورگ تأسیس شد، تا اینکه در سال ۲۰۱۳ مجوز بانکداری آلمان را دریافت کرد. مجموعه دارایی‌های این بانک حدود ۶۰۰ میلیون یورو در سال ۲۰۱۵ بود که طبق استانداردهای آلمان رقم ناچیزی است. این بانک به یک جایگاه ویژه نیاز داشت که با تمرکز بر پرداخت‌های بین‌المللی مربوط به خاورمیانه و اروپای شرقی این موقعیت را پیدا کرد.

سود تجاری بین‌المللی این بانک در سال ۲۰۱۵ کمتر از چهار میلیون یورو بود اما با سیاستی که در پیش

گرفت این رقم در سال ۲۰۲۱ به نزدیک به ۴۵ میلیون یورو افزایش پیدا کرد.

این بانک در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۲۱ گفته بود «این سود از طریق جذب مشتریان جدید و همچنین حجم کسب و کار بیشتر با مشتریان فعلی به دست آمد.»

با این حال، به گفته مقامات اطلاعاتی، شرکت‌های صوری ایرانی محرک‌های اصلی حجم تجارت این بانک بودند، به ویژه پس از اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا علیه تهران در سال ۲۰۱۸، زمانی که تقاضاً برای خدمات نقل و انتقالات بانکی افزایش یافت. پورسانت معمولی برای نوع خدمات ارائه شده «فارن‌گولد» حدود یک درصد است که نشان می‌دهد این بانک میلیاردها یورو تراکنش بین‌المللی انجام می‌داده است. با این حال، مشخص نیست که چند درصد از این معاملات مربوط به ایران بوده است.

پس از اعلام نتایج تحقیقات «اداره نظارت مالی آلمان»، مدیران بانک «فارن‌گلد» اعلام کردند که این نهاد در مورد فعالیت بانک اخطار سود صادر کرده است. این خبر تأثیر مخرّبی بر قیمت سهام «فارن‌گلد» داشت و باعث سقوط بیش از ۷۰ درصدی ارزش سهام آن شد. در نهایت این بانک مجبور شد ۲۰ درصد از نیروی کار خود را شامل ۱۰۰ کارمند اخراج کند.

به گفته مقامات اطلاعاتی غربی، خطر تأمین مالی تروریسم توسط «فارن‌گلد بانک» صرفاً تئوری نبود بلکه این بانک میلیاردها دلار را با معاملات غیرقانونی پولشویی کرده است.

بسیاری از شرکت‌های مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پوشش شرکت‌های صوری در این بانک حساب داشتند. مقامات گفتند که رژیم ایران برای پولشویی درآمدهای حاصل از فروش نفت و میعانات پتروشیمی که عمدتاً به چین و روسیه ارسال می‌شوند، به شرکت‌های پوششی متکی است اما این مبادلات اغلب به عنوان کمک‌های بشردوستانه پنهان می‌شوند تا مشمول قوانین تحریم نشوند.

تحقیقات نشان می‌دهد جمهوری اسلامی با کمک شرکت‌های پوششی که محل ثبت برخی از آنها امارات و ترکیه است با روش‌های پیچیده و سندسازی‌های مختلف شبکه پولشویی خود را مخفی نگه می‌دارد.

تحقیقات «اداره نظارت مالی آلمان» در مورد «فارین‌گلد بانک» هنوز تکمیل نشده و تا کنون هیچ فردی از این بانک متهم به تخلف نشده است. سخنگوی این اداره از گفتن اینکه تحقیقات چه زمانی خاتمه می‌یابد یا اینکه مقام قضایی پرونده را به دادستانی آلمان ارجاع داده یا نه خودداری کرد.

با این حال، معاملات با جمهوری اسلامی ایران اولین بار نیست که توجه مقامات آلمانی را به خود جلب می‌کند.

دادستان‌های آلمان پیش از این یاسین سباستین قریشی، مؤسس و مدیرعامل سابق این بانک را متهم به دست داشتن در یک کلاهبرداری گسترده میلیاردها دلاری توسط بانک‌های بین‌المللی، سوداگران و صندوق‌های مالی از دولت‌های اروپایی با ادعای بازپرداخت مالیات‌هایی کردند که هرگز پرداخت نشد. البته وی ارتکاب هرگونه تخلفی را رد می‌کند.

دادستان‌های آلمان ادعا می کنند که قریشی در این پرونده در کلاهبردای ۹۳ میلیون یورویی از دولت آلمان دست داشته است. وی در سال ۲۰۱۵ از مدیرعاملی این بانک استعفاء داد اما اتهامات مربوطه به دوران تصدی وی در مدیریت بر می‌گردد. محاکمه او در دادگاه بن اوایل این هفته آغاز شد.

روزنامه «دیلی میل»:

جذب شیعیان و خلافکارهای بریتانیا توسط سپاه پاسداران برای حمله به مخالفان رژیم ایران و جاسوسی از یهودی‌ها



حمل پرچم با آرم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جریان تجمع حمایت از فلسطین در لندن

روزنامه «دیلی میل» شنبه نهم فوریه (۲۱ بهمن‌ماه) گزارش داد که جمهوری اسلامی از مسلمانان بریتانیایی که برای زیارت اماکن مذهبی به خاورمیانه سفر می‌کنند، برای جاسوسی از یهودیان و مخالفان رژیم در انگلیس نیرو جذب می‌کند.

بر اساس این گزارش که منابع آن اسرائیلی هستند، عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با هدف دریافت اطلاعات و یا جذب نیرو خود را به شیعیانی که از بریتانیا برای زیارت اماکن مذهبی به عراق و سوریه سفر کرده‌اند نزدیک می‌کنند.

مقامات اسرائیلی و بریتانیایی بطور جداگانه به «دیلی میل» گفته‌اند عوامل سپاه از شهروندان شیعه انگلیسی خواسته‌اند وقتی به کشورشان بازمی‌گردند اطلاعاتی در مورد یهودیان برجسته بریتانیایی یا اهدافی مانند کنیسه‌ها جمع‌آوری کنند.

کارشناسان همچنین هشدار داده‌اند که برخی ایرانیانی که به عنوان دانشجوی بین‌المللی با بورسیه دولتی برای تحصیل به دانشگاه‌های انگلیس می‌روند نیز جاسوس هستند.

روزنامه «دیلی میل» شنبه نهم فوریه (۲۱ بهمن‌ماه) گزارش داد که جمهوری اسلامی از مسلمانان بریتانیایی که برای زیارت اماکن مذهبی به خاورمیانه سفر می‌کنند، برای جاسوسی از یهودیان و مخالفان رژیم در انگلیس نیرو جذب می‌کند.

بر اساس این گزارش که منابع آن اسرائیلی هستند عوامل سپاه پاسداران با هدف دریافت اطلاعات و یا جذب نیرو خود را به شیعیانی که از بریتانیا برای زیارت اماکن مذهبی به عراق و سوریه سفر کرده‌اند نزدیک می‌کنند.

مقامات اسرائیلی و بریتانیایی بطور جداگانه به «دیلی میل» گفته‌اند عوامل سپاه از شهروندان شیعه انگلیسی خواسته‌اند وقتی به کشورشان بازمی‌گردند اطلاعاتی در مورد یهودیان برجسته بریتانیایی یا اهدافی مانند کنیسه‌ها جمع‌آوری کنند.

برخی از مخالفان رژیم ایران که در بریتانیا ساکن‌اند و حکومت آنها را متهم می‌کند که به اعتراضات در ایران دامن می‌زنند از اهداف جاسوسی عوامل سپاه هستند.

یک مقام اسرائیلی می‌گوید پس از عملیات مرگبار حماس در «هفت اکتبر» بیش از حد معمول به دولت انگلیس در مورد حملات احتمالی توسط عوامل سپاه یا دستیاران آنها هشدار داده‌اند.

یک منبع می‌گوید: «ما از تعداد مأموران وابسته به رژیم ایران در داخل اروپا و انگلیس اطلاعی نداریم.»

کارشناسان همچنین هشدار داده‌اند که برخی ایرانیانی که به عنوان دانشجوی بین‌المللی با بورسیه دولتی برای تحصیل به دانشگاه‌های انگلیس می‌روند نیز جاسوس هستند.

کسری اعرابی عضو اندیشکده «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» می‌گوید: «عوامل سپاه برای جذب نیرو در بریتانیا معمولاً روی افرادی که سکولار یا مخالف رژیم آیت‌الله‌ها هستند، تمرکز نمی‌کنند. اما شیعیان بریتانیایی که از پاکستان، عراق و لبنان می‌آیند، در مراسم اربعین در کربلا، که سالانه ۲۰ میلیون زائر را به خود جذب می‌کند، گزینه آنها به شمار می‌روند.»

گفتنی است که اکثر مسلمانان بریتانیا سنّی‌مذهب هستند اما تخمین زده می‌شود که حدود ۴۰۰ هزار شیعه در این کشور زندگی می‌کنند.

یک منبع دولتی به «دیلی میل» می‌گوید: «سپاه برای ترور یا ربودن افراد در بریتانیا اغلب از شبکه‌های خلافکار استفاده می‌کند» اما یک منبع دیگر معتقد است: «اطلاعات جمع‌آوری شده توسط جاسوسان انگلیسی ممکن است برای انجام این حملات مورد استفاده قرار بگیرد... دلیل اینکه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از شبکه‌های خلافکار برای انجام کار در این کشور استفاده می‌کند این است که خوشبختانه عملیات جاسوسی برای آنها در خاک انگلیس بسیار سخت است.»

این روزنامه با اشاره به توطئه عوامل جمهوری اسلامی برای کشتن دو مجری شبکه «ایران اینترنشنال» در ادامه گزارش می‌نویسد: «یک قاچاقچی مستقر در بریتانیا، حدود ۲۰۰ هزار پوند از سپاه پاسداران برای ترور دو روزنامه‌نگار که برای این شبکه کار می‌کردند دریافت کرده است.»

پیش از این دیوید کامرون وزیر خارجه بریتانیا در مصاحبه با روزنامه «تلگراف» تهدید جمهوری اسلامی را یکی از پنج بحران بزرگی خواند که در کنار جنگ روسیه علیه اوکراین، درگیری‌های خاورمیانه، تروریسم و تغییرات اقلیمی، «شرایط بسیار سختی را در جهان ایجاد کرده است.»

اتباع افغان و شبه‌نظامیان «فاطمیون» سیاهی لشکر حکومت در راهپیمایی «۲۲بهمن»

حضور پُر تعداد اتباع خارجی در راهپیمایی حکومتی «۲۲بهمن» در چند شهر ایران به ویژه در تهران، مشهد و قم بار دیگر موضوع سوء استفاده چندمنظوره حکومت از آنها را به عنوان سیاهی لشکر و ابزاری در خدمت پروپاگاندا و همچنین نیروهایی برای تقویت ماشین سرکوب رژیم مطرح کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد ده‌ها نفر از افغان‌های ساکن ایران به ویژه در مناطق جنوب شهر شامل ورامین، پیشوا، پاکدشت، «اسلامشهر» و رباط‌کریم تحت عنوان «خانواده شهدا و ایثارگران فاطمیون» یا «بسیج لشکر فاطمیون» به صورت سازماندهی شده در راهپیمایی حکومتی به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد انقلاب اسلامی حضور پیدا کردند.

شماری از آنها یونیفرم‌های نظامی و پرچم فاطمیون را در دست داشتند. شماری دیگر که فرزندان یا پدران‌شان را در جنگ سوریه از دست داده‌اند پلاکاردهایی با عکس آنها در کنار قاسم سلیمانی به دست گرفته بودند.

بسیج محلات نوجوانان افغان را هم به عنوان گروه‌های ورزشی به ویژه ورزش‌های رزمی با لباس کاراته یا تکواندو برای حضور در راهپیمایی سازماندهی کرده بودند.



حضور پرتعداد فاطمیون پایگاه بسیج منطقه پیشوا در جنوب تهران در راهپیمایی حکومتی «۲۲بهمن» ۱۴۰۲

حضور پُر تعداد «اتباع خارجی» در راهپیمایی حکومتی «۲۲بهمن» در چند شهر ایران به ویژه در تهران، مشهد و قم بار دیگر موضوع سوء استفاده چندمنظوره‌ی حکومت از این افراد را به عنوان سیاهی لشکر و ابزاری در خدمت پروپاگاندا و همچنین نیروهایی برای تقویت دستگاه سرکوب رژیم مطرح کرده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد ده‌ها نفر از افغان‌های ساکن ایران به ویژه در مناطق جنوب شهر شامل ورامین، پیشوا، پاکدشت، «اسلامشهر» و رباط‌کریم تحت عنوان «خانواده شهدا و ایثارگران فاطمیون» یا «بسیج لشکر فاطمیون» به صورت سازماندهی شده در راهپیمایی حکومتی به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد انقلاب اسلامی حضور پیدا کردند. شماری از آنها یونیفرم‌های نظامی و پرچم فاطمیون را در دست داشتند. شماری دیگر که فرزندان یا پدران‌شان را در جنگ سوریه از دست داده‌اند پلاکاردهایی با عکس آنها در کنار قاسم سلیمانی به دست گرفته بودند.

حضور افغان‌ها در راهپیمایی حکومتی ۲۲بهمن در مشهد بخشی از این سیاهی لشکر شامل زنانی می‌شود که پسران یا همسران‌شان از کشته‌شدگان فاطمیون در سوریه هستند. آنها اغلب یکی دو بچه خردسال یا نوجوان به همراه داشتند.

بسیج محلات نوجوانان افغان را نیز به عنوان گروه‌های ورزشی به ویژه ورزش‌های رزمی با لباس کاراته یا تکواندو برای حضور در راهپیمایی سازماندهی کرده بودند.

سازماندهی نیروهای شبه‌نظامی فاطمیون برای حضور در راهپیمایی حکومتی «۲۲بهمن» موضوعی است که خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز به آن اعتراف کرده و البته عبارت «رزمندگان فاطمیون» را برای آنها استفاده کرده است.

مدیرکل اتباع و مهاجرین خارجی استانداری «خراسان رضوی» در همین ارتباط به خبرگزاری دولتی «ایرنا» می‌گوید، «مشارکت، حضور و همدلی مردم و اتباع و مهاجران خارجی در راهپیمایی، نشان‌دهنده اعتقاد و علاقه آنان به آرمان‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی است.»

به گفته منابع مطلع، با شدت گرفتن حملات آمریکا و اسرائیل علیه پایگاه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و عوامل نیابتی رژیم ایران در سوریه تعداد زیادی از نیروهای افغان در دو سه هفته گذشته موقتاً به ایران بازگردانده شدند. همین افراد توسط بسیج محلات یا مساجد با تطمیع یا فشار غیرمستقیم به امید گرفتن امتیازاتی مثل بُن خرید به راهپیمایی نمایشی ۲۲ بهمن کشانده شدند که از همه‌ی سال‌های گذشته بی‌رونق‌تر بود.

برخی تحلیلگران احتمال می‌دهند با توجه به عزم عمومی در ایران برای تحریم و عدم مشارکت در «انتخابات» آتی مجلس شورای اسلامی و نیاز شدید نظام به حضور مردم پای صندوق‌های رأی، افغان‌ها گزینه‌ای برای پر کردن شعب اخذ رأی و حتا مهندسی انتخابات جهت افزایش شمار تعرفه‌های رأی‌گیری هستند به ویژه آنکه اعلام شد علاوه بر شناسنامه، می‌توان با گواهینامه رانندگی و گذرنامه نیز برای رأی‌دادن استفاده کرد. جعل گواهینامه با توجه به اینکه امکان استعلام سریع آنها در شعب اخذ رأی موجود نیست می‌تواند به نظام در حجم زیادی از «رأی‌سازی» کمک کند.

اینهمه در حالیست که آمار دقیقی از تعداد تلفات فاطمیون در جنگ سوریه در دست نیست اما تخمین زده می‌شود بیش از پنج هزار نفر از آنها طی بیش از یک دهه حضور فعال «سپاه قدس» در سوریه کشته شده‌اند.

اتباع افغان در گذشته نیز با دخالت بسیج برای تقویت کارزارهای تبلیغاتی حکومت از جمله شادی پس از مسابقات فوتبال یا گردهمایی حامیان نظام در مناسبت‌های مختلف مورد سوء استفاده حکومت قرار گرفته‌اند.

طی سال‌های اخیر گزارش‌های زیادی از همکاری شبه‌نظامیان فاطمیون با عوامل سپاه و بسیج برای سرکوب اعتراضات وجود داشت.

وادار کردن افغان‌ها به پشتیبانی از یگان‌های سرکوبگر

گذشته از مواقعی که حکومت از افغان‌ها به عنوان سیاهی لشکر برای پرتعداد نشان دادن راهپیمایی‌های حکومتی در مناسبت‌های انقلابی سوء استفاده می‌کند، در بعضی مواقع نیز آنها تدارکاتچی مناسبات مذهبی و فرهنگی می‌شوند. چنانکه تعداد زیادی از موکب‌های «اربعین» برای پذیرایی از زائران با کمک افغان‌ها در مسیرهای منتهی به کربلا و نجف برپا می‌شود. در مواقعی هم به تعدادی از آنها مأموریت داده‌اند که در سرکوب اعتراضات ضدحکومتی پشتیبان بسیج و لباس‌شخصی‌ها باشند.

نگرانی‌های ایرانی‌ها از سیل مهاجران افغان به ایران آنجا تشدید می‌شود که جسته و گریخته گزارش می‌شود که حکومت با انگیزه‌های ضدمردمی از جمله تقویت دستگاه سرکوب آنها را بطور سازمانیافته به ایران وارد می‌کند.

اعتراضات سراسری دی‌ماه ۱۳۹۶ و مرداد ۱۳۹۷ در فضای سیاسی جدید اولین چالش جدّی حکومت بعد از اعتراضات سال ۸۸ به نتایج انتخابات ریاست جمهوری اسلامی بود. وسعت این اعتراضات حکومت را وادار به اقداماتی کرد که تا پیش از آن کمتر مواردی از آن گزارش شده بود. یکی از این اقدامات استفاده از «فاطمیون» برای سرکوب اعتراضات در برخی شهرها از جمله در زاهدان، ورامین، کرج، مشهد و «خمینی‌شهر» (همایونشهر) اصفهان بود. با آرام‌تر شدن فضا در آن مقطع حجت‌الاسلام موسی غضنفرآبادی رئیس دادگاه‌های انقلاب تهران اواسط اسفند ۱۳۹۷ در جمع طلاب حوزه علمیه قم با صراحت تهدید کرد، «اگر ما انقلاب را یاری نکنیم، حشدالشعبی عراقی، فاطمیون افغانی، زینبیون پاکستانی و حوثی‌های یمنی خواهند آمد و انقلاب را یاری خواهند کرد!»

کودکان و دانش‌آموزانی که با خودکشی از دست می‌روند
«از این بالا چقدر همه چیز خوب است!»

یک دختر نوجوان سیزده ساله به نام هونیا بهرامی در شهر سقز از طریق حلق‌آویز کردن به زندگی خود پایان داد.

دو نوجوان در شهرهای دهدشت و یاسوج واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد، از طریق حلق‌آویز کردن و خوردن قرص، دست به خودکشی زدند و جان خود را از دست دادند.

در ایران نه تنها «خودکشی» به عنوان راه رهایی فردی از مشکلات خارج از شرایط روحی و جسمی بزرگسالان، بلکه خودکشی کودکان نیز سال‌هاست در ایران به یک معضل غم‌انگیز و هشداردهنده تبدیل شده است.

طی چند سال اخیر، در پی افزایش مشکلات اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی ،آمار خودکشی در شهرهای مختلف ایران به طرز چشمگیری افزایش پیدا کرده است از خودکشی در میان اقشار و افراد مختلف در سنین متفاوت گرفته تا کودکان، نوجوانان و جوانان. بررسی اخبار منتشرشده نشان می‌دهد که آمار خودکشی میان نوجوانان همچنان رو به افزایش است.

خبرگزاری هرانا روز یکشنبه ۲۲ بهمن خبر داد که دو نوجوان در شهرهای دهدشت و یاسوج واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد، از طریق حلق‌آویز کردن و خوردن قرص، دست به خودکشی زدند و جان خود را از دست دادند. امیر مهدی استیک دانش آموز اهل دهدشت و پارسا (سهیل) فرخزاد اهل یاسوج هر دو شانزده ساله بودند و دلیل خودکشی اعلام نشده است.

همچنین یک دختر نوجوان سیزده ساله به نام هونیا بهرامی در شهر سقز از طریق حلق‌آویز کردن به زندگی خود پایان داد.

دو شهروند جوان بلوچ هم روز ۲۰ بهمن در شهرستان زاهدان به زندگی خود پایان دادند.

کمپین فعالین بلوچ هویت این دو شهروند بلوچ را سجاد براهویی از منطقه جام جم و صادق قنبرزهی از روستای دومگ شهرستان زاهدان اعلام کرد.

به گفته منابع کمپین، سجاد با خوردن پنج بسته قرص به زندگی خود پایان داده است.

در همین ارتباط، متین همدانی، نوجوان ۱۷ ساله اهل شهرستان کرند غرب از توابع شهرستان دالاهو استان کرمانشاه نیز براثر افزایش فشارهای روحی و روانی با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان داد.

همچنین محمد کمیل زندخانی جوان ۱۸ ساله ایلامی که در جریان جنبش ملی در سال گذشته دو بار بازداشت شده بود، پس از ابلاغ حکم ۱۳ سال زندان و بازداشت و تهدید ازسوی نیروهای امنیتی دست به خودکشی زد.

به گزارش «کردپا» وی ساعت سه بامداد پنجشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۲ خود را از ساختمان شش طبقه محل زندگی‌اش به پایین پرت کرد و جان خود را از دست داد.

در همین حال وبسایت رکنا از اقدام به خودکشی یک دانش‌آموز ۱۴ ساله در آبادان خبرداد و نوشت که روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن‌ماه ماموران پلیس آبادان در جریان حلق‌آویز کردن نوجوان ۱۴ ساله در روستای رمیله قرار گرفتند. این پسر ۱۴ ساله که دانش‌آموز کلاس هشتم مدرسه «شهید احمد مکیان» رمیله است به دلیل نامعلومی اقدام به حلق‌آویز کردن خود کرده بود که بلافاصله خانواده وی



هونیا بهرامی

متوجه شدند و او را پایین کشیده، به بیمارستان «۱۷ شهریور» آبادان انتقال دادند. وی هم‌اکنون در کما بسر می‌برد.

روز دوشنبه ۹ بهمن‌ماه نیز یک کودک ۱۵ ساله بلوچ در مشهد به نام سمیع‌الله شاهوزهی فرزند اکبر اهل سرخس و ساکن مشهد، از طریق حلق‌آویز کردن به زندگی خود پایان داد.

کمپین فعالین بلوچ در این ارتباط نوشت: «گفته می‌شود این کودک به دلایل نامعلومی صبح روز دوشنبه پس از تهیه فیلم خداحافظی، به وسیله طناب، خود را به درختی در کلاته برفی حلق‌آویز کرد و به زندگی خود پایان داد.»

پدیده خودکشی نوجوانان دانش‌آموز در حالی روبه‌افزایش است که مسئولان وزارت آموزش و پرورش با بی‌اعتنایی از کنار آن می‌گذرند.

به گزارش وبسایت «کردپا» هاوژین مصطفی پور دانش‌آموز ۱۵ ساله ساکن مهاباد روز پنجشنبه پنجم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ خودکشی کرد و جان باخت.

این گزارش، علت خودکشی این نوجوان را «اختلافات خانوادگی» عنوان کرد و نوشت که این دانش‌آموز با پرتاب خود از آپارتمان ۵ طبقه بلافاصله جان خود را از دست داد.

پردیس کریمی چهارده ساله و ساکن سنندج نیز روز روز سه‌شنبه سوم بهمن‌ماه خودکشی کرد و جان خود را از دست داد.

خبرگزاری هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، گزارش داد که پردیس ساکن محله حاجی‌آباد سنندج بوده و با حلق‌آویز کردن با روسری در اتاق‌اش به زندگی خود پایان داده است.

این خبرگزاری افزود که وی «برای کمک به خانواده در تامین هزینه‌های زندگی، در کنار تحصیل‌اش قالیبافی می‌کرد.»

شامگاه روز چهارشنبه چهارم بهمن‌ماه نیز یک نوجوان ۱۷ ساله به نام «فرزانه قادری اقدم» فرزند ادریس اهل روستای «ماشکان» از توابع پیرانشهر به دلیل مشکلات اجتماعی با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان داد.

خودکشی یک پسر دانش‌آموز با روسری مادرش هم در دی‌ماه گذشته خبرساز شد.

شامگاه یکشنبه هفدهم دی‌ماه یکی از ماموران کلانتری افسریه در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران او را در جریان خودکشی پسر ۱۱ ساله دانش‌آموزی قرارداد که خود را با روسری زنانه از چهارچوب در اتاق خواب حلق‌آویز کرده بود.

مادر این پسر در جریان تحقیقات گفته بود: «زمان حادثه پسرم در خانه تنها بود و نمی دانم چرا خودکشی کرده است. او پسر سرزنده و شادی بود. چند بار در خانه دیده بودم که صندلی می‌گذاشت و بالای آن می‌رفت ومی‌گفت از این بالا چقدر همه چیز خوب است.»

یک پسر ۱۲ ساله ساکن تهران نیز ساعت ۱۷ روز ۲۰ دی‌ماه پس از بازگشت از مدرسه به داخل اتاقش رفته و در کمد لباسش خودش را حلق‌آویز کرد.

خبرگزاری ایلنا نیز ۲۴ دی ماه از خودکشی یک دانش‌آموز پسر کلاس هفتم اهل شهرستان چُرام استان کهگیلویه و بویراحمد خبرداد که خود را در خانه پدری خود حلق‌آویز کرده بود.

اواخر دی‌ماه نیز یسنا شجاعی دانش‌آموز مقطع ششم دبستان در یاسوج استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل مشکلات اقتصادی به زندگی خود پایان داد. از یسنا دست‌خطی به جا مانده بود که نوشته بود: «دیگر از زندگی سیر شده‌ام.»

در پی افزایش خودکشی دانش‌آموزان، کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در مطلبی از «سونامی خودکشی دانش‌آموزان» نوشت.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان تأکید کرد که جهت برون‌رفت از این بحران آموزش و پرورش باید از نیروهای متخصص در حوزه روانشناسی و مشاوره بهره گرفته و با شناسایی دانش‌آموزان در معرض خطر، همچون مددکاری اجتماعی بتوانند با مداخله بهنگام این بحران را مدیریت کنند.

در همین ارتباط کیهان لندن اواخر دی‌ماه در سرمقاله‌ی خود به همین موضوع پرداخت و نوشت: طبق تعاریف بین‌المللی افراد زیر ۱۸ سال کودک به شمار می‌روند. نظام‌های حقوقی و قوانین مدنی و کیفری نیز در کشورهایی که حکومت‌های عادی دارند و حقوق بشر در آنها به درجات مختلف از کم تا زیاد رعایت می‌شود، بر همین اساس تنظیم می‌شوند. از این نظر، مسئولیت مدنی و کیفری کودکان نیز با بزرگسالان یکسان نیست.

در ایرانی که تحت مناسبات گذشته‌ی قرون وسطایی اداره می‌شود، حقوق کودک و بزرگسال زیر پا گذاشته شده و قوانین در حقوق مدنی و جزا اساسا بویی از جهان مدرن و تحولات نوین نبرده است.

در ادامه آمده است که در ایران نه تنها «خودکشی» به عنوان راه رهایی فردی از مشکلات خارج از شرایط روحی و جسمی بزرگسالان، بلکه خودکشی کودکان نیز سال‌هاست در ایران به یک معضل غم‌انگیز و هشداردهنده تبدیل شده است.

خودکشی پدیده‌ای بشری و جهانیست؛ همیشه بوده و باز هم خواهد بود. اما وقتی زیاد می‌شود و سن خودکشی به کودکان ده یازده ساله می‌رسد، باید زنگ خطر را برای همه به صدا درآورده باشد.

خرابکاری در «شریان‌های اصلی» انتقال گاز ایران با دو انفجار؛ گاز صنایع بزرگ و ادارات در شش استان قطع شد

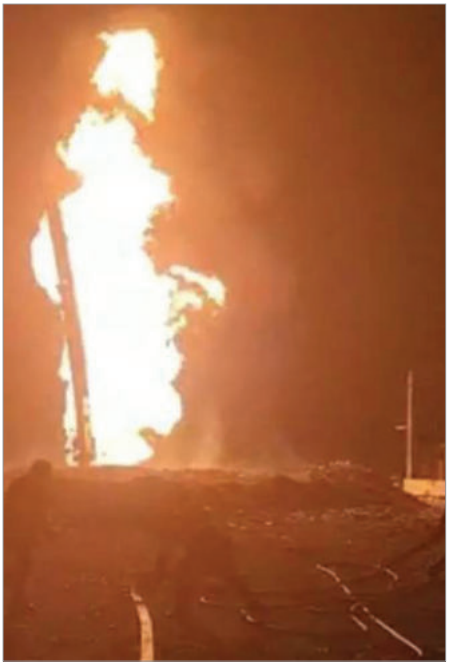

سه روز بعد از انفجار در خط لوله انتقال گاز تبریز به بازرگان در استان آذربایجان شرقی، بامداد چهارشنبه ۲۵ بهمن‌ماه دو خط لوله فشار قوی انتقال گاز در دو استان فارس و چهارمحال و بختیاری به فاصله چند ساعت دچار انفجار و آتش‌سوزی شد.

اسماعیل قزلسفلی معاون سیاسی- امنیتی استانداری فارس در این ارتباط گفت: «بررسی‌ها حاکی از آن است که این حادثه یک خرابکاری بوده است».

خط گازی که منفجر شد، شریان اصلی انتقال گاز طبیعی از پالایشگاه‌های خلیج فارس به سمت شهرهای بزرگ از جمله تهران، اصفهان و مشهد است.

انفجار در خطوط لوله انتقال گاز در عملیات خرابکارانه بیانگر ضربه‌پذیری تأسیسات استراتژیک جمهوری اسلامی است هرچند که سالانه رقم‌های هنگفتی به اسم حفاظت از آنها از بودجه کشور خرج می‌شود.

بر اساس گزارش منابع داخلی در اثر این انفجارها روز چهارشنبه گاز بسیاری از ادارات و سازمان‌های دولتی و همچنین گاز صنایع بزرگ و چندین شهر و روستا در استان‌های زنجان، لرستان، خراسان، فارس، چهارمحال و بختیاری و اصفهان قطع شد. گزارش شد قطع گاز به دلیل جلوگیری از افت فشار صورت گرفته است.

سه روز بعد از انفجار در خط لوله انتقال گاز تبریز به بازرگان در استان آذربایجان شرقی، بامداد چهارشنبه ۲۵ بهمن‌ماه دو خط لوله فشار قوی انتقال گاز در دو استان فارس و چهارمحال و بختیاری به فاصله چند ساعت دچار انفجار و آتش‌سوزی شد.

انفجارها به حدی شدید بود که تا شعاع ۶۰ کیلومتری از محل وقوع صدای آنها شنیده شده بود.

در پی این انفجارها سعید عقلی مدیر دیسپچینگ شرکت گاز اعلام کرد، «در اثر اقدام‌های خرابکارانه» چند انفجار در خطوط لوله انتقال گاز اتفاق افتاد.

محل یکی از انفجارها «گردنه حلوایی» در حومه شهرستان بروجن در فاصله ۱۵۰ متری محور ترانزیتی شمال به جنوب قرار داشت. حجم بالای آتش ساعت‌ها حرکت در این محور را متوقف کرد با اینهمه تلفات جانی نداشت و به ماشین‌های عبوری مسیر ارتباطی بروجن به لردگان و خوزستان نیز خسارتی وارد نکرد.

به گفته فرماندار شهر بروجن «در اثر این حادثه برق و گاز شهرهای گندمان، بروجن و فرادُنبه دچار قطعی شد.»

انفجار دیگر در بخش خرم‌بید در صفاشهر استان فارس رویداد که آنهم تلفات جانی نداشت.

اسماعیل قزلسفلی معاون سیاسی- امنیتی استانداری فارس در این ارتباط گفت: «بررسی‌ها حاکی از آن است که این حادثه یک خرابکاری بوده است.»

هیچ گروهی هنوز مسئولیت انفجارها را به عهده نگرفته است.

پیش از این روز یکشنبه ۲۲ بهمن‌ماه نیز خط لوله انتقال گاز تبریز به بازرگان دچار انفجار شد اما علت این انفجار اعلام نشده بود.

انفجار در خطوط لوله انتقال گاز در عملیات خرابکارانه بیانگر ضربه‌پذیری تأسیسات استراتژیک جمهوری اسلامی است هرچند که سالانه رقم‌های هنگفتی به اسم حفاظت از آنها از بودجه کشور خرج می‌شود.

بر اساس گزارش منابع داخلی، در اثر این انفجارها روز چهارشنبه گاز بسیاری از ادارات و سازمان‌های دولتی و همچنین گاز صنایع بزرگ و چندین شهر و روستا در استان‌های زنجان، لرستان، خراسان، فارس، چهارمحال و بختیاری و اصفهان قطع شد. گزارش شد قطع گاز به دلیل جلوگیری از افت فشار صورت گرفته است.

خط گازی که منفجر شد، شریان اصلی انتقال گاز طبیعی از پالایشگاه‌های خلیج فارس به سمت شهرهای بزرگ از جمله تهران، اصفهان و مشهد است.

این انفجارها در شرایطی رخ می‌دهد که بعد از حمله مرگبار گروه تروریستی حماس به اسرائیل در «هفت اکتبر» و آغاز عملیات اسرائیل در غزه که حدود ۱۲۵ روز از آن می‌گذرد علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی دست‌کم در چهار سخنرانی خواستار قطع شریان‌های حیاتی اسرائیل توسط رهبران کشورهای عربی منطقه شد و البته به درخواست وی اعتنایی نشد.

همزمان حوثی‌های یمن بارها با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و با اطلاعاتی که گفته شد از ناو جاسوسی «بهشاد» متعلق به ارتش جمهوری اسلامی دریافت می‌کنند، کشتی‌های تجاری و نفتکش‌هایی را که عازم اسرائیل هستند هدف موشک و پهپاد قرار داده‌اند.

سرهنگ محمود خداداد رئیس پلیس اطلاعات ملایر کشته شد



سرهنگ محمود خداداد

شش روز بعد از قتل سرهنگ بازیار فرمانده یگان امداد شیراز، سرهنگ محمود خداداد رئیس پلیس اطلاعات شهرستان ملایر در تعقیب «قاتل فراری» کشته شد. وی نقش اساسی در سرکوب اعتراضات ملایر و حومه آن داشت.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گزارش داد که سرهنگ محمود خداداد رئیس پلیس اطلاعات شهرستان ملایر دوشنبه ۲۳ بهمن‌ماه در تعقیب یک «قاتل فراری» کشته شده است.معاون فرهنگی و اجتماعی فرماندهی انتظامی استان همدان توضیح داد که سرهنگ خداداد در حین دستگیری یک قاتل متواری از سوی قاتل مسلح از ناحیه سینه مجروح شد.گفته شد «فرد قاتل یکی از فرزندان خود را با اسلحه کمری به قتل رساند و فرزند دیگر خود را نیز مجروح کرده و متواری شده است.»

رسانه‌های داخلی جزئیات بیشتری در این مورد منتشر نکرده‌اند اما منابع غیررسمی می‌گویند وی خداداد در جریان سرکوب اعتراضات در شهرستان ملایر و اطراف آن نقش اساسی داشت.در ایران هفته‌هاست فرماندهان نیروی انتظامی در استان‌های مختلف در مواردی مشابه به قتل می‌رسند.

سرهنگ کوروش بازیار فرمانده یگان امداد شیراز که او نیز نقش اساسی در سرکوب اعتراضات در استان فارس داشت، بامداد سه‌شنبه ۱۷ بهمن‌ماه در حاشیه شهر شیراز کشته شد.

در یک رویداد دیگر ۲۱ بهمن‌ماه یک مأمور نیروی انتظامی در «یگان امداد» شهرستان ساوجبلاغ در استان البرز حین گشت زدن با ماشین پلیس توسط یک سرباز وظیفه کشته شد. هر دو نفر سوار بر ماشین نیروی انتظامی با هم در حال گشت شهری بودند. سرباز که رانندگی می‌کرد به دلایل نامعلوم با اسلحه‌ای که در اختیارش بود به سمت مأمور درجه‌دار که کنارش نشسته بود شلیک می‌کند.

روز جمعه ۱۳ بهمن‌ماه نیز در اثر تیراندازی در کلانتری پاکدشت ورامین در جنوب تهران دو نفر از جمله یک کادر نیروی انتظامی کشته شدند.افزایش تلفات نیروی انتظامی حین مأموریت به شدّت افزایش پیدا کرده است. در موارد اخیر اغلب فرماندهان رده بالای مناطق هدف قرار گرفته‌اند. این موضوع که در خبرها ادعا می‌شود فرماندهان رده بالای نیروی انتظامی در شهرستان‌ها بطور مستقیم در مأموریت‌هایی نظیر تعقیب قاتل یا گشت شهری شرکت می‌کنند، عجیب و غیرعادی به نظر می‌رسد.

تیراندازی مرگبار سرباز نیروی انتظامی به سمت مأمور گشت در ساوجبلاغ



تصویر مربوط به جسد پرسنل نیروی انتظامی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد

یک مأمور نیروی انتظامی در «یگان امداد» شهرستان ساوجبلاغ در استان البرز حین گشت زدن با ماشین پلیس توسط یک سرباز وظیفه کشته شد.

هر دو نفر سوار بر ماشین نیروی انتظامی با هم در حال گشت شهری بودند. سرباز که رانندگی می‌کرد به دلایل نامعلوم با اسلحه‌ای که در اختیارش بود به سمت مأمور درجه‌دار که کنارش نشسته بود شلیک می‌کند.

طبق گزارش نیروی انتظامی، «سرباز وظیفه پس از قتل مأمور نیروی انتظامی به یکی از شهروندان نیز تیراندازی می‌کند که باعث مرگ او می‌شود. سپس ماشین آن شهروند را سرقت می‌کند و بی‌هدف، به سمت استان‌های غربی حرکت می‌کند که با اقدام اطلاعاتی صورت گرفته، ماشین شناسایی می‌شود».

یک مأمور نیروی انتظامی در «یگان امداد» شهرستان ساوجبلاغ در استان البرز حین گشت زدن با ماشین پلیس توسط یک سرباز وظیفه کشته شد.

هر دو نفر سوار بر ماشین نیروی انتظامی با هم در حال گشت زدن شهری بودند. سرباز که رانندگی می‌کرد به دلایل نامعلوم با اسلحه‌ای که در اختیارش بود به سمت مأمور درجه‌دار که کنارش نشسته بود شلیک می‌کند.

اداره اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی البرز در اطلاعیه‌ای که شنبه ۲۱ بهمن‌ماه صادر شد اعلام کرد «علت تیراندازی جنون‌آمیز» سرباز وظیفه در حال بررسی است.

ادعا شده «سرباز وظیفه پس از قتل مأمور نیروی انتظامی به یکی از شهروندان نیز تیراندازی می‌کند که باعث مرگ او می‌شود. سپس ماشین آن شهروند را سرقت می‌کند و بی‌هدف، به سمت استان‌های غربی حرکت می‌کند که با اقدام اطلاعاتی صورت گرفته، ماشین شناسایی می‌شود.»

بر اساس گزارش نیروی انتظامی، طی تعقیب و گریز، سرباز وظیفه بدون توجه به دستور ایست پلیس، به مسیر خود ادامه می‌دهد که عوامل انتظامی، به سمت ماشین شلیک می‌کنند که واژگون شده و باعث مرگ ضارب می‌شود.

این رویداد یک هفته پس از آن اتفاق افتاد که یک سرباز وظیفه در «کلانتری ۱۴» پاکدشت ورامین به یکی از کارکنان نیروی انتظامی شلیک کرد و او را کشت و سپس به خودش شلیک کرد.

ناامنی در مراکز و پادگان‌های نیروی‌های مسلح جمهوری اسلامی شامل سربازخانه‌ها و یا کلانتری‌ها و مرزبانی‌ها بسیار زیاد شده است. یک سرباز وظیفه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی یکشنبه اول بهمن‌ماه در آمادگاه مهماتی باغین کرمان با اسلحه به سمت دیگر سربازان شلیک کرد. در این تیراندازی پنج سرباز کشته و تعدادی زخمی شدند.

وضعیت در پادگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز بهتر از پادگان‌های ارتش و کلانتری‌ها نیست. یک سرباز در پادگان نیروی دریایی سپاه پاسداران در بوشهر اول فروردین ۱۴۰۱ به خاطر اختلاف با هم‌خدمتی‌های خود هنگام تعویض پست، پنج نفر را کشت. اواخر آبان‌ماه ۱۴۰۲ در یک تیراندازی مشکوک در پایگاه بسیج «بشارتی» یک سرباز وظیفه کشته شد. یک هفته بعد در سوم دی‌ماه ۱۴۰۲ در پایگاه «سپاه سلمان» زاهدان یک سرباز دیگر بر اثر تیراندازی جان باخت.

در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی سربازان وظیفه را با کمترین آموزش و تجهیزات به پایگاه‌ها و پاسگاه‌هایی اعزام می‌کنند که به شدت زیر تهدید قرار دارند. از جمله پاسگاه‌های مناطق مرزی در شرق کشور که مدام توسط گروه‌های تروریستی تهدید می‌شوند. جایی که عمدتاً می‌بایست از نیروهای آموزش‌دیده استفاده شود سربازان وظیفه بالاترین آسیب‌ها و تلفات را متحمل می‌شوند.

خدمت نظام وظیفه در ایران دو سال و اجباری است. گرچه شرایط خدمت سربازان با گذشته تا حدودی متفاوت شده و سختی‌هایی که سربازان در پادگان‌ها در چند دهه اخیر داشتند، تا حدی کمتر شده، اما سیستم آموزشی داخل پادگان‌ها تغییر زیادی نداشته است. دگرگونی‌های اجتماعی و تغییر فرهنگ نسل جدید نیاز به اصلاحات عمیق در پادگان‌ها را ضروری می‌کند اما نه درک و نه اراده و بودجه برای این کار موجود است.از سوی دیگر گزارش‌های زیادی وجود دارد که در پادگان‌های نیروی انتظامی و سپاه پاسداران سربازان وظیفه را به اجبار برای سرکوب اعتراضات به خیابان‌ها اعزام می‌کنند. آمار سربازانی که در درگیری‌های خیابانی آسیب دیده‌اند کم نیست.

فشارهای روحی و روانی و یا مصرف مواد مخدر یا اختلافات شخصی با سایر سربازان یا فرمانده در داخل پادگان‌ها از عواملی است که تکرار موارد مشابه را محتمل می‌کند. مسئولیت کشته‌شدن سربازان در پادگان‌ها با سلسله مراتب فرماندهی از فرمانده گروهان تا فرمانده نیرو است.

یکی از ایرادات و ضعف‌های خدمت وظیفه عمومی نیز «پاسداری» طولانی‌مدت سربازان وظیفه در ماه‌های اول خدمت وظیفه است. در این مدت که به آن «دوران آموزشی» می‌گویند سربازان بین ۸ تا ۱۰ هفته یک روز در میان اطراف پادگان یا روی برجک‌ها نگهبانی می‌دهند. این روال طولانی گاهی بعد از دوران آموزشی نیز ادامه پیدا می‌کند. در این مقطع فشار جسمی و روحی زیادی به سربازان وارد می‌شود. دوری از خانواده و تغذیه نامناسب و کار فیزیکی نیز از دیگر دلایل بهم خوردن تعادل روحی و رفتاری سربازان است. اما به نظر می‌رسد در بالاترین رده‌های نظامی در ایران درک زیادی از ضرورت تغییر سیستم آموزشی نظامی و روال خدمت اجباری وجود ندارد.

صدور احکام اعدام جدید اعدام و زندان برای چند زندانی سیاسی



این چهار شهروند به نام عیدو شه‌بخش، عبدالغنی شه‌بخش، عبدالرحیم قنبرزهی گرگیج و سلیمان شه‌بخش، متهم شده‌اند که در حوادث امنیتی در طول سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۸، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۴ در سیستان و بلوچستان مشارکت داشته‌اند.

دو متهم اول پرونده عیدو شه‌بخش، عبدالغنی شه‌بخش در حالی به اعدام محکوم شده‌اند که پیشتر در سال ۱۳۹۵ دقیقا به همین اتهام و با همین پرونده از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب زاهدان تبرئه و آزاد شده بودند اما پس از مدتی مجددا توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) سیستان و بلوچستان بازداشت و هم‌اکنون با همان اتهام به اعدام محکوم شده‌اند.

دادبان، مرکز مشاوره و آموزش حقوقی ویژه کنشگران، از صدور حکم اعدام برای چهار شهروند بلوچ از جمله یک کودک ۱۲ ساله به اتهام «بغی» خبر داد.

روز گذشته یکشنبه ۲۲ بهمن‌ماه، مرکز مشاوره دادبان نوشت: «چهار شهروند بلوچ شامل یک کودک ۱۲ ساله در پرونده‌ای سراسر ابهام، ایراد و تناقض به اعدام محکوم شده‌اند.»

شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی محمدرضا عموزاد خلیلی در بهمن‌ماه، این چهار شهروند بلوچ را به اتهام «بغی» از طریق آنچه «تشکیل و عضویت در گروهک‌های تروریستی ضدانقلاب» خوانده شده به اعدام محکوم کرده است.

این چهار شهروند به نام عیدو شه‌بخش، عبدالغنی شه‌بخش، عبدالرحیم قنبرزهی گرگیج و سلیمان شه‌بخش، متهم شده‌اند که در حوادث امنیتی در طول سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۸۸، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۴ در سیستان و بلوچستان مشارکت داشته‌اند.

جزییاتی که از سوی یک منبع مطلع به دست دادبان رسیده نشان‌دهنده تناقضات و ایرادات فراوان و خارج از حد تصور در این پرونده دیده می‌شود.

به عنوان نمونه دو متهم اول پرونده عیدو شه‌بخش، عبدالغنی شه‌بخش در حالی به اعدام محکوم شده‌اند که پیشتر در سال ۱۳۹۵ دقیقا به همین اتهام و با همین پرونده از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب زاهدان تبرئه و آزاد شده بودند اما پس از مدتی مجددا توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) سیستان و بلوچستان بازداشت و هم‌اکنون با همان اتهام به اعدام محکوم شده‌اند.

از سوی دیگر بنا به گفته این منبع مطلع، سلیمان شه‌بخش، متولد ۱۳۷۵، متهم چهارم این پرونده در حالی به اعدام محکوم شده که ارتکاب آنچه به وی نسبت داده می‌شود در زمانی رخ داده که وی تنها ۱۲ ساله بوده است. در نتیجه حتی با فرض صحت اتهام، وی در زمان وقوع عمل مجرمانه، کودک بوده و صدور حکم اعدام علیه او مصداق صدور حکم اعدام علیه کودکان محسوب می‌شود.

همچنین حکم اعدام علیه دیگر متهم پرونده عبدالرحیم قنبرزهی گرگیج نیز در حالی صادر شده است که بجز اعتراف اجباری اخذ شده از وی، هیچ مستند دیگری در پرونده وجود ندارد که بیانگر مشارکت او در هرگونه اقدام مسلحانه باشد.

به گفته این منبع مطلع، عبدالرحیم قنبرزهی گرگیج کاملا بی‌سواد است و ضابطان برای اخذ اعترافات اجباری، او را وادار به انگشت زدن در پای برگه‌ها کرده‌اند.

بر اساس این گزارش، شدت شکنجه و آزارها به حدی بوده که کارشناسان دیگر ضابط قضایی پرونده، وجود اجبار در اثر انگشت متهم پای برگه‌های اعترافات و در نتیجه اجباری بودن آن را تایید کرده‌اند.

همچنین روز گذشته رسانه‌های حقوق بشری خبر دادند که دادگاه انقلاب ارومیه، محمد خضرنژاد، روحانی معترض را به اتهام «افساد فی‌الارض» به اعدام محکوم کرده است.

محمد خضرنژاد در ۲۸ آبان ۱۴۰۱ پس از سخنرانی در مراسم یادبود اسعد رحیمی، از کشته‌شدگان خیزش انقلابی سراسری مردم ایران، در شهر بوکان بازداشت شد.

این فعال مذهبی که بیش از یک سال است در زندان بسر می‌برد، از حق دسترسی به وکیل محروم بوده و به گفته منابع نزدیک به خانواده وی، حکم صادرشده تنها بر اساس گزارش وزارت اطلاعات صادر شده و قاضی حتی حاضر به شنیدن دفاعیات وی نشده است.

در همین حال، دو روز پیش خبرگزاری هرانا اعلام کرده بود که با احتساب محکومیت شهاب نادعلی جوزانی (شهاب نادعلی) به اعدام، تعداد زندانیانی که با اتهامات سیاسی یا امنیتی به اعدام محکوم هستند، به ۳۴ تن افزایش پیدا کرده است.

چندی پیش نیز دادگستر (بانک اطلاعاتی ناقضان حقوق بشر در ایران) در گزارشی به ارائه آمار اعدام ۴۸۲۹ شهروند طی یک دهه، بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳) پرداخت.

در همین حال، صفا عائیلی دایی مهسا امینی به ۵ سال و ۴ ماه و ۱۷ روز حبس محکوم شده است.

به گزارش هه‌نگاو، صفا عائیلی دایی مهسا امینی که در روزهای پایانی مانده به سالگرد مهسا امینی در شهر سقز از سوی نهادهای امنیتی بازداشت شده بود، توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران در مجموع به تحمل ۵ سال و ۴ ماه و ۱۷ روز حبس تعزیری و دیگر مجازات‌های تکمیلی نظیر منع خروج از کشور محکوم شده است.

در مهرماه نیز صالح نیکبخت، وکیل پایه یک دادگستری و استاد دانشگاه که وکالت خانواده مهسا امینی در پرونده قتل دخترشان را به عهده داشته طی پرونده‌سازی نهادهای امنیتی محاکمه و به یک سال زندان و دو سال منع استفاده از فضای مجازی به عنوان «مجازات تکمیلی» محکوم شد.

از جمله مصادیق اتهام وارد شده به این وکیل پایه یک دادگستری انجام مصاحبه با رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور عنوان شده است.همچنین گروه رسانه‌ای حال‌وش، روز ۲۱ بهمن نوشت که در روز چهارشنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۴۰۲، به دنبال برگزاری جلسه دادگاه بدوی، برای یک شهروند بلوچ بازداشت شده به نام محمد (علی) نارویی در زاهدان، حکم دوازده سال حبس صادر شده است.

دیگر زندانی سیاسی که به تازگی به حکم زندان محکوم شده است سعید عزیزی، متهم سیاسی دوتابعیتی ایرانی-سوئدی است. او که در زندان اوین محبوس است، از سوی شعبه بیست و ششم دادگاه انقلاب تهران به پنج سال حبس محکوم شد.

درهمین‌حال روز چهارشنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۴۰۲، به دنبال برگزاری جلسه دادگاه بدوی، برای یک شهروند بلوچ بازداشت شده به نام «محمد(علی) نارویی» در زاهدان، حکم دوازده سال حبس صادر شده است.

محمد نارویی (در شناسنامه علی) متولد ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۰ فرزند خدانور مجرد اهل و ساکن زاهدان است.

به گفته منابع حال‌وش، قاضی دادگاه در حالی اتهامات «ورود و خروج غیرقانونی از مرز»، «اغتشاش علیه نظام»، عضویت و «همکاری با گروه‌های مخالف نظام» و... را علیه محمد عنوان کرده که وی همه این اتهامات را رد کرده است.

ابراز عشق هم در ایران گران شد؛ هزینه‌های نجومی کالاهای روز عشاق!

یک فروشنده اقلام روز عشاق گفته بازار ولنتاین امسال با تورم ۶۰ درصدی نسبت به سال گذشته روبرو بوده است.

عروسک‌های خرس خیلی کوچک از ۵۰ هزار تومان شروع می‌شود اما خرس‌هایی با سایز بزرگتر که معمولا برای این روز تقاضای بیشتری دارند از ۷۰۰ هزار تومان تا ۲۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده‌اند.

تهیه یک بسته ار هدایای مرسوم روز عشاق حتی با قیمت‌های پایین هم برابر با حقوق یک ماه یک کارگر در ایران است.



تورم فزاینده در اقتصاد ایران بازار روز عشق (ولنتاین) و یا روز عشاق در ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن) را هم تحت تأثیر قرار داده و قیمت کالاهای متداولی که «عشاق» در این روز به یکدیگر هدیه می‌دهند با افزایش چشمگیری روبرو شده است.

هفته سوم بهمن‌ماه چند سالی است برای جوانان دلباخته ایرانی به روزهای پرتکاپویی برای تهیه هدیه و ابراز عشق به معشوق به مناسبت روز عشاق تبدیل شده است. عشق‌هایی که با تورم صعودی اقتصاد درآمیخته و قیمت‌هایی نجومی را ثبت کرده است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد قیمت اقلام کادویی، در روزهای منتهی به این روز بطور معمول بیشترین تغییر نرخ را دارند. جعبه‌های کادویی، کاغذ رنگی، گل و عروسک و شکلات و هر چیزی که برای دکوراسیون و شکل دادن به هدایا مرتبط است از نیمه بهمن با افزایش چشمگیر قیمت روبرو می‌شود.

برای نمونه، خرید کوچکترین جعبه کادویی که مستطیلی مقوایی با ابعاد ۵ در ۱۰ سانتیمتر است و در حد جا دادن چند شکلات کوچک جا دارد حداقل ۴۰ هزار تومان قیمت دارد. یک بسته بنددار که ابعادی حدودا ۱۰ در ۱۰ سانتی‌متر دارد و چند روز پیش حدود ۱۰ هزار تومان قیمت داشت در آستانه روز عشاق ۳۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. همچنین برای خرید جعبه بزرگی که ابعادی حدود ۱۰۰ در ۸۰ سانت‌متر دارد هم باید یک میلیون تومان هزینه کرد.

قیمت کادوهای متداول این روز از گل و بادکنک تا عروسک خرس و شکلات هم با افزایش قیمت عجیبی روبرو می‌شود. وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی به قیمت‌ها در بازار ولنتاین پرداخته و از قیمت ۷۳ میلیون تومانی یک خرس بزرگ که با گل رز قرمز پوشانده و تزیین شده خبر داده است؛ قیمتی بیشتر از آخرین مدل گوشی آیفون در ایران و تقریبا برابر با حقوق ۱۰ ماه یک کارگر!

«تجارت نیوز» نوشته نگاهی به بازار گل تهران نشان می‌دهد که هر شاخه گل رز هلندی در این بازار با نرخ کمتر از ۱۰ هزار تومان هم یافت می‌شود. حتی اگر قیمت هر شاخه گل ۱۰ هزار تومان در نظر گرفته شود و در کادوی مورد اشاره واقعا ۸۰۰ شاخه گل به کار رفته باشد، درنهایت هشت میلیون تومان برای تهیه آن هزینه شده است. اما مشخص نیست که بر چه اساسی با سود ۸۰۰ درصدی به فروش گذاشته می‌شود.

در این گزارش آمده که طی سال‌های گذشته هر روز رکوردهای جدیدی برای بازار ولنتاین ثبت شد؛ امسال نیز این بازار از تورم عمومی اقتصاد کشور عقب نمانده است. بررسی سایت‌ها و کانال‌های اینترنتی نشان می‌دهد که برخی فروشگاه‌ها خرس ولنتاین را حدود ۵۳ میلیون تومان قیمت‌گذاری کرده‌اند. در حالی که قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار از کانال دو میلیون و ۱۲۰ هزار تومان هم عبور کرده، این بدان معناست که این عروسک‌های گل‌آرایی‌شده به اندازه بیش از ۵۰ گرم طلا ارزش دارند.

همچنین در کانال تلگرامی یکی از فروشگاه‌های گل تهران یک سبد قلبی ۲۵ میلیون و ۸۸۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. در این سبد بین ۱۸۵ تا ۲۱۰ شاخه گل رز هلندی چیده شده است. البته در سایت‌های فروشگاهی سبدهای گلی با قیمت‌های بیش از ۷۵ میلیون تومان هم به فروش گذاشته شده‌اند. فروشندگان مدعی استفاده از ۱۰۰۰ شاخه گل در این سبدها هستند که اولاً این گل‌ها به‌طور دقیق قابل‌شمارش نیستند و در ثانی اگر هم باشند قیمت هر شاخه آن ۷۵ هزار تومان خواهد بود که بالاتر از قیمت بازار است.

گل یکی از کالاهای پرفروش روز عشاق است و امسال برای خرید یک دسته‌گل باید بطور میلیونی هزینه کرد. خبرگزاری «آنا» نوشته در شرایطی که خرید یک شاخه گل رز نیاز به هزینه‌ای ۹۰ تا ۱۵۰ هزار تومانی دارد. یک دسته‌گل کوچک و ساده قیمتی بالای یک میلیون تومان دارد و اگر کمی زیباتر و پرحجم‌تر شود به سرعت مرز ۲ میلیون تومان را رد می‌کند. در چنین بازاری، سبد گل‌ها و دسته‌گل‌های بزرگتر هم از چند میلیون تومان فراتر می‌روند.این گزارش هم تأکید کرده که خرید هدایای مرسوم در این روز حتی با قیمت‌های پایین هم برابر با حقوق یک ماه یک کارگر در ایران است.

یک فروشنده اقلام روز عشاق هم به وبسایت «اقتصاد ۲۴» گفته بازار ولنتاین امسال با تورم ۶۰ درصدی نسبت به سال گذشته روبرو بوده است: «امسال گرانی به همه بازارها رسیده و اقلام پُرتقاضای این روز را نیز تحت تاثیر قرارداده است به طوری که می توان مدعی شد نسبت به سال گذشته تورم ۶۰ درصدی به بازار ولنتاین رسیده است.»

بر این اساس عروسک‌های خرس خیلی کوچک از ۵۰ هزار تومان شروع می‌شود اما خرس‌هایی با سایز بزرگتر که معمولا هم برای این روز تقاضای بیشتری دارند از ۷۰۰ هزار تومان تا ۲۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده‌اند.

یک فروشنده شکلات هم گفته «بعضی شکلات‌ها دانه‌ای و بعضی دیگر کیلویی قیمت گذاشته می‌شوند. شکلات خوب تلخ با روکش و طرح خاص و بدون مغز، برای هر ۱۰۰ گرم بین ۱۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان قیمت دارد.»

«اقتصاد ۲۴» دلیل آشفته‌حالی ولنتاین را به جوّ و فضای حاکم بر تفکرات مردم مرتبط دانست؛ چرا که هرچه ذهن به آن قدرت بخشد، ناچار به پذیرش قدرت است. به هر حال علت هرچه هست نمی‌توان از تب و تاب هر ساله مردم و بازار در روزهای پایانی بهمن ماه به سادگی عبور کرد.

روز عشاق در یک مناسبت مسیحی هر ساله در ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن ماه خورشیدی) به یاد ولنتاین قدیس که به قتل رسید جشن گرفته می‌شود.

جمهوری اسلامی از سال ۱۳۸۹ تولید انواع پوستر، بروشور، جعبه و کارت‌های تبلیغاتی با نمادهای قلب، نیم قلب، گل رز قرمز به مناسبت روز ولنتاین و هرگونه فعالیتی با محتوای اطلاع‌رسانی درباره این روز را ممنوع اعلام کرد اما هر سال روز عشاق بیشتر مورد توجه نسل جوان قرار می‌گیرد. روزی که در آن عاشق‌ترین‌ها به یکدیگر فقط یک شاخه گلسرخ هدیه می‌دهند.

بسیاری هم معتقدند که در فرهنگ ایرانی جشن سپندارمزگان در پنجم اسفندماه روز عشق و عشاق است اما با نیم قرن تسلط جمهوری اسلامی و تلاش برای از بین بردن نمادها و مناسبت‌های فرهنگ ایرانی، جوانان نسل جدید ولنتاین را جایگزین سپندارمزگان کرده‌اند.

در شرایطی که جمهوری اسلامی در تحمیل الگوی عشق اسلامی- شیعی با برگزاری هرچه ساده‌تر و البته عاری از فرهنگ ایرانیِ هر مرحله از آشنایی تا ازدواج شکست خورده است، حالا جوانان ایرانی چند سالی است که به دنبال پیروی از الگوی مسیحی برای ابراز عشق هستند. با اینهمه ساختار معیوب اقتصادی رژیم، قیمت ابراز عشق را هم در ایران نجومی کرده است.

گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد با توجه به تشدید ضریب نفوذ فقر در میان عامه مردم و البته فضایی که از سال گذشته در کشور حاکم شده، دیگر از شور و شوق روزهای عشاق در دهه ۹۰ هم خبری نیست و غالب این بازار در رکود بسر می‌برد و فقط اقشار خاصی توان خرید کادوهای متداول این روز برای معشوق و یار خود را دارند.

آشنایی با هنرمندان؛ لیا فلاح طراح رقص و رقصنده

«من یک ایرانی هستم که در یک جامعه غیرایرانی زندگی می‌کردم و می‌کنم. برای من مهم بود که ابتدا خودم را بیابم و سپس بتوانم خودم را به دیگران و گروه‌های قومی دیگر بشناسانم.»

«من از ۱۶-۱۷ سالگی کلاس‌های رقص خودم را راه انداختم. در این زمان هم برای کودکان و هم بزرگسالان رقص طراحی می‌کردم و به آنها تعلیم می‌دادم.»

لیا فلاح هنرمند جوان فعال در رشته رقص و تئاتر است که مدتی است در فرانسه اقامت گزیده است. وی علاوه بر تدریس رقص در برنامه‌های زیادی به ویژه در کانادا شرکت داشته و به اجرای رقص پرداخته است.

از خصوصیات هنر رقص لیا فلاح ادغام ادبیات و فرهنگ و هنر ایران با این هنر است و زیبایی‌شناسی را در رقص‌های او به روشنی می‌توان دید.

تلاش این هنرمند همواره این بوده که نوع نگاه مخاطبان را به رقص تغییر دهد؛ به عنوان مثال رقص «در خیال» همراه با موسیقی سنتی و آواز شجریان به وضوح تصاویر مینیاتور را در ذهن زنده می‌کند و اصل و ریشه‌ی این نقاشی را به شکلی متحرک بازسازی می‌کند.

هر کدام از رقص‌های لیا فلاح بیان یک جهش و خلاقیت بوده که با آن سعی در برقراری ارتباط با سایر فرهنگ‌ها داشته است. کیهان لندن گفتگویی با این هنرمند جوان داشته است.

در دوران کودکی و نوجوانی در چه فضای خانوادگی بزرگ شدید که زمینه و مشوق انتخاب تئاتر و رقص معاصر در دوره دانشگاهی و به عنوان حرفه شما شد؟

-از اوایل کودکی مادرم برای ما شعرخوانی می‌کرد و قصه می‌خواند و موسیقی هم در خانه ما همیشه شنیده می‌شد. از کلاس اول دبستان من ورزش ژیمناستیک و سُلفژ (نُت‌خوانی) را شروع کردم. حرفه مادر من، زهره آرامیان، نویسندگی و کارگردانی تئاتر و به‌خصوص کار با کودکان و نوجوانان در این زمینه است. در کنار اینها، نقاشی رنگ و روغن نیز می‌کند. او من و برادرم را از کودکی با کولاژ هم آشنا کرد. در چنین محیطی، طبیعتاً ما با عشق به هنر رشد یافتیم. در خانه ما همیشه دنیایی شاد و رنگارنگ وجود داشته است.

بعد از مهاجرت به کانادا چه شد؟

-تقریبا ۱۴ساله بودم که خانواده ما به ونکوور کانادا مهاجرت کردم. از همان ابتدا از طریق دختر یکی از همسایه‌ها که در کلاس رقص آذری شرکت می‌کرد و خانواده آنها هم از استان آذربایجان ایران بودند، به کلاس آنها ملحق شدم. چنانکه گفتم از آنجا که از کودکی ژیمناستیک کار می‌کردم، ذهنم با بدنم ارتباط راحتی برقرار می‌کرد. به همین دلیل بسیار زود در رقص آذری راه افتادم. دو ماه بعد از پیوستن به گروه، ما در یک برنامه نوروزی شرکت کردیم که اولین تجربه من روی صحنه در زمینه رقص بود. قبل از آن در ایران در نمایش‌های تئاتری مادرم و برای ژیمناستیک روی صحنه رفته بودم. در آن اجرا کشف کردم که چه حس خوبی دارم و چقدر به اجرای رقص علاقمند هستم. گزارشگر بی‌بی‌سی هم عکس مرا در گزارش خود گذاشته بود که برای من بسیار ارزشمند بود. از رقص خودم هم بازخوردهای خوبی گرفتم و بسیاری گفتند که در تمام طول اجرا لبخند روی چهره‌ام بوده که حس خوبی به تماشاگر می‌داده است.

مدتی بعد از این تجربه، با مادرم دعوت شدیم که دریک برنامه، رقصی سولو با یکی از آهنگ‌های محسن نامجو داشته باشم. این اولین تجربه همکاری من با مادرم به عنوان طراح حرکات رقص‌هایم بود.



مدتی بعد از این برنامه، به یک گروه رقص لهستانی ملحق شدم و مدت ۷ سال با آنها همکاری کردم. در طول این ۷ سال همزمان در زمینه رقص با جامعه افغانستانی‌ها، چینی‌ها و هندی‌ها هم کار می‌کردم. این فعالیت‌ها همه در دوره دبیرستان من بودند. در دبیرستان، ما کلاب رقص نداشتیم که من آنرا راه انداختم و شروع به آموزش رقص آذری به علاقمندان کردم. در همان زمان با دو نفر از دوستانم برای شرکت در یک فستیوالِ نوجوانان در ونکوور شرکت کردیم و در میان ۴۰ گروه در میان ۵ گروه اول قرار گرفتیم و عکس ما هم در روزنامه‌ها چاپ شد. در این زمان متوجه شدم که هرچند زبان انگلیسی من هنوز چندان خوب نیست ولی از طریق رقص می‌توانم با کسانی که زبان‌شان را هم خوب نمی‌دانم ارتباط برقرار کنم.

همه این تجارب باعث شدند که من در دانشگاه، البته یک سال پس از خواندن رشته علمی، تغییر رشته به تئاتر و رقص معاصر بدهم.

شما در یک محیط چند فرهنگی در کانادا رقص را شروع کردید. چگونه اینها را با رقص ایرانی تلفیق کرده‌اید؟

-وقتی در جامعه ایرانی ونکوور جا افتادم به این فکر افتادم که چگونه می‌توانم بین فرهنگ ایرانی خودم و فرهنگ غیرایرانی اینجا پلی بزنم. من یک ایرانی هستم که در یک جامعه غیرایرانی زندگی می‌کردم و می‌کنم. برای من مهم بود که ابتدا خودم را بیابم و سپس بتوانم خودم را به دیگران و گروه‌های قومی دیگر بشناسانم.

البته مسئله نسل‌ها هم هست. نسل شما بیشتر از نسل‌های اول مهاجر بعد از انقلاب، به استقبال فرهنگ جهانی و فرهنگ جوامع غربی میزبان خود رفته‌اند و آن را جذب کرده‌اند.

-بله؛ قبل از اینکه وارد دانشگاه شوم در همان شهر ونکوور که زندگی می‌کردیم تقاضا برای فراگیری رقص بیشتر شد و من از ۱۶-۱۷ سالگی کلاس‌های رقص خودم را راه انداختم. در این زمان هم برای کودکان و هم بزرگسالان رقص طراحی می‌کردم و به آنها تعلیم می‌دادم.

درسال ۲۰۱۴ همراه مادرم گروه فرهنگی آناهیتا را تاسیس کردیم. در این گروه در کنار کلاس‌های رقص، ما نمایش‌های موزیکال هم با نویسندگی و کارگردانی مادرم اجرا می‌کردیم و چهار نمایش روی صحنه بردیم. یکی از آنها شهرزاد و یا قصه هزارو یکشب بود. باید بگویم مادرم همیشه حامی و مشوق و راهنمای من در رسیدن به اهدافی بوده که در زمینه تئاتر و رقص دنبال کرده‌ام. دوره دانشگاه ذهن مرا نسبت به هنر تئاتر و رقص از آن چیزی که قبلاً داشتم وسیع‌تر کرد و پذیرش تفاوت‌های قومی و فرهنگی برای من راحت‌تر شد و همین کمکم کرد که بیشتر پیشرفت کنم.

در دوره دانشگاه یک کلاس دلقک برداشتم و همزمان مادرم یک نمایش با عنوان «دلقک عاشق» نوشت و اجرا کردیم که اقتباسی است از داستان معروف «ساری گلین» آذری و یا قفقازی. در این پروژه نیمی از بازیگران ما غیرایرانی بودند و در اجرای آن هم متوجه شدیم که نیمی از تماشاگران غیرایرانی هستند. این یکی از لحظاتی بود که من و مادرم بهم نگاه کردیم و با زبان بی‌زبانی بهم گفتیم که بالاخره موفق شدیم آن پل ارتباطی بین فرهنگ‌های مختلف را بزنیم. شهر ونکوور به دلیل چندفرهنگی بودنش مرا قادر ساخت رقصنده‌هایی از چین، اروپا، کانادا، فیلیپین، لهستان و ایران در کارم داشته باشم. رقصندگان ما از ملت‌های مختلف هم از داستان خوششان آمد و هم از رقص‌هایی که طراحی کرده بودیم و همین کار را قشنگ می‌کرد.

من در طول تحصیل در دانشگاه، چه در رقص معاصر/ مدرن و چه در تئاتر، توانستم هم‌کلاسی‌ها و حتی استادان خودم را با ایران و فرهنگ‌های چند قومیتی آن آشنا کنم و رقص‌های محلی رنگارنگ کشورمان را به آنها یاد بدهم. در همین زمان بر اساس یکی از آثار علیرضا قربانی رقص مدرنی متاثر از رقص سماع طراحی و اجرا کردم که بسیار مورد توجه قرار گرفت. دلیل‌اش این بود که کوریوگرافی این رقص بسیار متفاوت از آن چیزهایی بود که در رقص مدرن و کلاسیک غربی می‌بینیم. رقصندگان در این پروژه همه غیرایرانی بودند.

در تمام طول این سال‌ها، من هم رقص طراحی و هم اجرا کرده‌ام، هم آموزش یافته‌ام و هم آموزش داده‌ام. تمام

اینها به من کم کرد که سبک خودم را پیدا و تکمیل کنم. من و مادرم در زمینه رقص بیشتر از همه به رقص تلفیقی علاقه داریم. برای اینکه بتوانیم تلفیقی درست از رقص‌ها مختلف ارائه دهیم، به این معتقدیم و عمل می‌کنیم که باید رقص کردی را از یک کرد، رقص آذری را از یک آذربایجانی، رقص شمالی را از یک شمالی بیاموزیم تا کامل و بی عیب و نقص باشد. باید به صورت حضوری و دقیق از خود آنها رقص‌شان را یاد گرفت نه اینکه فقط چند تا ویدئو دید و سعی در تقلید از حرکات آنها کرد. مادر من هم، که کار طراحی رقص را می کند، طی پژوهش‌های گسترده با کنجکاوی رقص‌های محلی ایران و ژانرهای مختلف را از جمله رقص‌های آیینی، نمایشی و عرفانی را عمیقاً بررسی می‌کند و تلفیقی از آنها می‌آفریند که در عین حال وابسته به هیچکدام از آنها نیست. ولی دانش نسبت به آنها لازم است زیرا در کانادا از من در مورد ریشه رقص‌ها می‌پرسیدند و من باید دقیق به آنها جواب می‌دادم.

چیزی که در ونکوور تجربه کردم، اهمیت و ارزشی است که برای فرهنگ و هنر مردم بومی و رقص‌های آنان قائل هستند. این رقص‌ها بومیان، نیایش و نحوه زندگی آنان را نشان می‌دهد. در رقص‌های محلی و بومی خودمان هم اینها را می‌توانیم ببینیم. البته وقتی از من در مورد مردم بومی ایران سئوال می‌کنند من کمی با آن مشکل دارم زیرا تاریخ ما قدمت طولانی دارد؛ اقوام و ملل مختلفی به ایران حمله کرده‌اند و بعد در ایران ماندگار شده و در فرهنگ غنی آن استحاله یافته‌اند. بررسی این مسئله هم نیاز به پژوهش طولانی دارد.

در زمینه تئاتر در دروه دانشگاه چند تا کار نوشتم و کارگردانی کردم تا اینکه لیسانسم را گرفتم. وقتی از دانشگاه بیرون آمدم همزمان با شروع پاندمی کووید بود که برنامه‌ها و کلاس‌های حضوری رقص را کاملاً تعطیل کرد. در نتیجه، من شروع به تدریس از طریق کلاس‌های آنلاین کردم. این کمک کرد تا تعداد زیادی هنرآموز از کشورهای مختلف، حتی از ایران، داشته باشم. این حجم زیاد ارتباط روی کار من تاثیر مثبتی گذاشته و حس خوبی به من داده است.

در مرحله‌ای تمایل پیدا کردم جایی باشم که از نظر هنری و رقص غنی‌تر از کانادا و آمریکا باشد. در آمریکای شمالی آن ریشه و اصالتی که دنبالش هستم پیدا نمی‌کردم. اینست که خواستم جایی را برای زندگی انتخاب کنم که شبیه و نزدیک به ایران و فرهنگ غنی آن باشد. در نتیجه پاریس را انتخاب کردم. فعلاً این یک اقامت موقتی است. ولی حس بودن در اینجا را دوست دارم.

● با توجه به مسائلی که مطرح کردید آیا می‌توان نتیجه گرفت که نگرش نهفته در پس کوریوگرافی شما و مادرتان، در تلفیق رقص‌های بومی و سبک‌های مختلف و ایجاد سنتزی غنی‌تر از آنهاست؟

-بله درست است. ولی برای اینکه یک رقص تلفیقی خوب شکل بگیرد تمام اجزای تشکیل دهنده آن باید به نحو احسن درک و اجرا شده باشند. البته من مدتی دیدگاه تک‌بُعدی و تأکید بر اصالت ملی و قومی در رقص داشتم و گفته‌ام فقط رقص آذری و یا رقص بندری، گیلکی و خراسانی. ولی به مرور به دیدگاه کنونی‌ام رسیده‌ام که کنار هم گذاشتن و تلفیق رقص‌های اقوام و یا سبک‌های مختلف، ما را به آن پیام اصلی، یعنی یگانگی و یکپارچگی اقوام تشکیل دهنده ایران نزدیک می‌کند. این پیام اصلی است که من و مادرم همیشه در رقص و تئاتر در پی انتقال آن بوده‌ایم. یعنی جدا از آنکه من از کجای ایران می‌آیم، در ایرانی بودن‌مان یکی هستیم. در حین اجرای کارهای تلفیقی ما، تماشاگر متوجه عناصر محلی، ملی و یا رگه‌هایی از باله و رقص مدرن می‌شود ولی مشخصاً نمی‌تواند دست روی یکی از آنها بگذارد. ترکیب آنها کلیتی می‌سازد که فراتر از تک تک آنها می‌رود.

شکایت امیرسالار داودی وکیل زندانی از سه مقام کنونی و پیشین قوه قضاییه

● امیرسالار داودی از معاون کنونی دادستان امور امنیتی، سرپرست فعلی دادسرای امنیت و سرپرست سابق دادسرای امنیت شکایت کرده است.

● «صدور قرار بازداشت برای اتهام توهین به رهبری علی‌رغم آن‌که از لحاظ قانونی، این اتهام امکان صدور قرار بازداشت ندارد» و «نگهداری وی به مدت شش ماه و نیم در سلول انفرادی» از موارد مطرح در این شکایت است.

● این وکیل دادگستری از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ۳۰ سال حبس تعزیری و ۱۱۱ ضربه شلاق محکوم شده و در زندان اوین محبوس است.



امیرسالار داودی

امیرسالار داودی وکیل پایه یک زندانی در ایران از سه مقام امنیتی کنونی و پیشین قوه قضائیه جمهوری اسلامی به دلیل «ارتکاب جرائم و تخلفات محرز انتظامی» شکایت کرد.

طناز کلاهچیان همسر امیرسالار داودی با انتشار مطلبی در شبکه «ایکس» از شکایت این وکیل دادگستری از سه مقام کنونی و پیشین قوه قضاییه خبر داده است.

او نوشته که «شکایت امیرسالار داودی وکیل و فعال حقوق بشر زندانی از سه مقام فعلی و سابق دستگاه قضایی جمهوری اسلامی بابت «ارتکاب جرائم و تخلفات محرز انتظامی در ایام رسیدگی پرونده و ارجاع تحقیقات مقدماتی و بازجویی‌ها به ضابط غیرمرتبط» به بازپرسی شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت تهران ارجاع شده است.

طناز کلاهچیان همچنین در گفتگو با «رادیو فردا» گفته که «صدور قرار بازداشت برای اتهام توهین به رهبری علی‌رغم آنکه از لحاظ قانونی، این اتهام امکان صدور قرار بازداشت ندارد». همچنین «نگهداری وی به مدت شش ماه و نیم در سلول انفرادی تحت همین قرار بازداشت» از دیگر موارد مطرح شده در شکایت همسر این وکیل زندانی از سه مقام قوه قضاییه جمهوری اسلامی است.

محمد نصیری‌پور معاون کنونی دادستان امور امنیتی، علی قناعت‌کار سرپرست فعلی دادسرای امنیت و حسین امین ناصری سرپرست سابق دادسرای امنیت سه مقام قوه قضاییه هستند که امیرسالار داودی از آنها شکایت کرده است.

این شکایت در شعبه سوم دادسرای کارکنان دولت تهران ثبت شده و در صورت پیروزی او در این پرونده، سه مقام یادشده به موجب قانون «نظارت بر رفتار قضات» مشمول مجازات کیفری و از خدمت برکنار می‌شوند.

امیرسالار داودی که سابقه وکالت شماری از پرونده‌های زندانیان سیاسی از جمله سهیل عربی، زینب جلالیان و سعید شیرزاد را بر عهده داشته، از جمله وکلای زندانی محبوس در زندان اوین است.

داودی ۲۹ آبان ۹۷ در دفتر کار خود در میدان فاطمی تهران بازداشت و همزمان خانه و دفتر کارش مورد تفتیش قرار گرفت. ماموران امنیتی دفتر حفاظت اطلاعات قوه قضائیه پس از جمع‌آوری بخشی از وسایل شخصی این وکیل دادگستری او را به بند ۲۴۱ زندان اوین منتقل کردند.

وحید مشگانی فراهانی وکیل مدافع امیرسالار داودی روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین ۹۸ در گفتگو با خبرگزاری «ایرنا» اعلام کرد موکلش به «اقدام علیه نظام» و «راه‌اندازی گروه‌هایی برای براندازی» متهم شده است. وحید مشگانی فراهانی افزوده بود که کیفرخواست‌های صادر شده برای این وکیل زندانی به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی ارسال شده است.

وحید مشگانی افزوده بود اتهام «همکاری با دول متخاصم» برای مصاحبه امیرسالار داودی با بخش فارسی صدای آمریکا (VOA) علیه وی ادعا شده است.

طناز کلاهچیان همسر امیرسالار داوودی روز شنبه ۱۱ خرداد ۱۳۹۸ در توئیتی از صدور حکم ۳۰ سال زندان برای همسرش خبر داد و نوشت: «حکم امیرسالار داودی صادر شد. ایشان مطابق رای شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب جمعا به ۳۰ سال حبس برای اتهامات متعدد محکوم شد و مطابق ماده ۱۳۴ مجازات اشد یعنی «محکومیت به ۱۵ سال حبس برای تشکیل گروه(کانال تلگرامی)» قابل اجرا هست. آقای داودی تصمیم گرفته به این حکم اعتراض نکند.»

با اینکه دیوان عالی کشور این حکم دادگاه بدوی را لغو کرده بود اما امردادماه سال گذشته امیر رئیسیان وکیل مدافع وی از تأیید این حکم توسط شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی محمدرضا عموزاد خبر داد.

با تأیید حکم حبس امیرسالار داوودی او در تاریخ ۱۳ خردادماه ۹۸ و پس از گذشت ۱۹۰ روز از زمان بازداشت، از بازداشتگاه حفاظت اطلاعات قوه قضاییه به بند عمومی زندان اوین منتقل شد. این در حالی بود که این وکیل دادگستری با وجود پایان دوران بازجویی و تکمیل پرونده مدتها در بند عمومی زندان اوین نگهداری می‌شد که حتی با قوانین دادرسی خود جمهوری اسلامی نیز در مغایرت است.

امیرسالار داودی در بیستم آذرماه امسال برای پنج روز و با سپردن وثیقه پنج میلیارد تومانی به مرخصی رفت و ۲۵ آذر با تمدید نشدن مدت مرخصی، به زندان اوین بازگشت.

اصلاح همه ایرادهای شورای نگهبان به لایحه بودجه در یک نشست مجلس شورای اسلامی

سخنگوی شورای نگهبان در توضیح ایرادات لایحه بودجه گفته بود «در جای جای لایحه بودجه سال آینده به برنامه هفتم توسعه ارجاع شده در حالی که هنوز لایحه برنامه هفتم توسعه تبدیل به قانون نشده است.»

شورای نگهبان متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان از محل افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده را «خلاف موازین شرع و قانون اساسی» ارزیابی کرده است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست صبح امروز همه ایرادهای شورای نگهبان به لایحه بودجه سال آینده را اصلاح کردند. موارد اصلاح شده ۶۰ مورد شامل اصلاح عبارتی، حذف و افزودن متن به مواد و تبصره‌ها بوده است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست صبح امروز چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۲ ایرادهای شورای نگهبان به لایحه بودجه سال آینده را اصلاح کردند.

به گزارش خبرگزاری «ایسنا» نمایندگان حدود ۶۰ مورد از مصوبات قبلی خود را مورد بررسی قرار دادند؛ از جمله اصلاح عبارتی، حذف و افزودن متن جهت تامین نظر شورای نگهبان و همچنین اصرار بر مصوبات قبلی مجلس.

این گزارش افزوده که در نشست امروز نمایندگان برای اصلاح لایحه بودجه، مصوب شد که در کلیه تبصره‌های لایحه بودجه ۱۴۰۳، عبارت «سیاست‌های کلی برنامه هفتم» جایگزین «قانون برنامه هفتم پیشرفت» شود.

گفتنی است به دلیل هک سرورهای مجلس شورای اسلامی توسط یک گروه هکری به نام «قیام تا سرنگونی» و با توجه به تداوم اختلال در سرورهای مجلس، در جلسه امروز مجلس شورای اسلامی رأی‌گیری نمایندگان صورت «قیام و قعود» انجام شد. در این روش، موافقان با بلند شدن از صندلی و مخالفان با نشستن، رأی خود را اعلام می‌کنند. این روش سال‌ها پیش منسوخ شده و رأی‌گیری الکترونیک جایگزین آن شده بود.

رحیم زارع سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ درباره تغییرات ایجاد شده در لایحه بودجه گفته «مجلس شورای اسلامی تصویب کرده بود که ۳۰۰۰ امتیاز برای کارکنان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری داده شود همچنین فوق‌العاده خاصی به میزان ۱/۵ برابر مجموع حق شغل و حق شاغل در احکام کارکنان وزارت کشور برقرار شود که در این دو مورد شورای نگهبان ایراد گرفت و مجلس شورای اسلامی بر مصوبه قبلی خود اصرار کرد.»

سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ افزوده که «مجلس شورای اسلامی تصویب کرده بود که ۱۷۰ همت برای پرداخت بدهی دولت به تامین اجتماعی تامین شود و مواردی برای بیمه کارگران و مستمری کارگران در نظر گرفته بود که شورای نگهبان به این موارد ایراد گرفت و در این مورد مجلس بر مصوبه خود اصرار کرد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده که بر اساس مصوبه امروز نمایندگان «میزان ارز ترجیحی تخصیصی برای واردات کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی ۱۳.۶ میلیارد یورو معادل ۱۵ میلیارد دلار باشد که این مصوبه هم در راستای بهبود وضعیت معیشتی مردم بود.»

سخنگوی شورای نگهبان چهار روز پیش از پایان بررسی بخش اول لایحه بودجه ۱۴۰۳ در این شورا، و دو روز پیش نیز از بازگرداندن لایحه بودجه به مجلس برای اصلاح ایرادات خبر داده بود.سخنگوی شورای نگهبان گفته بود «یکی از ایرادات کلی ما راجع به جداول کلی بودجه بود؛ بر اساس ماده ۱۸۲ آیین‌نامه داخلی جداول باید به ضمیمه متنی که به شورا ارسال می‌شود ارسال می‌شد که این اتفاق نیفتاد و این موضوع مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت.»

سخنگوی شورای نگهبان افزوده بود که «برای ما مهم است که میان منابع و مصارف بودجه تراز وجود داشته باشد و منابع باید روشن باشد. برای مثال درباره تأیید بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی، افزایش برخی از مزایا و افزایش بودجه برخی دستگاه‌ها ابهاماتی وجود داشت و باید منابع روشن شود.»

هادی طحان‌نظیف افزوده که «در جای جای لایحه بودجه سال آینده به برنامه هفتم توسعه ارجاع شده بود در حالی که هنوز لایحه برنامه هفتم توسعه تبدیل به قانون نشده است.»

او همچنین به متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان از محل افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده اشاره کرده و آن را «خلاف موازین شرع و قانون اساسی» عنوان کرد.

سخنگوی شورای نگهبان همچنین گفته بود « افزایش ۲۰ درصدی حقوق شاغلان و بازنشستگان دولت» و «واردات خودروهای برقی و هیبریدی» هم از جمله مصوباتی بود که شورای نگهبان به آن ایراد نداشته و آنها را تأیید کرده است.

یکی از موارد مهم در لایحه بودجه که موجب انتقاد گسترده کارشناسان اقتصادی بوده، درآمدهای غیر قابل تحقق و کسری عملیاتی بودجه بوده، به معنای بیشتر بودن هزینه‌ها از درآمدها، بود.سخنگوی شورای نگهبان نیز در سخنان خود به کسری بودجه لایحه اشاره و ایراد مهم لایحه بودجه را ناترازی میان منابع و مصارف بودجه عنوان کرد.

او گفته بود که «باید منابع و مصارف در بودجه با یکدیگر تراز باشند؛ نباید تعهداتی ایجاد شود که منابع آن وجود نداشته باشد یا منابع روشن و آشکار نباشد. با توجه به تغییراتی که در مجلس در لایحه دولت به وجود آمده، باید منابع آن تغییرات نیز پیش‌بینی شود.»

هادی طحان‌نظیف با بیان اینکه شورای نگهبان با افزایش اعتبارات و مصارف یک موضوع مشکلی ندارد، اما باید برای آن افزایش تأمین اعتبار و منابع واقعی صورت بگیرد، مواردی چون تسویه بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی، تقویت بنیه دفاعی، افزایش برخی از مزایا و افزایش بودجه برخی از دستگاه‌ها را از مواردی دانست که منابع شفاف برای آنها در بودجه گنجانده نشده است. شورای نگهبان خواستار حذف این موارد نشده بلکه خواستار مشخص شدن منابع این هزینه‌ها شده است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی لایحه، بخشی هزینه‌ها را به لایحه افزودند که از جمله می‌توان به افزایش بودجه صداوسیمای دولتی و قوه قضاییه اشاره کرد.

دولت در ابتدا پیشنهاد بودجه ۱۸ هزار میلیارد تومانی برای صداوسیمای حکومت داده بود که کمیسیون تلفیق این رقم را به ۲۴ هزار میلیارد تومان رساند. بودجه‌ی این دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی در سال گذشته رقمی معادل هشت هزار میلیارد بود که امسال به سه برابر بیشتر افزایش یافت.

داوود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه در اعتراض به افزودن ردیف‌های هزینه‌ای به لایحه توسط نمایندگان اعتراض کرده و با اشاره به تحمیل بار مالی به دولت اشاره کرده و گفته بود که افزایش بودجه صداوسیمای دولتی و قوه قضاییه رویهم ۳۷ هزار میلیارد تومان بار مالی به دولت تحمیل کرده است.

داوود منظور افزوده بود که «با تغییراتی که مجلس شورای اسلامی در لایحه بودجه اعمال کرده است بودجه صدا و سیما و قوه قضاییه نسبت به سال جاری ۵۸ درصد افزایش یافته است، در حالی که رشد بودجه سایر دستگاه‌ها در سال آینده حدود ۱۲ درصد است.»



علی بهادری جهرمی سخنگوی دولت، درباره چگونگی وضعیت لایحه بودجه در مجلس گفته بود که «شنیدیم ۳۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش هزینه‌ها در بودجه صورت گرفته است و حتی تا دو برابر هم تخمین زده شده است.»

او گفته بود که «دولت تمام تلاش خود را در کنترل هزینه‌های جاری و افزایش منابع واقعی و سوق دادن منابع به سرمایه‌گذاری‌های مولد بکار گرفت تا یک بودجه غیر تورم زا با فراهم کردن امکان رشد اقتصادی ارائه کند تا بتواند به این سمت حرکت کند تا جلوی هرگونه افزایش هزینه‌های جاری بدون پیش‌بینی منابع را بگیرد تا مانع خلق تورم و آثار آن در زندگی معیشتی مردم شود. باید از تجارب گذشته درس گرفت چرا که افزایش هزینه‌ها بدون پیش‌بینی منابع چیزی جز اثر خلق تورم ندارد.»

حساب‌های اینستاگرام و فیس‌بوک علی خامنه‌ای مسدود شد

شرکت «متا» حساب رهبر جمهوری اسلامی را از شبکه‌های اجتماعی خود حذف کرد.

سخنگوی «متا» پس از حذف این حساب‌ها به «میدل ایست آی» گفت: «ما این حساب‌ها را به دلیل نقض مکرر خط مشی خود درباره سازمان‌ها و افراد خطرناک حذف کرده‌ایم.»

شرکت «متا» پیش از این در سال ۲۰۲۳ به دنبال اعتراضات سراسری مردم به علت قتل حکومتی مهسا امینی اعلام کرده بود که اجازه می‌دهد شعار ضدحکومتی «مرگ بر خامنه‌ای» در پلتفرم‌های آن منتشر شود.

حساب کاربری رهبر جمهوری اسلامی به زبان فارسی در اینستاگرام با پنج میلیون و صدهزار دنبال‌کننده و حساب انگلیسی‌اش با بیش از ۲۰۴ هزار دنبال‌کننده در این شبکه اجتماعی بسته شد.

بر اساس گزارش Middle East Eye شرکت «متا» در راستای مقابله با «سازمان‌ها و افراد خطرناک» تصمیم به مسدود ساختن حساب‌های رهبر جمهوری اسلامی گرفته است.

در سیاست‌های «متا» موضوع «تمجید و حمایت» از افراد و سازمان‌های پرخطر و تحریک به خشونت از جمله مواردی هستند که تحت عنوان نقض مقررات این شرکت در نظر گرفته شده و کاربران از استفاده آنها منع شده‌اند.

سخنگوی «متا» پس از حذف این حساب‌ها به «میدل ایست آی» گفت: «ما این حساب‌ها را به دلیل نقض مکرر خط مشی خود درباره سازمان‌ها و افراد خطرناک حذف کرده‌ایم.»

فعالیت آزادانه حساب‌های رسمی علی خامنه‌ای و همچنین مقامات جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی طی ماه‌های اخیر به ویژه پس از اعتراضات سال گذشته در ایران از سوی مخالفان جمهوری اسلامی و مدافعان آزادی و حقوق بشر به شدت مورد انتقاد قرار گرفته بود.

این اواخر پس از حمله هفتم اکتبر گروه تروریستی حماس علیه اسرائیل از سوی طرفداران اسرائیل نیز فشار بر مدیران شبکه‌های اجتماعی برای حذف حساب‌های رهبر جمهوری اسلامی و افراد مشابه افزایش یافت. اگرچه جمهوری اسلامی هرگونه دخالت خود را در این حمله و حملات پس از آن تکذیب می‌کند اما در شبکه‌های اجتماعی از این کشتار تمجید کرده است.

«میدل ایست آی» می‌نویسد، علی خامنه‌ای همچنین علناً از مقاومت فلسطین و حملات شورشیان حوثی یمن علیه کشتی‌ها در دریای سرخ حمایت کرده است. حساب‌های کاربری خامنه‌ای در اینستاگرام در سال ۲۰۱۹ به حالت تعلیق درآمده بود اما بعداً بازیابی شدند.شرکت «متا» پیش از این در سال ۲۰۲۳ به دنبال اعتراضات سراسری مردم به علت قتل حکومتی مهسا امینی اعلام کرده بود که اجازه می‌دهد شعار ضدحکومتی «مرگ بر خامنه‌ای» در پلتفرم‌های آن منتشر شود.

در حالی که تمام رسانه‌های اجتماعی مورد علاقه مردم در ایران فیلتر می‌شوند و کاربران مجبورند از وی‌پی‌ان استفاده کنند اما مسئولان جمهوری اسلامی به صورت مداوم برای ترویج سیاست‌های خود از آنها بهره می‌برند.

از سال‌ها پیش درخواست برای بسته شدن دائمی حساب‌های خامنه‌ای در شبکه‌های اینستاگرام، فیسبوک و ایکس (توئیتر سابق) بارها مطرح شده بود.

طرفداران اسرائیل نیز پس از حمله روز هفتم اکتبر حماس به این کشور که منجر به کشته شدن بیش از هزاران تن شد، از فعالیت حساب‌های علی خامنه‌ای در این شبکه‌ها انتقاد کرده بودند.

محمد مرندی پسر پزشک مخصوص خامنه‌ای و مشاور حکومت ایران شرکت «متا» را به «ریاکاری» متهم کرده و می‌گوید که مقامات اسرائیل به دلیل حمایت از اقدامات کشورشان در غزه با محدودیت‌های مشابه مواجه نشدند.

مرندی به «میدل ایست آی» گفت: «هزاران ایرانی، از جمله من، حساب‌های فیس‌بوک و اینستاگرام‌شان تعلیق یا حذف شده. بنابراین این [حذف شدن حساب‌های خامنه‌ای] غیرمنتظره نیست.»وی همچنین گفته است: «آیت‌الله خامنه‌ای تنها رهبر جهان است که از مقاومت در فلسطین حمایت کرده و به آن قدرت می‌دهد؛ این جنایت اوست.»

علاوه بر تشویق و تمجید حملات و عملیات تروریستی گروه‌های شبه‌نظامی و نیابتی در شبکه‌های اجتماعی، حذف شدن این حساب‌ها پس از انتشار انیمیشنی درباره به قتل رساندن دونالد ترامپ، رئیس جمهوری پیشین ایالات متحده در انتقام کشته شدن قاسم سلیمانی فرمانده سابق نیروی قدس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صورت گرفته است.

گفتنی است، اتحادیه اروپا پس از حمله حماس به اسرائیل به مارک زاکربرگ در مورد انتشار «اطلاعات نادرست» در رسانه‌های اجتماعی شرکت «متا» هشدار داد. این نهاد اروپایی به «متا» گفته بود «۲۴ ساعت» فرصت دارد تا با پاسخ به درخواست این اتحادیه، قوانین اروپا را رعایت نماید.

شرکت‌های مالک رسانه‌های اجتماعی این روزها شاهد افزایش اطلاعات نادرست درباره درگیری اسرائیل و حماس، از جمله تصاویر دستکاری شده و ویدئوهای تحریف‌شده هستند.

اتحادیه اروپا به شبکه اجتماعی ایکس نیز در مورد انتشار اینگونه پُست‌ها هشدار داده است.علاوه بر این، تیری برتون کمیسر مسائل دیجیتال اروپا به «متا» تأکید کرده است که باید ثابت کند «اقدام به‌موقع، جدی و عینی» انجام داده است. او در نامه‌ای نوشت که این شرکت ۲۴ ساعت فرصت دارد تا اقدامات «مناسب و موثری» برای مقابله با انتشار اطلاعات نادرست در پلتفرم‌های خود انجام دهد.در همین ارتباط، سخنگوی شرکت «متا» به شبکه خبری بی‌بی‌سی جهانی گفته بود: «پس از حملات تروریستی حماس به اسرائیل در روز شنبه، ما به سرعت یک مرکز عملیات ویژه متشکل از کارشناسان، از جمله افراد مسلط به زبان عربی و عبری به راه انداختیم تا از نزدیک بر این وضعیت نظارت کرده و به آن پاسخ دهیم.»

او ادامه داد: «تیم‌های ما شبانه‌روز کار می‌کنند تا پلتفرم‌های ما را ایمن نگه دارند، در مورد محتواهایی که خط مشی‌ها یا قوانین محلی ما را نقض می‌کنند، اقدام کنند و برای محدود کردن انتشار اطلاعات نادرست، با راست‌آزمایی شخص ثالث در منطقه هماهنگی داشته باشند.»

در همین حال، کمیسیون اروپا به همه شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی یادآوری کرده از نظر قانونی موظف‌اند از انتشار محتوایی که موجب اختلال و آسیب می شود به ویژه مطالب مرتبط با گروه حماس جلوگیری کنند زیرا به گفته این کمیسیون، حماس در اتحادیه اروپا به عنوان یک گروه تروریستی شناخته می‌شود.سخنگوی این کمیسیون گفته: «محتوای منتشرشده در فضای مجازی که می‌تواند با حماس مرتبط باشد، به عنوان محتوای تروریستی شناخته می‌شود و غیرقانونی است و باید طبق قانون خدمات دیجیتال و مقررات آنلاین هر محتوای تروریستی حذف شود.»

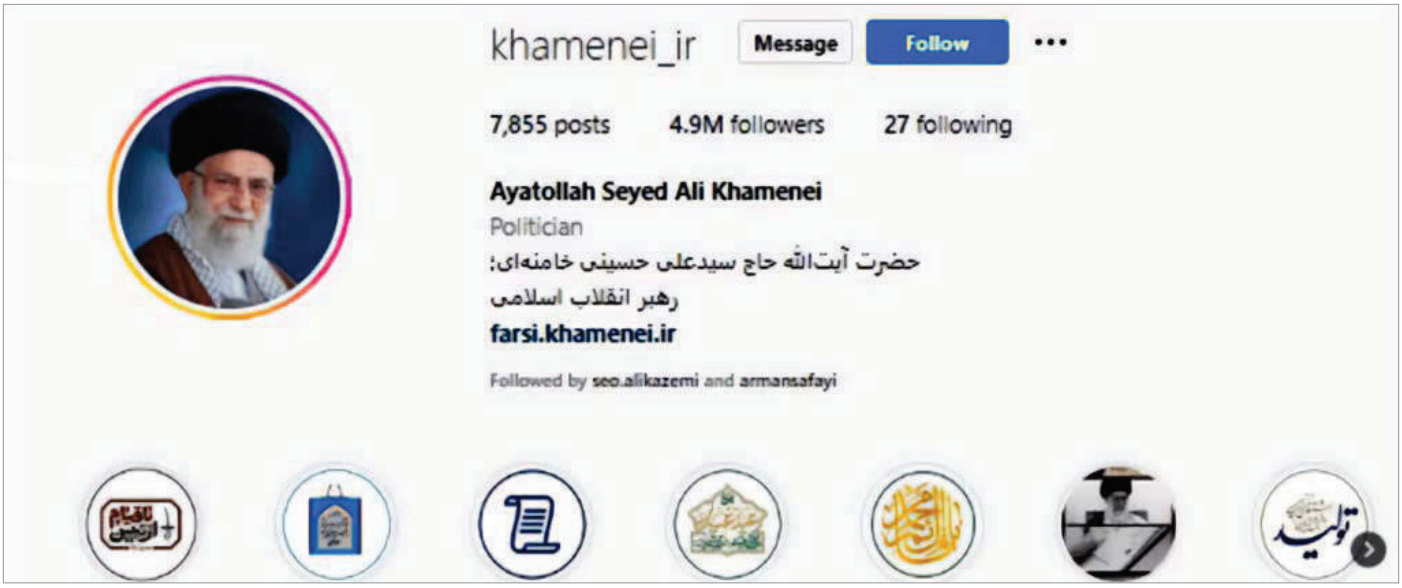

متن کامل گزارش «مجله شیکاگو»:

بخش ۲

چگونه ۲۵۰۰ سال پیش کاتبان لوحه‌های تاریخی برگ آزادی یک پروفسور باستان‌شناس را از زندان جمهوری اسلامی نوشتند!

● عباس علیزاده باستان‌شناس که در سال ۲۰۲۱ برای کاوش به ایران سفر کرده بود، پس از مدتی به اتهام واهی جاسوسی دستگیر شد و مجبور شد بدون مدرک شناسایی و پاسپورت در حصر خانگی بماند.

● در سال ۲۰۰۴ عباس علیزاده شخصاً الواح ایلامی را از مجموعه آیساک به ایران بازگرداند. ۱۵ سال بعد، دوباره صدها لوح دیگر را به ایران تحویل داد.

● حالا نیز او مطمئن است که دریافت لوحه‌های مشهور تنها دلیلی است که جمهوری اسلامی با آزادی و خروج وی از ایران موافقت کرده است. اگرچه مسئولان حکومت تهران هرگز بطور رسمی این را تصدیق نمی‌کنند. علیزاده می‌گوید: «چه کسی می‌توانست بداند که ۲۵۰۰ سال پیش در تخت جمشید چند کاتب کوچک برگ آزادی مرا می‌نوشتند؟!»



عباس علیزاده باستان‌شناس

علیزاده در کلیه آن بازدیدها در تمام آن سال‌ها، هیچوقت با رژیم مشکلی نداشت که نتواند از پس آن بربیاید. اما اینبار متفاوت بود.

با ورود به آپارتمان علیزاده، مأموران امنیتی با تفنگ شروع به جابجا کردن وسایل او و برادرش کردند: آنان کتاب‌ها را بررسی نمودند، مقالات دانشگاهی وی را ورق زدند، رختخوابش را جدا کردند، زیر تشک و بالش‌ها را جستجو کردند، کشوهای آشپزخانه را باز کردند و زیر فرش ها را بازرسی کردند.

مأموری که به نظر می‌رسید مسئول بقیه است به او و برادرش گفت: «بروید در اتاق نشیمن بنشینید». دیگران این مرد را «میثم» صدا می‌کردند، هرچند علیزاده فکر می‌کند که نام مستعارش بود.

برادران در سکوت نشسته بودند و تماشا می‌کردند که یکی از مأموران دستگاهی را به لپ‌تاپ علیزاده وصل و ظاهراً آن را هک می‌کند تا فایل‌ها و ایمیل‌های او را برای بازرسی دانلود کند. سپس تمام گوشی‌ها، تبلت‌ها، رایانه‌ها و پاسپورت‌های ایرانی و آمریکایی‌اش را گرفتند.

در کمال تعجب، تلفن برادرش را مصادره نکردند. از این رو علیزاده از او خواست که با یکی از دوستان قدیمی دوران دانشگاه و یکی از شاگردان سابق خود که هر دو به مقامات بالا در حکومت ایران رسیده بودند و شاید می‌توانستند از نفوذ خود به نفع وی استفاده کنند، تماس بگیرد. علیزاده با پیش‌بینی اینکه چه اتفاقی خواهد افتاد با برادرش زمزمه کرد: «وقتی من رفتم، فقط به این افراد زنگ بزن و به آنها بگو که آمدند و مرا بردند.»

ماموران علیزاده را به طبقه پایین همراهی کردند، تعدادی جلو و تعدادی در عقب داخل یک ون سفید بدون علامت و بدون پنجره نشستند. علیزاده در مورد این وانت‌ها شنیده بود: مانند ولگاهای سیاه KGB و فورد فالکون سبز تیره حکومت نظامی آرژانتین؛ ون سفید هم وسایل نقلیه مورد استفاده جمهوری اسلامی برای ایجاد ترس در مردم ایران است.

مأموران با علیزاده نزدیک به یک ساعت در خیابان‌های شلوغ رانندگی کردند و سپس در قلب پر هیاهوی شهر متوقف شدند. وقتی او را از ون بیرون کشیدند و به داخل ساختمان خاکستری رنگی بردند، او وحشت کرد.

مدت‌هاست در میان ایرانیان زمزمه‌هایی درباره شبکه‌ای از خانه‌های مخفی که مانند تار عنکبوت در سراسر تهران پخش شده، شنیده می‌شد که دستگاه‌های امنیتی برای بازجویی و شکنجه از آنها استفاده می‌کنند. مأموران او را از سه پله بالا بردند و به دفتر تقریباً خالی رساندند. حین ورودشان، مردی ریش‌دار پشت میز کنفرانس مستطیل بزرگی نشسته بود. میثم و یک افسر دیگر کنار افسر ریشو، روبروی جایی که علیزاده را نشانده بودند، جای گرفتند.

علیزاده زحمت درخواست وکیل را به خود نداد. تعداد کمی از وکلای ایرانی حاضر به رسیدگی به پرونده‌های جاسوسی هستند. چون برای دفاع از یک جاسوس متهم، خطر زندانی شدن به همراه موکل خود را دارند.

افسر ریشو گفت: «شما بارها به ما گفتید که هرگز به اسرائیل نرفته‌اید. اما شواهد و مدارک نزد ماست.»

بازجو هنگام بیرون آوردن نسخه‌ای از اشکلون اول، تک‌نگاری که برای عده کمی در خارج از مجموعه کوچک متخصصان باستان‌شناسی شام شناخته می‌شود، کاملا از خود راضی به نظر می‌رسید. این کتاب بر اساس بیش از یک دهه کار میدانی در یک سایت حفاری در نزدیکی شهر ساحلی اسرائیل، اشکلون، با تصاویر سیاه و سفید واضحی ثبت شده که نشان می‌داد علیزاده برخلاف انکارهای گذشته‌اش، هر سال از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱ از اسرائیل بازدید کرده بود.

علیزاده فکر کرد؛ من تمام شدم. اما چگونه به این مدارک دست یافته بودند؟

او بلافاصله به یک باستان‌شناس رقیب ایرانی مشکوک شد و فکر کرد هیچکس دیگری جز او نمی‌توانست چنین مدرکی در اختیار آنها بگذارد.

علیزاده با عصبانیت از فنجان آبی که جلویش گذاشته بودند می‌نوشید، در حالی که دهانش آنقدر خشک شده بود که به سختی تشنگی‌اش را از بین می‌برد.

بازجوهایش مانند رویه همیشگی، به نظر می‌رسید که یکی نقش پلیس خوب و دیگری نقش پلیس بد را بازی می‌کنند.

«دروغ نگو. ما می دانیم که شما باستان‌شناسان خیلی بی‌خدا هستید.»

یکی از آنها هم گفت: «تو یک کرم، یک سگ، یک الاغ کثیف هستی.»

اما میثم که با احترام با علیزاده رفتار می‌نمود و او را «دکتر» خطاب می‌کرد گفت که اصلاً تقصیری از جانب این آقای پرفسور برای رفتن به اسرائیل سر نزده است. شاید او فقط جوان و ساده‌لوح بوده است.

علیزاده یک فنجان دیگر آب ریخت. هنگام نوشیدن دستش می لرزید.

او به ناچار اعتراف کرد: «بسیار خوب، بله، من به آنجا رفتم.» زیرا می‌دانست که زیر شکنجه می‌شکند، بنابراین تصمیم گرفت قبل از اینکه به او آسیبی برسانند، اعتراف کند.

آنها از او درباره مقالاتی که دانشجویان باستان‌شناسی ایرانی برای بررسی فرستاده بودند، پرسیدند که شامل نقشه‌هایی مانند بسیاری از نشریات باستان‌شناسی بود که مکان دقیق حفاری‌های ایرانی و فواصل بین آنها را نشان می‌داد. آنها او را متهم کردند که این نقشه‌های دقیق را در اختیار سازمان‌های اطلاعاتی غربی قرار داده و از او پرسیدند: «بنابراین شما با جاسوسان ایرانی برای به دست آوردن این اطلاعات همکاری می‌کنید. این نقشه‌ها را به چه کسانی در آمریکا و اسرائیل می‌دهید؟»

علیزاده پاسخ داد: «به گوگل بروید، آنها پر از این

نقشه ها هستند، همه جا هستند. هیچ چیز خاصی در مورد این نقشه‌ها وجود ندارد.»

بازجوی دیگر در مورد مکاتبات ایمیلی او با استیون روزن باستان‌شناس معروف اسرائیلی در دانشگاه بن گوریون که بر روی عشایر بادیه‌نشین باستانی مطالعه می‌کند، پرسید.

-آیا می‌دانی روزن کیست؟

-بله، او باستان‌شناس است.

بازجو با اشاره به آژانس اطلاعاتی اسرائیل گفت: «نه، او مامور سازمان موساد است و شما با وی در تماس هستید.»

پرفسور علیزاده گفت: «واقعا نمی‌دانم او در موساد است یا نه. شما اطلاعات بیشتری دارید؛ اما می‌توانید ایمیل‌ها را ببینید. تنها کاری که ما انجام می‌دهیم باستان‌شناسی است.»

بازجو ادامه داد: «خب، شما آن ایمیل‌هایی را که در مورد باستان‌شناسی نیستند حذف کرده‌اید.»

علیزاده جواب داد: «اگر من می‌خواستم این کار را انجام دهم، اینها را هم حذف می‌کردم تا شما نبینید، نه؟»

(مجله شیکاگو که این گزارش را منتشر کرده از طریق ایمیل با روزن تماس گرفت و روزن پاسخ داد: «من به هیچ عنوان و هرگز برای موساد کار نکرده‌ام، چه برای دستمزد یا داوطلبانه. این یک اتهام پوچ است.»)

علیزاده از سؤالات آنها احساس ناامیدی می‌کرد. هرکس کمی در مورد حرفه‌اش اطلاعات داشت می‌فهمید که این نقشه‌ها چیز غیرعادی نیستند. اما بازجویان اصرار داشتند که او حتما حقیقت شیطانی‌تری را پنهان کرده است. پروفسوری که معمولاً تضعیف نمی‌شود، سعی می‌کرد روحیه‌اش را حفظ کند و به همه چیز تا حد امکان مؤدبانه پاسخ دهد. او می دانست که اگر افسران را بیش از حد به چالش بکشد، ممکن است کتک‌اش بزنند.

بازجویی چندین ساعت به همین منوال طول کشید. علیزاده در تمام این مدت خود را در لبه پرتگاه احساس می‌کرد و مطمئن نبود که چه زمانی و چگونه به پایان می‌رسد. وقتی بالاخره انجام شد، از او خواستند خط به خط، صفحه به صفحه، متن بازجویی‌اش را امضا کند.

این روند خسته‌کننده بیش از یک ساعت طول کشید. او مطمئن بود که بعداً او را به دادگاه می‌برند، جایی که قاضی به اتهامات او نگاه می‌کند، اظهارات سوگندخورده‌اش مبنی بر اعتراف به سفر به اسرائیل را می‌بیند و وی را به زندان بدنام اوین در شمال تهران می‌فرستد. جایی که می‌توانست در انتظار اعدام حتمی خود باشد.

(طبق گزارش عفو بین‌الملل، در دو سال پس از دستگیری علیزاده، جمهوری اسلامی بیش از ۸۵۰ نفر را اعدام کرده است که اکثراً به دلیل جرائم مربوط به مواد مخدر، اما برخی نیز به اتهام جاسوسی بوده از جمله یک ایرانی-انگلیسی متهم به جاسوسی برای MI6.)

اما مانند فئودور داستایوفسکی که بیش از یک قرن پیش، از لوله تفنگ‌های جوخه مرگ تزار به پایین نگاه می‌کرد، علیزاده هنوز زمان بیشتری در پیش داشت. ماموران به او گفتند که در حصر خانگی قرار خواهد داشت که بطور دوره‌ای او را چک کنند، با آپارتمانش تماس می‌گیرند تا مطمئن شوند که در خانه است و هر از گاهی برای بازدید به آنجا می روند. علیزاده مطمئن بود که کسی به سود وی در پرونده‌اش مداخله کرده است.

با وانت سفید بدون علامت، علیزاده در خیابان‌های پر ترافیک تهران به خانه منتقل شد. ون جلوی آپارتمانش ایستاد و مأموران او را تا در خانه همراهی کردند و رفتند. علیزاده تماشا می‌کرد که در غروب تهران ون با سرعت حرکت کرد و از نظر دور شد.

افکار مختلفی در ذهن علیزاده می‌چرخید. اگر قرار نبود او را به زندان بیندازند یا اعدام کنند، چرا امنیتی‌ها از این اتهامات ساختگی به عنوان بهانه‌ای برای قرار دادن او در حصر خانگی استفاده کردند؟ تنها چیزی که می‌توانست بفهمد این بود که رژیم امیدوار بود با نگه داشتن وی در ایران، بتواند او را در ازای پول مبادله کند.

سابقه‌ی جمهوری اسلامی شواهدی در ارتباط با این کار ارائه می دهد. از سال ۱۹۷۹ رژیم نزدیک به صد آمریکایی را به گروگان گرفته است. در سال ۲۰۱۵، این کشور توافقنامه‌ای را امضا کرد که در آن قول داده بود در ازای کاهش ۱۰۰ میلیارد دلاری تحریم‌های آمریکا و اروپا، برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را متوقف کند.

همچنین در مورد معامله مبادله گروگان‌ها با زندانیان. پس از اینکه دولت ترامپ تحریم‌های سنگین علیه حکومت ایران را در سال ۲۰۱۸ به دلیل نقض توافق اتمی بازگرداند، این کشور وارد یک بحران اقتصادی شد که باعث اعتراضات گسترده ضد دولتی و متعاقب آن سرکوب مخالفان شد.

علیزاده شروع به فکر کردن کرد که رژیم چقدر برای او پول می‌خواهد و چه چیزی می‌تواند در ازای آزادی خود ارائه دهد. او تلفن همراه برادرش را قرض گرفت (تلفن خودش را به او ندادند) تا پیامی در واتساپ به همکارش خانم تیتر ارسال کند و دوستش را در مورد بازداشت خود آگاه نماید اما از او خواهش کرد که به کسی دیگر نگوید زیرا ممکن است باعث سر و صدا شود.

تیتر بطور وحشتناکی نگران علیزاده شد که نکند دفعه مأموران امنیتی در آپارتمانش حاضر شوند و وی را به زندان ببرند و این آخرین چیزی باشد که کسی از او می‌شنود. بنابراین برخلاف درخواست علیزاده، از تئو ون دن هوت مدیر ISAC در آن زمان کمک خواست. او می‌گوید: «با این طرح و برنامه باید به سراغ افرادی می‌رفت که در بالای زنجیره قرار داشتند، زیرا این ماجرا می‌توانست خیلی خطرناک شود.»

ون دن هوت، یک استاد دانشگاه از هلند، تجربه‌ای در زمینه مذاکرات گروگانگیری نداشت، بنابراین با وزارت امور خارجه ایالات متحده تماس گرفت. مقامات آنجا فرم‌هایی را برای او فرستادند تا علیزاده آن را امضا کند و به آنها اجازه دادند که موضوع را به اطلاع عموم نیز برساند و در صورتی که اوضاع بدتر شود، یک کمپین فشار عمومی به راه بیفتد تا به عنوان آخرین راه حل بتوان از اعدام وی جلوگیری کرد. یک بیوگرافی مختصر نیز به وی دادند.

ون دن هوت با رئیس موزه ملی ایران تماس گرفت و تهدید کرد که اگر علیزاده سالم به ایالات متحده بازنگردد، ایران هرگز ۲۵۰۰۰ لوح ایلامی را که آیساک هنوز در اختیار دارد، نخواهد دید. علیزاده با یک دانشجوی سابق که ارتباط خوبی با دولت ایران داشت تماس گرفت و ادعا کرد که ارزش این لوحه‌ها میلیاردها دلار است، دروغی مصلحتی که برای جلب نظر مقامات طراحی شد.

روزها در حصر خانگی گذشت. سپس هفته‌ها و ماه‌ها. با گذشت زمان، علیزاده به برنامه خود برای استفاده از لوحه‌ها به عنوان اهرمی برای تضمین آزادی خود، دیگر کمتر اعتماد داشت. او که از فکر زندانی شدن و یک مرگ وحشتناک رنج می‌برد، در افسردگی شدید فرو رفت.

بدون لپ‌تاپ او نمی‌توانست کار کند، نه اینکه تمایل زیادی به این کار داشت. او در طول روز می نشست و سریال‌های ترکی و شبکه‌های خبری بین‌المللی را تماشا می‌کرد. در شب، او یا مقدار زیادی از ویسکی غیرقانونی خود می‌نوشید یا آنقدر قرص خواب مصرف می‌کرد که بی‌حال شود و بخوابد. صبح روز بعد هم با احساسات مبهم و بی‌حوصلگی از خواب بیدار می‌شد. کم غذا می‌خورد و به شدت لاغر شده بود.

هر دو هفته یکبار، مأموران امنیتی به خانه او مراجعه می‌کردند تا وی را به مکان نامعلوم دیگری برده و حداقل چهار ساعت از او بازجویی کنند. آنها همیشه همین سؤالات را می پرسیدند: چرا او در اسرائیل بود؟ مخاطب او در موساد چه کسی بود؟ جاسوسان او در ایران چه کسانی بودند؟ علیزاده با صبر و حوصله این توضیحات را ارائه می‌کرد: او فقط یک باستان‌شناس بود و با هرکسی که با او مکاتبه می‌کرد یا با هر سازمانی که در اسرائیل کار می‌کرد، صرفاً برای تحقیق و تفحص بوده است. وی تصور می‌کرد که پلیس سعی می‌کند به اشتباه وادارش کند بطوری که اظهارات خود را تغییر دهد. اما وی مدام همان چیزی را که می‌دانست حقیقت است تکرار می‌کرد.

در ماه اوت، سه ماه پس از حبس خانگی، علیزاده احساس کرد که بازجویانش صبر خود را از دست می‌دهند- زبان آنها پرخاشگرتر و خصمانه‌تر شده بود و دیگر به وی اجازه نمی‌دادند که به سوالات آنها رو در رو پاسخ دهد. در عوض، او را رو به یک دیوار خالی می‌نشاندند و از پشت سر او را با سوالاتی درباره همان موضوعات خسته‌کننده و جزئیاتی که قبلاً بارها مرور کرده بودند، کلافه می‌کردند.

پی بردن به جرم فرار البته بدتر از جاسوسی نبود. او نقشه‌ای جسورانه برای فرار از کشور طراحی کرد. در ایران کسانی که با هواپیما، قطار یا اتوبوس سفر می‌کنند باید کارت ملی یا پاسپورت معتبر نشان دهند. اما گذرنامه‌های علیزاده توقیف شده بود، و حتی اگر او همچنان گذرنامه‌هایش را داشت، مطمئن بود که در فهرست سیاه ممنوع‌الخروجی قرار دارد.

یک روز در حالی که علیزاده در نزدیکی آپارتمان خود در حال پیاده‌روی کوتاهی بود، دست به ریسک کرد چرا که چه بسا تحت نظر می‌بود. وی جلوی یک تاکسی شخصی را نگه داشت و از راننده پرسید که آیا در آینده‌ای نزدیک می‌تواند در فاصله ۱۳۰۰ کیلومتری از تهران تا بندرعباس، شهری بندری در خلیج فارس، رانندگی کند. او می‌توانست ۱۵۰ میلیون ریال (حدود ۳۵۰۰ دلار) بپردازد که بیشتر از درآمد یک سال معمولی برای یک تاکسی بود. مرد راننده موافقت کرد.

این سفر دو روز طول می کشد. اقامت در هتل نیاز به مدرکی داشت که علیزاده نداشت، بنابراین گفت که در طول مسیر کمپ خواهند زد و کیسه خواب تهیه خواهد کرد. او شماره تلفن راننده را گرفت و خواست که منتظر تماس وی باشد.

آنچه علیزاده به راننده تاکسی نگفت این بود که قبلاً با یک ماهیگیر در بندرعباس تماس گرفته بود که متخصص در قاچاق ایرانیان از خلیج فارس و عبور از گشت‌های سپاه پاسداران مسلح با قایق‌های تندرو، به امارات متحده عربی یا قطر بود. این یک نقشه خطرناک بود، اما علیزاده فکر می‌کرد این بهترین اقدام برای آزادی او است.

در روزهای قبل از فرار برنامه‌ریزی شده، علیزاده عصبی بود. برای اینکه نمی‌توانست به همه راه‌های احتمالی که ممکن است اشتباه پیش برود فکر نکند: ممکن است تاکسی در قسمتی از جاده خراب شود یا توسط پلیس به دلیل خوابیدن در فضای باز بازجویی شود و از او درخواست کارت هویت کنند.

سرانجام در اواسط ماه اوت، ناگهان یک روز صبح، تلفن زنگ خورد. یک مامور امنیتی بود که به علیزاده گفت برود وسایلش از جمله پاسپورتش را تحویل بگیرد.

استاد باستان‌شناس مات و مبهوت مانده بود. نهایتا شاید نقشه برای فرار جسورانه ضروری نباشد. آرامشی او

فرا گرفت.

علیزاده با مترو به محل تعیین شده، یک ساختمان اداری در مرکز شهر رفت. به او گفته شد که دیگر در حصر خانگی نیست و آزاد است کشور را ترک کند. وی خوشحال بود و دو ساعت کامل در حالی که میثم، مأمور امنیتی که در اولین بازجویی در ماه مه نیز حضور داشت، نشست و برای آخرین بار با او صحبت کرد.

میثم به علیزاده گفت: می‌دانیم که شما عمداً به جمهوری اسلامی آسیبی نزدید، اما باید بسیار مراقب باشید. دشمن [اسرائیل] همیشه از آنچه شما می‌گویید و انجام می‌دهید سوء استفاده می‌کند، حتی اگر فکر می‌کنید بی‌ضرر است.

میثم به همین منوال ادامه داد و علیزاده را ترغیب به ابراز ایمان به اسلام و خدا نیز کرد و از او خواست مسلمان خوبی باشد! علیزاده مؤدبانه با همه حرف‌های میثم موافقت کرد تا اینکه بالاخره اجازه یافت وسایلش را جمع کند و برود.

پروفسور به آپارتمان خود بازگشت. از ون دن هوت خواست تا در اولین پرواز به شیکاگو برای او جا رزرو کند. سه روز بعد، در ۲۸ امرداد، علیزاده شش ساعت قبل از پرواز به فرودگاه بین‌المللی «امام خمینی» رسید زیرا بسیار مشتاق بود هر چه زودتر از کشور خارج شود. برادرش وی را به فرودگاه رساند و علیزاده می‌دانست که احتمالاً این آخرین باری است که او را می‌بیند. یک بازگشت دیگر بسیار خطرناک خواهد بود. اما دلش نیامد این را به برادرش بگوید. علیزاده در عوض به وی گفت: «فکر می‌کنم الان همه چیز خوب است. بنابراین می‌توانم سفر کنم، اما شاید نه پیش از دو سال دیگر.»

در سالن فرودگاه یک بشقاب سمبوسه و چندین سوسیس حلال خورد. همانطور که منتظر بود، نمی‌توانست نگران این باشد که دولت ایران قبل از خروج وی تصمیم خود را تغییر ندهد. دور ترمینال قدم می‌زد و در فروشگاه‌ها بدون اینکه تمایلی به خرید داشته باشد می‌گشت زیرا به پرت شدن حواسش نیاز داشت. در تمام آن مدت، احساس می کرد که شکمش مانند ماشین لباسشویی می‌چرخد.

او سوار هواپیمای خطوط هوایی اتریش شد. در هواپیما بسته شد. مهمانداران هواپیما تمرینات ایمنی خود را انجام دادند. هواپیما از زمین برخاست.

تنها زمانی که به ارتفاع امن رسیدند، شادی بی‌وصفی او را فرا گرفت؛ احساسی که شبیه هیچ چیزی نبود که قبلاً تجربه کرده باشد. به محض اینکه از حریم هوایی ایران خارج شدند، یک لیوان ویسکی اسکاچ سفارش داد. پس از ماه‌ها غوطه‌ور کردن غم‌هایش در نوشیدنی‌ها، بجای آن این یکی را با لذت خالص می‌نوشید.

هواپیما اوایل بعد از ظهر روز ۲۰ اوت در O'Hare نشست. علیزاده چمدان‌هایش را در آپارتمان خود در هایدپارک رها کرد و سپس برای پیتزا و آبجو به مدیسی در خیابان پنجاه و هفتم رفت.

او قبل از دیدن آشنایان به زمان نیاز داشت تا خودش را جمع و جور کند، بنابراین تا چند روز بعد با تیتر ملاقات نکرد. تیتر دوست قدیمی خود را با آغوش باز در میان بازوانش گرفت و محکم فشرد و اشک آسودگی از اینکه او بالاخره در امان است از چشمانش سرازیر شد. تیتر گفت: «تا زمانی که او را دیدم باور نکردم.»

پس از یک هفته، علیزاده به دفتر خود در طبقه دوم ISAC که در یک ساختمان آرت دکو در محوطه دانشگاه شیکاگو قرار دارد، حاضر شد. او طوری به سر کار بازگشت که گویی هیچ چیز در زندگی‌اش تغییر نکرده، هرچند که بسیار فرق کرده بود.

یک روز بعد از ظهر در اکتبر ۲۰۲۳، علیزاده پشت میزش در ISAC در میان انبوهی از کاغذها، نقشه‌ها و کتاب‌ها که او را احاطه کرده بودند نشسته بود. یک کاریکاتور سیاسی از رهبر جمهوری اسلامی به دیوار چسبانده شده. بیش از دو سال از بازداشت وی می‌گذرد.

او مطمئن است که دریافت لوحه‌های مشهور تنها دلیلی است که جمهوری اسلامی با آزادی او موافقت کرده است. اگرچه مسئولان حکومت تهران هرگز بطور رسمی این را تصدیق نمی‌کنند. وی می‌گوید: «چه کسی می‌توانست بداند که ۲۵۰۰ سال پیش در تخت جمشید چند کاتب کوچک برگ آزادی مرا می‌نوشتند؟ فقط می‌توان گفت که باورنکردنی است.»

باستان‌شناس برجسته ایرانی- آمریکایی می‌گوید که زنده ماندن از این تجربه دلخراش، به او روح تازه‌ای بخشید. پروفسور موخاکستری ادامه می‌دهد: «احساس می‌کنم خیلی جوان‌ترم. بیشتر احساس خوشحالی می‌کنم. قبلاً همان چیزهای قدیمی بود، اما اکنون، حتی وقتی مطالب آکادمیک می‌نویسم، آن را با شادی انجام می‌دهم. هر روز صبح که از خواب بیدار می‌شوم، برایم روز فوق العاده‌ای است و دیگر خسته‌کننده نیست.»

عباس علیزاده بجای بازنشستگی پس از مصیبت‌هایش، وقت خود را به روشن کردن گذشته پیش از تاریخ ایران اختصاص داده است. او سخت در حال کار بر روی گزارشی درباره راهبردهای معیشتی و تمایز اجتماعی مردمان ایران باستان است که در منطقه‌ای نزدیک شیراز امروزی زندگی می‌کردند.

اما وی دیگر قصد بازگشت به ایران را ندارد. حداقل تا زمانی که رژیم استبدادی جمهوری اسلامی در قدرت باقیست. او خشمی را که نسبت به رژیم ولایت فقیه احساس می‌کند، پنهان نمی‌کند. دستانش را با عصبانیت بالا می‌برد و می‌گوید که خدمات زیادی برای کشورش انجام داده ولی با این حال او را با بی‌رحمانه‌ترین اتهامات به ارتکاب اعمال خیانت‌آمیز متهم کردند.

خانم تیتر می‌گوید: «عباس تقریباً بر تولد دوباره باستان‌شناسی به عنوان یک رشته معتبر در ایران ایستاد. ایران واقعاً اعتبار فوق العاده‌ای به او مدیون است، به همین دلیل است که کل این ماجرا بسیار مضحک و ترسناک است.»

علیزاده برای به اشتراک گذاشتن فرهنگ خود با مخاطبان گسترده‌تری میزبان مجموعه‌ای از فیلم‌های مستند و داستانی است که در ایران اتفاق می‌افتد. برخی از آنها توسط کارگردانان ایرانی در حال حاضر زندانی مانند جعفر پناهی ساخته شده است. نمایش کار آنها یکی از راه‌های کوچک برای مخالفت با رژیم است.

تنها یادگاری که او در دفترش از وطن خود نگه می‌دارد، چهار گلوله خاک خشک است. نمونه‌های خاکی که از مناطق مختلف ایران برداشته است. سال‌ها پیش، او آنها را به ایالات متحده آورد تا بتواند منشأ جغرافیایی برخی از خرده‌های سفالی مجموعه ISAC (انستیتو مطالعات فرهنگ‌های باستانی) را با مقایسه محتوای معدنی آنها با خاک رس تعیین کند.

او با اشاره به یک روایت باستانی می گوید که خدا انسان را از گل آفرید و با وجود جراحات روحی ناشی از آخرین سفرش به ایران، حداقل این خاک از خانه او هنوز وجود دارد.

***منبع: مجله شیکاگو**

***ترجمه و تنظیم از کیهان لندن**

باز هم هشدار درباره فروپاشی نظام سلامت در ایران؛ بیمارستان‌های زیان‌ده و هزینه سرسام‌آور درمان و دارو

● رئیس نظام پزشکی کشور می‌گوید همه تصمیمات و راه حل‌های مسئولان روی کاغذ ساده است و ساده‌ترین برخورد با پیچیده‌ترین حوزه‌های تخصصی درمانی، مشکلی را که حل نمی‌کند بلکه بر مشکلات هم می‌افزاید.

● «با اخبار زردی چون پزشکان از مالیات فرار می‌کنند، پزشکان وضع مالی خوبی دارند و پول پارو می‌کنند، روزگار جامعه پزشکی را سیاه کرده‌اند و بخش خصوصی را به بیمارستان‌فروشی رسانده‌اند.»

● رئیس بخش پیوند کلیه بیمارستان «هاشمی نژاد» تهران گفته قیمت داروهای جلوگیری از پس زدن کلیه پیوندشده در بازار آزاد به حدود ۶۰ میلیون تومان رسیده است.

سال‌هاست که ساختار بهداشت و درمان در ایران از مشکلات فراوان از جمله مهاجرت پزشکان، بیمارستان‌فروشی در بخش خصوصی، و افزایش نجومی قیمت داروها به عنوان تهدیدی برای جان و سلامت شهروندان رنج می‌برد.

در حالی که هزینه درمان با توجه به تورم عمومی اقتصاد آنقدر بالا رفته که بسیاری از خانوارها توان پرداخت هزینه دارو و درمان را ندارند، در آنسو بیمارستان‌های بخش خصوصی به دلیل مشکلات مالی گسترده ناچار به فروش بیمارستان شده‌اند و پزشکان که روزی پردرآمدترین اقشار ایران به شمار می‌رفتند در موجی گسترده در حال مهاجرت از کشور هستند.

محمد رئیس‌زاده رئیس نظام پزشکی کل کشور در اعتراض به عملکرد دولت و مجلس شورای اسلامی در رابطه با ساختار درمانی کشور نسبت به از بین رفتن آینده‌ی پزشکی ایران هشدار داده است.

محمد رئیس‌زاده در توضیحاتی گفته که «اقتصاد هر حرفه‌ای پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد و بر اساس جایگاه آن در جامعه باید نسبت به آن تصمیم‌گیری شود. نماینده مجلس حقوق و دستمزد یک پزشک را با یک کارگر می‌سنجدمی‌گوید یک کارگر چقدر می گیرد که یک پزشک باید بگیرد و مسئولین بر اساس عقاید عوام‌پسندانه در حوزه پزشکی اقدام می‌کنند.»

رئیس نظام پزشکی کشور همچنین از فروش بیمارستان‌های بخش خصوصی به دلیل نبود درآمد و زیان گسترده خبر داده و گفته «بیمارستان‌های خصوصی با این تعرفه‌های پائین نمی‌توانند هزینه‌های جاری خود را تأمین کنند. مسئولین درک درستی از واقعیات جامعه پزشکی و اقتصاد سلامت ندارند. تمام تصمیم‌گیری‌شان به جای اینکه بر مبنی علم و کارشناسی شده باشد بر مبنای اخبار زرد حوزه پزشکی

است مانند اینکه پزشکان از مالیات فرار می‌کنند، پزشکان وضع مالی خوبی دارند و پول پارو می‌کنند. با این اخبار زرد روزگار جامعه پزشکی را سیاه کرده‌اند و بخش خصوصی را به بیمارستان فروشی رسانده‌اند.»

او معتقد است که سیاست‌های دولت دارد به سویی می‌رود که همین صنعت نیمه‌جان پزشکی هم فرو بپاشد و «به زودی سالانه ۱۰ میلیارد دلار ارزبری از کشور خواهیم داشت. با بلیت چارتر بیمار را به خارج می‌برند و برمی‌گردانند. زنگ هشدار زده شده و می‌تواند آینده پزشکی کشور را از بین ببرد.»

محمد رئیس‌زاده گفته که حوزه سلامت یکی از پیچیده‌ترین حوزه‌هاست وقتی مسئولین می‌خواهند برای این حوزه راحت‌ترین راه حل‌ها را پیدا کنند این می‌شود که پزشکان بیمارستان‌ها را خالی می‌کنند و به مشاغل دیگر مشغول می‌شوند و یا از کشور می‌روند و بیمارستان‌ها به فروش گذاشته می‌شوند تا با کاربری دیگری برای صاحبان خود گردش مالی داشته باشند.

این مقام صنفی با اشاره به اینکه همه تصمیمات و راه حل‌های مسئولان روی کاغذ ساده است گفته که «افزایش ظرفیت رشته‌های پزشکی را صادر می‌کنند اما نه کلاس می‌دهند، نه آزمایشگاه فراهم می‌کنند، نه سقف بالینی، نه سرانه آموزشی می‌دهند، نه هیئت علمی.»

او تأکید کرده که «ساده‌ترین برخورد با پیچیده‌ترین حوزه‌های تخصصی درمانی، مشکلی را که حل نمی‌کند بلکه بر مشکلات هم می‌افزاید.»

به گفته این مقام صنفی «تعطیلی بیمارستان‌های خصوصی باعث می‌شود که بسیاری از مردم را که تمکن مالی برای دریافت خدمات درمانی در مراکز خصوصی و با کیفیت‌تر دارند به خارج از کشور بفرستند. آیا این به نفع کشور است و در راستای مصلحت کشور است؟»

بخشی از ساختار معیوب نظام درمانی ایران پس از چهار دهه تباهکاری جمهوری اسلامی، به خطر افتادن سلامت شهروندان و تهدید جان بسیاری از بیماران به دلیل افزایش سرسام‌آور هزینه‌های بهداشت و درمان در کشور به ویژه هزینه دارو است.

بر اساس آمارهای رسمی، کارگران و بازنشستگان در سال قبل و در حالی که هنوز گرانی و کمبود دارو به اندازه‌ی امسال تبدیل به موضوعی حاد نشده بود، حداقل ماهی ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان خرج دوا و درمان کرده‌اند؛ این در حالیست که ۶۰ درصد این خانوارها، در سال قبل فقط ۶ میلیون تومان یا کمی بیشتر حقوق ماهانه داشته‌اند. به این داده‌های رسمی که مبتنی بر گزارش اخیر مرکز آمار ایران است.

در همین رابطه محمدجواد سلیمانی رئیس بخش پیوند کلیه بیمارستان «هاشمی نژاد» تهران گفته قیمت داروهای جلوگیری از پس نزدن کلیه پیوندشده در بازار آزاد به حدود ۶۰ میلیون تومان رسیده است.



محمدجواد سلیمانی گفته برخی داروها جزو نسل‌های جدید داروهای پیوند کلیه هستند که برای جلوگیری از پس زده شدن کلیه‌های اهدا شده مصرف می‌شوند. همچنین برخی دیگر از داروها در پروسه کنترل نفریت (التهاب کلیه)، استفاده می‌شود. اینها داروهای گران‌قیمت و حیاتی هستند و اگر به‌موقع مصرف نشوند، ممکن است کلیه پیوند شده، پس زده شود. از زمانی که مشکلات ارزی به وجود آمد در زمینه تأمین این داروها نیز مشکلاتی به وجود آمده است.

رئیس بخش پیوند کلیه بیمارستان «هاشمی نژاد» با اشاره به اینکه این داروها با قیمت‌های بسیار بالا در بازار آزاد به فروش می‌رسند، گفته که اگر بیماری بخواهد از بازار آزاد این داروها را تهیه کند، می‌بایست حدود ۶۰ میلیون تومان هزینه کند تا در یک پروسه درمان یک هفته الی ده روزه از آنها استفاده کند و افرادی که وضع مالی خوبی ندارند در این میان به مشکل بر می‌خورند.

اینهمه در حالیست که به گفته محمد جواد سلیمانی اغلب کسانی که به بیمارستان‌های دولتی برای پیوند کلیه و دیالیز مراجعه می‌کنند افراد کم توان مالی هستند. البته این بیماری جزو بیماری‌های خاص است و بیمه‌ها تا زمانی که بیماری از فاز حاد خارج شود تحت پوشش صد درصدی قرار می‌دهند. اما بیمارانی که بیمه ندارند در این میان دچار مشکلات اقتصادی زیادی برای تأمین هزینه درمان می‌شوند.

یک پژوهشگر: بخش زیادی از خانوارها مراجعه به دندانپزشک را فراموش کرده‌اند

وبسایت «اکو ایران» به نقل از فردین یزدانی پژوهشگر و مشاور «آکادمی سامان» نوشت: «در یک سال و اندی که از اجرای طرح دارویار گذشته، اختلاف هزینه‌کرد در میان گروه‌های درآمدی بیشتر شده. یعنی شکاف بین گروه‌های درآمدی در پرداخت هزینه‌های درمان افزایش پیدا کرده و هزینه درمانی کم‌درآمدها نتوانسته متناسب با نرخ تورم حرکت کند.»

این پژوهشگر افزوده که «مهمترین مثال هزینه‌های درمانی هزینه‌های دندانپزشکی است که عملا بخش زیادی از خانوارها مراجعه به دندانپزشک را فراموش کرده‌اند. داده‌هایی که ما واکاوی کردیم، نشان می‌دهد حداقل ۵۰ درصد از خانوارها مراجعه‌ای به دندانپزشک در یک سال نداشته‌اند و اگر مراجعه‌ای بوده در حد حداقل‌ها بوده است.»

وبسایت «خبرآنلاین» در ۲۹ دی‌ماه به نقل از مارال قربانزاده رئیس پانزدهمین کنگره بین‌المللی دندانپزشکی عمومی ایران نوشته بود که «قطعاً هزینه‌های سنگین و سرسام‌آور درمان‌های دندانپزشکی، مهم‌ترین دغدغه همکاران دندانپزشک است. همه خدمات دندانپزشکی، فقط زیبایی نیست که برای آن ردیف بودجه بیمه‌ای نمی‌بینند. از شورای عالی انتظار داریم برای سلامت مردم، ردیف بودجه دندانپزشکی را ببینند. زیرا، برای ما دردناک است که مردم به خاطر نداشتن هزینه درمان دندانپزشکی، درخواست می‌کنند دندان آنها کشیده شود.»

بسیاری از سالمندان حتی بخشی که حقوق بازنشستگی یا مستمری دریافت می‌کنند نیز برای تأمین هزینه زندگی از جمله درمان و بهداشت دهان و دندان با مشکل روبرو هستند.

اجاره تخت‌های بیمارستانی که برای سالمندان بیمار در خانه مورد استفاده قرار می‌گیرد از ماهانه یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان تا ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است.

کیهان

مرگ مرموز دستیار سفیر جمهوری اسلامی در مسکو
درخواست از روس‌ها برای ارسال «نمونه خون» حسین جهانگیری

کمتر از یک هفته پس از مرگ مشکوک حسین جهانگیری دستیار سفیر جمهوری اسلامی در مسکو، مؤسسه «رابرت لنسینگ» مستقر در آمریکا در مقاله‌ای احتمال داد مرگ وی با افشای اطلاعات اخیر درباره ارتباطات روسیه با صنایع دفاعی جمهوری اسلامی مرتبط باشد.

در این مقاله که نهم فوریه (۲۰ بهمن‌ماه) منتشر شد آمده جهانگیری در یک باشگاه بدنسازی واقع در یک مرکز خرید نزدیک منزلش حالش بهم می‌خورد و از هوش می‌رود. اگرچه آمبولاس امداد برای نجات این مرد ۵۶ ساله می‌رسد اما اعلام شد که به علّت «سکته قلبی» جان خود را از دست داده است. با این حال، مقامات تهران خواستار ارسال نمونه خون جهانگیری شده‌اند که همین مسئله شبهاتی را برانگیخته است.

مؤسسه «رابرت لنسینگ» احتمال داده «مقامات جمهوری اسلامی به دلایل واقعی مرگ دستیار سفیر شک دارند و می‌خواهند آزمایش سم‌شناسی انجام دهند. جهانگیری به عنوان مترجم علاوه بر اینکه در تمام جلسات مهم هیئت‌های ایرانی در روسیه شرکت داشت در مذاکرات با حزب‌الله، حماس و افغانستان نیز حضور داشت».

در این مقاله همچنین آمده «جهانگیری مستقیماً در تمام مذاکرات کلیدی که طرف ایرانی در آن شرکت داشت، حاضر بود [بنابراین] روس‌ها با آگاهی گسترده از زیر و بم روابط ایران و روسیه، ممکن است به افشای اطلاعات از طریق جهانگیری مشکوک شده باشند. وضعیت روانی او پس از آنکه همسر روس خود را بر اثر بیماری سرطان از دست داد، این احتمال را بیشتر کرده است».



قاب عکس حسین جهانگیری در حاشیه مراسم جشن سالگرد «انقلاب۵۷» که در سفارت جمهوری اسلامی در روسیه برگزار شد / عکس: ایرنا

کمتر از یک هفته پس از مرگ مشکوک حسین جهانگیری دستیار سفیر جمهوری اسلامی در مسکو، مؤسسه «رابرت لنسینگ» مستقر در آمریکا در مقاله‌ای احتمال داد مرگ وی با افشای اطلاعات اخیر درباره ارتباطات روسیه با صنایع دفاعی جمهوری اسلامی مرتبط باشد.

مرگ جهانگیری که علّت آن مشخص نیست وقتی علنی شد که حسین امیرعبداللهیان ۱۶ بهمن‌ماه در پیامی کوتاه درگذشت وی را به سفیر جمهوری اسلامی در روسیه تسلیت گفت. رسانه‌های داخلی ایران گفته بودند وی کارمند سفارت و مترجم کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی در مسکو است.

در مقاله مؤسسه «لنسینگ» که نهم فوریه (۲۰ بهمن‌ماه) منتشر شد آمده جهانگیری در یک باشگاه بدنسازی واقع در یک مرکز خرید نزدیک منزلش حالش بهم می‌خورد و از هوش می‌رود. اگرچه آمبولاس امداد برای نجات این مرد ۵۶ ساله می‌رسد اما اعلام شد که به علّت «سکته قلبی» جان خود را از دست داده است. با این حال، مقامات تهران خواستار ارسال نمونه خون جهانگیری شده‌اند که همین مسئله شبهاتی را برانگیخته است.

مؤسسه «رابرت لنسینگ» احتمال داده «مقامات جمهوری اسلامی به دلایل واقعی مرگ دستیار سفیر شک دارند و می‌خواهند آزمایش سم‌شناسی انجام دهند. جهانگیری به عنوان مترجم علاوه بر اینکه در تمام جلسات مهم هیئت‌های ایرانی در روسیه شرکت داشت، در مذاکرات با حزب‌الله، حماس و افغانستان نیز حضور داشت.»

در این مقاله همچنین آمده «جهانگیری مستقیماً در تمام مذاکرات کلیدی که طرف ایرانی در آن شرکت داشت، حاضر بود. [بنابراین] روس‌ها با آگاهی گسترده از زیر و بم روابط ایران و روسیه، ممکن است به افشای اطلاعات از طریق جهانگیری مشکوک شده باشند. وضعیت روانی او پس از آنکه همسر روس خود را بر اثر بیماری سرطان از دست داد، این احتمال را بیشتر کرده است.»

خبر کشته شدن جهانگیری ابتدا در رسانه‌های وابسته به اطلاعات نظامی روسیه پوشش داده شد. اکنون طبق ادعای مؤسسه «رابرت لنسینگ» وزارت خارجه روسیه طی گفتگوهای غیررسمی با دیپلمات‌ها در تلاش است تا آنها را متقاعد کند که مرگ این دیپلمات بر روند مذاکرات بین روسیه و ایران تأثیری نخواهد داشت. با این حال، چنین نظراتی دارای نقش فعال برای به حداقل رساندن خطرات احتمالی هستند.»

سابقه حذف مقامات سیاسی با دخالت روس‌ها

در ادامه این مقاله آمده مرگ جهانگیری یادآور ماجرای الکساندر پرپلیچنی است که در سال ۲۰۲۱ توسط سرویس‌های اطلاعاتی ویژه روسیه در لندن از میان برداشته شد. او یکی از تامین‌کنندگان اصلی مدارک علیه مقامات بلندپایه روسیه در ارتباط با مرگ وکیل سرگئی ماگنیتسکی بود. وی در سال ۲۰۱۲ در حومه لندن در حال ورزش بود که از هوش رفت و قلب‌اش از حرکت ایستاد. پس از کالبدشکافی مشخص شد که وی توسط یک ماده مرگبار به اسم Perepelichny مسموم شده است.

در این مقاله تأکید شده با توجه به سوابق دولت روسیه در مورد حذف افراد از طریق مسموم کردن آنها، این احتمال وجود دارد که مسمومیت مستشار ایرانی توسط واحد اطلاعات داخلی (FSB) از طریق مواد تولید شده در زرادخانه‌های سموم نظامی انجام شده باشد.

تجربه رویدادهای مرموز و مرگبار برای دیپلمات‌های سفارت جمهوری اسلامی در روسیه دارای پیشینه است. در مهرماه سال ۱۳۹۸ عارفه سنایی دختر مهدی سنایی سفیر سابق جمهوری اسلامی در مسکو جان خود را از دست داد. ادعا شد وی از پنجره اتاق‌اش در یک آپارتمان به بیرون پریده و خودکشی کرده است. سنایی که داماد علی یونسی وزیر سابق اطلاعات جمهوری اسلامی است چند ماه پس از این واقعه استعفا داد و به ایران بازگشت. وی اکنون در دانشگاه تهران روابط بین‌الملل تدریس می‌کند.

الکسی ناوالنی از مخالفان سرشناس روسیه نیز در سال ۲۰۲۰ به دلیل مسمومیت به حالت اغما رفت و در نهایت به بیمارستانی در آلمان منتقل شد و متخصصان وی را نجات دادند.

در اکتبر سال ۲۰۲۳ جسد تالاسیوس-پوراس خورخه-پاتریسیو دیپلمات ۵۳ ساله اکوادوری، در آپارتمانی در مرکز مسکو پیدا شد. بر اساس اطلاعات رسمی، این دیپلمات به دلیل نارسایی قلبی درگذشت. در سال ۲۰۱۶ نیز جبار حیدر دیپلمات ۴۶ ساله بطور مرموزی در سفارت عراق در مسکو درگذشت.

اگرچه روابط جمهوری اسلامی و روسیه در حوزه‌های نظامی و امنیتی رو به گسترش است اما در چند مورد شماری از مقامات رسمی یا سابق نظام در مورد رفتارها و تهدیدات روس‌ها در قبال مقام‌های جمهوری اسلامی هشدار داده‌اند.

هنوز مشخص نیست آیا جسد حسین جهانگیری به تهران منتقل شده یا نه؟ ابهامات زیادی در مورد کم و کیف این گزارش وجود دارد و به صورت مستقل قابل رد یا تأیید نیست اما اینکه چرا رسانه‌های داخلی در این مورد سکوت کرده‌اند سؤال برانگیز است. کاظم جلالی سفیر جمهوری اسلامی نیز در این مورد سکوت کرده است هرچند خبرگزاری ایرنا تصویری منتشر کرده که نشان می‌دهد پرچم جمهوری اسلامی در محوطه سفارت رژیم در روسیه به نشان عزاداری «نیمه برافراشته» است. جلالی نماینده سابق مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۵ وقتی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس بود متهم به پولشویی شده بود.

بی‌خبری از سرنوشت پنج روزنامه‌نگار «فردای اقتصاد» پس از حمله مأموران امنیتی به تحریریه

علی میرزاخانی سردبیر و بهزاد بهمن‌نژاد قائم مقام سردبیر، مهرداد عسگری، نیکان خبازی و علی تسنیمی روزنامه‌نگاران «فردای اقتصاد» هستند که همچنان در بازداشت بسر می‌برند.

از علی نوریان و مسعود ملک‌پور از مدیران ارشد گروه مالی «کیان» که رسانه «فردای اقتصاد» از زیرمجموعه‌های آن است نیز اطلاعی در دست نیست.

با گذشت چهار روز نه قوه قضاییه و نه هیچیک از نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی درباره سرنوشت روزنامه‌نگاران «فردای اقتصاد» توضیحی ارائه نکرده‌اند.



با گذشت حدود چهار روز از یورش مأموران امنیتی به دفتر وبسایت تحلیلی- خبری «فردای اقتصاد» و بازداشت روزنامه‌نگاران این رسانه، از سرنوشت پنج تن از آنان اطلاعی در دست نیست. برخی این اقدام بدون توضیح نهادهای امنیتی حکومت را «گروگانگیری»، «ناپدیدسازی قهری» و برخی «مفقودسازی» روزنامه‌نگاران می‌خوانند.

با گذشت بیش از ۹۰ ساعت از یورش مأموران امنیتی به دفتر تحریریه «فردای اقتصاد» همچنان پنج روزنامه‌نگار این رسانه در بازداشت بسر می‌برند و با خانواده خود تماسی نداشته‌اند. هنوز نهاد بازداشت‌کننده و علت بازداشت این افراد نیز مشخص نیست.

مأموران امنیتی جمهوری اسلامی در تهران از ظهر روز دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲ روزنامه‌نگاران وبسایت خبری- تحلیلی «فردای اقتصاد» را در محل کارشان حبس کردند. شمار روزنامه‌نگاران محبوس شده در ساختمان حدود ۳۰ نفر اعلام شده بود که تا ظهر روز بعد تعدادی از آنها آزاد شدند اما همچنان پنج تن از روزنامه‌نگاران و دو مدیر ارشد گروه مالی «کیان» که رسانه «فردای اقتصاد» از زیرمجموعه‌های آن است در بازداشت بسر می‌برند.

تا زمان تنظیم این گزارش علی میرزاخانی سردبیر و بهزاد بهمن‌نژاد قائم مقام سردبیر، مهرداد عسگری، نیکان خبازی و علی تسنیمی روزنامه‌نگاران «فردای اقتصاد» همچنان در بازداشت هستند.

همچنین از سرنوشت علی نوریان و مسعود ملک‌پور از مدیران ارشد گروه مالی «کیان» که رسانه «فردای اقتصاد» از زیرمجموعه‌های آن است اطلاعی در دست نیست.

ساختمان گروه مالی «کیان» که دفتر «فردای اقتصاد» نیز در آن قرار داشت تحت کنترل مأموران امنیتی است و حتی مشخص نیست که بازداشت‌شدگان در این ساختمان هستند یا به محل دیگری منتقل شده‌اند.

دیگر روزنامه‌نگارانی که ساعت‌ها در ساختمان «فردای اقتصاد» بازداشت بودند، همانجا تحت بازجویی قرار گرفتند و سپس آزاد شدند.

«رادیو فردا» گزارش داده که تمرکز بازجویی از این افراد و بازرسی ساختمان، مربوط به اتهام بارگذاری یک ویدئو در شبکه‌های اجتماعی، با استفاده از آی‌پی این شرکت است. این گزارش تأکید کرده که مشخص نیست دقیقاً کدام ویدئو موضوع بازجویی از افراد است، اما برخی گزارش‌ها در روزهای اخیر حاکی از آن بود که این ویدئو به موضوع راه‌های دور زدن تحریم می‌پردازد.

«دادبان» که اخبار حقوقی را منتشر می‌کند در واکنش به آنچه برای روزنامه‌نگاران «فردای اقتصاد» رخ داده، اقدام نهادهای امنیتی و قوه قضاییه را «ناپدیدسازی قهری» خوانده است.

«دادبان» تأکید کرده که «عدم اطلاع‌رسانی نهادهای امنیتی و به ویژه قوه قضاییه درباره وضعیت این پنج روزنامه‌نگار و محل نگهداری آنها در حالی است که در صورت بازداشت قانونی، مقام قضایی مسئول پرونده موظف است خانواده آنها را از وضعیت‌شان مطلع کند. از این رو از منظر قانونی آنچه در حال حاضر اتفاق افتاده مصداق بارز، «ناپدیدسازی قهری» دستکم ۵ روزنامه‌نگار توسط نهادهای امنیتی است و مسئولیت آن در وهله اول با قوه قضاییه و سپس نهاد امنیتی عمل‌کننده است.»

در روزهای گذشته همچنین خبر بازداشت مهدی افشارنیک روزنامه‌نگار اقتصادی نیز منتشر شد. خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضاییه روز سه‌شنبه ۱۷ بهمن‌ماه با انتشار خبری با موضوع بازداشت یک خبرنگار سابق اقتصادی و بازرسی ضابط قضایی از محل یک وبسایت خبری نوشت: «پیگیری‌ها نشان می‌دهد بازرسی از محل این رسانه و بازداشت فرد مورد اشاره هیچ ارتباطی با فعالیت خبرنگاری و رسانه‌ای نداشته است. این گزارش حاکی است در پرونده مفتوح قضایی تشکیل شده با این موضوع، هیچ اتهام رسانه‌ای و خبری نیز وجود ندارد و اتهامات در حوزه دیگری در حال بررسی است.»

اینهمه در حالیست که با گذشت چهار روز نه قوه قضاییه و نه هیچیک از نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی درباره سرنوشت روزنامه‌نگاران «فردای اقتصاد» توضیحی ارائه نکرده‌اند.

«کیهان لندن» ساعاتی پس از یورش مأموران امنیتی به دفتر «فردای اقتصاد» در گزارشی نوشت پس از اعتراضات انتخابات ریاست جمهوری اسلامی سال ۸۸ نیز چند بار دفاتر تحریریه روزنامه‌ها با یورش ناگهانی نیروهای امنیتی روبرو شد اما این حمله برای پلمب کردن و بستن نشریه صورت گرفته بود. حبس حدود یک شبانه‌روز روزنامه‌نگاران در دفتر تحریریه، بدون هیچ توضیحی، بدعت تازه نهادهای امنیتی و ضربه دیگری بر پیکر نحیف «رسانه» و جامعه مطبوعاتی ایران است.

آنچه در «فردای اقتصاد» رخ داده و تداوم بی‌خبری از پنج روزنامه‌نگار این رسانه با واکنش‌هایی روبرو شده است. وبسایت «شبکه شرق» ساعاتی پس از حبس روزنامه‌نگاران در تحریریه توسط نهادهای امنیتی گزارش داده که «خانواده‌های حاضر در خیابان محل استقرار دفتر این روزنامه اطلاع دقیقی از تعداد خبرنگاران محبوس در تحریریه این رسانه ندارند، حتی به آنان گفته نشده که خبرنگاران روزنامه فردای اقتصاد از سوی کدام نهاد امنیتی و به چه دلیلی مورد بازخواست قرار گرفته‌اند. به گفته اعضای خانواده یکی از این روزنامه‌نگاران محبوس در فردای اقتصاد، این رسانه حدود ۳۰ خبرنگار دارد که از عصر دوشنبه حدود سه خبرنگار اجازه خروج از ساختمان را یافته‌اند اما تعداد دقیق خبرنگاران محبوس هنوز مشخص نشده است.»

خبرگزاری «باشگاه خبرنگاران» هم در گزارشی نوشت که «طی ساعات گذشته، خبرهایی منتشر شد که حکایت از آن دارد روز گذشته ماموارنی به دفتر سایت «فردای اقتصاد» رفته و تا دیر وقت در این محل حضور داشته و به بررسی و واکاوی آن مجموعه و بازجویی از خبرنگاران این سایت پرداخته‌اند. با گذشت چندین ساعت، هنوز اطلاع دقیقی در دست نیست که بدانیم وضعیت افراد و اعضای تحریریه فردای اقتصاد چگونه است. سایت فردای اقتصاد، سایتی با مشی لیبرال است که سردبیری آن را آقای علی میرزاخانی، از روزنامه‌نگاران توانمند کشور بر عهده دارد. امیدواریم مشکلی که برای این دوستان به وجود آمده است، هرچه سریع‌تر برطرف شود.»

رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی:

آژانس بین‌المللی فقط مزاحمت دارد!



کنفرانس مطبوعاتی محمد اسلامی و رافائل گروسی در تهران / اسفند ۱۴۰۱

محمد اسلامی روز شنبه ۲۰ بهمن طی یک سخنرانی در مشهد برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی را حاصل «هدایت و رهبری حکیمانه و ژرف‌نگرانه» علی خامنه‌ای دانست و گفت: «تحت هدایت‌های ایشان برنامه‌های راهبردی برای اینکه تراز کشور را در تراز قدرتی و اقتدارآفرینی ارتقا دهند باید به‌شکل پیوسته دنبال شوند».

رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ادعا کرده بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «به‌دلیل استانداردهای دوگانه» و «رفتار مخربی که نظام استکباری داشته نه تنها با جمهوری اسلامی همکاری نکردند بلکه «مزاحمت هم ایجاد کردند» و «اجازه ندادند که جمهوری اسلامی تجهیزات، لوازم و فناوری مورد نیاز خود را تأمین کند».

شش ماه پس از اخراج شماری از بازرسان حرفه‌ای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از ایران، محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی جمهوری اسلامی می‌گوید: «آژانس فقط برای ایران مزاحمت دارد!»محمد اسلامی روز شنبه ۲۰ بهمن طی یک سخنرانی در مشهد برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی را حاصل «هدایت و رهبری حکیمانه و ژرف‌نگرانه» علی خامنه‌ای دانست و گفت: «تحت هدایت‌های ایشان برنامه‌های راهبردی برای اینکه تراز کشور را در تراز قدرتی و اقتدارآفرینی ارتقا دهند باید به‌شکل پیوسته دنبال شوند.»

جمهوری اسلامی دست‌کم هشت نفر از زبده‌ترین متخصصان آژانس را که ناظر بر غنی‌سازی اورانیوم در سایت‌های فُردو و نطنز بودند ماه‌ها پیش اخراج کرد. اغلب آنها تبعه فرانسه و آلمان هستند. اسلامی گفته بود علت اخراج آنها «رفتارهای سیاسیِ تند کشورهای اروپایی علیه جمهوری اسلامی» است.

رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی ادعا کرده بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی «به دلیل استانداردهای دوگانه» و «رفتار مخربی که نظام استکباری داشته نه تنها با جمهوری اسلامی همکاری نکردند» بلکه «مزاحمت هم ایجاد کردند» و «اجازه ندادند که جمهوری اسلامی تجهیزات، لوازم و فناوری مورد نیاز خود را تأمین کند.»

وی افزود: «عدم همکاری‌ها و اجازه‌ندادن‌ها به جمهوری اسلامی ایران موجب شد کل فرایندها بر مبنای تحقیقات نتیجه‌گرا و بر مبنای تحقیق و توسعه قدرتمند دنبال شود و ما نیازمندی‌های خود را از طریق تحقیقات درون‌زا تأمین کنیم.»

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اوایل دی‌ماه ۱۴۰۲ اعلام کرده بود که ایران با افزایش سرعت غنی‌سازی اورانیوم در سطوح بالا، در حال حاضر به اندازه کافی اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی برای ساخت سه بمب اتمی در اختیار دارد.غنی‌سازی در سطح ۶۰ درصد که از بیش از دو سال پیش و برخلاف تعهدات جمهوری اسلامی در برجام آغاز شد یکی از نگرانی‌های جدی جامعه بین‌المللی درباره این برنامه هسته‌ای است.

رافائل گروسی اوایل آذرماه غنی‌سازی اورانیوم «با غلظت بسیار بسیار زیاد» در ایران را نگران کننده خواند و با اشاره به اخراج شماری از بازرسان آژانس از ایران گفت، «ما امکان نظارت بر بخش بزرگی از برنامه‌های اتمی کاملاً جاه‌طلبانه جمهوری اسلامی را نداریم و نگران این وضعیت هستیم.»

جمهوری اسلامی اقدام به اخراج آن بازرسان حرفه‌ای کرده است که به گفته مدیرکل آژانس «تجربه زیادی به ویژه در غنی‌سازی» دارند. رافائل گروسی در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین به خبرنگاران گفته بود «آماده ساختن بازرسانی که تجربه، مهارت و توانایی لازم برای انجام این کار را دارند، زمان زیادی می‌برد.»

برخلاف دورانی که یوکیو آمانو مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود سختگیری‌های رافائل گروسی نسبت به پروژه‌های اتمی جمهوری اسلامی در سطحی بوده که در تهران می‌گویند «اسرائیل در مأموریت‌های آژانس انرژی اتمی اخلال می‌کند!» یا اینکه ادعا می‌کنند بازرسان آژانس «جاسوس موساد» هستند! حال آنکه این نهاد بین‌المللی در چارچوب وظایف خود در مورد همه کشورها عمل می‌کند و اگر آمانو به هر دلیلی چنین نمی‌کرد، نمی‌توان به وی تهمت زد که «جاسوس جمهوری اسلامی» بوده است!

گروسی بارها به مقامات جمهوری اسلامی گفته «فتوا به حرام بودن سلاح اتمی کافی نیست، باید ثابت شود که به دنبال آن نیستند.»

رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان محیط زیست:

در شهرهای درگیر بحران آبی همچنان برنج کاشته می‌شود

«محصولاتی در ایران کشت می‌شوند که با شرایط آبی کشور همخوانی ندارند و اصلا به آب مجازی در هزینه‌های تولید یک محصول توجه نمی‌کنیم و آن را به راحتی صادر می‌کنیم... هنوز در اصفهان، شیراز، جنوب تهران و خراسان برنج کاشته می‌شود.»

«در یک دهه اخیر، مشترکین شرکت آب و فاضلاب در استان تهران ۳۳ درصد افزایش یافته در حالی که منابع تأمین‌کننده آب تهران ثابت بوده است و از طرفی شرایط اقلیمی و افزایش دوره خشکسالی‌ها موجب کاهش آب در دسترس شده است.»

آمارهای وزارت نیرو نشان می‌دهد میانگین مصرف یک شبانه‌روز هر ایرانی ساکن مناطق شهری ۲۰۳ لیتر است که با احتساب ۱/۹ میلیارد مترمکعب آب بدون درآمد، این مقدار معادل مصرف یکسال ۲۵/۵ میلیون ایرانی ساکن در شهرهای کشور است.

«ما باید بپذیریم که کشوری کم‌بارش و خشک داریم. ما هیچوقت مدیریت درستی برای منابع آب کشور نداشتیم. ما هنوز هم آبی که به سختی و با هزینه زیاد تصفیه می‌کنیم برای ساخت و ساز و شستشو و موارد غیرضروری استفاده می‌کنیم.»

وبسایت «رکنا» روز جمعه ۲۰ بهمن‌ماه با بیان این مطلب به نقل از رئیس مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان محیط زیست نوشت: «هفته گذشته در اصفهان بودم، جایی که درگیر بحران آبی است ولی پمپ‌های آب گذاشته‌اند و برداشت‌های بی‌رویه‌ای می‌کنند که نگران‌کننده است. این تغییر رویکردها را در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای پروژه‌های جدید و... هم نمی‌بینیم.»

داریوش گل‌علی‌زاده مصرف آب در صنعت و کشاورزی در ایران را بیش از حد دانست و افزود: «محصولاتی در ایران کشت می‌شوند که با شرایط آبی کشور همخوانی ندارند و اصلا به آب مجازی در هزینه‌های تولید یک محصول توجه نمی‌کنیم و آن را به راحتی صادر می‌کنیم.»

به گفته این مقام مسئول، هنوز در اصفهان، شیراز، جنوب تهران و خراسان برنج کاشته می‌شود و «وزارت جهاد کشاورزی نظارت‌های لازم را بر این مهم ندارد. ما در مدیریت دچار روزمرگی شده‌ایم و برای خروج از این شرایط به برنامه‌ریزی میان و بلندمدت نیاز داریم.»

وی با اشاره به اینکه «امسال شرایط بارندگی خوبی نداشتیم»، تاکید کرد:«ما نیاز به بارش برف داشتیم تا یخچال‌های طبیعی تغذیه شوند؛ اما اینگونه نشد. همچنین بارندگی در زمانی غیر از بازه زمانی مشخصِ مناسب برای بارندگی، موجب وقوع سیل و فرسایش خاک خواهد شد.»

گل‌علی‌زاده هشدار داد: «اگر خشکسالی به این شکل ادامه پیدا کند، آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع، افزایش توفان‌های گرد و خاک و افزایش بیابان‌زایی را در پی خواهد داشت.»

کاهش ۳۷ درصدی بارش‌ها در تهران و زنگ خطر کم‌آبی

شهر تهران از جمله شهرهای پرمصرف در زمینه آب اعلام شده است.

درهمین ارتباط مدیرکل هواشناسی استان تهران از کاهش ۳۷ درصدی بارش در این استان از ابتدای سال آبی جاری نسبت به بلندمدت خبر داد و تاکید کرد:«در این شرایط لزوم مدیریت در مصرف آب توصیه می‌شود.»

مازیار غلامی با بیان اینکه استان تهران همچنان در شرایط خشکسالی بسر می‌برد تاکید کرد: «با توجه به افزایش دما و کاهش بارش از بابت تامین منابع آبی خیلی وضعیت خوبی نداریم.»

کم‌آبی استخرهای تهران را خشک خواهد کرد

در همین ارتباط، استاندار تهران روز ۱۱ بهمن در نشست بررسی مشکلات آب و مدیریت جامع حوضه آبخیز در استان تهران «یکی از چالش‌های جدی این استان را حوزه آب و کاهش میزان نزولات آسمانی و به تبع آن کمبود مقدار ذخایر این ماده حیاتی و گرانبها در پشت سدها» دانست و افزود: «در حوزه آب باید اعلام کنیم که با چالش جدی مواجه هستیم.»

علیرضا فخاری افزود: «برخی به تأمین آب از طریق چاه‌های شهرداری تهران اشاره می‌کنند اما باید به این مسئله توجه داشته باشیم که تنش آب برای کل کشور است و با توجه به نوع سازه‌های پایتخت این امکان وجود دارد که تهران توان تحمل این تنش را نداشته باشد.»

وی تاکید کرد: «مسئولان شهر و استان تهران باید بدانند در آینده نزدیک و در زمان وقوع بحران چه وضعیتی در حوزه تأمین آب خواهیم داشت.»

فخاری با تاکید بر اینکه استخرهای خصوصی باید شناسایی و برای آنها اخطار صادر شود تاکید کرد: «در صورت تکرار برخورد و قطع انشعاب انجام بگیرد تا بتوانیم آب را پس‌انداز کنیم، چرا که ما در شرایطی هستیم که الان می‌توانیم مصارف را مدیریت کنیم که در تابستان دچار مشکل نشویم.»

استاندار تهران با تاکید بر اینکه تأمین آب تهران باید در اولویت برنامه‌ریزی‌ها قرار بگیرد و در این راستا آبفا ملزم به ارائه برنامه است، افزود: «مصرف آب در پایتخت ثانیه‌ای ۵۵ هزار لیتر است و این موضوع مهم در برنامه‌ریزی‌ها باید حتماً مد نظر قرار داشته باشد و نباید به امید شهرداری باشیم.»

وی تاکید کرد که اگر مردم در ماه‌های آینده با کمبود آب مواجه شوند و نیازمندی‌های طبیعی را نتوانند جبران کنند، طبعا اولویت این است که مکان‌هایی که جنبه تفریحی دارند و جزو نیازمندی‌های اساسی و حیاتی برای مردم نیستند در معرض تعطیلی قرار گیرند.

منظور از این مکان‌ها هم استخرها و پارک‌های آبی هستند که قاعدتا مصرف آب بالایی دارند و در شرایط بحرانی در اولویت تعطیلی قرار می‌گیرند.

افزایش ۳۳درصدی مصرف آب مشترکین تهرانی

در همین ارتباط مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان تهران با بیان اینکه استان تهران در سه سال گذشته با کاهش بارندگی مواجه بوده است تاکید کرد که پایتخت «امسال نیز برای نخستین بار، چهارمین سال پیاپی خشکسالی را تجربه



می‌کند و این در حالی است که همواره در ۵۰ سال اخیر، پس از دو سال خشکسالی با ترسالی مواجه بودیم.»

یه گفته وی، در یک دهه اخیر، مشترکین شرکت آب و فاضلاب در استان تهران ۳۳ درصد افزایش یافته در حالی که منابع تأمین‌کننده آب تهران ثابت بوده است و از طرفی شرایط اقلیمی و افزایش دوره خشکسالی‌ها موجب کاهش آب در دسترس شده است.

هدر رفتن آب در ایران

بر اساس آمارهای وزارت نیرو، میزان آب بدون درآمد در مناطق شهری کشور از حدود ۳۰ درصد در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷ به ۲۵ درصد بین سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۹ رسید که حالا این میزان در سه سال اخیر به ۲۷ درصد رسیده است.

طبق گزارش‌های وزارت نیرو، آب تولیدی در مناطق شهری ایران طی سال ۱۴۰۱ نزدیک به ۷ میلیارد مترمکعب بوده که از این میزان، حدود ۱/۹ میلیارد مترمکعب آن آب بدون درآمد بوده است.

آمارهای وزارت نیرو نشان می‌دهد میانگین مصرف یک شبانه‌روز هر ایرانی ساکن مناطق شهری ۲۰۳ لیتر است که با احتساب ۱/۹ میلیارد مترمکعب آب بدون درآمد، این مقدار معادل مصرف یکسال ۲۵/۵ میلیون ایرانی ساکن در شهرهای کشور است.

فرونشست زمین در پی بحران کم‌آبی

در ارتباط با بحران آب مصطفی فدائی فرد پژوهشگر آب و محیط زیست یکم بهمن ماه با بیان اینکه در حال حاضر آب موجود در مخازن چهار سد از سدهای پنجگانه تأمین آب آشامیدنی تهران، به کمتر از ۱۵ درصد رسیده و سد لار نیز تقریبا خشک شده به خبرگزاری ایلنا گفته بود: «تامین آب شرب برخی مناطق کشور مانند سیستان و بلوچستان، مشهد، تهران و گلستان، بسیار جدی است، شهرهای خراسان رضوی، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان‌شمالی، سمنان، سیستان و بلوچستان و کرمان و ساوه مشمول طرح‌های تأمین آب اضطراری هستند. این در حالی است که مسئولین تاکید دارند که لحاظ کردن طرح‌های اضطراری تأمین آب به معنای بحرانی بودن شرایط تأمین آب نیست، البته وضعیت تامین آب کشاورزی بسیار بحرانی‌تر است و بطور حتم چالش‌های اقتصادی و حتی امنیتی شدید ایجاد خواهند کرد.»

وی با بیان اینکه در بسیاری از سال‌های قبل نیز در کلانشهرها مشکلات جدی در تامین آب آشامیدنی وجود داشته تاکید کرده بود: «بطور مثال آب شرب کلانشهر مشهد در تابستان گذشته با اجرای طرح‌های اضطراری و به صورت کاملا میلیمتری تامین شد، کار به جیره‌بندی آب نرسید و مردم نیز بویی از شرایط بحرانی نبردند چون مسئولین برای سرپوش گذاشتن بر سوء مدیریت‌ها، علاقمند به مخفی کردن بحران‌ها هستند. در این ماه‌های بحرانی که نیازمند اطلاع‌رسانی گسترده هستیم، مسئولین نه تنها هشدارهای جدی نمی‌دهند بلکه با تاکید بر اینکه آب جیره‌بندی نخواهد شد، خیال مردم را برای مصرف بی‌رویه آب راحت می‌کنند، طی چند ماه اخیر نیز همه اخبار رسانه‌ها معطوف به جنگ حماس و حوثی‌ها با اسرائیل و حمله موشکی سپاه به عراق، سوریه و پاکستان شده و بحران‌های مرتبط با تامین آب، توسعه فرونشست و نابودی محیط زیست بیش از پیش به محاق رفته است.»

این پژوهشگر حوزه آب و محیط زیست توضیح داده بود: «بطور متوسط سالانه بیش از ۷۰ درصد از کل بارش‌های محدود و با پراکندگی نامناسب زمانی و مکانی کشور از طریق تبخیر و تعرق از دست می‌رود به این معنا که کشور برای توسعه کشاورزی مناسب نیست، با وجودی که این موضوع در طرح جامع آب سال ۱۳۵۳ مورد تاکید قرار گرفت، در طی ۴۵ سال گذشته توسعه بی‌رویه، غیراصولی، کم‌راندمان و الگوی کشت‌های پُرمصرف همواره در دستور کار بوده و حتی با شعار خودکفایی، بیش از ۹۰ درصد از منابع آب کشور را در کشاورزی مصرف، یا بهتر است بگوییم هدر می‌دهیم، با این سیاست‌ها علاوه بر اینکه بیش از ۳۰ درصد از آب تجدیدپذیر کشور را تا کنون نابود کرده‌ایم، نه تنها به خودکفایی نرسیده‌ایم بلکه به دلیل توسعه فراگیر فقر، امنیت غذایی مردم را نیز به خطر جدی انداخته‌ایم.»

برگزاری کنگره «طب رزمی در جنگ‌های آینده»
هشدار در مورد تبدیل چالش‌های اجتماعی- اقتصادی به مسائل امنیتی


کنگره طب رزمی

همزمان با افزایش تنش‌ها در خاورمیانه اولین کنگره تخصصی «بهداری رزمی در جنگ‌های آینده» روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن‌ماه با حضور شماری از فرماندهان نظامی عالی‌رتبه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در تهران برگزار شد.

سرلشکر غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه مرکزی «خاتم‌النبیاء» در سخنانی با بیان اینکه «امیدواریم دولت کنونی موفق به حل مسائل و چالش‌های اجتماعی- اقتصادی بشود» تأکید کرد «اگر به نیازمندی و مشکلات مردم پاسخ بدهیم» آنوقت «پیوستگی میان مطالبات اجتماعی- اقتصادی با مسائل سیاسی- امنیتی و هر دو با تحریک دشمنان از خارج دچار گسست خواهد شد».

این مقام نظامی از تهیه «سند برآورد تهدیدات» و «طراحی سناریوهای بعدی» بر اساس جامعه اطلاعاتی نیروهای مسلح (ارتش، سپاه، فراجا، وزارت دفاع، وزارت اطلاعات و وزارت خارجه) مبتنی بر تحرکات و سناریوهای دشمن خبر داد و گفت یک هیأت ۵۰ نفره از کارشناسان عالی‌رتبه ارتش و سپاه وضعیت آمادگی رزمی یگان‌ها را بررسی خواهند کرد.

یعقوب زهدی معاون امور تخصصی قرارگاه مرکزی «خاتم‌الانبیاء» گفت «هدف از برگزاری این همایش ارتقای نقاط قوت و یافتن راهکارهایی برای مقابله با تهدیدات احتمالی است». این در حالیست که مقامات وزارت بهداشت در سال ۱۳۹۴ اعلام کرده بودند کشور با کمبود بیش از ۱۰۵ هزار تخت بیمارستانی روبروست. کمبودی که نه تنها برطرف نشده بلکه عمیق‌تر نیز شده است.

همزمان با افزایش تنش‌ها در خاورمیانه اولین کنگره تخصصی «بهداری رزمی در جنگ‌های آینده» روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن‌ماه با حضور شماری از فرماندهان نظامی عالی رتبه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در تهران برگزار شد.

در این کنگره سرلشکر پاسدار غلامعلی رشید فرمانده قرارگاه مرکزی «خاتم‌الانبیاء» و معاون وی حسین حسنی‌سعدی، حبیب‌الله سیاری معاون هماهنگ کننده ارتش جمهوری اسلامی و مسئولان بهداری این قرارگاه و فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حضور داشتند.

قرارگاه مرکزی «خاتم‌الانبیا» مهم‌ترین قرارگاه عملیاتی نظامی در ایران است که مسئولیت طراحی، هماهنگی و نظارت عملیاتی بر کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را بر عهده دارد.بخشی از صحبت سرلشکر رشید اشاره به اعتراضات ضدحکومتی داشت. وی با بیان اینکه «امیدواریم دولت کنونی موفق به حل مسائل و چالش‌های اجتماعی- اقتصادی بشود» تأکید کرد «اگر به نیازمندی و مشکلات مردم پاسخ بدهیم» آنوقت «پیوستگی میان مطالبات اجتماعی – اقتصادی با مسائل سیاسی- امنیتی و هر دو با تحریک دشمنان از خارج دچار گسست خواهد شد.»

این مقام نظامی از تهیه «سند برآورد تهدیدات» و «طراحی سناریوهای بعدی» بر اساس جامعه اطلاعاتی نیروهای مسلح (ارتش، سپاه، فراجا، وزارت دفاع، وزارت اطلاعات و وزارت خارجه) مبتنی بر تحرکات و سناریوهای دشمن خبر داد و گفت یک هیأت ۵۰ نفره از کارشناسان عالی‌رتبه ارتش و سپاه وضعیت آمادگی رزمی یگان‌ها را بررسی خواهند کرد.رشید همچنین با این ادعا که «هیچ دشمنی توان تحمل هزینه‌های رویارویی گسترده با ایران را ندارد» تأکید کرد وظایف چهارگانه «طب رزمی»، شامل «رسیدگی و درمان مجروحان در صحنه نبرد (قبل از انتقال به سامانه‌های جراحی سیار و بیمارستان‌های صحرایی)»، «ایجاد ظرفیت‌های بهداشتی درمانی در خطوط نبرد»، «طراحی یک زنجیره امداد و انتقال مناسب و کارآمد با به‌کارگیری همه امکانات کشوری و لشکری» و «ایجاد ظرفیت برای مقابله با بیوتروریسم در صحنه نبرد آینده» است.

یعقوب زهدی معاون امور تخصصی قرارگاه مرکزی «خاتم‌الانبیاء» نیز گفت «هدف از برگزاری این همایش ارتقای نقاط قوت و یافتن راهکارهایی برای مقابله با تهدیدات احتمالی است»، این در حالیست که مقامات وزارت بهداشت در سال ۱۳۹۴ اعلام کرده بودند کشور با کمبود بیش از ۱۰۵ هزار تخت بیمارستانی روبروست. کمبودی که نه تنها برطرف نشده بلکه عمیق‌تر نیز شده است.

حسینعلی شهریاری نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون بهداشت و درمان در تیرماه ۱۴۰۲ گفته بود در برخی نقاط به ازای هر ۱۰ هزار نفر فقط ۸ تخت بیمارستانی وجود دارد.همچنین به گفته معاون وزیر بهداشت جمهوری اسلامی، کشور با کمبود ۴۷ هزار نیروی متخصص در بیمارستان‌ها مواجهه است.

بطور حتم با وقوع یک جنگ احتمالی یا بحران‌های طبیعی این کمبودها بیشتر از مواقع معمول با پیامدهای منفی روبرو خواهد بود اما وجود چنین آماری حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۷ بهمن‌ماه در «رزمایش بهداری رزم در شبکه فرماندهی و کنترل سیار» ادعا کرد «جمهوری اسلامی در عرصه سلامت قدرتمند است» و «در مقایسه با دیگر کشورهای جهان وضعیت خوبی دارد و حتی می‌توان گفت که به ارتفاع خوبی رسیده‌ایم؛ ولی با وجود این با بیرق‌داری تمدن اسلامی فاصله داریم که این فاصله باید با شتاب طی و رفع شود.» اتفاقاً سلامی نیز در صحبت‌های خود اشاره کرد که یکی از توطئه‌های دشمن علیه کشور «فتنه داخلی» است.افزایش نارضایتی در جامعه شامل پرسنل نظامی و خانواده‌های نیز می‌شود. عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی اواسط مهرماه ۱۴۰۱ همزمان با خیزش ضدحکومتی به ریزش در نیروهای مسلّح اشاره کرده و در اظهاراتی گفته بود «عصر غیبت، عصر امتحانات سنگین است، ریزش‌ها و رویش‌های بعضاً غیرمنتظره دارد!»شماری از تحلیلگران معتقدند با اقدامات جنگ‌طلبانه جمهوری اسلامی و عوامل نیابتی آن در منطقه احتمال وقوع یک درگیری مستقیم با رژیم ایران بیشتر از گذشته شده است. برخی دیگر اما معتقدند اصلی‌ترین دشمن نظام مردم ایران هستند که حکومت با سرکوب و با تکیه بر اعدام و زندان در مقابل‌شان ایستاده و در وضعیتی شکننده و ناپایدار بسر می‌برد.

افشای ده‌ها سند محرمانه با هک سرورهای مجلس شورای اسلامی
از مفتخوری نمایندگان تا همکاری مجلس با سرکوبگران

در پی هک سرورهای شبکه اطلاعاتی مجلس شورای اسلامی که سه‌شنبه ۲۴ بهمن‌ماه روی داد، محتوای محرمانه ده‌ها سند و مدارک مربوط به مکاتبات رئیس مجلس با فرماندهان عالی‌رتبه نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی، درخواست‌ها برای افزایش بودجه نیروهای مسلّح به ویژه «سپاه قدس» و حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افشا شد.

یک روز پس از حمله سایبری به شبکه اطلاعات مجلس، از ورود خبرنگاران به ساختمان این نهاد جلوگیری شد.

یکی از اسناد افشاشده مربوط به جزئیات حقوق و مبالغ هنگفتی است که نمایندگان بابت «خدمات رفاهی» دریافت می‌کنند که شامل دریافتی به مناسبت اعیاد مذهبی و تولد ائمه و امامان، حق تولد فرزند، جشن تکلیف فرزندان کارمندان، آجیل شب یلدا و آجیل نوروز، تقدیر از دانش آموزان ممتاز نمایندگان و کارکنان، تسهیلات رستوران، کمک هزینه خرید لباس، کمک هزینه ازدواج فرزندان، کمک هزینه سفر و تعطیلات تابستانی و اردوهای خانوادگی می‌شود!

حراست مجلس شورای اسلامی در گزارشی به قالیباف در مورد اقدامات صورت گرفته در جریان تظاهرات سراسری سال ۱۴۰۱ اعلام کرد حضور احتمالی نمایندگان و کارکنان مجلس در تجمعات و اعتراضات اغتشاشاگران را رصد کرده و وسایل نقلیه و عوامل نیروی انتظامی و بسیج در پارکینگ و اطراف مجلس مستقر شدند و سطل آشغال‌ها را از اطراف مجلس دور کرده‌اند تا مردم آتش نزنند.

در پی هک سرورهای شبکه اطلاعاتی مجلس شورای اسلامی که سه‌شنبه ۲۴ بهمن‌ماه روی داد، محتوای محرمانه ده‌ها سند و مدارک مربوط به مکاتبات رئیس مجلس با فرماندهان عالی‌رتبه نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی، درخواست‌ها برای افزایش بودجه نیروهای مسلّح به ویژه «سپاه قدس» و حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افشا شد.

گروه هکری «قیام تا سرنگونی» وابسته به سازمان مجاهدین خلق مسئولیت هک سرورهای مجلس شورای اسلامی را به عهده گرفت. البته برخی منابع غیررسمی و همچنین شماری از کانال‌های تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران ادعا کردند این اقدام به واسطه کمک‌های دولت‌های منطقه‌ای و بطور ویژه اسرائیل صورت گرفته است.

اسناد لو رفته از مجلس شورای اسلامی که بخشی از آن در کانال تلگرامی گروه «قیام تا سرنگونی» به اشتراک گذاشته شد، شامل اسناد مربوط به افزایش مالیات‌ها، فهرستی از حقوق‌های نجومی و مزایای دریافتی نمایندگان مجلس، ارتباط گسترده مقامات مجلس با رهبران گروه‌های تروریستی حماس و حزب‌الله و فهرست بلندبالای عوامل سپاه و بسیج شاغل در این نهاد حکومتی و زیرمجموعه آن به همراه شماره تلفن‌های آنها می‌شود.

به نظر می‌رسد محتوای برخی از این اسناد به دردسری تازه‌ای برای حکومت و عوامل آن تبدیل شود، هرچند که روابط عمومی مجلس شورای اسلامی در اولین واکنش به «هک‌شدن بیش از ۶۰۰ سرور» ادعا کرد «اسناد دستکاری شده و غیرقابل استناد است.»


صحن اصلی مجلس شورای اسلامی

جلوگیری از ورود خبرنگاران به مجلس

بر اساس گزارش رسانه‌های داخلی روز چهارشنبه ۲۵ بهمن‌ماه از ورود خبرنگاران به مجلس شورای اسلامی جلوگیری شد. خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی در همین ارتباط نوشت «در پی حمله سایبری، اعلام شد که به دلیل اختلال در برخی سامانه‌های داخلی مجلس امکان ورود و تردد خبرنگاران وجود ندارد؛ بر این اساس جلسه علنی بدون حضور خبرنگاران برگزار می‌شود.»

یکی از اسناد افشاشده مربوط به جزئیات حقوق و مبالغ هنگفتی است که نمایندگان بابت «خدمات رفاهی» دریافت می‌کنند که شامل دریافتی به مناسبت اعیاد مذهبی و تولد ائمه و امامان، حق تولد فرزند، جشن تکلیف فرزندان کارمندان، آجیل شب یلدا و آجیل نوروز، تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز نمایندگان و کارکنان، تسهیلات رستوران، کمک هزینه ازدواج فرزندان، کمک هزینه سفر و تعطیلات تابستانی و اردوهای خانوادگی می‌شود!

اقدامات حراست مجلس در واکنش به تظاهرات سال ۱۴۰۱

یکی از اسناد افشاشده مربوط به گزارش محرمانه رئیس حراست مجلس به سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس این نهاد در مورد اقدامات صورت گرفته در جریان خیزش ملی بعد از قتل حکومتی مهسا امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد اسلامی است.

اقدامات حراست مجلس در جریان تظاهرات سراسری سال ۱۴۰۱ شامل «تذکر به نماینده‌ها در مورد تخلیه اطلاعاتی از طریق تلفن و تماس شبکه‌های معاند، رصد حضور احتمالی نمایندگان مجلس و کارکنان در تجمعات و اعتراضات اغتشاشاگران، هماهنگی با یگان انتظامی برای جلوگیری از برگزاری تجمع در مقابل مجلس، رصد اطلاعاتی و احصاء تلفن کارکنان دفاتر نمایندگان و کارکنان، جمع آموری سطل‌های زباله شهرداری اطراف مجلس و انتقال آنها به نقاط دورتر جهت جلوگیری از آتش زدن آنها توسط اغتشاشاگران، هماهنگی با کلانتری بهارستان برای افزایش گشت انتظامی و استقرار وسایل نقلیه و عوامل نیروی انتظامی و بسیج در پارکینگ و اطراف مجلس» می‌شود.

ده‌ها سند و مدرک دیگر که طی این حمله سایبری افشا شده نشان می‌دهد چگونه فرماندهان نیروهای مسلح و بطور خاص ستاد مشترک برای دریافت بودجه بیشتر مجلس را زیر فشار قرار داده‌اند. مجتوای برخی از این اسناد مشخص می‌کند که وزارت خارجه جمهوری اسلامی و فراتر از آن سیاست خارجی نظام در انحصار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و علی خامنه‌ای قرار دارد. بخش دیگری از این اسناد مربوط به دور زدن تحریم‌ها از طریق تهاتر نفت و گاز است که «شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی» روی آن سیطره دارد و وزارت نفت صرفاً تابع نهادهای امنیتی و نظامی است. این اسناد نشان می‌دهد چطور وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه پاسداران با همکاری قوه قضائیه جمهوری اسلامی برای کنترل اقتصاد و نگه داشتن آن زیر سلطه خودی‌های نظام تمام ضوابط و تجارت‌های اصلی را زیر نظر خودشان در اختیار گرفته‌اند. حمله سایبری و هک زیرساخت‌ها و شبکه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر به شدت افزایش پیدا کرده و این در حالیست که مقامات و نهادهای امنیتی مدام ادعا می‌کنند که برای مقابله با اقدامات ضدامنیتی دشمنان در بالاترین سطح آمادگی قرار دارند.

بر اساس آخرین گزارش‌ها در ارتباط با هک اخیر، تقریباً تمام شبکه اطلاعاتی و تجهیزات الکترونیک مجلس شورای اسلامی و زیرمجموعه آن از دسترس خارج شده است. حتا گزارش شد که روز چهارشنبه در حین رسیدگی به جزئیات بخش درآمدی لایحه بودجه ۱۴۰۳ به دلیل حمله سایبری به سامانه‌های مجلس، این رأی‌گیری به شیوه سنتی «قیام و قعود» انجام شد.

هنوز مقامات رسمی حکومت در مورد افشای اسناد و مدارک مجلس شورای اسلامی واکنش نشان نداده‌اند اما به نظر می‌رسد که این مدارک پیامدهای گسترده‌ای برای نظام داشته باشد.

صدور رأی دادگاه قتل داریوش مهرجویی و همسرش
اعدام برای متهم ردیف اول و حبس برای سه متهم دیگر

به گفته رئیس دادگستری استان البرز متهم ردیف اول به اتهام «قتل عمدی» داریوش مهرجویی و همسرش، «بر اساس مطالبه قصاص از سوی اولیای دم» به «قصاص نفس» محکوم شد.

متهمان ردیف دوم و سوم هر یک به ۳۶ سال حبس تعزیری، شلاق و دیه محکوم شده‌اند. دادگاه متهم ردیف چهارم را نیز به هشت سال حبس تعزیری محکوم کرده است.

وکیل خانواده مهرجویی پیشتر با اشاره به ایرادات شکلی و ماهوی در پرونده گفته بود با وجود درخواست‌های متعدد و برخلاف روال معمول به موارد درج شده در پرونده دسترسی کامل نداشته است.

دادگاه بررسی پرونده قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فرد رأی بدوی را صادر کرد. بر اساس این رأی متهم ردیف اول پرونده به قصاص نفس یا اعدام و سه متهم دیگر به زندان‌های طولانی محکوم شدند.

حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز امروز دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲ از صدور رأی بدوی دادگاه بررسی پرونده قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فرد خبر داد.

به گفته رئیس کل دادگستری استان البرز متهم ردیف اول به اتهام «قتل عمدی» داریوش مهرجویی و همسرش، «بر اساس مطالبه قصاص از سوی اولیای دم» به «قصاص نفس» محکوم شد.

او افزوده متهم ردیف اول علاوه بر قصاص نفس، در مورد سایر جرائم ارتکابی همزمان با قتل از قبیل «سرقت» به بیست سال حبس تعزیری، شلاق و دیه محکوم شد؛ همچنین بابت جرائم قبل از ارتکاب قتل، که ناظر بر یک هفته قبل از این اقدام است از جمله به اتهام «ورود به منزل به صورت غیرقانونی» و «تهدید با چاقو» مجموعا به هشت سال حبس تعزیری و شلاق محکوم شده است که البته طبق مقررات در مجازات‌های تعزیری، مجازات اشد قابل اجرا خواهد بود.همچنین متهمان ردیف دوم و سوم نیز به اتهام جرائمی نظیر «شروع به قتل» و «سرقت» مجموعا هر یک به ۳۶ سال حبس تعزیری، شلاق و دیه محکوم شده‌اند.

حسین فاضل هریکندی افزوده «در مورد متهم ردیف چهارم هم به جهت ارتکاب جرائمی نظیر «معاونت در شروع به قتل» و «سرقت» و با لحاظ نقش وی در جرائم ارتکابی، دادگاه وی را مجموعا به هشت سال حبس تعزیری محکوم کرده است.»

رئیس کل دادگستری استان البرز تأکید کرده که آرای صادر شده قطعی نبوده و در صورت فرجام‌خواهی، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد و در صورت تایید رای و قطعیت آن، اجرا خواهد شد.

محاکمه چهار متهم پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش صبح چهارشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲ در دادگاه کیفری استان البرز برگزار شد. در حالی که پیشتر اعلام شده بود دادگاه علنی خواهد بود اما از حضور خبرنگاران در جلسه دادگاه جلوگیری به عمل آمد.دو متهم این پرونده زیر سن قانونی هستند. آنها شناسنامه ندارند و با آزمایش‌های پزشکی مشخص شده هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند. پیشتر اعلام شده بود که متهمان به قتل داریوش مهرجویی و همسرش تابعیت ایران را ندارند و افغانستانی هستند.

مانوش منوچهری وکیل اولیای دم داریوش مهرجویی و همسرش هفته گذشته در گفتگو با روزنامه «اعتماد» با تأکید بر وجود «نواقص شکلی و ماهوی» در پرونده قتل این زوج، گفته «نمی‌توان به حکم صادره دادگاه متهمان پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش خوشبین بود.»

مانوش منوچهری درباره روند رسیدگی دادگاه متهمان پرونده قتل این زوج گفته که «تا کنون حکم به ما ابلاغ نشده است، اما فارغ از ایرادات دادرسی، جای تعجب است که حتی با وجود اعلام ختم رسیدگی و درخواست‌های متعدد اینجانب، هنوز مواردی که به صورت معمول باید در رسیدگی در اختیار شکات و وکلای ایشان قرار گیرد، قرار نگرفته و به لحاظ شکلی روند رسیدگی دارای ایراداتی است.»

این وکیل دادگستری درباره ایرادهای که در روند رسیدگی به این پرونده وجود داشته افزوده «از جمله اینکه آخرین نظریه پزشکی قانونی جهت بررسی به ما ابلاغ نشده است و تصویر آنها به ما داده نشده، با اخذ کپی از صفحات پرونده مخالفت شده و فیلم کامل بازسازی صحنه جرم تا کنون توسط ما دیده نشده است.»

او همچنین گفته «همچنان امیدواریم که دادگاه محترم به دلیل تمامی نواقص شکلی و ماهوی پرونده را جهت رفع آن و تکمیل تحقیقات به دادسرا اعاده دهد و در غیر اینصورت به حکم صادره نمی‌توان خوشبین بود.»

وکیل خانواده مهرجویی در پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر معتقد است که دادگاه به ایرادهایی که وکلا به کیفرخواست وارد کرده‌اند توجهی نکرده و محاکمه بر اساس اظهارات متهمان پیش رفته است.

داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان ایرانی شامگاه یکشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ به همراه همسرش وحیده محمدی‌فر با حمله فرد یا افراد ناشناس به ویلای شخصی‌شان در زیبادشت فرخ آباد کرج به قتل رسیدند. علت مرگ آنها برخورد ضربه چاقو به گردن و اعضای بدن عنوان شده است.

پیکر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر روز چهارشنبه ۲۶ مهرماه ۱۴۰۲ در مراسمی با حضور گسترده هنرمندان و دیگر شهروندان تشییع شد. این مراسم ساعت ۱۰ بامداد از مقابل تالار رودکی آغاز و سپس پیکر این فیلمساز و همسرش در قطعه هنرمندان «بهشت زهرا» به خاک سپرده شد.وحیده محمدی‌فر پانزدهم مهرماه، با انتشار یک استوری در صفحه اینستاگرام خود از تهدید شخصی ناشناس و همچنین سرقت وسایل‌شان خبر داده بود.

همسر داریوش مهرجویی همزمان در گفتگو با روزنامه «اعتماد» تأیید کرده بود که یک فرد ناشناس با چاقو پشت شیشه خانه آنها ظاهر شده، آنها را تهدید کرده و بعد گریخته است.او همچنین گفته که «البته مدتی پیش هم یکسری وسایل از جمله سنتور مربوط به فیلم سنتوری را از خانه ما سرقت کردند که در حال حاضر وکیل همسرم پیگیر کارهای قانونی این موضوع است.»

فرهنگ سروری وکیل داریوش مهرجویی پس از قتل این فیلمساز گفت که داریوش مهرجویی روز جمعه و دو شب پیش از وقوع قتل به وکیلش گفته بود به خاطر اینکه آن خانه دیگر امنیت ندارد، قصد دارند هفته بعد آن را ترک کنند.

برخی معتقدند قتل داریوش مهرجویی و همسرش اقدامی شبیه قتل‌های زنجیره‌ای و از سوی حکومت یا بخشی از حکومت بوده تا افکار عمومی را از مسائل اعتراضی و فسادهای گسترده حکومتی دور کند.

پس از آنکه مقامات قضایی از صدور کیفرخواست این پرونده و پایان تحقیقات خبر دادند، مونا مهرجویی دختر داریوش مهرجویی در استوری حساب اینستاگرام خود درباره روند بررسی پرونده قتل پدر و مادرش نوشت: «تا کنون هیچ‌یک از شواهد و مدارک، اقارير و آثار جنایت توسط ما بررسی نشده است. تا بررسی همه ابعاد و حضور درپرونده و روند دادرسی، قاتل از نظر ما مشخص نیست.»

اکبر محمدی‌فر برادر وحیده محمدی‌فر نیز پیشتر به «رادیو فردا» گفته بود که قتل این دو هنرمند یک «اقدام ارعابی سازمان‌یافته و پیچیده» بود و به باور او، متهمان «تحت آمریتِ فرد یا افرادی دیگر» مرتکب قتل شدند.



داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر در صحنه‌ای از مستند «الماس در گام لامینور» ساخته‌ی حسن صلحجو که قرار بود به مناسبت ۸۵ سالگی مهرجویی در ۱۷ آذرماه ۱۴۰۲ به نمایش درآید

بازداشت چند ساعته مدیرعامل «دیجی‌کالا» در پی تشکیل پرونده قضایی علیه این شرکت

مسعود طباطبایی مدیرعامل شرکت «دیجی‌کالا» عصر روز یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۲ به دلیل عرضه لیوان‌هایی که نام «فاطمه زهرا» روی آنها درج شده بود به اتهام «توهین به مقدسات» بازداشت شد.

خبرگزاری «فارس» نوشته در پی تشکیل پرونده قضایی برای دیجی‌کالا مدیرعامل این مجموعه برای ساعاتی بازداشت شد و اکنون «با تعیین قرار تأمین متناسب» آزاد است.

روی لیوان‌ها جملاتی مانند «این لیوان دهنی فاطمه زهرا می‌باشد... لطفا از آن نخورید»، «قیافه فاطمه زهرا وقتی به لیوانش دست می‌زنی» و «به لیوان فاطمه زهرا دست نزن ... خُب؟!» نوشته شده است.



در پی تشکیل پرونده قضایی برای شرکت «دیجی‌کالا» به دلیل عرضه لیوان‌هایی که جملاتی با استفاده از نام «فاطمه زهرا» روی آنها درج شده بود مدیرعامل این شرکت روز گذشته برای ساعاتی بازداشت و سپس با سپردن وثیقه آزاد شد.

بر اساس گزارش‌ها مسعود طباطبایی مدیرعامل شرکت «دیجی‌کالا» عصر روز یکشنبه ۲۲ بهمن ۱۴۰۲ به دلیل عرضه لیوان‌هایی که نام «فاطمه زهرا» روی آنها درج شده بود به اتهام «توهین به مقدسات» بازداشت شد. او پس از ساعاتی با سپردن وثیقه آزاد شد و باید برای پیگیری پرونده به دادسرا مراجعه کند.

حمید محمدی رئیس هیئت مدیر دیجی‌کالا غروب روز یکشنبه در شبکه «ایکس» نوشت: «متاسفانه عصر امروز مسعود طباطبایی، مدیرعامل دیجی‌کالا علی‌رغم توضیحات و تلاش‌های صورت گرفته در این چند روز برای رفع سوء تفاهم‌های اخیر، با حکم دادسرای امنیت بازداشت شد. تمام تلاشمون رو برای پیگیری موضوع انجام خواهیم داد. امیدواریم مسعود عزیز رو هر چه زودتر در کنارمون داشته باشیم.»

او ساعاتی بعد در مطلب دیگری از آزادی «موقت» مدیرعامل دیجی کالا خبر داد و نوشت: «دقایقی پیش، خوشبختانه مسعود طباطبایی عزیز از بازداشت موقتا آزاد شد و فردا صبح دوباره باید در دادسرا حضور پیدا کنه. امیدوارم که موضوع به بهترین شکل ممکن حل بشه.»

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم خبر داد که «مدیرعامل دیجی‌کالا پس از ساعاتی بازداشت، آزاد شد. در پی تشکیل پرونده قضایی برای دیجی‌کالا مدیرعامل این مجموعه امروز برای ساعاتی بازداشت شد و اکنون «با تعیین قرار تأمین متناسب» آزاد است.»

خبرگزاری «میزان» مرکز رسانه قوه قضاییه، روز پنجشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۲ با انتشار خبری از تشکیل پرونده علیه شرکت «دیجی‌کالا» خبر داده بود: «به دلیل انتشار تصاویر توهین‌آمیز به مقدسات از برخی محصولات ارائه شده در سایت دیجی‌کالا، علیه این سایت از سوی دادستانی تهران اعلام جرم شد.»

این خبر افزوده که «در همین رابطه پرونده قضایی در دادسرای عمومی و انقلاب تهران تشکیل شد.»

محصولات مورد اشاره خبرگزاری «میزان»، لیوان‌هایی هستند که روی آنها جملاتی مانند «این لیوان دهنی فاطمه زهرا می‌باشد... لطفا از آن نخورید»، «قیافه فاطمه زهرا وقتی به لیوانش دست می‌زنی» و «به لیوان فاطمه زهرا دست نزن ... خُب؟!» نوشته شده است.


مسعود طباطبایی مدیرعامل دیجی‌کالا

چنین کالاهایی با اسامی دخترانه و پسرانه دیگری نیز در وبسایت «دیجی کالا» برای فروش عرضه شده و به نظر می‌رسد بخشی از نیروهای ارزشی حکومت از اینکه این محصول با نام «فاطمه زهرا» یا «محمد» و اسامی مشابه عرضه شده خشمگین هستند!

پیش از انتشار خبر اعلام جرم قوه قضاییه علیه «دیجی‌کالا» خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تصویری محو از یک لیوان عرضه‌شده در وبسایت «دیجی کالا» را منتشر کرده و نوشته بود که تصویر ثبت‌شده روی آن برای مشتریان «شائبه اهانت به مقدسات» را به وجود آورده است.

خبرگزاری «تسنیم» در این مطلب با عنوان «محصول عجیب دیجی‌کالا و شائبه اهانت به مقدسات» نوشته بود «چه کسی مسئول برخورد با این وقاحت است؟»

خبرگزاری وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همچنین مدعی شده بود که «انتقاد همراه با تعجب مردمی از این نوع محصولات در حالی است که عرضه این محصولات در فروشگاه دیجی کالا همچنان ادامه دارد و معلوم نیست کدام نهاد مسئول و ناظر خود را موظف به برخورد با این هنجارشکنی می‌داند.»

در پایان این خبر آمده بود که به نظر می‌رسد دستگاه‌های قضایی و نظارتی باید در کنار ملاطفت‌های معمول و مرسوم، از ابزارهای دیگری که بازدارندگی در ارتکاب این اقدامات را بالا می‌برد نیز استفاده کنند.

شرکت «دیجی کالا» بزرگترین شرکت خرید و فروش آنلاین در ایران است که پیشتر نیز دستگاه قضایی جمهوری اسلامی علیه آن اعلام جرم کرده بود.

پس از آنکه تصویر بدون حجاب یکی از کارمندان دیجی کالا در تیرماه امسال منتشر شد، دفتر دو شعبه اصلی این شرکت در تهران با دستور دادستانی پلمب و علیه این شرکت پرونده‌ای قضایی تشکل شد.

شرکت دیجی کالا پس از مدت کوتاهی در بیانیه‌ای از «برخورد» با کارمند «متخلف» خبر داد. در این بیانیه آمده بود که «هنجارشکنی مورد تایید مدیریت دیجی‌کالا نیست و این شرکت خود را ملزم به رعایت قوانین و مقررات جمهوری اسلامی می‌داند.»

پس از صدور این بیانیه، دفاتر این شرکت پس از دو هفته رفع پلمب شدند.

در بهمن سال ۱۴۰۱ نیز تصاویری از زنان بدون حجاب که گفته شد در دفتر «دیجی کالا» گرفته شده در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد اما علی صالحی دادستان تهران پس از «دعوت معاون حقوقی این شرکت به دفتر دادستانی» اعلام کرد در ساختمان «دیجی کالا» هیچ «کشف حجاب» صورت نگرفته و تصاویر هم مربوط به کارمندان این شرکت نبوده است.

کیهان

تصویب ورود بدون کنکور «طلاب» به دانشگاه فرهنگیان

موارد چون حفظ بودن دست‌کم ۱۰ جزء قرآن، برگزیدگان مسابقات رسمی قرآنی از جمله اولویت‌ها برای پذیرش بدون کنکورِ طلاب یا دانش‌آموزان در دانشگاه فرهنگیان است.

این طرح برای دو سال و به صورت «آزمایشی» اجرا می‌شود و ۱۰ درصد از ظرفیت جذب دانشجوی دوره کارشناسی دانشگاه فرهنگیان به اجرای آن اختصاص می‌یابد.

وزارت آموزش و پرورش ماه‌هاست به دنبال جاسازی نیروهای ارزشی و طلبه‌ها در ساختار آموزشی کشور با هدف مغزشویی کودکان و تحمیل نگرش ایدئولوژیک به آنها است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی ورود بدون کنکور «طلاب» به دانشگاه فرهنگیان را تصویب کرد. جمهوری اسلامی طی یک سال گذشته سیاست‌های گسترده‌ای را برای ایدئولوژیک کردن بیشتر فضای مدارس به اجرا گذاشته است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در مصوبه‌ای عجیب مقرر کرده که «طلاب» و «دانش‌آموزان نخبه» بتوانند بدون کنکور وارد دانشگاه فرهنگیان شوند. این طرح برای دو سال و به صورت «آزمایشی» اجرا می‌شود و ۱۰ درصد از ظرفیت جذب دانشجوی دوره کارشناسی دانشگاه فرهنگیان به اجرای آن اختصاص می‌یابد.

در مصوبه جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده که برای مدت دو سال و به صورت آزمایشی، سالانه حداقل ۱۰ درصد ظرفیت جذب در مقطع کارشناسی دانشگاه فرهنگیان به جذب دانش‌آموزان و طلاب نخبه دارای استعداد برتر در حوزه‌های مختلف اختصاص می‌یابد و این دانش‌آموزان و طلاب بدون شرکت در کنکور و تنها با شرکت در مصاحبه و انجام ارزیابی تکمیلی از سوی یک هیأت جذب و گزینش و وارد دانشگاه فرهنگیان شده و معلم می‌شوند.

بر اساس ادعای شورای عالی انقلاب فرهنگی هدف از این مصوبه «کیفیت‌بخشی» به نیروی انسانی آموزش و پرورش از طریق ارتقاء سطح ورودی دانشجومعلمان در دانشگاه فرهنگیان با «تمرکز بر استعدادهای برتر» است!

همچنین مواردی چون حفظ بودن دست‌کم ۱۰ جزء قرآن، برگزیدگان مسابقات رسمی قرآنی، برگزیدگان جشنواره‌ها و المپیادهای علمی، و همچنین عضویت در مجامع ملی تشکل‌های دانش‌آموزی از جمله اولویت‌ها برای پذیرش بدون کنکورِ طلاب یا دانش‌آموزان در دانشگاه فرهنگیان است.

پذیرش بدون کنکور طلاب در دانشگاه فرهنگیان با یک مصاحبه از سوی هیأتی متشکل از رئیس دانشگاه فرهنگیان، رئیس نهاد نمایندگی خامنه‌ای در دانشگاه‌ها، معاون آموزشی وزارت علوم، رئیس مرکز برنامه‌ریزی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش و معاون سرمایه انسانی سازمان اداری و استخدامی کشور، و چهار عضو حقیقی از میان متخصصان تربیتی، معلمان یا مدیران موفق مدارس با معرفی ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام می‌پذیرد.

مصوبه جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه تصویب «آیین‌نامه جذب و پذیرش استعدادهای برتر ملی در حوزه‌های علمی، پژوهشی، فناوری، فرهنگی، هنری، تربیتی، قرآنی و ورزشی در دانشگاه فرهنگیان» از سوی این شورا است.

شورای عالی فرهنگی این آیین‌نامه را دوازدهم بهمن‌ماه امسال برای اجرا به وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان اداری و استخدامی کشور،



سازمان برنامه و بودجه، بنیاد ملی نخبگان و دانشگاه فرهنگیان ابلاغ کرد.در حالی که گزارش‌ها از کمبود ۳۰۰ هزار تا ۴۰۰ هزار آموزگار در آموزش و پرورش حکایت دارد اما وزارت آموزش و پرورش ماه‌هاست به دنبال جاسازی نیروهای ارزشی و طلبه‌ها در ساختار آموزشی کشور با هدف مغزشویی کودکان و تحمیل نگرش ایدئولوژیک به آنها است.

رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش آذرماه امسال نیز اعلام کرد که از ۷۰ هزار معلم جدیدی که امسال باید به آموزش و پرورش افزوده می‌شدند، این وزارتخانه اقدام به جذب ۵۸۰۰ تن نیروی جهادی و ۱۳۰۰ نفر مربی قرآن و ۲۵ هزار نفر طلبه کرده است!

همزمان حمید نیکزاد مشاور وزیر آموزش و پرورش و دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش نیز از راه‌اندازی مدارس وابسته به حوزه خبر داده و گفته بود که «طلبه‌هایی که توانمندی لازم را دارند جذب شده اند که امیدواریم نقشی در ترویج بیشتر فرهنگ ایرانی-اسلامی داشته باشیم.»

دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش گفته بود «ستاد همکاری‌های آموزش و پرورش و حوزه علمیه براساس مصوبه ۷۸۶ انقلاب فرهنگی و ابلاغ رئیس جمهور شکل گرفته، آیین‌نامه شورای همکاری کمیته‌ها ۲۰ سال هست ابلاغ شده و به تازگی تغییراتی کرده که به زودی ابلاغ می‌شود و تا قبل از ابلاغ، نظر همکاران برای ما بسیار مهم است.»

مشاور وزیر آموزش و پرورش افزوده بود «طرح پیوند «مسجد، مدرسه و منزل» هنوز توفیق لازم را کسب نکرده و یکی از مواردی است که وزیر آموزش و پرورش با جدیت پیگیر آن است، نقش دستگاه های بیرونی در این طرح جدی گرفته نشده و برای خود دانش آموز هم باید نقش تعریف شود، دانش آموز را باید به مسجد وصل کنیم.»

حمید نیکزاد چند هفته پیش نیز گفتگو با وبسایت «دیده‌بان ایران» گفته بود که طلبه‌ها به چند صورت در آموزش و پرورش جذب شده‌اند؛ از آموزگار دبستان تا معلم پرورشی و مشاور و همچنین به صورت «سربازطلبه» و دخالت در تغییرات محتوای کتاب‌های درسی!

حمید نیکزاد افزوده بود «ورود روحانیون به آموزش و پرورش در راستای تربیت تمام ساحتی مورد نظر سند تحول بنیادین به عنوان میثاق ملی تعلیم و تربیت است، آموزش و پرورش مهمترین نهاد در تعالی فرهنگ، فکر، اندیشه و ساختن جامعه به شمار می‌رود از طرفی حوزه علمیه و روحانیت باید پاسخگوی نیازهای آموزش و پرورش را جزئی از رسالت خود بداند و از آن به عنوان یک رسالت مهم نگاه کند.»

دبیر ستاد همکاری‌های حوزه علمیه و آموزش و پرورش مدعی شده بود که آموزش‌هایی که طلبه‌ها می‌بینند هم‌تراز همان چیزی است که برای یک معلم در مراکز تربیت معلم یا دانشگاه فرهنگیان در نظر گرفته شده است. او گفته که حوزه علمیه خواهران رشته‌های تخصصی از جمله «تربیت دینی کودک و نوجوان»، «فقه تربیت دینی کودک و نوجوان» و «تحول دینداری کودک و نوجوان» را آموزش می‌بینند تا برای آموزگاری مقطع ابتدایی آماده شوند.

حمید نیکزاد بخشی از کارکرد روحانیون و طلبه‌ها در آموزش و پرورش را برای ایجاد تغییرات در کتاب‌های درسی اعلام کرده است: «تعیین و معرفی نمایندگان حوزه علمیه به سازمان پژوهش و برنامه درسی وزارت آموزش و پرورش در یازده حوزه یادگیری و حضور کارشناسانه آنان در جلسات کاری این سازمان از جمله این اقدامات بوده است.»

از جمله دیگر اقدامات ایدئولوژیک در مدارس کشور، تفکیک جنسیتی کتاب‌ها و همچنین تعیین برنامه اجباری «نماز» در برنامه هفتگی دانش‌آموزان است.

رضا مرادصحرایی وزیر آموزش و پرورش آبان امسال اعلام کرد که بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، محتوای کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان دختر و پسر، تفکیک جنسیتی می‌شود.

وی با تأکید بر اینکه باید «فرهنگ حیا» را در سراسر جامعه نهادینه کنیم گفته بود که «در سند تحول بنیادین از آموزش و پرورش خواسته شده است هم مدارس وهم کتب درسی متناسب با جنسیت و نیاز دختران و پسران ایجاد و تدوین شود. این امری تعلیمی و تربیتی و علمی است. امری تربیتی است و ربطی به نگرش و مسائل از این دست ندارد. بالاخره نیازهای اجتماعی دختر و پسر با هم فرق دارد. نیاز مدارس ما زمانی که دخترانه یا پسرانه باشد با هم فرق دارد. حتی در مواردی بحث‌های مربوط به دختران و پسران در کتاب‌های دینی و تربیتی ما فرق دارد.»

پیشتر نیز رضا نقی‌زاده مدیر کل دفتر برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم از آغاز بازنگری ۱۵۰۰ برنامه درسی خبر داده و پیش‌بینی کرده بود که بیش از ۷ هزار عضو هیات علمی در تدوین و بازنگری این دروس در ۲ سال آینده با وزارت علوم همکاری کنند.

تعیین یک «زنگ نماز» در برنامه آموزشی مدارس از دیگر اقدامات اخیر وزارت آموزش و پرورش بوده است. رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش در بخشنامه‌ای که در همین رابطه ابلاغ کرده نوشته که زنگ نماز با هدف «تقویت و توسعه فرهنگ اقامه نماز» در متن برنامه رسمی روزانه مدارس در همه دوره‌ها و پایه‌های تحصیلی قرار گرفته و در نظر گرفتن زمان ۳۰ دقیقه‌ای برای این امر از سوی مدارس الزامی است.

در این بخشنامه آمده که با توجه به «منویات علی خامنه‌ای» در بیانیه گام دوم انقلاب، «تقویت و توسعه فرهنگ اقامه نماز» به عنوان اولویت فعالیت‌های پرورشی مدارس در نظر گرفته می‌شود.

یک پژوهشگر: بخش زیادی از خانوارها مراجعه به دندانپزشک را فراموش کرده‌اند

وبسایت «اکو ایران» به نقل از فردین یزدانی پژوهشگر و مشاور «آکادمی سامان» نوشت: «در یک سال و اندی که از اجرای طرح دارویار گذشته، اختلاف هزینه‌کرد در میان گروه‌های درآمدی بیشتر شده. یعنی شکاف بین گروه‌های درآمدی در پرداخت هزینه‌های درمان افزایش پیدا کرده و هزینه درمانی کم‌درآمدها نتوانسته متناسب با نرخ تورم حرکت کند.»

افزایش فقر و کاهش توان مالی مردم به ویژه در میان قشر کارگر و کم‌درآمد علاوه بر همه‌ی معضلات موجود به مشکل بی‌دندانی نیز منجر شده است.

بسیاری از سالمندان حتی آن بخشی که حقوق بازنشستگی یا مستمری دریافت می‌کنند نیز برای تأمین هزینه زندگی از جمله درمان و بهداشت دهان و دندان با مشکل روبرو هستند.

یک پژوهشگر اعلام کرد: «حداقل ۵۰ درصد از خانوارها مراجعه‌ای به دندانپزشک در یک سال نداشته‌اند و اگر مراجعه‌ای بوده در حد حداقل‌ها بوده است.»

وبسایت «اکو ایران» به نقل از فردین یزدانی پژوهشگر و مشاور «آکادمی سامان» نوشت: «در یک سال و اندی که از اجرای طرح دارویار گذشته، اختلاف هزینه‌کرد در میان گروه‌های درآمدی بیشتر شده. یعنی شکاف بین گروه‌های درآمدی در پرداخت هزینه‌های درمان افزایش پیدا کرده و هزینه درمانی کم‌درآمدها نتوانسته متناسب با نرخ تورم حرکت کند. مهم‌ترین مثال هزینه‌های درمانی هزینه‌های دندانپزشکی است که عملا بخش زیادی از خانوارها مراجعه به دندانپزشک را فراموش کرده‌اند. داده‌هایی که ما واکاوی کردیم، نشان می‌دهد حداقل ۵۰ درصد از خانوارها مراجعه‌ای به دندانپزشک در یک سال نداشته‌اند و اگر مراجعه‌ای بوده در حد حداقل‌ها بوده است.»

به گفته یزدانی، داده‌های این آکادمی از سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که بازار دارو در سال گذشته وضعیت تورمی شدید داشته و تورمی بیش از ۸۰ درصد را ثبت کرده است.

کشیدن دندان به خاطر نداشتن هزینه درمان

در همین ارتباط، وبسایت خبرآنلاین در ۲۹ دی‌ماه به نقل از مارال قربانزاده رئیس پانزدهمین کنگره بین‌المللی دندانپزشکی عمومی ایران نوشت: «قطعاً هزینه‌های سنگین و سرسام‌آور درمان‌های دندانپزشکی، مهم‌ترین دغدغه همکاران دندانپزشک است. همه خدمات دندانپزشکی، فقط زیبایی نیست که برای آن ردیف بودجه بیمه‌ای نمی‌بینند. از شورای عالی انتظار داریم برای سلامت مردم، ردیف بودجه دندانپزشکی را ببینند. زیرا، برای ما دردناک است که مردم به خاطر نداشتن هزینه درمان دندانپزشکی، درخواست می‌کنند دندان آنها کشیده شود.»

افزایش فقر و کاهش توان مالی مردم به ویژه در میان قشر کارگر و کم‌درآمد علاوه بر همه‌ی معضلات موجود به مشکل بی‌دندانی نیز منجر شده و پس از شیوع کرونا، مراجعه به دندانپزشکی به شدت کاهش یافته و به مرز هشدار رسیده است.

روزنامه «شرق» در آبان ۱۴۰۰ با انتشار یک گزارش به کاهش شدید مراجعه قشر کارگر و کم‌درآمد به دندانپزشکان پرداخت که ناشی از هزینه‌های سنگین درمان‌های



دندانپزشکی و همچنین پوشش ندادن بیمه تأمین اجتماعی است.

سالمندان ایران ناتوان از پرداخت هزینه درمان

در این میان سالمندان ایران ناتوان از پرداخت هزینه درمان با افزایش ۶۰ درصدی قیمت لوازم پزشکی روبرو هستند.

بسیاری از سالمندان حتی بخشی که حقوق بازنشستگی یا مستمری دریافت می‌کنند نیز برای تأمین هزینه زندگی از جمله درمان و بهداشت دهان و دندان با مشکل روبرو هستند.

اجاره تخت‌های بیمارستانی که برای سالمندان بیمار در خانه مورد استفاده قرار می‌گیرد از ماهانه یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان تا ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است.

اینهمه در حالیست که روند رشد جمعیت در ایران نشان از افزایش جمعیت سالمندان در سال‌های آینده و پیر شدن جمعیت کشور دارد.

وضعیت هزینه درمانی کارگران و بازنشستگان هم بهتر از شرایط درمانی سالمندان ایرانی نیست.

خبرگزاری ایلنا در این زمینه نوشت: «فردی که ۳۶ تا ۴۸ میلیون درآمد ماهانه دارد، خیلی راحت می‌تواند ۴ میلیون تومان برای درمان بپردازد و احتمالاً ۴ برابر کارگری که با سختی ماهی ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان هزینه‌ی درمان می‌کند، سلامت و بهداشت خانواده‌ی خود را تضمین کند.»

گرانی دارو و درمان نیز یک معضل بسیار جدیست به‌خصوص برای خانواده‌هایی که منبع درآمدِ کافی ندارند و حیات و ممات‌شان به دستمزد ناچیزی بند است که آخر هر ماه به حساب‌شان واریز می‌شود.

بر اساس آمارهای رسمی، کارگران و بازنشستگان در سال قبل و در حالی که هنوز گرانی و کمبود دارو به اندازه‌ی امسال تبدیل به موضوعی حاد نشده بود، حداقل ماهی ۱ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان خرج دوا و درمان کرده‌اند؛ این در حالیست که ۶۰ درصد این خانوارها، در سال قبل فقط ۶ میلیون تومان یا کمی بیشتر حقوق ماهانه داشته‌اند. به این داده‌های رسمی که مبتنی بر گزارش اخیر مرکز آمار ایران است.

هزینه‌های سنگین و کمرشکن درمان، سال‌هاست که یک گرفتاری اساسی برای همه مردم به شمار می‌رود، از نسخه‌های چند صد هزار تومانی و چند میلیونیِ داروهای باکیفیت برای بیماران خاص گرفته تا قیمت‌های نجومی بستری و کلینیک، همه نشان می‌دهد که درمان به یک کالای پولی و قابل خرید و فروش تبدیل شده که هرچه بیشتر بپردازد، از خدمات باکیفیت‌تری برخوردار می‌شود که مصداق «هرچه پول بدهی همانقدر آش می‌خوری» است. اما بعد از کاهش ارزش ریال و حذف ارز ترجیحیِ مواد اولیه دارو، این گرانی وارد مرحله‌ی جدیدی شده؛ امروز «درمان کیفی» از دایره‌ی توانایی‌های خانوارهای کارگری به شدت خارج است.

علی دهقان‌کیا رئیس کانون بازنشستگان کارگری تهران در ارتباط با وضعیت کنونی گفته است: «بازنشستگان بسیاری هستند که دیگر مدت‌هاست سراغ دوا و درمان و دکتر نمی‌روند؛ با گران شدن هزینه‌های دارو و درمان، بازنشستگان به راهکارهایی مثل «خوددرمانی» روی آورده‌اند؛ دیگر در توانشان نیست که بروند و بیماری‌هایشان را معالجه کنند.»

او از مستمری‌بگیرانی یاد کرده که به کانون بازنشستگان مراجعه می‌کنند و می‌گویند: «هزینه‌های دارو و درمان آنقدر زیاد است که ترجیح می‌دهیم دکتر نرویم، در خانه می‌مانیم تا ببینیم چه می‌شود یا خوب می‌شویم یا...»

کم‌درآمدها و مزدبگیران حداقلی به وضوح نمی‌توانند هزینه‌های درمان را بپردازند؛ این ناتوانی یک مشکل عمومی و کلی است حالا اگر از بخت بد یک بیمار خاص در خانواده‌ی مزدبگیر باشد، دیگر واقعاً پرداخت هزینه‌ها ممکن نیست.

گزارش‌ها نشان می‌دهد سبد مصرفی خانوارها حتی در میان اقشار متوسط نیز تنوع خود را از دست داده و کوچک شده است. آنها ناچار هستند درآمدهایی را که هر ماه به دلیل تورم ارزش خود را از دست می‌دهد برای تأمین اقلام ضروری مانند خوراک هزینه کنند. مواردی چون سفر، تفریح، کتاب، ورزش و حتی درمان سهم ناچیزی از سبد مصرفی خانواده‌ها را به خود اختصاص داده و در میان برخی اقشار این اقلام بطور کلی از سبد مصرفی حذف شده است.

فرار از بیمارستان، فاجعه‌ای فراتر از صورت‌حساب!

در ارتباط با ناتوانی بیماران در پرداخت هزینه‌های بیمارستان روزنامه «هم‌میهن» در مهرماه به نقل از آیت محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار نوشته بود: «در یکی از بیمارستان‌های بزرگ تهران، برای جلوگیری از فرار بیماران فقیر، اتاقی جداگانه برای‌شان در نظر گرفته‌اند و بیماران تا زمان تسویه، در این اتاق به‌شکل محترمانه‌ای زندانی می‌شوند. در یکی از بیمارستان‌های اصفهان هم این اتفاق رخ داده... شرایط به گونه‌ای است که بیماران بی‌بضاعت به دلیل ناتوانی از تامین هزینه درمان، دچار مرگ تدریجی و زودرس خواهند شد.»

در دی‌ماه ۱۴۰۰ حسین بیگلری رئیس انجمن حمایت از بیماران کلیوی کرمانشاه اعلام کرده بود که فروش کلیه به دلیل فقر و تنگدستی چنان افزایش داشته که داوطلبان خارج از مجاری مرسوم اقدام به فروش می‌کنند و شهروندان ایرانی کلیه‌شان را به دلار به متقاضیان از عراق اهدا می‌کنند.

با وجود اصرار حکومت به ازدواج و فرزندآوری، تورم و بیکاری نرخ ازدواج را در یک سال ۹ درصد کاهش داد!

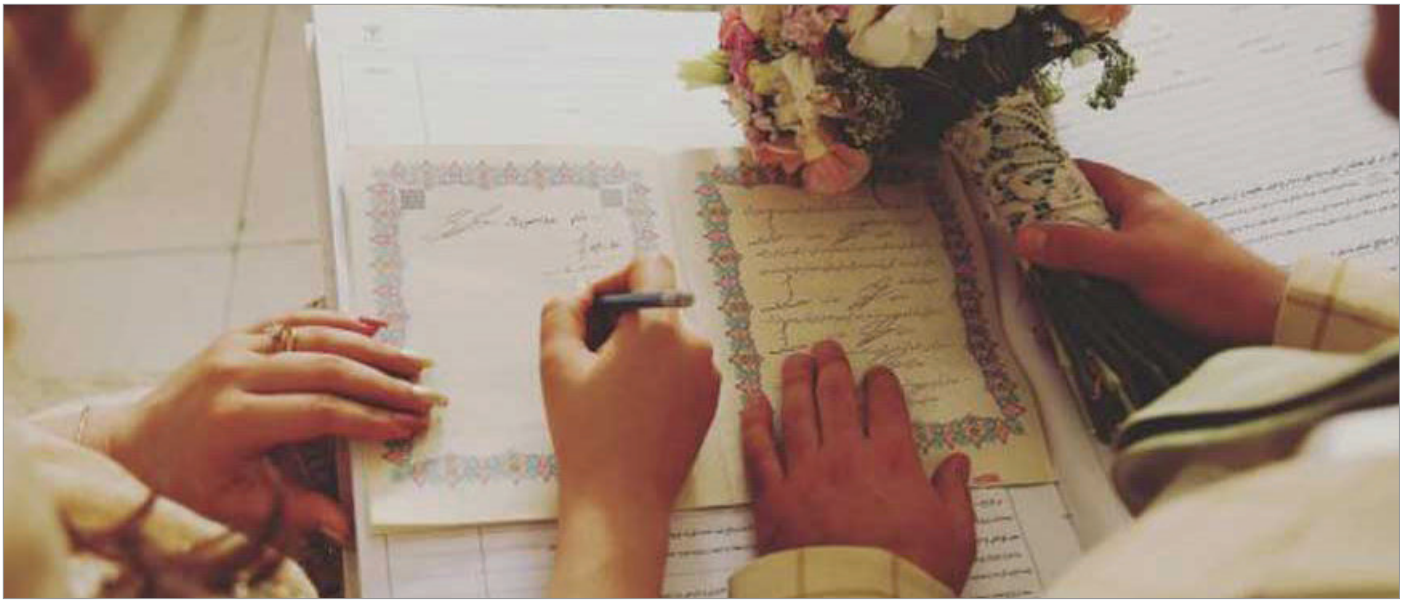

در بهار سال جاری تعداد ازدواج ثبت‌شده نسبت به بهار سال گذشته، بیش از ۹ درصد کاهش داشت.

آمار طلاق نیز همچنان روند صعودی را طی می‌کند بطوری که آمار طلاق در سال گذشته نسبت به سال ۱۳۹۹ حدود ۹ درصد افزایش داشت.

با گذشت دو سال از ابلاغ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» توسط ابراهیم رئیسی نه تنها نرخ ازدواج افزایش نیافته بلکه نرخ جمعیت نیز کاهش یافته است.

جمهوری اسلامی در حالی سال‌هاست تبلیغات ایدولوژیک برای افزایش جمعیت و فرزندآوری راه انداخته که هیچ اقدام زیربنایی و ساختاری برای رسیدن به این اهداف انجام نداده است. آمارها نشان می‌دهد تورم و بیکاری نرخ ازدواج را طی یک سال گذشته ۹ درصد کاهش داده است.

بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، در سال ۱۴۰۰ تعداد ازدواج ثبت‌شده ۵۷۲ هزار و ۱۱ مورد بود. سال گذشته اما با کاهش بیش از ۸ درصدی به ۵۲۴ هزار و ۱۳۹ مورد رسید.

آمار ازدواج در تابستان و پاییز امسال هنوز منتشر نشده است. اما در بهار سال جاری تعداد ازدواج ثبت‌شده نسبت به بهار سال گذشته، بیش از ۹ درصد کاهش داشت. بهار سال گذشته ۱۴۳ هزار و ۶۹۷ ازدواج ثبت شد، در حالی که بهار امسال ۱۳۰ هزار و ۳۰۵ ازدواج ثبت شد.

بنا بر داده‌های مرکز آمار ایران، ۱۸۷ هزار و ۷۸۳ مورد طلاق در سال ۱۳۹۹ ثبت شد. در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ اما به ترتیب تعداد طلاق ثبت‌شده به ۲۰۴ هزار و ۴۸۷ و ۲۰۴ هزار و ۳۰۱ مورد رسید. یعنی آمار طلاق در سال گذشته نسبت به سال ۱۳۹۹ حدود ۹ درصد افزایش داشت.

اینهمه در حالیست که جمهوری اسلامی سال‌هاست بر افزایش نرخ ازدواج و فرزندآوری با هدف افزایش جمعیت کشور اصرار دارد.

علی خامنه‌ای اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۳ سیاست افزایش جمعیت و فرزندآوری را به دستگاه‌های مربوطه ابلاغ کرد و رواج ازدواج‌های سفید را دسیسه‌ی «صهیونیسم» و کاهش جمعیت ایران خواند. برنامه‌ها و طرح‌های افزایش جمعیت اما در سال‌های گذشته نتیجه مورد نظر رهبر جمهوری اسلامی را در پی نداشت.

ابراهیم رئیسی در آبان ۱۴۰۰ «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را در ۷۳ ماده با تصویب مجلس شورای اسلامی ابلاغ کرد. شش ماه پس از ابلاغ قانون «جوانی جمعیت» از سوی ابراهیم رئیسی و در اواخر خرداد پارسال بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی دستورالعمل اجرای ماده ۵۳ قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» را با هدف «حفظ و مراقبت از جنین سالم» ابلاغ کرد.

بر اساس آن دستورالعمل، مادران باردار کمتر از ۳۵ سال که سابقه تولد فرزند دارای مشکلات ژنتیک و سندروم داون ندارند، نیاز به غربالگری ندارند، اما زنان بالای ۳۵ سال و کسانی که سابقه زایمان فرزندی با مشکلات ژنتیک یا سندروم داون دارند، باید تحت غربالگری قرار گیرند.

این دستورالعمل همچنین تأکید می‌کرد که «مباشرت یا معاونت در سقط جنین جرم‌انگاری و برای فرد خاطی جرایم سنگین در نظر گرفته می‌شود».

اکنون با گذشت دو سال از ابلاغ این قانون نه تنها نرخ ازدواج افزایش نیافته بلکه نرخ افزایش جمعیت نیز کاهش یافته است.

تعداد ولادت‌های ثبت‌شده در سال ۱۴۰۰، یک میلیون و ۱۱۶ هزار و ۲۱۲ نفر بود. سال گذشته آمار ولادت ثبت‌شده به یک میلیون و ۷۵ هزار و ۲۳۱ نفر رسید. یعنی تعداد ولادت‌ها حدود ۳/۷ درصد کاهش داشت.

تعداد ولادت‌های ثبت‌شده در بهار سال گذشته، ۲۵۷ هزار و ۶۴۹ نفر بود، اما در بهار سال جاری، ۲۵۲ هزار و ۶۵۱ ولادت ثبت شد. یعنی حدود ۲ درصد کاهش داشته است. تابستان سال جاری نیز نسبت به تابستان سال گذشته حدود ۲/۷ درصد کاهش داشته است.

پیش از این مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اعلام کرده که مواردی چون تورم و بیکاری در کاهش نرخ ازدواج اثرگذار بوده است. در گزارش این مرکز آمده بود که بالا بودن هزینه‌های آغاز زندگی، هزینه بالای مسکن، بیکای و عدم اشتغال جوانان و پیدا نکردن گزینه مناسب ازدواج در سه اولویت اول عدم ازدواج به‌هنگام جوانان قرار دارند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین به افزایش سن ازدواج در کشور اشاره کرده و نوشته بود که بر اساس داده‌های ثبت احوال و مرکز آمار ایران، روند تحولات شاخص‌های ازدواج به گونه‌ای است که نرخ ازدواج با کاهش و میانگین سن ازدواج با افزایش روبه‌رو بود.

بنا بر داده‌های مرکز آمار ایران، میانگین سن ازدواج مردان ۲۷/۷ سال در سال ۱۳۹۹ بود. در سال ۱۴۰۰ اما میانگین سن ازدواج مردان به ۲۷/۸ سال و در سال گذشته به ۲۸ سال رسید. میانگین سن ازدواج زنان نیز از ۲۳/۴ سال در سال ۱۳۹۹ به ۲۳/۸ سال در سال ۱۴۰۱ رسید.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در گزارش خود افزوده بود که مسئله ازدواج و الگوهای همسرگزینی نشان از کلیدی بودن متغیر سن ازدواج در این الگوهاست. افزایش سن ازدواج الگوهای آن را دچار تحول کرده است و شاخص‌های دیگر از جمله فرزندآوری، طول عمر، استحکام خانواده، ضرورت ازدواج و... را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این گزارش همچنین تأکید کرده عوامل ذکرشده به ترتیب در حوزه‌های اقتصادی، اقتصادی-اجتماعی و اجتماعی-فرهنگی قرار دارند. به عبارتی می‌توان گفت عدم تغییر روند موجود و عدم توانمندسازی اقتصادی افراد در تامین معاش یک خانواده نه‌تنها استحکام خانواده‌های موجود را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، بلکه شکل‌گیری خانواده‌های جدید را هم با مشکل مواجه کرده است.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس آمده که افراد در سطح اول رفع نیازهای خود با مشکل روبه‌رو شده و به سطوح دیگر که تشکیل خانواده و تامین نیازهای عاطفی را شامل می‌شود، وارد نمی‌شوند.

احتمال ورود ایرلاین‌های خارجی به پروازهای داخلی به دلیل «کمبود هواپیما»!

● هفته گذشته وزیر راه و شهرسازی گفته بود بررسی‌ها برای ورود ایرلاین‌های خارجی در انجام پروازهای خارجی در حال انجام است و تأکید کرده بود که با ورود ایرلاین‌های خارجی صد درصد موافق است.

● رئیس سازمان هواپیمایی کشور تأکید کرده این اقدام «ملاحظات خاص به خود» از جمله در موارد «امنیتی» را دارد و باید «با توجه به قوانین و مقررات بالادستی انجام شود.»

● رئیس سازمان هواپیمایی کشور: «هرگونه نقش‌آفرینان که بتوانند به جابجایی مسافران کمک کنند تا بطور نسبی به تعادلی در عرضه و تقاضا برسیم را دنبال می‌کنیم!»

● کمبود هواپیما در ناوگان هوایی سبب استفاده از هواپیماهای فرسوده شده که بارها با ترکیدن لاستیک، بلند شدن دود از موتور یا کابین خلبان خبرساز شدند.



رئیس سازمان هواپیمایی کشوری ایران از پیگیری برای ورود ایرلاین‌های خارجی به منظور برقراری پروازهای داخلی خبر داد و علت این موضوع را «کمبود هواپیما» عنوان کرد.

محمد محمدی‌بخش رئیس سازمان هواپیمایی کشوری از پیگیری برای ورود ایرلاین‌های خارجی برای برقراری پروازهای داخلی خبر داده و گفته که «این اقدام قطعا به دلیل کمبود ناوگان است تا بتوانیم عرضه بلیت را در بازار افزایش دهیم.»

هفته گذشته نیز مهرداد بذرپاش وزیر راه و شهرسازی گفته بود بررسی‌ها برای ورود ایرلاین‌های خارجی در انجام پروازهای خارجی در حال انجام است و تأکید کرده بود که با ورود ایرلاین‌های خارجی به برقراری پروازهای مسیرهای داخلی صد درصد موافق است.

دولت پیشتر نیز در لایحه برنامه هفتم توسعه صدور مجوز برای ورود ایرلاین‌های خارجی در پروازهای داخلی را مطرح کرده بود اما نمایندگان مجلس شورای اسلامی آن را رد کردند.

اکنون محمد محمدی‌بهش رئیس سازمان هواپیمایی کشوری و معاون وزیر راه و شهرسازی در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» گفته موضوع ورود ایرلاین‌های خارجی در قالب یک بند در قانون برنامه هفتم پیگیری شده بود «اما این پیشنهاد در مجلس به هر دلیلی رای نیاورد اما پیگیری‌ها از مسیر دیگر در حال انجام است.»

رئیس سازمان هواپیمایی کشور تأکید کرده که «هرگونه نقش‌آفرینان که بتوانند به جابجایی مسافران کمک کنند تا بطور نسبی به تعادلی در عرضه و تقاضا برسیم را دنبال می‌کنیم!»

او همچنین افزوده که این اقدام «ملاحظات خاص به خود» از جمله در موارد «امنیتی» را دارد و «باید با توجه به قوانین و مقررات بالادستی انجام شود.»

معاون وزیر راه و شهرسازی همچنین درباره نگرانی‌ها برای فرصت شغلی نیروی کار ایرانی با ورود ایرلاین خارجی به پروازهای داخلی گفته «این نگرانی برای زمانی است که نیروی داخلی بیکار باشند اما در حال حاضر در این بازار تا رسیدن به ۵۰۰ فروند هواپیما هم فرصت شغلی وجود دارد.»

ناوگان هوایی ایران سال‌هاست با کمبود هواپیما روبروست و در حالی که پس از امضای برجام، جمهوری اسلامی قراردادهایی برای خرید بیش از ۲۰۰ هواپیمای جدید را با سه شرکت «بوئینگ»، «ایرباس» و «ای‌تی‌آر» امضا کرد اما با بازگشت تحریم‌ها این قراردادها به صورت یکطرفه لغو شد. برای نمونه در قراردادی که در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۶ میلادی) بین شرکت هواپیمایی «ایران ایر» و شرکت «ایرباس» امضا شد شرکت ایرانی سفارش خرید ۱۰۰ فروند هواپیمای مسافربری به شرکت ایرباس داده بود که در چارچوب این قرارداد تاکنون تنها ۳ فروند هواپیما به ایران تحویل شد.

نخستین هواپیمای ایرباس در تاریخ ۲۳ دی ماه ۹۵ وارد ایران شد و همزمان گزارش‌هایی مبنی بر مرجوعی بودن این هواپیما به دلیل مشکلات فنی منتشر شد. بر اساس گزارش‌ها این هواپیما پس از اینکه کشور دیگری از خرید آن به دلیل نقص فنی منصرف و آن را برگردانده بود، از سوی دولت روحانی برای ایران خریده شد.

همان زمان محمود مهران‌پور عضو هیئت مدیره شرکت هواپیمایی نفت ایران در گفتگو با «قدس آنلاین» مرجوعی بودن این هواپیما را تأیید کرده و گفته بود: «اگر می‌خواستیم این هواپیماها را بر اساس ثبت سفارش خودمان خریداری کنیم حداقل باید سه سال صبر می‌کردیم. وقتی در عرض کمتر از یک سال اولین هواپیما وارد ایران شده است. طبیعی است که این هواپیماها از سوی شرکت دیگری ثبت سفارش شده باشد.»مهران‌پور افزوده بود که «در دنیا وقتی شما می‌خواهید هواپیما خریداری کنید بستگی به نوع و مدل هواپیما حدود ۲ تا ۳ سال قبل باید سفارش داده و در صف نوبت بایستید. درواقع ساخت هواپیما و کشتی پس از ارائه درخواست آغاز می‌شود.»

ماه گذشته نیز اعلام شد که در آخرین تغییر و به روزرسانی کتاب سفارش های در دست اقدام ایرباس، سفارش های خرید ایران ایر به صور کلی از لیست حذف شده است.

«ایران‌ایر» همچنین آذرماه سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۶ میلادی) قراردادی برای خرید ۸۰ هواپیمای جدید از انواع مختلف پهن‌پیکر و باریک‌پیکر، به ارزش ۱۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار با شرکت «بوئینگ» امضا کرد.

بر اساس این قرارداد تحویل هواپیماهای بوئینگ از سال ۱۳۹۷ آغاز می‌شد اما پس از خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷، سفارش «ایران‌ایر» به شرکت «بوئینگ» معلق شد.

هرچند مقامات جمهوری اسلامی خروج ایالات متحده از برجام را عامل اصلی عدم تحویل هواپیماهای برجامی به کشور عنوان می‌کنند اما گزارش‌هایی از عدم تسویه حساب دولت روحانی با این شرکتها و معلق شدن قراردادها به دلیل عدم انجام تعهدات مالی از سوی طرف ایرانی نیز منتشر شده است.

در همین رابطه محمدرضا رضایی کوچی رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی بهمن ۱۳۹۶ خبر داده بود که دولت روحانی پولی ندارد که بابت هواپیماهای سفارش داده شده به دو شرکت ایرباس و بوئینگ بپردازد.

او توضیح داده بود که «در ابتدای عقد قرارداد با دو شرکت هواپیماسازی ایرباس و بوئینگ قرار بود این دو شرکت هزینه مورد نیاز برای ساخت هواپیما را با فاینانس یا سرمایه‌گذاری خارجی متقبل شوند. اما در هفته‌های گذشته شاهد بودیم که مدیران این دو شرکت در اظهاراتی از فاینانس اعتبارات ساخت هواپیما برای ایران عقب‌نشینی کرده‌اند، از طرفی با توجه به رقم بالای پیش پرداخت ساخت هواپیماهای سفارش داده شده از سوی ایران دولت نیز هرگز قادر به پرداخت این پول نخواهد بود.»

کمبود هواپیما در ناوگان هوایی سبب استفاده از هواپیماهای فرسوده شده که بارها حادثه‌آفرین شده‌اند. خبرهای زیادی درباره ترکیدن لاستیک، بلند شدن دود از موتور یا کابین خلبان در هواپیماهای مسافربری ایران منتشر شده است.

شهریورماه سال گذشته رئیس سازمان هواپیمایی کشوری ایران از زمینگیر بودن ۴۰ درصد از ناوگان هوایی جمهوری اسلامی ایران خبر داد.

محمد محمدی‌بخش گفته بود که «هم‌اکنون حدود ۳۳۰ فروند هواپیما در کشور داریم که از این تعداد ۱۷۳ فروند عملیاتی است و البته این آمار منهای بالگردهای کشور است. بنابراین تقریبا نزدیک به ۶۰ درصد از ناوگان ما فعال و بقیه آن نیز زمینگیر است که علت عمده آن به موتور هواپیما و بخشی از آن به تامین اقلام و قطعات دیگر بر می‌گردد.»

کیهان

افزایش اجاره‌بهای مسکن و وام‌های بی‌خاصیت دولت
رواج اجاره زیرزمین و اتاق‌های کوچک

افزایش قیمت‌ها جدا از بروز پدیده‌هایی چون «پشت‌بام‌خوابی» و «کانکس‌خوابی»، سبب چرخش تقاضای بازار اجاره به سمت سوئیت‌هایی با متراژ پایین یا اجاره زیرزمین‌ها شده است.

رکورد ۳۰ ساله تورم اجاره‌بهای مسکن در آبان امسال با بیش از ۵۵ درصد افزایش شکسته شد و در دی‌ماه امسال نیز دست‌کم ۱۰ درصد بر قیمت‌ها افزوده شده است.

بی‌خاصیت بودن وام مسکن در ایران که رقم آن با قیمت مسکن تناسب ندارد و اقساط بالای آن از مجموع درآمد اکثر خانوارهای حقوق‌بگیر نیز بیشتر است، صدای رسانه‌های حکومتی را هم درآورده است.

بحران مسکن در ایران و وضعیت تکاندهنده مستأجران برای یافتن سرپناهی که توان پرداخت اجاره آن را داشته باشند ادامه دارد. طرح‌های پرصدا اما بی‌خاصیت دولت مطلقا نتوانسته بر بازار مسکن اثر بگذارد و کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند روند افزایش قیمت‌ها همچنان ادامه خواهد داشت.

گزارش‌ها از تداوم روند افزایش اجاره مسکن در ایران حکایت دارد. مرکز آمار ایران گزارش داده که متوسط قیمت هر متر مربع آپارتمان از ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان در بهار سال ۱۳۹۷ به بیش از ۸۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان در زمستان امسال رسیده است.

وبسایت «اکو ایران» نیز به تازگی گزارش داده تورم اجاره‌بهای مسکن یعنی تغییرات هزینه آن در یک سال نسبت به سال قبل در پنج سال اخیر با سرعت بیشتری افزایش یافته است. بطوری که برای تمام خانوارهای شهری از ۲۵.۱ درصد در سال ۱۳۹۷ به ۵۸/۶ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است.

افزایش قیمت مسکن بطور مستقیم بر بازار اجاره نیز اثرگذار بوده و قیمت واحدهای اجاره‌ای با سرعت افزایش می‌یابد. به همین دلیل است که امسال در روندی غیرمعمول حتی در دی‌ماه که فصل جابجایی مستأجران نیست هم تورم در اجاره‌بهای مسکن ادامه داشته است.

رکورد ۳۰ ساله افزایش اجاره‌بهای مسکن در آبان امسال با بیش از ۵۵ درصد افزایش شکسته شد و در دی‌ماه امسال نیز دست‌کم ۱۰ درصد بر قیمت‌ها افزوده شده است.

افزایش قیمت‌ها جدا از بروز پدیده‌هایی چون «پشت‌بام‌خوابی» و «کانکس‌خوابی»، سبب چرخش تقاضای بازار اجاره به سمت سوئیت‌هایی با متراژ پایین یا اجاره زیرزمین‌ها شده است.

گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد یک اتاق ۱۰ متری مجردی در محله «امین حضور» تهران با ۱۰ میلیون تومان پول پیش و ماهانه ۳ میلیون تومان اجاره داده می‌شود. در مورد دیگری، یک اتاق ۱۰ متری دیگری سمت محله «فلاح» ماهانه ۱/۵ میلیون تومان و با پول پیش ۶۰ میلیون تومان آگهی شده است.

آگهی دیگری قیمت ۱۰ میلیون تومان پول پیش و یک میلیون تومان اجاره ماهانه برای یک اتاق ۱۰ متری در محله «حکمت» تهران را نشان می‌دهد.

گزارش‌های میدانی دیگری از اجاره زیرزمین خانه‌ها برای سکونت در شهرهای مختلف خبر می‌دهند؛ زیرزمین‌هایی که از ابتدا با کاربری مسکونی ساخته نشده و حالا قیمت‌هایی نجومی برای اجاره دارند.



در شیراز یک زیرزمین ۶۰ متری با ماهی ۱۳۰ میلیون تومان پول پیش اجاره داده می‌شود. در مشهد نیز یک زیرزمین ۵۰ متری با ۵۰ میلیون تومان پول پیش و ماهی ۵ میلیون تومان آگهی شده است.

در شرق تهران و در محله «تهرانپارس» نیز یک زیرزمین ۱۸۰ متری به قیمت ۳۰ میلیون تومان ماهیانه با پول پیش ۲۰۰ میلیون تومان آگهی شده است.

در چنین شرایطی طرح‌های دولت نیز برای ساخت مسکن ارزان و حمایت از مستأجران بی‌فایده بوده است. یکی از آخرین راهکارهای مطرح شده برای حل بحران پیچیده و عمیق مسکن در ایران، ساخت خانه‌های کوچک‌متراژ با الگوبرداری از دیگر کشورهاست.روزنامه «شرق» در شماره امروز شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲ در گزارشی به این موضوع پرداخته و از «میکروآپارتمان‌ها» به عنوان «مسکن اقتصادی» نام برده است.

در این گزارش آمده که شهرکی به مساحت یک میلیون مترمربع در استان تهران در نظر گرفته شده که ظرفیت ساخت ۲۰ هزار مسکن اقتصادی را دارد و قرار است مسکن اقتصادی در این شهرک ساخته شود که اقدامات مقدمات برای فراهم آمدن زیرساخت‌ها شروع شده است.

گزارش «شرق» با نگاهی به نظرات منتقدان این طرح که این واحدها را با الگوی مسکن ایرانی، و همچنین الگوی اسلامی و خانواده‌های پرجمعیت مورد نظر حکومت مغایر می‌دانند، نوشته مدافعان این طرح معتقد هستند که این واحدها برای خانواده‌های پرجمعیت ساخته نشده‌اند و مانند تمام کالاهای موجود در بازار، مشتریان خاص خود را دارند. ضمن اینکه مدافعان طرح می‌گویند بازار مسکن یک بازار خصوصی و رقابتی است و مسکن ۲۵متری مشتریان خود را دارد و این مصرف‌کنندگان هستند که باید تصمیم بگیرند واحدهای نهضت ملی مسکن را خریداری کنند یا واحدهای مسکونی دیگر را.

اینهمه در حالیست که حتی چاره‌ساز بودن ساخت این واحدهای کوچک‌متراژ نیز با تردید روبروست. مستأجر ایرانی با تورم عمومی بالای ۴۰ درصد در پرداخت هزینه اجاره‌بها و تأمین هزینه خوراک ضروری با بحران روبروست چه برسد به اینکه بخواهد پولی پس‌انداز کند تا بتواند خانه، ولو میکروآپارتمان، خریداری کند یا اقساط وام‌های پربهره و گران دولت را بپردازد!

بی‌خاصیت بودن وام مسکن در ایران که رقم آن با قیمت مسکن تناسب ندارد و اقساط بالای آن از مجموع درآمد اکثر خانوارهای حقوق‌بگیر نیز بیشتر است، صدای رسانه‌های حکومتی را هم درآورده است.

خبرگزاری «تسنیم» در گزارشی به وام‌های مسکن پرداخته و نوشته توسط قیمت مسکن به بالای ۸۰ میلیون تومان رسیده و با وام ۹۶۰ میلیونی مسکن با در نظر گرفتن هزینه‌های وام، تنها می‌توان ۸/۵ متر خانه خریداری کرد.

مرکز پژوهش‌های مجلس نیز تابستان سال جاری در گزارشی نوشت تا هم‌اکنون دهک‌های یک تا سه به صورت «مطلق» و دهک‌های چهارم و پنجم و حتی بخشی از دهک ششم نیز «نسبتا» قادر به تامین مسکن مورد نیاز برای سکونت خود نیستند.در آنسو، تصویر هولناک قیمت‌های رو به افزایش در ماه‌های آینده به هراس مستأجرانی تبدیل شده که از سال جدید و با آغاز فصل جابجایی مستأجران باید به دنبال تمدید قرارداد یا یافتن خانه‌های استیجاری جدید باشند.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» در گزارشی به وضعیت مستأجران با توجه به پیش‌بینی افزایش اجاره‌بهای مسکن در سال جدید پرداخته است.در این گزارش آمده که تحلیلگران بازار مسکن معتقدند بازار مسکن هیچ گاه براساس قانونی که در راستای تعیین نرخ اجاره از سوی دولت وضع می‌شود، حرکت نمی‌کند. بلکه ملاک تعیین قیمت اجاره مسکن نرخ تورمی است که مردم در جامعه احساس می‌کنند. با وجود آنکه رکود عمیقی در این بخش حاکم است، قیمت‌ها همچنان بالا می‌رود و این در حالی است که قیمت‌های جدید هیچ تناسبی با توان خرید مردم ندارد.

حسین عبده تبریزی کارشناس اقتصادی در گفتگو با «اقتصاد ۲۴» با اشاره به اینکه افزایش گردش نقدینگی در اقتصاد با قدرت نقدینگی مردم در ارتباط است گفته است: بازگشت قیمت‌ها در بازار مسکن به سوی کاهش تورم نیازمند جبران تورم پیش خور شده است، یعنی اینکه علاوه بر تقویت قدرت مالی مردم به عنوان متقاضیان اصلی این بازار باید شرایط در بازار مسکن به سمت خروج از رکود در معاملات بازگردد.

هادی سرخوش فعال بازار مسکن هم گفته که «هنوز بازار جابجایی‌های پایان سال آغاز نشده، اما رشد ۱۰ درصدی اجاره‌بها در دی‌ماه بسیار نگران‌کننده شده است.

این فعال بازار مسکن افزوده که «امسال شرایط اجاره مسکن بسیار سخت‌تر شده بطوری که صاحبخانه‌ها به دنبال اجاره مسکن خود با پیش کمتر و اجاره بالا هستند. به دلیل نبود تضمین تثبیت سود بانکی، کمتر صاحب خانه‌ای مبلغ پیش اجاره را مطالبه می‌کند چراکه دریافت اجاره ماهانه برای آن‌ها مقرون به صرفه‌تر است.

به گفته هادی سرخوش، مبلغ پیش اجاره خانه هر ماه بی‌ارزش‌تر از ماه قبل می‌شود و در نهایت در زمان یکسال بیش از ۱۰ درصد از ارزش پول کاسته می‌شود و این برای مردم خیلی زیاد و نگران‌کننده است.

کاهش واردات و تولید مواد غذایی
تهدید امنیت غذایی کشور و کوچک شدن سفره‌ها

● سهم واردات کالاهای اساسی به ایران در هشت ماهه نخست سال ۱۴۰۲ به ۱۵ میلیون و ۶۷۴ هزار تن به ارزش ۱۰ میلیارد و ۵۷۷ میلیون دلار رسیده است.

● گوشت قرمز که از کالاهایی با بیشترین واردات بوده، در تولید داخلی دچار اختلال شده و تولید این کالا در آبان ماه سال جاری نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد کاهش یافته است.

● نظام واردات و تولید و توزیع مواد غذایی در ایران دچار مشکلات فراوانی است که در نهایت سبب کوچک شدن سفره مردم و بحران معیشت شده است.

واردات کالاهای اساسی که بخش زیادی از آنها در تولید مواد غذایی و تأمین امنیت غذایی کشور نقش دارند در ۸ ماه ابتدایی سال بطور متوسط ۵۰ درصد کاهش داشته است. در آنسو تولید مواد غذایی در داخل کشور نیز با کاهش روبروست و امنیت غذایی کشور را با تهدیدهایی جدی روبرو کرده است.

بنا بر تازه‌ترین آمار منتشرشده از فعالیت‌های تجاری گمرک جمهوری اسلامی، سهم واردات کالاهای اساسی به ایران در هشت ماهه نخست سال ۱۴۰۲ به ۱۵ میلیون و ۶۷۴ هزار تن به ارزش ۱۰ میلیارد و ۵۷۷ میلیون دلار رسید که نشان می‌دهد به نسبت هشت ماه نخست سال ۱۴۰۱، از لحاظ وزن ۱/۳۴ درصد و از حیث ارزش ۷/۱۸ درصد کاهش یافته است.

در این آمار، کالاهایی مانند چای، برنج، شکر خام، گوشت مرغ و گندم بیشترین کاهش واردات را داشته‌اند و واردات آن‌ها به گمرک ایران نسبت به مدت زمان مشابه در سال ۱۴۰۱، به ترتیب ۵۷/۶۹ درصد، ۵۳/۸۹ درصد، ۵۱/۹۸ درصد، ۴۸/۱۱ درصد و ۴۶/۲۰ درصد کمتر بوده است.

این در حالیست که کاهش واردات گندم به عنوان قوت غالب ایرانیان و در شرایطی که گزارش‌ها از کمبود شدید آرد توزیعی در نانوایی‌ها، کاهش تولید و حتی سهمیه‌بندی فروش نان‌های یارانه‌ای حکایت دارد، نشان می‌دهد تولید کافی و متناسب با تقاضای نان در ماه‌های آینده با ابهام روبروست.در میان کالاهای اساسی و اقلام خوراکی، گوشت قرمز گرم سبک، جو و گوشت قرمز سرد سنگین، نسبت هشت ماه نخست سال قبل بیشترین افزایش واردات را داشته‌اند. گوشت در این دوره زمانی جزو اقلامی از کالاهای اساسی به شمار می‌رود که یکی از بالاترین تورم‌ها را داشته است.

از سوی دیگر آمارهای تولید مواد غذایی در کشور نیز نشان از کاهش تولید مواد غذای اساسی و خروج بسیاری از تولیدکنندگان از صنعت مواد غذایی دارد. برای نمونه آمارها نشان می‌دهد گوشت قرمز که از کالاهایی با بیشترین واردات بوده، در تولید داخلی دچار اختلال شده و تولید این کالا در آبان ماه سال جاری نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد کاهش یافته است.

از سوی دیگر کاهش واردات یا تولید مواد غذایی بطور مستقیم بر افزایش قیمت آنها موثر بوده است. برای نمونه برنج هندی و پاکستانی به عنوان اقلامی که با کاهش واردات روبرو بوده‌اند مورد مصرف اقشار تنگدست و کم‌درآمدی است که توان خرید برنج ایرانی را ندارند. در این میان کاهش واردات سبب افزایش قیمت برنج‌های هندی و پاکستانی شده بطوری که هر کیلو برنج خارجی با حدود ۵۰ درصد افزایش قیمت از ۳۰ تا ۳۵ هزار تومان به ۵۰ تا



۵۵ هزار تومان رسیده است.قیمت شکر نیز به عنوان یکی از کالاهای پرمصرف که با کاهش واردات روبرو بوده، از ۱۹ هزار و ۸۰۰ تومان برای هر کیلو در مهر ۱۴۰۱ به قیمت مصوب دولتی با شرایط سهمیه‌ای، به کیلویی ۲۸ هزار تومان رسیده است.مرکز آمار ایران نیز همزمان با انتشار گزارش تورم دی‌ماه اعلام کرده که قیمت دست‌کم ۱۹ قلم خوراکی پرمصرف و ضروری از یک سال پیش تا کنون بیش از ۴۰/۱ درصد افزایش یافته است.

این اقلام غذایی که برخی از آنها از جمله کالاهای ثابت و ضروری در سبد مصرفی خانوارها به شمار می‌روند شامل گوشت گوسفند، گوشت گاو یا گوساله، کنسرو ماهی تن، گوجه فرنگی، قارچ، ماهی قزل‌آلا، کشمش پلویی، هنداونه، مرغ، نوشابه گازدار، پسته، فلفل دلمه‌ای، مغز بادام درختی، چای خارجی، شکر، شیرینی خشک، انار، کدو سبز و مغز گردو هستند.

قیمت گوشت گوسفند در حد فاصل دی‌ماه پارسال تا امسال نزدیک ۱۳۰ درصد گران شده است. بر اساس این گزارش قیمت پیاز ظرف ۳۰ روز دی‌ماه امسال به شکل متوسط از کیلویی ۱۷ هزار و ۹۸۴ تومان به ۲۱ هزار و ۱۶۵ تومان ارتقا پیدا کرد که معادل رشد تقریبا ۱۸ درصدی است. از طرفی خود مرکز آمار گفته کف و سقف قیمت پیاز در ماه گذشته به ترتیب کیلویی ۱۷ هزار و ۷۵۸ تومان و ۳۱ هزار و ۵۵۱ تومان بوده است.

نظام واردات و تولید و توزیع مواد غذایی در ایران دچار مشکلات فراوانی است که در نهایت سبب کوچک شدن سفره مردم و بحران معیشت شده است.

در همین رابطه بابک نگاهداری رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره بحران تأمین غذا و کاهش شدید قدرت خرید مردم به روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته که «ما در شرایطی به‌سر می‌بریم که ذخایر ارزی نه‌تنها افزایش نیافته، بلکه شاهد کاهش آن هستیم و در حال حاضر کشور با کسری ۳/۷ میلیارد دلاری ارز مواجه است.»

بابک نگاهداری تأکید کرده است که «اگر در آینده، ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا شود، باید آماده باشیم که فشار تحریمی ما افزایش پیدا کند و شوک به بازار دارایی‌ها وارد شود.»

همچنین ارسلان قاسمی رئیس کمیسیون کشاورزی و صنایع غذایی اتاق تعاون ایران با اشاره به تبعات گسترده نظام ناکارآمد توزیع بر سبد مصرفی خانوارها گفته «اختلاف قیمت از مزرعه تا سفره مردم بر روی برخی از محصولات به ۴۰۰ درصد هم رسیده است.»

این مقام صنفی افزوده در چنین شرایط سود اصلی تولید، به جیب کشاورز نمی‌رود و نصیب شخص دیگری خواهد شد؛ این در حالیست که کشت قراردادی مفهومی است که در کشاورزی دنیا وجود دارد و معنا و مفهومش این است که تولیدکننده، فرآور و در نهایت مصرف کننده به صورت غیرمستقیم، دنبال منافع مشترک هستند؛ نه اینه فرآور و بسته‌بندی کننده صنایع غذایی یا سلف خر، به ثمن بخس محصول را از کشاورزان بخرند.کاوه زرگران رئیس انجمن غلات ایران نیز اردیبهشت‌ماه سال جاری وضعیت ذخایر برخی از کالاهای اساسی را بحرانی اعلام کرده و گفته بود که احتمال بروز کمبودهایی در سال ۱۴۰۲ وجود دارد.

به نظر می‌رسد بحران در تأمین مواد غذایی، و البته دارو، در سال آینده تشدید شود. بر اساس مصوبه مجلس، سال‌آینده در قیاس با سال‌جاری ۴۰ درصد کمتر ارز ترجیحی به واردات ۷ قلم کالای اساسی تعلق می‌گیرد. در جریان بررسی جزئیات لایحه بودجه در بخش هزینه‌ای، پیشنهادی مربوط به تخصیص ۱۰ میلیارد یورو برای واردات کالاهای اساسی کشاورزی، دارو و تجهیزات مصرفی پزشکی مطرح شده که نسبت به سال گذشته با کاهش زیادی روبرو شده است.

افزایش قیمت‌ها سبب شده قشر متوسط به زیر فقر رانده شوند و تقریبا در ایران دیگر چیزی تحت عنوان قشر متوسط باقی نمانده باشد و جامعه به یک اکثریت فقیر که برای تأمین ضروری‌ترین هزینه‌های زندگی با مشکل روبرو هستند، و یک اقلیت ثروتمند تبدیل شود.

نتایج یک پژوهش با عنوان «بررسی افزایش نرخ ارز و تاثیر آن بر برخی متغیرهای کلان اقتصادی ایران در شرایط تحریم» که زمستان در فصلنامه «پژوهش‌های اقتصادی» منتشر شد نشان می‌داد در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹، سهم جمهوری اسلامی از تجارت جهانی همواره کمتر ۰/۵ درصد بوده و در سال ۱۳۹۷، به ۰/۳ درصد و در سال ۱۳۹۹، به ۰/۲ درصد کاهش یافته است.

این پژوهش تأکید کرده علت سقوط سهم ایران از تجارت جهانی تضعیف بنیان‌های تولیدی به‌دلیل تضعیف ارزش پول ملی کشور طی یک دهه گذشته به دلیل تحریم‌ها بوده است.

این پژوهش به افزایش فلاکت و شکاف طبقاتی در کشور در همین مدت اشاره کرده و نوشته «نه تنها محدودیت رشد اقتصادی را به‌واسطه افزایش هزینه‌های تولید به‌همراه داشته، بلکه فقیرتر شدن اقشار مستضعف و توزیع ناعادلانه‌تر درآمد در جامعه را موجب» شده است.

در بخش دیگری از این تحقیق همچنین آمده که «شرایط تحریم و افزایش نرخ ارز، موجب افزایش سطح قیمت کالاهای وارداتی در بازار داخل شده و از آنجا که عمده کالاهای وارداتی مربوط به مواد اولیه و سرمایه‌ای است، نرخ استفاده کشور از ظرفیت‌های تولید و همچنین تولید ناخالص داخلی کاهش» یافته است.

مراسم حکومتی «۲۲بهمن»؛ هشدار مقامات نظام در مورد «بی‌حجابی و بی‌حیایی» و سوء استفاده از بی‌حجاب‌ها برای تبلیغ نظام!

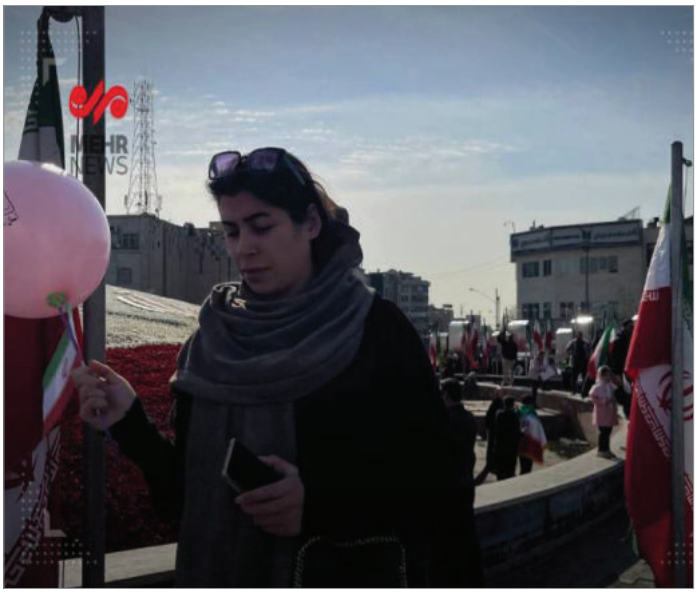

خبرگزاری مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی تصویر یک خانم بی‌رحجاب را به عنوان یکی از حاضرین در راهپیمایی حکومتی منتشر کرد



امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران با بیش از هفت محافظ در راهپیمایی شرکت کرد

در تهران به عنوان کانون اصلی این مراسم طبق معمول در «خیابان انقلاب» موشک‌های بالستیک به عنوان نماد پیشرفت و اقتدار نظام به نمایش گذاشته شد و یگان‌های موزیک وابسته به نیروهای مسلّح در مسیر راهپیمایی مارش‌های انقلابی و حماسی نواختند.

حضور برخی مسئولان نظام در «راهپیمایی ۲۲ بهمن» بیشتر از نظر تعداد زیادی محافظ و پادو قابل توجه بود.

-محور اصلی سخنرانی اغلب مسئولان نظام در این مراسم تشویق حامیان حکومت برای حضور در انتخابات نمایشی مجلس شورای اسلامی بود. در بیانیه پایانی مراسم ادعا شد «حضور در انتخابات» زمینه‌ساز تحول و گره‌گشایی از مشکلات و تأمین نیازهای اقتصادی است.

ابراهیم رئیسی در سخنانی گفت: «ما معتقدیم آزادی در کشور جمهوری اسلامی به برکت انقلاب اسلامی تضمین شده است. برخلاف آنچه مدعیان آزادی بیان می‌کنند آزادی حقیقی در این کشور و این نظام است».

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی که در اصفهان سخنرانی می‌کرد هشدار داد «یکی از وجوهِ جنگ ترکیبی دشمن علیه مردم ما، مخدوش کردن عفت و حیا و حجاب است!» همزمان اما خبرگزاری‌های حکومتی از جمله خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی در راهپیمایی به دنبال شکار عکس از زنانی بودند که حجاب بر سر نداشتند تا چنین تبلیغ کنند که نظام از اقشار مختلف از جمله بی‌حجاب‌ها که تحت فشار روزانه قرار دارند، طرفدار دارد!

در یکی از بندهای «قطعنامه راهپیمایی» با اشاره تلویحی به مشکلات اقتصادی مردم از دولت و مسئولان نظام خواسته شده «راهکارهای مناسب برای مهار تورم و مقابله جدی با اخلالگران اقتصادی» اتخاذ شود!

در ایران مراسم حکومتی «۲۲بهمن» به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد «انقلاب ۵۷» برگزار شد. برخلاف ادعای مجریان صداوسیمای دولتی و خبرگزاری‌های حکومتی خبری از «حضور میلیونی مردم» نبود. بطور واضح تعداد آنهایی که به راهپیمایی آمده بودند حتا در مقایسه با دیگر مراسم حکومتی که قبلاً برای نمایش حمایت از نظام در تهران و سایر شهرها ترتیب داده می‌شد، کمتر بود.

در پایتخت به عنوان کانون اصلی این مراسم طبق معمول در «خیابان انقلاب» موشک‌های بالستیک به عنوان نماد پیشرفت و اقتدار نظام به نمایش گذاشته شد و یگان‌های موزیک وابسته به نیروهای مسلّح در مسیر راهپیمایی مارش‌های انقلابی و حماسی نواختند. چتربازان نظامی با پرچم‌های جمهوری اسلامی و فلسطین اطراف میدان «آزادی» (شهیاد) فرود آمدند و خطابه‌خوان‌ها و مسئولان شعار پشت بلندگوها هرچه در توان داشتند به کار می‌گرفتند تا فضا را مهیج نگه‌دارند.

شماری از مسئولان نظام با عده زیادی محافظ و پادو در انتهای مسیر راهپیمایی به صف وفاداران نظام اضافه شدند. آنها دقایقی به پرسش‌های چند خبرنگار پاسخ می‌دادند، عکس می‌گرفتند و بی‌سروصدا مسیر اصلی را ترک کرده و می‌رفتند.

ابراهیم رئیسی در مصاحبه با خبرنگاران حضور جوانان را در راهپیمایی امسال متفاوت از سال‌های قبل قلمداد کرد و گفت: «امروز احساس می‌شود آرمان استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و برتری گفتمان انقلاب اسلامی که مردم در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ فریاد می‌زدند، تحقق پیدا کرده است!»

وی در سخنرانی خود با اشاره به اهمیت حضور در انتخابات نمایشی نیز در ادعاهایی عجیب و کاملا دروغ گفت: «ما معتقدیم آزادی در کشور جمهوری اسلامی به برکت انقلاب اسلامی تضمین شده است. برخلاف آنچه مدعیان آزادی بیان می‌کنند آزادی حقیقی در این کشور و این نظام است.»

قالیباف در مشهد برای رأی‌گیری تبلیغ کرد

سخنران اصلی راهپیمایی حکومتی «۲۲بهمن» در مشهد سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی بود. وی با بیان اینکه «انقلاب یک نعمت الهی است» هشدار داد «دشمنان در تلاشند برای مبارزه با انقلاب به مردم فشار وارد کنند.» وی سپس تأکید کرد «انتخابات یک فرصت و یک پنجره طلایی است تا مردم به دست خودشان خطاها را تصحیح کنند و سرنوشت خود را رقم زنند و مشکلات را حل کنند.»

وی مدعی شد که در جمهوری اسلامی «انتخابات یک فرصت تحول‌آفرین است که مردم آن را از دست نمی‌دهند.»

حرف‌های قالیباف در مورد انتخابات نمایشی حکومت درست شبیه همان حرف‌هایی بود که «۲۲ بهمن» سال ۱۳۹۸ مسئولان نظام برای گرم کردن تنور انتخابات مجلس اسلامی یازدهم می‌گفتند. آن روز روحانی به عنوان رئیس دولت ادعا کرده بود «صندوق رأی منجی ما است!» ابراهیم رئیسی نیز که آن زمان رئیس قوه قضائیه بود گفت، «رأی مردم به مقاومت است نه مذاکره!»

هشدار اژه‌ای در مورد مخدوش شدن حجاب و حیا

غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی که در اصفهان سخنرانی می‌کرد گفت: «دشمن، جنگ ترکیبی را علیه کشور و مردم ما در پیش گرفته است؛ دشمن در فکر ناامن کردن کشور ماست و اگر چه نمی‌تواند، اما گزینه جنگ را هم در مُخیله خود نگاه داشته است؛ یکی از وجوهِ جنگ ترکیبی دشمن علیه مردم ما، مخدوش کردن عفت و حیا و حجاب است؛ امروز فردی که هنجارهای اجتماعی را زیر پا می‌گذارد اگرچه ممکن است به سبب بی‌قیدی مرتکب این کار شود، اما باید توجه داشت پشت صحنه این قضیه، توطئه دشمن است.»

وی همچنین عنوان کرد: «هدف اصلی دشمن از تحمیل فشارهای اقتصادی به کشور ما، خارج کردن مردم از میدانِ حمایت از نظام است.»

در شرایطی که رئیس دستگاه قضایی حکومت نسبت به مخدوش شدن حجاب و حیا هشدار می‌داد، خبرگزاری‌های حکومتی از جمله خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی در راهپیمایی به دنبال شکار عکس از زنانی بودند که حجاب بر سر نداشتند تا چنین تبلیغ کنند که نظام از اقشار مختلف از جمله بی‌حجابانی که تحت فشار روزانه قرار دارند، طرفدار دارد!

خبرگزاری مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی تصویر یک خانم بی‌رحجاب را به عنوان یکی از حاضرین در راهپیمایی حکومتی منتشر کرد

پایگاه‌های بسیج در پوشش باشگاه‌های ورزشی نوجوانان و کودکان را به راهپیمایی حکومتی ۲۲ بهمن آورده‌اند

راه‌اندازی میز خدمت

در یک اقدام عوام‌فریبانه و ریاکارانه و در عین حال کاملا مضحک نمایندگانی از قوه قضائیه در چند شهر وسط خیابان در مسیر راهپیمایی «میز خدمت» راه‌اندازی کرده بودند. پشت این میز یکی دو نفر از مقامات میانی دادگستری‌ها ایستاده بودند و درخواست‌های مردم را برای رسیدگی به پرونده‌های قضایی و مشکلات حقوقی ثبت می‌کردند!

انباشت پرونده‌های قضایی یکی از مشکلات اصلی قوه قضاییه جمهوری اسلامی است که سال‌هاست برای آن راهکار ارائه می‌شود اما نتیجه‌ای ندارد.

در «قطعنامه پایانی» مراسم حکومتی «۲۲ بهمن» که ۹ بند دارد تأکید شده که انقلاب اسلامی «بنای استوار» است که «ولادت جدید برای اسلام بود» و همچنین «حرکت تمام ناشدنی» است و نویدبخش ظهور «هندسه قدرت و نظم نوین جهانی» گردیده است.

در این قطعنامه خطاب به دشمنان نظام تأکید شده از تهدیدات «اجتناب ورزیده و خود را هدف ضربه قاطع و پاسخ‌های متقابل و پشیمان‌کننده ایران مقتدر قرار ندهند.»

همچنین با حمایت از عملیات مرگبار «هفت اکتبر» گروه تروریستی حماس علیه اسرائیل، باز هم از دولت‌های کشورهای مسلمان‌نشین خواسته شد با اسرائیل قطع رابطه کنند. درخواستی که از سوی خامنه‌ای نیز بارها تکرار شده اما تا کنون از سوی همه این کشورها به آن بی‌اعتنایی شده است.

در بند هفتم این قطعنامه با اشاره تلویحی به مشکلات اقتصادی مردم از «دولت مردمی و خدمتگزاران پرتلاش نظام مقدس جمهوری اسلامی» خواسته شده «راهکارهای مناسب برای مهار تورم و مقابله جدی با اخلالگران اقتصادی» اتخاذ شود.

در آخر نیز «حضور در انتخابات» به عنوان «زمینه‌ساز تحول و گره‌گشایی از مشکلات و تأمین نیازها» معرفی شده و از مردم خواسته شده است برای حل تنگناها و چالش‌ها به ویژه در حوزه اقتصاد و معیشت در مراسم رأی‌گیری شرکت کنند. وعده‌هایی دروغین که به گفته مردم «سرکاری» است و ۴۵ سال است که حکومت مدام آنها را تکرار می‌کندتا برای نمایش «مشروعیت» خود به انتخاباتی که نمایندگان واقعی مردم در آنها حضور ندارند رونق بخشد. در حالی که زندگی مردم بطور مداوم از همه نظر بدتر شده است، پیش‌بینی نظرسنجی‌ها و مقامات خود حکومت نیز عدم مشارکت مردم در رأی‌گیری مجلس شورای اسلامی است که قرار است ۱۱ اسفند برگزار شود.

شبکه یک تلویزیون دولتی آلمان: بزرگترین دشمن جمهوری اسلامی «مردم ایران» هستند

وبسایت وابسته به شبکه یک تلویزیون دولتی آلمان در مقاله‌ای به قلم «اولریش پیک» با عنوان «ملاهای ایران با روزهای سختی روبرو هستند» با اشاره به سالگرد «انقلاب۵۷» در ایران می‌نویسد حکومت مشروعیت خود را در میان مردم از دست داده و برخلاف آنچه وانمود می‌کند بسیار آسیب‌پذیر شده و هیچ گزینه‌ای برای پاسخگویی به نیازهای مردم و ایجاد تغییر در آینده ایران ندارد.

وبسایت وابسته به شبکه یک تلویزیون دولتی آلمان در مقاله‌ای به قلم «اولریش پیک» با عنوان «ملاهای ایران با روزهای سختی روبرو هستند» با اشاره به سالگرد «انقلاب۵۷» در ایران می‌نویسد حکومت مشروعیت خود را در میان مردم از دست داده و برخلاف آنچه وانمود می‌کند بسیار آسیب‌پذیر شده و هیچ امکانی برای پاسخگویی به نیازهای مردم و تغییر در وضعیت کنونی ایران ندارد.وی بر اساس فضای داخلی و وضعیت بین‌المللی جمهوری اسلامی استدلال می‌کند «از نظر جهان خارج، تهران قوی و مایل به درگیری به نظر می‌رسد. اما نگاهی به درون جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که بزرگترین دشمن رژیم، مردم ایران هستند.»

نویسنده در مقدمه این مقاله که ۱۱ فوریه (۲۲ بهمن‌ماه) همزمان با برگزاری راهپیمایی حکومتی در سالگرد انقلاب۵۷ در ایران منتشر شد عنوان می‌کند، «امروز وقتی در ایران چهل و پنجمین سالگرد انقلاب اسلامی را جشن می‌گیرند، احتمالاً در سخنرانی‌های پُرشور عنوان می‌شود هیچ مشکلی در عملکرد عظیم نظام وجود ندارد... در راهپیمایی اجباری حامیان رژیم، احتمالاً دوباره شعارهای قدیمی مثل «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» شنیده و به مناسبت هفته‌ها مقاومت در برابر اسرائیل سرودهای حماسی پخش می‌شود... علاوه بر این، خیلی واضح است که آنها بار دیگر همچنان که در هفته‌های اخیر بارها بیان شد رو به به دشمنان رژیم خواهند گفت: جمهوری اسلامی با اقتدار به راهش ادامه خواهد داد و به هرگونه تجاوز پاسخ دندان‌شکن می‌دهد.»

در این مقاله با اشاره به کشته شدن رضی موسوی مسئول تدارکات «سپاه قدس» و به دنبال آن کشته شدن چهار نفر از افسران اطلاعاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حملات هوایی اسرائیل به سوریه و همچنین انفجارهای مرگبار کرمان با بیش از ۹۰ کشته در سالمرگ قاسم سلیمانی و درگیری موشکی رژیم با پاکستان، تأکید شده «آسیب‌پذیری نظام بیشتر از آن چیزیست که ادعا می‌شود و اگر کسی نگاه دقیق‌تری به ایران بیندازد در خواهد یافت که قدرت نظام به اندازه‌ای که نمایندگان رژیم به آن باور دارند، نیست چنانکه در هفته‌های اخیر، سپاه پاسداران مجبور شد برای از دست دادن چند نفر از اعضای مهم خود عزاداری کند. این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که هم امنیت داخلی و هم پدافند هوایی جمهوری اسلامی کاستی‌هایی دارد.»

اولریش پیک در ادامه تأکید می‌کند «مشکل واقعی حاکمان ایران کمتر و کمتر شدن مشروعیت نظام بین مردم است.»



بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه کتاب تهران/ اردیبهشت ۱۴۰۲

وی توضیح می‌دهد: «ماه‌ها پس از درگذشت مهسا امینی و آغاز تظاهرات سراسری دیگر مشخص شده است که یک گروه اقلیت اسلامگرا در رأس نظام بر اکثریت مردم که ناراضی هستند حکومت می‌کند. استفاده از خشونت برای حفظ قدرت نظام تبدیل به یک عادت شده است، در این شرایط میزان مخالفت مردم با رژیم در انتخابات اسفندماه مشخص خواهد شد و پیش‌بینی می‌شود که احتمالاً میزان مشارکت به پایین‌ترین حد خود در تاریخ انقلاب اسلامی برسد.»

در بخش دیگری از این نوشتار آمده «بسیاری از مردم خواهان تحریم انتخابات اسفندماه هستند. طبق نظرسنجی وبسایت خبرآنلاین در اواخر دی‌ماه ۱۴۰۱ حداکثر ۳۰ درصد از ایرانیان در سراسر کشور خواهان شرکت در انتخابات هستند. بر اساس این نظرسنجی میزان مشارکت در استان تهران ۲۲ درصد و در خود پایتخت کمتر از ۱۵ درصد پیش‌بینی شده است. این مورد اخیر احتمالاً برای وجهه نظام مشکل ایجاد می‌کند. وقتی انتخابات در کلانشهرها برگزار می‌شود روزنامه‌نگاران خارجی معمولاً این فرصت را دارند که از شعب خاص اخذ رأی بازدید کنند تا میزان مشارکت را ببینند. در حالی که نتیجه نظرسنجی خبرآنلاین از خروجی وبسایت حذف شده، گزارش‌هایی مبنی بر برگزاری تظاهرات در برخی شهرها منتشر شده است که شهروندان خواستار تحریم انتخابات شدند.»

اشاره این مقاله به تجمعات کارگران و بازنشستگان در نقاط مختلف ایران است که در آن شعار می‌دهند که رأی نمی‌دهند.

نویسنده بر اساس اظهارات و اعترافات شماری از خودی‌های نظام در مورد به خطر افتادن موقعیت حکومت می‌گوید، انتقاد افراد نزدیک به حکومت نیز زیاد شده و می‌گویند «خسته شدیم». اشاره وی به صحبت‌های اخیر غلامعلی رجایی مشاور سابق علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور پیشین جمهوری اسلامی، در یک مصاحبه ویدئویی است که گفت، «قطعاً ۷۰ تا ۷۵ درصد» مردم نظام مبتنی بر دین را نمی‌خواهند: «به زودی خواهیم دید. در اقلیت هستیم، خسته شدیم، جمهوری اسلامی دیگر چیزی برای ارائه ندارد و اوضاع نمی‌تواند به همین منوال ادامه پیدا کند.»

اولریش پیک در پایان می‌نویسد: «نمی‌شود انتظار داشت شکاف بزرگی که بین مردم ایران با حکومت افتاده در آینده دوباره کم شود. همین مسئله ممکن است دلیلی برای عدم مداخله فعالانه جمهوری اسلامی در درگیری‌های نظامی بین اسرائیل و حماس باشد. حاکمان تهران هیچ حمایتی از سوی مردم برای چنین اقدامی نخواهند داشت. تنها امکانی که رژیم بتواند شهروندان را به سمت خود بازگرداند، شاید، احتمال تحمیل یک حمله نظامی به ایران باشد. در این صورت بعید نیست کل کشور در مقابل دشمن خارجی متحد شود. همانطور که در جنگ با عراق اتفاق افتاد. اما نه ایالات متحده و نه اسرائیل احتمالاً این «نفع» را به آخوندها نخواهند رساند.»

جزییات طرح کوپن الکترونیک مواد غذایی؛

تردید درباره موفقیت طرح‌های دولت برای حمایت از معیشت

این طرح برای دهک‌های درآمدی اول تا سوم، به عنوان کم‌درآمدترین دهک‌های درآمدی کشور، در نظر گرفته شده و شامل یازده قلم مواد خوراکی ضروری است.

سه طرح حمایتی دولت شامل کالابرگ الکترونیک، یارانه امینت غذایی کودکان از ۶۰۰ هزار تا یک میلیون تومان، و طرح «یسنا» مربوط به مادران باردار یا دارای فرزند شیرخوار با یارانه ۴۰۰ هزار تومانی است.

توزیع مواد غذایی کوپنی در حالی در کنار دیگر طرح‌های حمایتی در دستور کار دولت قرار گرفته که مقامات مدعی بهبود وضعیت اقتصادی کشور هستند.

خشک شدن ۱/۵ میلیون مترمربع از سواحل غرب مازندران

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری مازندران- نوشهر با ارائه آمار تکاندهنده‌ای از وضعیت پسروی آب دریای مازندران گفته تا کنون در مجموع ۵۵ هکتار از محدوده ساحلی در نوشهر خشک شده است.اوایل بهمن‌ماه جاری هم رئیس موسسه تحقیقات آب گفته بود ۱۹۰ میلیارد مترمکعب آب دریای خزر در اثر کاهش سطح تراز از بین رفته است.

این بحران زیست‌محیطی مانند بسیاری دیگر از بحران‌ها تنها با اظهارات محدود مقامات و مصوباتی روی کاغذ روبرو شده و اقدامات جدی در اینباره صورت نگرفته است.

ریال ایران بی‌ارزش‌ترین پول جهان

ریال ایران که در زمان حکومت محمدرضاشاه پهلوی از ارزهای معتبر و با ارزش جهان بود امروز با بی‌کفایتی و سیاست های تروریستی جمهوری اسلامی که موجب غارت و هدر رفتن منابع و ثروت ملی ایران شده به بی‌ارزش ترین



پول جهان تبدیل شده است.

وبسایت FXSSI در گزارشی که در ۱۰ ژانویه ۲۰۲۴منتشر کرده به بررسی کم‌ارزش‌ترین پول‌های جهان پرداخته که در آن ریال ایران با توان خرید فقط ۰.۰۰۰۰۲۴ دلار آمریکا در مقام بی‌ارزش‌ترین پول جهان قرار گرفته است و پول های ویتنام، لائوس، سیرالئون، اندونزی رده‌های دوم تا پنجم ضعیف‌ترین پول‌های جهان را به خود اختصاص داده‌اند.

وزیر نفت جمهوری اسلامی در واکنش به انفجار خطوط لوله گاز:

ما از قبل‌تر هم خبر و هم آمادگی داشتیم!

جواد اوجی وزیر نفت جمهوری اسلامی چهارشنبه ۲۵ بهمن ۱۴۰۲ پس از انفجار در خطوط اصلی و سراسری گاز که به قطع گاز در سه استان انجامیده گفت: «ما از ساعات اولیه این اتفاق در شرکت ملی گاز و قبل‌تر از آن آمادگی لازم را در همه تاسیسات نفتی و گازی داشتیم.»پیشتر درباره حوادثی مانند انفجار ۱۳ دی کرمان در سالگرد قاسم سلیمانی نیز گفته شد که مقامات و نهادها اطلاع و آمادگی داشتند!معلوم نیست مسئولان حکومت وقتی از چنین عملیاتی از «قبل» هم اطلاع و هم آمادگی دارند، پس چرا آنها را خنثی نمی‌کنند و می‌گذارند که اتفاق بیفتد؟!

حکم یک سال حبس توماج صالحی تایید شد

به گزارش رسانه های داخلی، امیر رئیسیان وکیل توماج صالحی با تایید اینکه اعتراض وی به حکم بدوی یک سال حبس در تجدیدنظرخواهی شعبه ۱۷ اصفهان رد شده گفت که این حکم از نظر قضایی قطعی است اما وی از راه‌های دیگر اقدام خواهد کرد؛ از جمله بر اساس ماده ۴۷۷ درخواست اعاده دادرسی خواهد نمود.

خطر اعدام قریب‌الوقوع مجاهد کورکور در زندان شیبان اهواز

«دادبان» روز دوشنبه ۲۳ بهمن‌ماه گزارش داد پس از تأیید حکم اعدام علیه مجاهد کورکور در دیوان عالی کشور و ارسال این حکم به دایره اجرای احکام کیفری در اهواز، این زندانی سیاسی در زندان شیبان در خطر اجرای قریب‌الوقوع این حکم قرار دارد.بنا بر یافته‌های دادبان، وی از یک ماه گذشته تا کنون هیچ تماسی با خانواده نداشته و از زمان بازداشت در سلول انفرادی محبوس است.مجاهد کورکور شهروند اهل ایذه در ۲۹ آذر سال گذشته (۱۴۰۱) به اتهام واهی تیراندازی به شهروندان در جریان اعتراضات ۲۵ آبان در ایذه و قتل کیان پیرفلک



بازداشت شد.انتساب این اتهام به مجاهد کورکور در حالیست که خانواده کیان پیرفلک بارها شهادت داده‌اند که عاملان تیراندازی به ماشین آنها و در نتیجه قتل کیان در شامگاه ۲۵ آبان، ماموران امنیتی و انتظامی بوده‌اند و هیچ شکایتی از مجاهد کورکور ندارند.شواهد موجود در پرونده نیز نشان می‌دهد جز اعترافات اجباری مجاهد کورکور که با شکنجه اخذ شده، هیچگونه شواهدی مبنی بر تایید اتهامات علیه او وجود ندارد.

در پی پرونده‌سازی هنگام حبس

حکم شش ماه زندان اضافی علیه منوچهر بختیاری تأیید شد

در حالی که #منوچهر_بختیاری از اردیبهشت ۱۴۰۰ به جرم دادخواهی قتل فجیع فرزندش، پویا، در خیابان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم در زنان بسر می‌برد، خبرگزاری هرانا اعلام کرد که حکم شش ماه حبس وی در دادگاه تجدید نظر تأیید شد.

این حکم بر اساس پرونده‌سازی دیگری با اتهامات واهی در زمانی صادر شده که وی در زندان رژیم اسیر است.

دستگیری بیش از ۳۲۰۰ خرده فروش مواد مخدر در ۴۸ ساعت؛جمع‌آوری ۱۲هزار معتاد متجاهر

آمار و ارقام رسمی نشان می‌دهد اعتیاد به مواد مخدر در ایران رو به افزایش است. سردار پاسدار ایرج کاکاوند رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر روز چهارشنبه ۲۵ بهمن‌ماه اعلام کرد طی ۲۴ ساعت «در راستای ارتقاء احساس امنیت برای شهروندان» بیش از ۳۲۰۰ خرده فروش مواد مخدر بازداشت و ۱۲هزار معتاد متجاهر در کل جمع‌آوری شدند.وی اعلام کرد نزدیک به شش تُن انواع مواد مخدر کشف و ضبط شد و ۸۹ قاچاقچی مواد مخدر نیز دستگیر و ۱۶ باند قاچاق مواد مخدر منهدم شد.مشخص نیست سرنوشت این ۳۲۰۰ خرده‌فروش و ۱۲ هزار معتاد بازداشتی چه خواهد شد. این قبیل طرح‌ها سال‌هاست از سوی نیروی انتظامی اجرا می‌شود اما اثری در کاهش اعتیاد یا فروش مواد مخدر نداشته است.

کردستان: سه خودکشی در سه روز؛ دو نوجوان و یک زن جوان

به گزارش «کردپا» روز دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲، یک نوجوان ۱۴ ساله به نام «#سام_شریفی» اهل سقز از طریق حلق‌آویز کردن به زندگی خود پایان داد. از دلایل خودکشی این نوجوان ۱۴ ساله اطلاعی در دست نیست.



این در حالیست که «کردپا» گزارش داده روز یکشنبه ۲۲ بهمن نیز پیکر یک زن ۳۵ساله اهل پیرانشهر به نام «#زلیخا_کلهری» در سد «سیلوه» این شهرستان کشف شد که گویا با ضربات چاقو به زندگی خود پایان داده بود.

از سوی دیگر روز شنبه ۲۱ بهمن ماه نیز یک دانش‌آموز نوجوان ۱۳ ساله به نام «#هونیا_بهرامی» اهل سقز با اقدام به خودکشی از طریق حلق‌آویز کردن به زندگی خود پایان داد.

دسته‌گل تازه شهرداری تهران؛

اتوبوس‌های نو خراب شده‌اند!

پرویز سروری نایب رئیس شورای اسلامی شهر تهران با بیان اینکه حمایت از تولید داخل در دستورکار است، گفت: «ما اعلام می‌کنیم که تمایل شهرداری و شورا به این است که از تولیدات داخل حمایت کنند ولی نباید عده‌ای سوء استفاده کنند و مردم در سرما و گرما، به علت خرابی اتوبوس، معطل بمانند، در حال حاضر اتوبوس‌های نو، خراب شده‌اند، اتوبوس نو، پروتکل پذیرفته‌شده‌ای دارد و تا مدت‌ها، باید بار شهر را بردارند نه اینکه نیامده، خراب شوند و به پارکینگ بروند.»

رئیس اتوبوسرانی گفته است که «۱۵۰ اتوبوس نو، خراب شده و به پارکینگ رفته‌اند. خودروسازان باید محصول باکیفیت تولید کنند.»

خودکشی کودک ۱۱ ساله در دهدشت

به گزارش «رکنا»، سید حمزه محقق زاده سرپرست فرمانداری کهگیلویه در استان کهگیلویه و بویراحمد از خودکشی یک کودک ۱۱ ساله در شهر دهدشت خبرداد.

وی گفت: «متاسفانه چند روز پیش، پسر بچه ۱۱ ساله‌ای که به نظرم کلاس ششم ابتدایی بود در شهر دهدشت مرکز شهرستان کهگیلویه با استفاده از طناب دار دست به خودکشی زده بود، جسد این پسر بچه تحویل خانواده گردید و روز بیست و یکم بهمن‌ماه در قبرستان آقامیر این شهر به خاک سپرده شد.»این پسر بچه دهدشتی در محله «جابر» واقع در خیابان «شهید مفتح جنوبی» شهر دهدشت مرکز شهرستان کهگیلویه خود را حلق‌آویز کرد.

یک کودک دیگر در «هوتک» غرق شد

به گزارش هرانا، سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲ یک کودک ۱۲ ساله در شهرستان دشتیاری استان سیستان و بلوچستان بر اثر سقوط در هوتک جان خود را از دست داد.

هویت این کودک، #سرفراز_گرگیج، ۱۲ ساله فرزند عبدالستار اعلام شده است.



هوتک‌ها گودال یا استخرهایی هستند که آب باران و سیلاب برای مصارف مختلف اهالی در آنها جمع می‌شود. این یک شیوه قدیمی و سنتی برای استفاده از آب‌های طبیعی است ولی موارد ایمنی در آنها رعایت نشده و سالانه چندین شهروند به ویژه کودکان در آنها افتاده و جان خود را از دست می‌دهند.

خشم «جامعه مومنین» از عدم برخورد قضایی با «بی‌حجابی» دختر علی دایی!

سایت خبری «رجانیوز» وابسته به «جبهه پایداری» روز شنبه ۲۱ بهمن ماه پس از گذشت یک هفته از حضور نورا دایی در برنامه اینترنتی «فوتبال ۳۶۰» از عادل فردوسی پور در یک یادداشت کوتاه با اشاره به اینکه فردوسی پور با وجود آگاهی از «قواعد برنامه‌سازی در فضای مجازی»، بستر حضور«هنجارشکنانه» دختر علی دایی را در جهت «تلاش برای دیده شدن» فراهم کرده، نوشت:«این اقدام فردوسی‌پور باعث خشم افکار عمومی و جامعه مومنین شده است و به نظر می‌رسد عدم برخورد قضایی با دختر علی دایی و عادل فردوسی‌پور تاثیر مخربی بر افکار عمومی و جامعه مومنین خواهد گذاشت؛ چراکه غیرمستقیم این گزاره که «در جمهوری اسلامی عده‌ای مصونیت‌های آهنین دارند» تایید و تقویت می‌شود!»

«رجانیوز» همچنین اشاره کرده که افکار عمومی و «جامعه مومنین» می پرسند: «اگر به‌جای دختر علی دایی، یک فرد عادی کشف حجاب کرده بود باز هم هیچ برخورد قهری و قضایی‌ای با او صورت نمی‌گرفت؟

تست اجباری بکارت از دختران دبیرستانی در ترکمنستان با دخالت نهادهای امنیتی!

برخی شاهدان عینی در ترکمنستان از کارزار دولت برای آزمایش اجباری بکارت دختران دبیرستانی در چند استان ترکمنستان، تحت عنوان «ارزیابی اخلاقی نوجوانان» خبر می‌دهند.در یک افشاگری تکان‌دهنده، گزارش شده دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در شهر بَلخان‌آباد ترکمنستان مجبور به انجام آزمایش‌های اجباری باکرگی توسط مقامات محلی می‌شوند.

وبسایت «بی‌ان‌ان» ۱۱ فوریه (۲۰ بهمن‌ماه) گزارش داده بود جامعه بین‌المللی این اقدامات را محکوم کرده و تاکید کرده است که این اقدامات نقض حقوق بشر و ناقض حریم



شخصی و کرامت انسانی است.رادیو «اروپای آزاد/رایو آزادی» در همین ارتباط گزارش داد «یک کارمند نظام آموزشی و آگاه به کارزار یادشده دولت نیز گفته است دانش‌آموزانی که باکره نبودن آنها مشخص شود، به پلیس یا سرویس‌های امنیتی معرفی می‌شوند!»این گزارش می‌افزاید پلیس ترکمنستان در مواردی عکس‌های تلفن‌های همراه دختران را نیز بازرسی کرده تا اطلاعاتی از شریک جنسی احتمالی آنها کسب کند!

باز هم هشدار درباره فروپاشی نظام سلامت در ایران؛

بیمارستان‌های زیان‌ده و هزینه سرسام‌آور درمان و دارو

رئیس نظام پزشکی کشور می‌گوید همه تصمیمات و راه حل‌های مسئولان روی کاغذ ساده است و ساده‌ترین برخورد با پیچیده‌ترین حوزه‌های تخصصی درمانی، مشکلی را که حل نمی‌کند بلکه بر مشکلات هم می‌افزاید.«با اخبار زردی چون پزشکان از مالیات فرار می‌کنند، پزشکان وضع مالی خوبی دارند و پول پارو می‌کنند، روزگار جامعه پزشکی را سیاه کرده‌اند و بخش خصوصی را به بیمارستان‌فروشی رسانده‌اند.»

رئیس بخش پیوند کلیه بیمارستان «هاشمی نژاد» تهران گفته قیمت داروهای جلوگیری از پس نزدن کلیه پیوندشده در بازار آزاد به حدود ۶۰ میلیون تومان رسیده است.

هواپیمای آموزشی «هما» روی باند فرودگاه «پیام» دچار سانحه شد

یک فروند هواپیمای آموزشی متعلق به مؤسسه آموزش خلبانی هما در فرودگاه «پیام» از باند خارج شد.

بر اساس گزارش منابع هوانوردی در ایران صبح دوشنبه یک فروند هواپیمای آموزشی «تکنام»، متعلق به مؤسسه آموزش خلبانی هما در فاصله هزارپایی اول باند، هنگام نشستن توسط خلبان سولو (تک‌خلبان) با خروج از ضلع جنوبی باند و برخورد با موانع زمینی حاشیه باند دچار شکستگی از ناحیه چرخ هواپیما شد. در این سانحه به خلبان آسیبی نرسید.

احتمال افزایش ۲۰ درصدی رقم حداقل دستمزد؛

تیشه دولت به ریشه معیشت و اشتغال جامعه کارگری

افزایش ۲۰ درصدی رقم حداقل دستمزد هیچ نسبتی با تورم ۴۰ درصدی اقتصاد کشور ندارد و ارقام دستمزد تنها یک هفته از هزینه زندگی کارگران را پوشش می‌دهد.



تورم مواد خوراکی و اجاره‌بهای مسکن که مهمترین هزینه‌های اقشار کارگری را شامل می‌شود بیش از تورم عمومی اقتصاد است.

عدم تناسب دستمزد و هزینه‌ها سبب بی‌انگیزه شدن بسیاری از کارگران برای اشتغال در حوزه حرفه‌ای خود و پرداختن به مشاغل کاذب یا مهاجرت کاری به کشورهای همسایه شده است.

KAYHANLIFE
KAYHAN LONDON
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com



عکس هفته | جوان بلوچ

یکی دیگر از قربانیان جنایتکاران حکومت

سپهر شیرانی دانشجوی ساکن زاهدان ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ توسط مأموران امنیتی زاهدان دستگیر و پنجشنبه ۱۲ بهمن به خانواده‌اش خبر داده شد که وی جان خود را از دست داده است!